بسم الله الرحمن الرحیم
وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین

فصلنامه علمی «تحقیقات مالی اسلامی»

سال سیزدهم، شماره دوم (پیاپی ۲۸)، زمستان ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

باهمکاری انجمن علمی مالی اسلامی ایران و حمایت سازمان بورس و اوراق بهادار

مدیرمسئول: حسین حسن‌زاده سروستانی استادیار (تخصص: مدیریت مالی) دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

سردبیر: غلامرضا مصباحی‌مقدم استاد (تخصص: فقه اقتصادی) دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

مدیرداخلی: عباس پورحسن یامی

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب رتبه و الفبا):

رضا تهرانی ..... استاد (تخصص: مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری) دانشگاه تهران

علی رضائیان ..... استاد (تخصص: مدیریت رفتار سازمانی) دانشگاه شهید بهشتی

فریدون رهنمای‌رودپشتی ..... استاد (تخصص: مالی و حسابداری) دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

غلامرضا مصباحی‌مقدم ..... استاد (تخصص: فقه اقتصادی) دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

حسن آقا نظری ..... استاد (تخصص: اقتصاد اسلامی و حقوق اسلامی) پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

غلامرضا گودرزی ..... استاد (تخصص: مدیریت تحقیق در عملیات) دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

محمد توحیدی ..... دانشیار (تخصص: مدیریت مالی) دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

علی سعیدی ..... دانشیار (تخصص: مدیریت مالی و حسابداری) دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

احمد شعبانی ..... دانشیار (تخصص: اقتصاد اسلامی) دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

سعید صحت ..... دانشیار (تخصص: مدیریت ریسک و بیمه) دانشگاه علامه طباطبائی

محمد طالبی ..... دانشیار (تخصص: مدیریت مالی) دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

غلامعلی معصومی‌نیا ..... دانشیار (تخصص: اقتصاد اسلامی و مالی اسلامی) دانشگاه خوارزمی

عضو مشورتی هیأت تحریریه:

محمدحسین قوام ..... استادیار (تخصص: مدیریت بانکداری اسلامی) دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

*** براساس مجوز شماره ۳/۱۸/۵۸۹۷۸۶ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۵ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، *فصلنامه علمی «تحقیقات مالی اسلامی»* از شماره ۲ (بهار و تابستان ۱۳۹۱) دارای *درجه علمی ـ پژوهشی* است.**

مقاله‌های نشریه در پایگاه‌های ذیل نمایه می‌شود:

پایگاه دوآج: https://www.doaj.org

پایگاه گوگل اسکالر: https://www.scholar.google.com

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام: https://www.isc.gov.ir

پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی: https://www.sid.ir

پایگاه مجلات تخصصی نور: https://www.noormags.com

پایگاه اطلاعات نشریات کشور: https://www.magiran.ir

پایگاه مرجع دانش: https://www.civilica.com

پرتال جامع علوم انسانی: https://www.ensani.ir

ویراستار انگلیسی: علیرضا روشن‌ضمیر

ویراستار فارسی، صفحه‌آرا و تجدید طرح جلد: عباس پورحسن یامی

مقاله‌های نشریه لزوماً بیان‌کننده دیدگاه دانشگاه نیست. نقل مطالب تنها با ذکر کامل مأخذ رواست.

۲۲۴ صفحه/ ۲.۰۰۰.۰۰۰ ریال/ چاپخانه: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

نشانی: ایران، تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵

مدیریت علمی، تحریریه و چاپ: دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، تلفکس: ۸۸۰۸۰۷۳۳(۰۲۱)

مدیریت فنی و پشتیبانی: معاونت پژوهش و فناوری، تلفکس: ۸۸۰۹۴۹۱۵(۰۲۱)

وبگاه: https://ifr.isu.ac.ir پست الکترونیک اصلی: ifr@isu.ac.ir پست الکترونیک پشتیبان: ifr.isujournals@gmail.com

اهداف و چشم‌انداز نشریه علمی «تحقیقات مالی اسلامی»

نشریه علمی «**تحقیقات مالی اسلامی**» اولین نشریه تخصصی مالی اسلامی در سطح ملی و بین‌المللی است که با همت گروه مالی اسلامی مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق[علیه‌السلام] راه‌اندازی گردید و در حال حاضر توسط گروه مالی اسلامی، دانشکده معارف اسلامی مدیریت دانشگاه امام صادق[علیه‌السلام] و با همکاری انجمن علمی مالی اسلامی ایران و حمایت سازمان بورس و اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مشغول به فعالیت است.

نشریه علمی «**تحقیقات مالی اسلامی**» با هدف تولید ادبیات اسلامی در حوزه مالی به منظور ارتقاء و تحول دانش مالی با رویکرد اسلامی- ایرانی و پاسخ‌گویی به نیازهای کاربردی سازمان‌ها و نهادهای مالی در زمینه‌ها و محورهای تخصصی ذیل منتشر می‌شود:

۱. تئوری‌های مالی اسلامی؛
۲. قواعد فقه مالی اسلامی؛
۳. فقه مالی اسلامی؛
٤. حقوق مالی اسلامی؛
٥. ابزارهای تأمین مالی اسلامی؛
٦. ابزارهای مدیریت ریسک اسلامی؛
۷. تحلیل اقتصادی ابزارهای مالی اسلامی؛
۸. نهادهای مالی اسلامی؛
۹. بازار سرمایه اسلامی؛
۱۰. بانکداری اسلامی؛
۱۱. بیمه‌های اسلامی؛
۱۲. حسابداری مالی اسلامی؛
۱۳. قیمت‌گذاری اوراق مالی اسلامی؛
۱٤. صندوق‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری اسلامی؛
۱٥. نظام مالی اسلامی در اقتصاد مقاومتی؛
۱٦. مالی عمومی اسلامی؛
۱۷. سایر موضوعات مرتبط.

انواع مقاله‌هایی که در نشریه علمی «**تحقیقات مالی اسلامی**» منتشر خواهند شد:

۱. علمی - پژوهشی.
۲. علمی - مروری.
۳. علمی - ترویجی.
٤. یادداشت.

فصلنامه علمی «تحقیقات مالی اسلامی»
سال سیزدهم، شماره دوم (پیاپی ۲۸)، زمستان ۱۴۰۲

فهرست مقاله‌ها

علمی - پژوهشی (فقه مالی اسلامی)

- **بازپژوهی فقهی- روایی شبهه بیع‌العینه در ابزارهای بازار سرمایه جمهوری اسلامی ایران ۱۸۰**
  سید محمد امین‌زاده و محمدمهدی فریدونی*

علمی - پژوهشی (مالی عمومی اسلامی)

- **بررسی تشکیلات زکات در ایران با تأکید بر قانون و آیین‌نامه زکات ۲۱۹**
  *حسین حسن‌زاده سروستانی و علیرضا اعتمادی‌فر**

علمی - پژوهشی (بانکداری اسلامی)

- **طراحی مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه دیجیتال ۲۷۷**
  سجاد گلچین، اسدالله گنجعلی و سید سعید شمسی‌نژاد*

علمی - پژوهشی (ابزارهای تأمین مالی اسلامی)

- **ارزیابی و اولویت‌بندی ابزارهای مالی اسلامی در ایران از منظر ریسک اعتباری ۳۲۱**
  محمدمهدی عسکری، محمدمهدی کارگزار و حسن همتی*

علمی - پژوهشی (بانکداری اسلامی)

- **کاوشی در نظام بانکداری ایران براساس اصول بانکداری اسلامی- اجتماعی با تأکید بر بهبود سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی بانک سپه) ۳۴۷**
  محمدرضا یزدان‌پناه، کرامت‌الله راسخ و مجیدرضا کریمی*

علمی - ترویجی (مالی عمومی اسلامی)

- **«منطبق با شریعت» یا «مبتنی‌بر شریعت»؟ بررسی تغییر گفتمان در مالی اسلامی ۳۷۷**
  علیرضا رام‌روز و محمدرضا سیمیاری*

Islamic Finance Researches
Vol. 13, No. 2 (Serial 28), 2023

Research Paper

Juridical Restudy of the Suspicion of Sale of Al-Aina in the Capital Market Tools of the Islamic Republic of Iran

Sayyed Mohammad Aminzadeh[1*] **Mohammad Mehdi Fereydooni**[**]

10.30497/IFR.2024.245777.1874

Abstract

"Bay al-Aina" is one of the basic issues related to Islamic financial instruments in the capital market, which causes a number of capital market instruments to face a Sharia challenge. In this article, in an analytical-descriptive way, the jurisprudential ruling of Bay' al-Aina has been re-examined, and after expressing the views of the jurists, the specific evidences surrounding it have been examined. According to the prevailing jurisprudential opinion, it is certain that the sanctity and nullity of the sale of al-Aina are reserved for the place where there are two conditions: a) we are faced with the combination of two sales contracts, one of which is cash and the other is a loan, and b) the second sale is in the first sale. be a condition The findings of the article show that the prevailing jurisprudential opinion is a point of controversy, and from the narrations in this regard, even with the mentioned conditions, the ruling of sanctity and invalidity cannot be deduced. In the end, the capital market tools that are facing the suspicion of bias have been examined; The results of the research indicate that the conventional repo, the combination of sale and lease with the condition of acquisition and sale with the addition of the option to buy and the option to sell, according to the investigation, none of them are condemned or invalidated due to the suspicion of sale of al-Ainah.

Keywords: Biy al-Aina; Financial Instruments; Capital Market; Financing.
JEL Classification: D53, G23,

[*] Faculty Member, Tolo Mehr University, Qom, Iran. (Corresponding Author).
aminzadeh@tolouemehr.ac.ir 0000-0002-4218-6389
[**] Expert, Research Management, Development and Islamic Financial Studies, Securities and Exchange Organization, Tehran, Iran. m.fereydooni@isu.ac.ir 0000-0001-5388-3239

Recived: 2024/01/20 Accepted: 2024/07/08

فصلنامه علمی «تحقیقات مالی اسلامی»، سال سیزدهم، شماره دوم (پیاپی ۲۸)، زمستان ۱۴۰۲
مقاله پژوهشی، صص. ۱۸۱-۲۱۸

بازپژوهی فقهی شبهه بیع‌العینه در ابزارهای بازار سرمایه جمهوری اسلامی ایران

سید محمد امین‌زاده* محمدمهدی فریدونی**

چکیده

«بیع العینه» یکی از موضوعات مبنایی مربوط به ابزارهای مالی اسلامی در بازار سرمایه است که تعدادی از ابزارهای بازار سرمایه را با چالش شرعی مواجه می‌کند. در این مقاله به شیوه تحلیلی-توصیفی، حکم فقهی بیع‌العینه مورد بازپژوهشی قرار گرفته و پس از بیان دیدگاه‌های فقها به بررسی ادله خاص پیرامون آن پرداخته شده است. براساس نظر غالب فقهی، قدر متیقن آن است که حرمت و بطلان بیع‌العینه به‌جایی اختصاص دارد که دو شرط وجود داشته باشد: الف) با ترکیب دو عقد بیع که یکی نقد و دیگری نسیه باشد، مواجه باشیم؛ و ب) بیع دوم در بیع اول شرط شود. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که نظر غالب فقهی، محل مناقشه است و از روایات وارده در این باب، حتی باوجود شروط مذکور، حکم حرمت و بطلان استنباط نمی‌شود. در انتها ابزارهای بازار سرمایه که با شبهه بیع‌العینه مواجه هستند، بررسی شده است؛ نتایج تحقیق حاکی از آن است که ریپو متعارف، ترکیب بیع و اجاره به‌شرط تملیک و بیع به‌ضمیمه اختیار خرید و اختیار فروش، با توجه به بررسی صورت گرفته، هیچ‌یک از جهت شبهه بیع العینه، محکوم‌به حرمت یا بطلان نیستند.

واژگان کلیدی: بیع‌العینه؛ ابزارهای مالی؛ بازار سرمایه؛ تأمین مالی.

---

* عضو هیأت علمی، دانشگاه طلوع مهر، قم، ایران (نویسنده مسئول) aminzadeh@tolouemehr.ac.ir
** کارشناس، مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات مالی اسلامی، سازمان بورس و اوراق بهادار، تهران، ایران
m.fereydooni@isu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۸
مقاله مدت ۴۳ روز جهت اصلاحات نزد نویسندگان بوده است.

مقدمه

یکی از مباحث چالشی فقهی در عقود مربوط به تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی، موضوع «بیع‌العینه» است که در عقود بانکی و بسیاری از ابزارهای مالی اسلامی ظهور و بروز دارد. محل نزاع، دو مورد است یکی مفهوم و حکم بیع‌العینه و دیگری انطباق یا عدم‌انطباق عقود مستحدثه بر بیع‌العینه. در این مقاله برآنیم تا با رویکردی تحلیلی توصیفی به نزاع نخست یعنی شناسایی مفهوم بیع‌العینه و سپس استنباط حکم آن از ادله فقهی بپردازیم؛ اگرچه در انتها به نزاع دوم نیز اشاره خواهیم داشت و برخی مصادیق پرکاربرد بازار سرمایه را بررسی نموده و وضعیت انطباق یا عدم‌انطباق آن را بر بیع‌العینه تشریح خواهیم کرد. بیع‌العینه از مباحث قدیمی فقهی است که موضوع چندین روایت در کتب حدیثی است. اگرچه فقهای عظام غالباً در کتب خود به این نوع عقد، اشاره نموده و نظر خود را در خصوص آن بیان داشته‌اند اما به دلیل مبتلا به نبودن آن در جامعه به‌طور مبسوط به آن نپرداخته و جوانب و شقوق مختلف آن را بررسی نکرده‌اند و صرفاً با توجه به روایات وارده، حکم مذکور در روایات را نقل نموده‌اند. در این مقاله پس از بررسی معنای لغوی و اصطلاحی بیع العینه، روایات وارده از معصومین علیهم‌السلام را بررسی نموده و سپس اقوال فقها در این خصوص را نقل و نقد خواهیم نمود و در انتها برخی مصادیق موجود در بازار سرمایه را از حیث شبهه بیع‌العینه بررسی خواهیم کرد.

تعریف بیع العینه

عینه، در لغت عرب به معانی مختلفی ذکر شده است ازجمله به معنای سلف آمده است (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج۱۳، ص. ۳۰۶)؛ همچنین یعنی خود آن، عین آن (لغتنامه دهخدا). بیع‌العینه به معنای خرید نقدی و فروش نسیه به فروشنده و به‌عکس (خرید نسیه و فروش نقدی) برای تأمین نقدینگی است. در این نوع معامله فرد می‌گوید: «این کالا را به تو می‌فروشم، به‌شرط اینکه آن را به من بفروشی یا مبیع مال من باشد (خوانساری نجفی، ۱۳۷۹، ج۳، ص. ۲۳۱). همچنین در لسان‌العرب بیع‌العینه را این‌گونه تعریف کرده‌اند؛ (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج۱۳، ص. ۳۰۶) «اذا باع من رجل سِلعةً بثمن معلوم إلی أجل معلوم، ثم اشتراها منه بأقل من الثمن الذی باعها به. فإن اشتری التاجر بحَضْرَةِ طالبِ العِینةِ سِلْعةً من

آخر بثمن معلوم و قبضها، ثم باعها من طالب العِینة بثمن أکثر مما اشتراه إلی أجل مسمی، ثم باعها المشتری من البائع الأول بالنَّقد بأقل من الثمن الذی اشتراها به فهذه أیضاً عِینةٌ». هنگامی‌که فرد کالایی را به قیمت و سررسید معلوم خریداری کرده (خرید نسیه) و سپس آن را به قیمتی کم‌تر از قیمتی که خریداری کرده است، بفروشد. همچنین اگر تاجر عینی را از دیگر به قیمتی معلوم خریداری کرده و سپس آن را به طالب عینه به قیمتی معین به‌صورت نسیه بفروشد و سپس مشتری آن کالا را به خریدار اول به‌صورت نقدی به قیمتی کم‌تر بفروش رساند. ابن‌ادریس از قول شیخ طوسی در استبصار، بیع‌العینه را چنین تعریف می‌کند: بیع عینه آن است که مشتری، کالایی را نسیه بخرد؛ سپس آن را به قیمتی کمتر به نقد بفروشد تا دین خود را که زمان ادای آن به صاحبش فرا رسیده ادا کند و دین دوم درباره صاحب دین اول عینه است تا به‌وسیله آن دین اول را ادا کند (حلّی، ۱۴۱۱ق، ج۲، ص. ۲۰۵).

بیع‌العینه از زمان‌های دور به دو صورت مورداستفاده قرار می‌گرفته است:

۱. خرید نقدی و فروش نسیه: شخص نیازمند نقدینگی کالا را به‌صورت نسیه به قیمتی گران‌تر از قیمت نقد می‌خرد؛ سپس در همان جلسه به قیمتی کمتر به‌صورت نقد به فروشنده می‌فروشد. در نتیجه خریدار اول به پول نقد دست پیداکرده و فروشنده دوم به سودی دست پیدا می‌کند.
۲. فروش نقدی و خرید نسیه: شخص کالایی را به‌صورت نقدی به خریداری می‌فروشد؛ سپس همان کالا را به بهایی کم‌تر، نقد از او می‌خرد (معصومی‌نیا، ۱۳۹۸).

۱. پیشینه پژوهش

برخی مقاله‌ها به بررسی حکم فقهی بیع‌العینه می‌پردازند. نفری و عندلیبی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای بیع عینه را به‌عنوان یکی از حیل تخلص از ربا موردبررسی قرار داده‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که از بیع‌العینه می‌توان به‌عنوان شیوه‌ای در جهت فرار از ارتکاب به معاملات ربوی استفاده نمود و قائل به کراهت معاملات بیع‌العینه می‌شوند. شکری و حسینی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای رابطه بیع‌العینه و ربا را بررسی می‌کنند. آن‌ها ابتدا بامعنای

بیع‌العینه را موردبررسی قرار می‌دهند و سپس دیدگاه فقهای اهل‌سنت و امامیه و احادیث مربوط به بیع‌العینه را بررسی می‌کنند. آن‌ها سپس به بررسی ربا و رابطه ربا با بیع می‌پردازند و در انتهای مقاله خود راه‌های فرار از ربا بیان می‌کنند. معصومی‌نیا (۱۳۹۸) در مقاله خود نتیجه‌گیری می‌کند که صحت بیع‌العینه مشروط به عدم اشتراط انجام معامله دوم در معامله اول و پذیرش ریسک توسط فروشنده است. همچنین نتیجه‌گیری می‌کند ازآنجا در معاملات بانک و بورس از ابتدا همه‌چیز کاملاً مشخص و غیرقابل تغییر است، امکان تحقق دو شرط مذکور وجود ندارد. وی همچنین اختیار معامله تبعی را در صورتی صحیح می‌داند که شرط اختیار خرید یا فروش کلی آن دارایی شرط شود، نه همان دارایی. رستمی، افسری و احمدی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به بررسی دیدگاه مذاهب اسلامی در مورد بیع‌العینه می‌پردازد. مطابق این پژوهش حنفیه، مالکیه و حنابله به استناد به سنت نبوی، استحسان و سد ذرایع، بیع‌العینه را باطل می‌دانند. در مقابل شافعیه و امامیه با استناد به اجماع، قیاس و ادله عقلی، قائل به جواز این سنخ از معاملات هستند. درنهایت نویسندگان دیدگاه قائلین به جواز بیع‌العینه را صحیح دانسته‌اند. میرمعزی (۱۳۸۵) بیع‌العینه را براساس قاعده‌های موجود در تحلیل صحت حیله‌های ربا تحلیل می‌کند. او بیع‌العینه را با شرایط ذیل صحیح می‌داند؛ قصد جدی درباره خریدوفروش وجود داشته باشد و دو طرف نخواهند ربا را در صورت بیع نسیه و نقد محقق کنند؛ تجویز آن باعث لغویت حکمت حرمت ربا نشود؛ به‌گونه‌ای نباشد که عقل بتواند به ملاک عدم‌الفرق از ادله حرمت ربا به این موردتعدی کند. وی همچنین استدلال می‌کند که شرط دوم و سوم وقتی محرز می‌شود که در بیع اول، تحقق بیع دوم بدون فاصله زمانی قابل‌اعتنا، شرط نشود.

برخی از مقاله‌ها به بررسی شبهه بیع‌العینه در یک ابزار خاص پرداخته‌اند. سجادی و رضایی (۱۴۰۰) به مقایسه بیع‌العینه و قرارداد اختیار معامله با دو حق معکوس پرداخته‌اند. ایشان با بررسی بیع‌العینه شرط بازخرید در بیع را محکوم‌به بطلان دانسته‌اند اما با ذکر تفاوت‌های اختیار معامله و بیع‌العینه، این نوع قراردادها را محکوم‌به صحت دانسته‌اند. عشایری منفرد (۱۳۹۹) به بررسی حکم فقهی بازخرید شرط شده در ضمن عقد بیع؛ مطالعه موردی قرارداد ریپو می‌پردازد. او در این مقاله یکی از چالش‌های اصلی پذیرش ریپو را مخالفت با بیع‌العینه می‌داند. او در انتها نتیجه‌گیری می‌کند که ریپو بیع‌العینه تفاوت

دارد. موسویان، کاتوزیان، طالبی و حاجیان (۱۳۹۵) نیز در مقاله‌ای شبهه بیع‌العینه را در قرارداد ریپو بررسی می‌کند و تفاوت‌هایی را بین ریپو و بیع‌العینه برمی‌شمارد.

هرچند پژوهش‌هایی در رابطه با حکم فقهی بیع‌العینه صورت گرفته اما تاکنون این موضوع در ابزارهای بازار سرمایه بررسی نشده است. در این مقاله پس از بررسی مبسوط حکم فقهی بیع‌العینه، به بررسی ابزارهایی پرداخته‌ایم که با این شبهه روبرو بوده‌اند.

۲. شبهه حرمت بیع العینه

از فضای روایات وارده در خصوص بیع‌العینه برمی‌آید که عرف زمان معصومین، عینه را نوعی ربا یا حیله ربا تصور می‌کرده‌اند و برای اطمینان خاطر، این نوع معامله را به‌طور مکرر مورد سؤال قرار داده‌اند. شاهد این برداشت روایاتی است که اهل‌سنت در این زمینه بیان کرده و فقهای ایشان براساس آن حکم داده‌اند به‌طور نمونه می‌توان به روایات منقول از عایشه و ابن عمر اشاره کرد (مسند الإمام أحمد بن حنبل، ۱۴۱۶ق). براساس آن فقهای اهل‌سنت، بیع عینه را حیله‌ای برای فرار از ربا دانسته و حکم به حرمت آن داده‌اند؛ اما در تراث شیعی بیع عینه به این صورت موردتوجه قرار نگرفته و بلکه می‌توان ادعا کرد که بالعکس، حکم به اباحه آن داده شده که در ادامه به روایات آن خواهیم پرداخت؛ اما در یک نگاه کلی ابتدا می‌بایست وجه حرمت بیع‌العینه معلوم شود دو وجه برای حرمت بیع‌العینه مطرح است: الف) حیله ربا و ب) ادله خاص.

در خصوص حیله ربا، اختلاف‌نظر مبنایی بین فقها وجود دارد، برخی استفاده از حیل شرعی ازجمله حیله ربا را جایز دانسته و برخی آن را تقلب نسبت به قانون قلمداد کرده و ممنوع می‌شمارند. در این مقاله به‌طور مختصر به هر دو دیدگاه اشاره خواهیم کرد اما تمرکز مقاله حاضر بر وجه دیگر حرمت ربا یعنی وجود روایات وارده از معصومین علیهم‌السلام نسبت به این نوع معامله است که با اشاره به روایات به‌نقد و بررسی برداشت‌های مختلف خواهیم پرداخت.

۲-۱. بیع‌العینه به‌مثابه حیله ربا

یکی از چالش‌های قدیمی فقهی، حکم فقهی استفاده از حیله‌های شرعی در ممنوعیت‌های فقهی است. جبعی عاملی در تعریف حیله می‌فرماید: «مقصود از حیله، دستیابی به اسبابی

است که احکام شرعیه بر آن مترتب است و این اسباب گاهی حلال و گاهی حرام هستند (جبعی عاملی، ۱۴۱۳ق، ج۳، ص. ۵۹۶). حیله ربا، عملی است که به‌منظور تغییر حکم ربا در مورد یک مصداق از راه تغییر عنوانی که بر آن منطبق است، انجام می‌شود (میرمعزی، ۱۳۸۶، ص. ۱۰۷). اینکه آیا درجایی‌که شارع مقدس، موضوعی را تحت عنوانی خاص حرام و ممنوع اعلام کرده آیا می‌توان همان محتوای ممنوع شده را تحت عنوانی دیگر که محکوم‌به حرمت و ممنوعیت نیست انجام داد؟ آیا ازنظر فقهی، عنوان و قالب اهمیت دارد یا محتوا و مضمون؟

۲-۱-۱. ادله مخالفین حیل شرعی

مشهور فقهای امامیه بر مشروعیت استفاده از حیل شرعی اتفاق‌نظر دارند (حسینی عاملی، بی‌تا، ج۴، ص. ۵۷۴؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج.۲۳، صص. ۳۹۱ و ۳۵۴)؛ اما مشهور فقهای اهل‌سنت توسل به حیل در قالب بیع‌العینه، بیع تورق، بیع معامله و بیع وفاء را از باب سد ذرایع جایز نمی‌دانند (ابن قدامه، ۱۳۸۸ق، ج۴، ص. ۱۳۲؛ ابن رشد، ۱۴۲۵ق، ج۳، صص. ۱۶۰-۱۶۱؛ شوکانی، ۱۴۱۳ق، ج۵، ص. ۴۲۵). قول نامشهور نزد امامیه نیز ناسازگاری مشروعیت چنین معاملاتی با فلسفه تحریم ربا است.

دلایل نامشروع بودن راه‌ها و حیله‌های ربا در منابع اهل‌تسنن به‌اختصار چنین است:

۱. استناد به روایت خاص در انواع حیل ربا؛
۲. استاد به حدیث نبوی «انما الاعمال بالنیات» از این مطلب استفاده می‌شود که به کاربستن هر حیله‌ای صحیح نیست؛
۳. سد ذرایع: این حکم دلالت بر آن دارد که هر عملی اگر وسیله‌ای به‌سوی ربا باشد، باید مسدود شود (آهنگران، ۱۴۰۰، ص. ۱۵).

از میان فقهای امامیه که مخالف استفاده از حیل ربا هستند می‌توان به مقدس اردبیلی (۱۴۰۳ق)، مجلسی (۱۴۰۴ق) و موسوی خمینی (۱۳۹۷) اشاره کرد. فقهای امامیه نیز به دلایل زیر حکم به عدم مشروع بودن حیل ربا داده‌اند؛

۱. تناقض استفاده از حیل ربا با فلسفه تحریم ربا (موسوی خمینی، ۱۳۹۷، ج۵، ص. ۳۵۳): امام خمینی هرچند که مفاسد ربا را به‌عنوان علت تحریم ربا

نمی‌شمارند، بلکه استفاده از حیل ربا را به‌نوعی منجر به لغو شدن حکم تحریم ربا و نقض غرض در تحریم آن می‌داند (انصاری و هاشمی، ۱۳۹۵، ص. ۲۳).

۲. عدم وجود قصد جدی در استفاده از حیل ربا.

۲-۱-۲. نقد و بررسی ادله مخالفان

در رابطه با استدلال تناقض استفاده از حیل ربا با فلسفه تحریم ربا باید گفت قرارداد یک امر عرفی و اعتباری است و ماهیت آن را اعتبار و فرض تشکیل می‌دهد؛ بنابراین فلسفه و علت حکم با تغییر ماهیت قرارداد متفاوت خواهد شد. ربا یا زیاده در قراردادهای خاصی به‌وجودآورنده مفسده تشخیص داده شده است. اگر آن قرارداد تغییر پیدا کند و شکل و ترکیب دیگری پیدا کند، دیگر دارای آثار سابق نخواهد بود (آهنگران، ۱۴۰۰، ص. ۲۱). نباید این‌گونه تلقی شود که به دلیل مشابهت حیل ربا و قرض ربوی، حیل ربا نیز همان حکم را خواهد داشت. چراکه ماهیت قرارداد در حیل ربا در مقایسه با قرض ربوی متفاوت است. علاوه‌براین حرمت ربا منصوص‌العله نیست تا به فلسفه و علت حکم حرمت ربا بتوان استناد کرد. مسلمانان دنبال این مسأله بودند که چرا ربا حرام است اما بعضاً نتوانستند علت این مسأله را بفهمند (رضایی دوانی، ۱۴۰۰، ص. ۳۷۷). در صدر اسلام برای رباخواران حکم حرمت ربا عجیب بود ازاین‌رو می‌گفتند بیع مثل رباست در واقع معنای حرفشان این بود که بیع با ربا چه فرقی می‌کند؟! و خداوند در آیه ۲۷۵ سوره بقره پاسخ داد که بیع را خداوند حلال کرده و ربا را حرام گردانیده است. این گفتگو نشان می‌دهد سؤال‌کنندگان به کارکرد ربا و بیع نظر داشتند و با توجه به اینکه در هر دو مورد، سرمایه‌دار با سرمایه خود به سود می‌رسید، تفاوتی بین ربا و بیع نمی‌دیدند، حال‌آنکه آثار این دو بسیار متفاوت است. به‌نظر می‌رسد درجایی‌که قصد طرفین بر بیع واقعی تعلق‌گرفته، نباید گفت بیع مانند رباست و حکم ربا را به بیع سرایت داد. به‌تصریح قرآن کریم بیع حلال است و صرفاً رباست که مورد تحریم قرار گرفته است. درنتیجه استدلال کسانی که معتقدند در استفاده از حیل ربا، همچنان پیامدهای فاسد قرض ربوی پابرجاست، مخدوش است و چنانچه معتقد باشیم که درصورت استفاده از حیل ربا آثار متفاوتی نسبت به قرض ربوی خواهد داشت، به‌کارگیری حیل ربا نقض غرض نخواهد بود.

سد ذریعه هم درصورتی‌که علتی معتبر قلمداد شود، نمی‌توان به آن استناد کرد. چراکه شارع برخی از قراردادهای که در آن‌ها زیاده وجود دارد را تحریم کرده است. درنتیجه راه‌هایی که منتهی به قراردادهای قرض ربوی شود حرام است و نمی‌توان از این دلیل به تحریم بیع‌العینه رسید. (آهنگران، ۱۴۰۰، ص. ۲۲).

در رابطه با فقدان قصد باید گفت منظور از قصد در «العقود تابعهٔ للقصود» انشاء است؛ یعنی اعتبار یا فرض کردن یا لحاظ کردن معنایی ماهیت قراردادی را تشکیل می‌دهد. اشتباه کسانی که به عدم‌وجود قصد در حیل ربا استدلال کرده‌اند آن است که قصد را معادل هدف معنا کرده‌اند (آهنگران، ۱۴۰۰، ص. ۲۶).

چنانچه علت تحریم بیع‌العینه ربا باشد می‌بایست به این پرسش پاسخ داد که آیا حکم تحریم ربا قاعده‌ای کلی است که به هنگام شک در معاملات باید به آن استناد کرد یا بالعکس، ربا استثنائی بر اصل و قاعده صحت است و آنچه عمومیت دارد، حلیت عقود و وفای به آن است. ازاین‌رو در اینجا مختصراً به این بحث خواهیم پرداخت.

۲-۲. ربا استثنائی بر صحت معاملات

اصل ممنوعیت و حرمت ربا در منابع فقهی، جزء مسلمات است چه اینکه قرآن کریم در آیات متعددی با شدت و غلظت به آن اشاره‌کرده تاجایی‌که رباده‌نده و رباگیرنده را به‌عنوان جنگ کننده با خدا و رسول معرفی کرده است. لکن علت تحریم ربا روشن نشده است. هرچند در روایاتی به حکمت و فلسفه تحریم ربا اشاره شده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج۳، صص. ۵۶۶-۵۶۷؛ کافی کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۵)؛ اما هیچ‌گاه فقیهان به چنین روایاتی تمسک نکرده و براساس آن قیاس ننموده‌اند بلکه این دلایل را به‌مثابه حکمت (و نه علت) تحریم تلقی نموده‌اند که قابلیت استنباط فقهی ندارد. از اینجا می‌توان برداشت کرد که با توجه به عموم و اطلاقات ادله که بر صحت معاملات و وفای به عقد و عهد دلالت دارند، می‌بایست در خصوص ربا که استثناء بر اصل محسوب می‌شود تفسیر مضیق کرده و به‌صرف تصور یا شبهه ربا، حکم به بطلان و حرمت معاملات صادر نکرد. لذا نسبت به بیع‌العینه بر همین مبنا می‌توان گفت چنانچه دلیل حرمت آن را شباهت به ربا بدانیم، حکم حرمت مخدوش است چه اینکه بیع را نمی‌توان ربا دانست و آیه «احل الله

البیع و حرم الربا» نیز به این مطلب تصریح دارد. البته اگر معامله صوری بود و قصد طرفین از انعقاد بیع، ربا باشد و صرفاً ظاهرسازی کرده باشند شکی در بطلان و حرمت چنین بیعی نیست اما محل نزاع آنجاست که بیع با قصد جدی (و نه قصد ظاهرسازی) واقع‌شده و قالب و عنوان توافق طرفین، عقد بیع است، در این صورت به‌صرف تشابه کارکرد بیع‌العینه با قرض ربوی نمی‌توان حکم به حرمت و بطلان، صادر نمود مگر آنکه بنا بر ادله دیگری چنین بیعی باطل باشد؛ بنابراین لازم است به بررسی روایات مذکوره در باب عینه بپردازیم و سپس با مقایسه روایات و درنهایت، برداشت فقها از این روایات، به نتیجه برسیم.

۲-۳. بررسی روایات بیع العینه

در کتب حدیثی بابی تحت‌عنوان بیع‌العینه وجود ندارد اما روایات متعددی با موضوع بیع‌العینه می‌توان یافت که در بعضی ابواب بدان اشاره شده است. با مفروض گرفتن معنای بیع‌العینه که در بخش اول مقاله بیان شد. می‌توان روایات وارده از معصومین علیهم‌السلام را به سه بخش کلی تقسیم کرد. بخش اول روایاتی است که به‌صورت مطلق، معامله واقع‌شده را صحیح دانسته‌اند و بخش دوم روایاتی است که به‌صورت مشروط، معامله را صحیح اعلام نموده‌اند و بخش سوم روایاتی که معامله انجام‌شده را مورد نهی قرار داده‌اند. برای استنباط حکم شرعی لازم است به همه روایات توجه نمود و در صورت تعارض، به روش‌های مذکور در علم اصول رجوع کرد. ازآنجاکه بررسی سندی و دلالی همه روایات از حوصله این نوشتار خارج است، با صرف‌نظر از بررسی سندی، صرفاً با اشاره به روایات مربوطه، مضمون و محتوای آن موردنظر قرار خواهد گرفت.

۲-۳-۱. روایات دال بر صحت معامله به‌طور مطلق

در این روایات صورت مسأله به دو شکل مطرح شده است: الف) شخصی به دیگری بدهی داشته و با توجه به سررسید شدن بدهی و عدم‌وجود نقدینگی و لذا عدم امکان تسویه با بستانکار، پیشنهاد فروش نقدی کالای خود و خرید آن به‌صورت نسیه را به بستانکار داده است که امام علیه‌السلام به‌صورت مطلق، حکم به جواز آن داده‌اند. ب) شخصی برای تأمین نقدینگی، کالای موجود خود را به‌صورت نقد به دیگری فروخته

و همان را به‌صورت نسیه از فروشنده خریده است. در این روایات نیز امام[علیه‌السلام] به‌صورت مطلق آن را تجویز کرده‌اند.

روایات منصور بن حازم[۲]، بشاربن یسار[۳]، ابی بکر حضرمی[۴و۵]، عبدالله بن سنان[۶]، هارون بن خارجه[۷]، لیث مرادی[۸]، بکاربن ابی بکر[۹]، عبدالحمید بن سعد[۱۰]، محمد بن یعقوب[۱۱] دلالت بر مباح و صحیح بودن بیع عینه دارد و هیچ قید و شرطی را برای صحت آن بیان نکرده است.

---

۲. مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع رَجُلٌ كَانَ لَهُ عَلَى رَجُلٍ دَرَاهِمُ مِنْ ثَمَنِ غَنَمٍ اشْتَرَاهَا مِنْهُ فَأَتَى الطَّالِبُ الْمَطْلُوبَ يَتَقَاضَاهُ فَقَالَ لَهُ الْمَطْلُوبُ أَبِيعُكَ هَذَا الْغَنَمَ بِدَرَاهِمِكَ الَّتِی لَكَ عِنْدِی فَرَضِیَ قَالَ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ (حرعاملی، ۱۳۸۶ق، ج۱۸، ص. ۴۰).

۳. عَنْ بَشَّارِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الرَّجُلِ يَبِيعُ الْمَتَاعَ بِنَسَاءٍ فَيَشْتَرِيهِ مِنْ صَاحِبِهِ الَّذِی يَبِيعُهُ مِنْهُ قَالَ نَعَمْ لَا بَأْسَ بِهِ فَقُلْتُ لَهُ أَشْتَرِی مَتَاعِی فَقَالَ لَيْسَ هُوَ مَتَاعَكَ وَ لَا بَقَرَكَ وَ لَا غَنَمَكَ (حرعاملی، ۱۳۸۶ق، ج۱۸، ص. ۴۱).

۴. عَنْ أَبِی بَكْرٍ الْحَضْرَمِیِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع يَكُونُ لِی عَلَى الرَّجُلِ الدَّرَاهِمُ فَيَقُولُ بِعْنِی بَيْعاً أَقْضِكَ فَأَبِيعُهُ الْمَتَاعَ ثُمَّ أَشْتَرِيهِ مِنْهُ وَ أَقْبِضُ مَالِی قَالَ لَا بَأْسَ (حرعاملی، ۱۳۸۶ق، ج۱۸، ص. ۴۳).

۵. عَنْ أَبِی بَكْرٍ الْحَضْرَمِیِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع رَجُلٌ تَعَيَّنَ ثُمَّ حَلَّ دَيْنُهُ فَلَمْ يَجِدْ مَا يَقْضِی أَ يَتَعَيَّنُ مِنْ صَاحِبِهِ الَّذِی عَيَّنَهُ وَ يَقْضِيهِ قَالَ نَعَمْ (حرعاملی، ۱۳۸۶ق، ج۱۸، ص. ۴۴).

۶. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ لِی عَلَيْهِ مَالٌ وَ هُوَ مُعْسِرٌ فَاشْتَرَى بَيْعاً مِنْ رَجُلٍ إِلَى أَجَلٍ عَلَى أَنْ أَضْمَنَ ذَلِكَ عَنْهُ لِلرَّجُلِ وَ يَقْضِيَنِی الَّذِی لِی قَالَ لَا بَأْسَ (حرعاملی، ۱۳۸۶ق، ج۱۸، ص. ۴۴).

۷. عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع عَيَّنْتُ رَجُلًا عِينَةً فَحَلَّتْ عَلَيْهِ فَقُلْتُ لَهُ اقْضِنِی فَقَالَ لَيْسَ عِنْدِی فَعَيِّنِّی حَتَّى أَقْضِيَكَ فَقَالَ عَيِّنْهُ حَتَّى يَقْضِيَكَ (حرعاملی، ۱۳۸۶ق، ج۱۸، ص. ۴۴).

۸. عَنْ لَيْثٍ الْمُرَادِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلَهُ رَجُلٌ زَمِيلٌ لِعُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ- عَنْ رَجُلٍ تَعَيَّنَ عِينَةً إِلَى أَجَلٍ فَإِذَا جَاءَ الْأَجَلُ تَقَاضَاهُ فَيَقُولُ لَا وَ اللَّهِ مَا عِنْدِی وَ لَكِنْ عَيِّنِّی أَيْضاً حَتَّى أَقْضِيَكَ قَالَ لَا بَأْسَ بِبَيْعِهِ (حرعاملی، ۱۳۸۶ق، ج۱۸، ص. ۴۵).

۹. عَنْ بَكَّارِ بْنِ أَبِی بَكْرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع فِی رَجُلٍ يَكُونُ لَهُ عَلَى الرَّجُلِ الْمَالُ فَإِذَا جَاءَ الْأَجَلُ قَالَ لَهُ بِعْنِی مَتَاعاً حَتَّى أَبِيعَهُ فَأَقْضِيَ الَّذِی لَكَ عَلَيَّ قَالَ لَا بَأْسَ (حرعاملی، ۱۳۸۶ق، ج۱۸، ص. ۴۵).

۱۰. عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی الْحَسَنِ ع إِنَّا نُعَالِجُ هَذِهِ الْعِينَةَ وَ رُبَّمَا جَاءَنَا الرَّجُلُ يَطْلُبُ الْبَيْعَ وَ لَيْسَ هُوَ عِنْدَنَا فَنُسَاوِمُهُ وَ نُقَاطِعُهُ عَلَى سِعْرِهِ قَبْلَ أَنْ نَشْتَرِيَهُ ثُمَّ نَشْتَرِی الْمَتَاعَ فَنَبِيعُهُ إِيَّاهُ بِذَلِكَ السِّعْرِ الَّذِی نُقَاطِعُهُ عَلَيْهِ لَا نَزِيدُ شَيْئاً وَ لَا نَنْقُصُهُ قَالَ لَا بَأْسَ (حرعاملی، ۱۳۸۶ق، ج۱۸، ص. ۵۲).

۱۱. محمد بن يعقوب عن محمد بن يحيى عن محمد بن الحسين عن محمد بن إسماعيل عن منصور بن يونس عن شعيب الحداد عن بشار بن يسار قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الرجل يبيع المتاع بنساء فيشتريه من صاحبه الذی يبيعه منه؟ قال نعم لا بأس به. فقلت له أشتری متاعی؟ فقال: ليس هو متاعک و لا بقرک و لا غنمک (حرعاملی، ۱۳۸۶ق، ج۱۸، ص. ۴۱).

۲-۳-۲. روایات دال بر صحت معامله به‌صورت مشروط

در این روایات صورت مسأله برای تأمین نقدینگی است بدین‌صورت که شخص کالای خود را نقد می‌فروشد و همان را به‌صورت نسیه به مبلغی بیشتر از خریدار اول، خریداری می‌کند. امام[علیه‌السلام] در این فرض، سؤالی را از معامله‌کننده می‌پرسد مبنی‌بر اینکه آیا در انجام معامله دوم اختیار برای طرفین وجود داشته است یا خیر؟ سائل پاسخ می‌دهد بله این اختیار وجود داشته است و با این پاسخ امام معامله واقع‌شده را صحیح اعلام می‌کند.

روایات حسین بن منذر[۱۲]، علی بن جعفر[۱۳]، خالد بن الحجاج[۱۴]، منصور بن حازم[۱۵و۱۶]، اسماعیل بن عبدالخالق[۱۷] بر این مطلب دلالت دارد. محتوای این روایات به‌گونه‌ای است

---

۱۲. عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُنْذِرِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع يَجِيئُنِي الرَّجُلُ فَيَطْلُبُ الْعِينَةَ فَأَشْتَرِي لَهُ الْمَتَاعَ مُرَابَحَةً ثُمَّ أَبِيعُهُ إِيَّاهُ ثُمَّ أَشْتَرِيهِ مِنْهُ مَكَانِي قَالَ إِذَا كَانَ بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ بَاعَ وَ إِنْ شَاءَ لَمْ يَبِعْ وَ كُنْتَ أَنْتَ بِالْخِيَارِ إِنْ شِئْتَ اشْتَرَيْتَ وَ إِنْ شِئْتَ لَمْ تَشْتَرِ فَلَا بَأْسَ فَقُلْتُ إِنَّ أَهْلَ الْمَسْجِدِ يَزْعُمُونَ أَنَّ هَذَا فَاسِدٌ وَ يَقُولُونَ إِنْ جَاءَ بِهِ بَعْدَ أَشْهُرٍ صَلَحَ قَالَ إِنَّمَا هَذَا تَقْدِيمٌ وَ تَأْخِيرٌ فَلَا بَأْسَ. (حرعاملی، ۱۳۸۶ق، ج۱۸، ص. ۴۲).

۱۳. عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ بَاعَ ثَوْباً بِعَشَرَةِ دَرَاهِمَ ثُمَّ اشْتَرَاهُ بِخَمْسَةِ دَرَاهِمَ أَيَحِلُّ قَالَ إِذَا لَمْ يَشْتَرِطْ وَ رَضِيَا فَلَا بَأْسَ (حرعاملی، ۱۳۸۶ق، ج۱۸، ص. ۴۲-۴۳).

۱۴. عَنْ خَالِدِ بْنِ الْحَجَّاجِ «۲» قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع الرَّجُلُ يَجِيءُ فَيَقُولُ اشْتَرِ هَذَا الثَّوْبَ وَ أُرْبِحُكَ كَذَا وَ كَذَا قَالَ أَلَيْسَ إِنْ شَاءَ تَرَكَ وَ إِنْ شَاءَ أَخَذَ قُلْتُ بَلَى قَالَ لَا بَأْسَ بِهِ إِنَّمَا يُحِلُّ الْكَلَامُ وَ يُحَرِّمُ الْكَلَامُ (حرعاملی، ۱۳۸۶ق، ج۱۸، ص. ۵۰).

۱۵. عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع الرَّجُلُ يُرِيدُ أَنْ يَتَعَيَّنَ مِنَ الرَّجُلِ عِينَةً فَيَقُولُ لَهُ الرَّجُلُ أَنَا أَبْصَرُ بِحَاجَتِي مِنْكَ فَأَعْطِنِي حَتَّى أَشْتَرِيَ فَيَأْخُذُ الدَّرَاهِمَ فَيَشْتَرِي حَاجَتَهُ ثُمَّ يَجِيءُ بِهَا إِلَى الرَّجُلِ الَّذِي لَهُ الْمَالُ فَيَدْفَعُهُ إِلَيْهِ فَقَالَ أَ لَيْسَ إِنْ شَاءَ اشْتَرَى وَ إِنْ شَاءَ تَرَكَ وَ إِنْ شَاءَ الْبَائِعُ بَاعَهُ وَ إِنْ شَاءَ لَمْ يَبِعْ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ لَا بَأْسَ (حرعاملی، ۱۳۸۶ق، ج۱۸، ص. ۵۲).

۱۶. عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ طَلَبَ مِنْ رَجُلٍ ثَوْباً بِعِينَةٍ قَالَ لَيْسَ عِنْدِي هَذِهِ دَرَاهِمُ فَخُذْهَا فَاشْتَرِ بِهَا فَأَخَذَهَا فَاشْتَرَى بِهَا ثَوْباً كَمَا يُرِيدُ ثُمَّ جَاءَ بِهِ أَ يَشْتَرِيهِ مِنْهُ فَقَالَ أَ لَيْسَ إِنْ ذَهَبَ الثَّوْبُ فَمِنْ مَالِ الَّذِي أَعْطَاهُ الدَّرَاهِمَ قُلْتُ بَلَى قَالَ إِنْ شَاءَ اشْتَرَى وَ إِنْ شَاءَ لَمْ يَشْتَرِ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ لَا بَأْسَ بِهِ (حرعاملی، ۱۳۸۶ق، ج۱۸، ص. ۵۲).

۱۷. عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع عَنِ الْعِينَةِ وَ قُلْتُ إِنَّ عَامَّةَ تُجَّارِنَا الْيَوْمَ يُعْطُونَ الْعِينَةَ فَأَقُصُّ عَلَيْكَ كَيْفَ نَعْمَلُ قَالَ هَاتِ قُلْتُ يَأْتِينَا الْمُسَاوِمُ يُرِيدُ الْمَالَ فَيُسَاوِمُنَا وَ لَيْسَ عِنْدَنَا مَتَاعٌ فَيَقُولُ أُرْبِحُكَ ده يازده وَ أَقُولُ: أَنَا ده دوازده فَلَا نَزَالُ نَتَرَاوَضُ حَتَّى نَتَرَاوَضَ عَلَى أَمْرٍ فَإِذَا فَرَغْنَا قُلْتُ أَيُّ مَتَاعٍ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَنْ أَشْتَرِيَ لَكَ فَيَقُولُ الْحَرِيرُ لِأَنَّهُ لَا يَجِدُ شَيْئاً أَقَلَّ وَضِيعَةً مِنْهُ فَأَذْهَبُ وَ قَدْ قَاوَلْتُهُ مِنْ غَيْرِ مُبَايَعَةٍ فَقَالَ أَ لَيْسَ إِنْ شِئْتَ لَمْ تُعْطِهِ وَ إِنْ شَاءَ لَمْ يَأْخُذْ مِنْكَ قُلْتُ بَلَى قَالَ فَأَذْهَبُ فَأَشْتَرِي لَهُ ذَلِكَ الْحَرِيرَ وَ أُمَاكِسُ بِقَدْرِ جُهْدِي ثُمَّ أَجِيءُ بِهِ إِلَى بَيْتِي فَأُبَايِعُهُ فَرُبَّمَا ازْدَدْتُ عَلَيْهِ الْقَلِيلَ عَلَى الْمُقَاوَلَةِ وَ رُبَّمَا أَعْطَيْتُهُ عَلَى مَا قَاوَلْتُهُ وَ رُبَّمَا تَعَاسَرْنَا فَلَمْ يَكُنْ شَيْءٌ فَإِذَا اشْتَرَى مِنِّي لَمْ يَجِدْ أَحَداً أَغْلَى بِهِ مِنَ الَّذِي اشْتَرَيْتُهُ

که مفهومی را به ذهن متبادر می‌کند مبنی‌بر اینکه اگر در انجام معامله دوم، اختیار وجود نداشته باشد، معامله صحیح نیست. در این خصوص دو مطلب قابل‌توجه است اول اینکه در بعضی روایات (برای مثال روایت علی بن جعفر) علاوه‌بر قید «اختیار طرفین در انجام معامله دوم»، «رضایت متعاملین» هم ذکرشده است که می‌تواند تفسیری برای عبارت اول (اختیار طرفین در معامله دوم) باشد؛ به‌عبارت‌دیگر اختیار بیان‌شده در روایت به معنای عدم اکراه در انجام معامله است که مطابق اصول و قواعد است و منطبق بر «تجارت عن تراض» خواهد بود و مطلبی خلاف قاعده نیست. ثانیاً در تمام این دسته از روایات، پس از بیان شرط (اختیار در معامله دوم) عبارت «لا بأس» به‌کار برده شده است، مفهوم آن این است که با نفی شرط مذکور (اختیار بر معامله دوم) جزای شرط هم منتفی خواهد شد یعنی اگر معامله دوم در معامله اول شرط شود آنگاه «فی المعامله بأس»؛ اما در این صورت پرسش آن است آیا مقصود امام[علیه‌السلام] از «بأس» در اینجا به معنای بطلان و عدم صحت معامله است یا صرفاً بر این دلالت دارد که معامله واقع‌شده به‌طور کامل مطلوب نیست و حکم وضعی و تکلیفی آن را از جمع روایات دیگر باید استخراج نمود؟ در جمع‌بندی روایات به این سؤال خواهیم پرداخت.

۲-۳-۳. روایات دال بر نهی از بیع العینه

روایات این دسته منحصر به دو روایت است که بررسی دلالی آن نشان می‌دهد هر دو خارج از موضوع بحث است.

منْهُ فَيَبِيعُهُ منِّي «۳» فَيَجِيءُ ذَلِكَ فَيَأْخُذُ الدَّرَاهِمَ فَيَدْفَعُهَا إِلَيْهِ وَ رُبَّمَا جَاءَ لِيُحِيلَهُ عَلَيَّ فَقَالَ لَا تَدْفَعْهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِ الْحَرِيرِ قُلْتُ وَ رُبَّمَا لَمْ يَتَّفِقْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْبَيْعُ بِهِ وَ أَطْلُبُ إِلَيْهِ فَيَقْبَلُهُ منِّي فَقَالَ أَ لَيْسَ إِنَّهُ لَوْ شَاءَ لَمْ يَفْعَلْ وَ لَوْ شِئْتَ أَنْتَ لَمْ تَزِدْ فَقُلْتُ بَلَى لَوْ أَنَّهُ هَلَكَ فَمِنْ مَالِي قَالَ لَا بَأْسَ بِهَذَا إِذَا أَنْتَ لَمْ تَعُدْ هَذَا فَلَا بَأْسَ بِهِ. (حرعاملی، ۱۳۸۶ق، ج۱۸، ص. ۵۳).

این دو روایت عبارتند از روایت یونس بن شیبانی[۱۸] و عبدالرحمن بن ابی‌عبدالله[۱۹]. در خصوص روایت یونس شیبانی دو احتمال مطرح است: الف) در برداشت اول به‌نظر می‌رسد موضوع مسأله، ربای معاملی است. راوی از امام در مورد حکم معامله‌ای می‌پرسد که در قصد طرفین معامله، انجام معامله دوم (استرداد مبیع به بایع) وجود دارد و درواقع معامله دوم به‌طور ضمنی شرط شده است. امام در پاسخ، این معامله را مصداق ربا می‌دانند و دلیل آن را فسخ معامله اول در صورت عدم انجام معامله دوم بیان می‌کنند. چنانچه موضوع سؤال را ربای معاملی بدانیم، علت حکم به ربوی بودن معامله، شرطی است که ضمن معامله وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر، شرط مذکور، «زیاده حکمی» خواهد بود. ظاهر روایت به این برداشت نزدیک‌تر است. ب) در برداشت دوم، موضوع روایت به ربای قرضی بازمی‌گردد با این توضیح که راوی می‌گوید بایع و مشتری می‌دانند که کالای موضوع بیع، ارزشی معادل مبلغ توافق شده ندارد و به‌اندازه ثمن تعیین‌شده نمی‌ارزد و علاوه‌بر آن طرفین بر انجام دو معامله باهم توافق کرده‌اند و اگر معامله دوم انجام نشود، مشتری معامله اول را فسخ می‌کند پس هر دو طرف قصد جدی بر انجام عقد بیع ندارند و از ظاهر معامله بیع، برای فرار از ممنوعیت ربا استفاده از اینجا می‌توان فهمید که معامله کاملاً صوری بوده و طرفین هیچ قصدی بر بیع نداشته‌اند. در این برداشت اگرچه اشاره‌ای به قرض نشده و با ظاهر روایت فاصله دارد اما باوجود قرائن و اماراتی که بیان شد می‌توان به آن قائل شد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود هیچ‌کدام از دو برداشت فوق، مرتبط با موضوع بحث نیست؛ در برداشت اول، مسأله به ربای معاملی اختصاص دارد و در برداشت دوم، موضوع به معاملات صوری برمی‌گردد. بدیهی است معامله صوری خارج از بحث بیع‌العینه است

---

۱۸. عنْ یُونُسَ الشَّیْبَانِیِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع الرَّجُلُ یَبِیعُ الْبَیْعَ وَ الْبَائِعُ یَعْلَمُ أَنَّهُ لَا یَسْوَی وَ الْمُشْتَرِی یَعْلَمُ أَنَّهُ لَا یَسْوَی إِلَّا أَنَّهُ یَعْلَمُ أَنَّهُ سَیَرْجِعُ فِیهِ فَیَشْتَرِیهِ مِنْهُ قَالَ فَقَالَ یَا یُونُسُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ لِجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ- کَیْفَ أَنْتَ إِذَا ظَهَرَ الْجَوْرُ وَ أَوْرَثَهُمُ الذُّلَّ قَالَ فَقَالَ لَهُ جَابِرٌ لَا بَقِیتُ إِلَی ذَلِکَ الزَّمَانِ وَ مَتَی یَکُونُ ذَلِکَ بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی قَالَ إِذَا ظَهَرَ الرِّبَا یَا یُونُسُ- وَ هَذَا الرِّبَا فَإِنْ لَمْ تَشْتَرِهِ رَدَّهُ عَلَیْکَ قَالَ قُلْتُ: نَعَمْ قَالَ فَلَا تَقْرَبَنَّهُ فَلَا تَقْرَبَنَّهُ (حرعاملی، ۱۳۸۶ق، ج۱۸، ص. ۴۲).

۱۹. عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ: لَا تَقْبِضْ مِمَّا تُعَیِّنُ یَقُولُ لَا تُعَیِّنْهُ ثُمَّ تَقْبِضُهُ مِمَّا لَکَ عَلَیْهِ (حرعاملی، ۱۳۸۶ق، ج۱۸، ص. ۴۶).

و طبق عمومات ازجمله قاعده «ماوقع لم یقصد و ما قصد لم یقع» محکوم‌به بطلان است حال آنکه در بیع العینه، طرفین، قصد جدی بر معامله بیع را دارند البته با شرط ضمن عقد، این دو بیع را به هم متصل می‌کنند.

روایت عبدالرحمن بن ابی‌عبدالله نیز خارج از محل بحث است زیرا به‌صورت مطلق بیان کرده که آنچه را که معین نمودی، قبض نکن. اولاً موضوع نهی، صرف قبض است و نه انعقاد عقد درحالی‌که محل بحث ما نفس انعقاد بیع‌العینه است و این دو باهم متفاوت‌اند و ثانیاً ظاهر روایت دلالت دارد بر ممنوعیت تعیین دین توسط دائن یا ممنوعیت تعیین عین در بیع کلی توسط مشتری، مضمون روایت این است که تعیین دین و همین‌طور تعیین عین در بیع کلی به ترتیب بر عهده مدیون و بایع است. ناگفته پیداست که این روایت موضوعا ارتباطی با محل بحث ندارد.

۲-۳-۴. جمع روایات واردشده در خصوص بیع‌العینه

از مجموع روایات می‌توان به این نتیجه رسید:

روایات دال برنهی از معامله بیع‌العینه ارتباطی با بیع‌العینه ندارد و لذا از محل نزاع خارج است اما در جمع بین دودسته دیگر به‌نظر می‌رسد:

۱. روایات وارد در این باب، در مقابل عرف عامه آن زمان است زیرا اهل‌سنت این نوع معامله (بیع‌العینه) را باطل می‌دانستند و برای شیعیان اهل‌بیت علیهم‌السلام دائماً این سؤال مطرح می‌شد که آیا این نوع معامله صحیح است یا خیر؟ در روایت منقول از حسین بن منذر، سائل از امام می‌پرسد که اهل مسجد چنین معامله‌ای را فاسد می‌دانند اما پاسخ می‌شنود که چنین نیست و این معامله صحیح است؛ بنابراین اگر در برخی روایات به‌طور مطلق و بدون قید، معامله صحیح دانسته شده است نمی‌توان آن را حمل بر تقیه نمود و امام را باید در مقام بیان دانست.

۲. مفهوم روایات مشروط، واضح نیست زیرا مقصود از سؤال، این بوده که آیا هر دو طرف به معامله دوم رضایت دارند یا با اکراه آن را انجام می‌دهند، بدیهی است چنانچه اکراهی در میان باشد مطابق قواعد، معامله انجام‌شده «تجارت عن تراض» نخواهد بود و مشمول معاملات اکراهی قرار خواهد گرفت و این حکمی

عام است که مطابق قواعد فقهی است و لذا در محل بحث، مفهوم مخالفی ندارد تا بتوان به آن استناد کرد.

بدیهی است انشاء عقد دوم و رضایت به انجام آن می‌تواند پس از عقد اول واقع شود و نیز می‌تواند ضمن عقد اول صورت پذیرد، در این حالت حتی باوجود شرط معامله دوم در معامله اول، مانعی برای صحت آن وجود ندارد زیرا طرفین با رضایت خود به معامله دوم ملتزم شده‌اند.

۳. با فرض معتبر بودن مفهوم مخالف شرط مذکور در روایت، تعارضی که بین روایات مطلقه و این دسته از روایات به وجود خواهد آمد قابل‌جمع خواهد بود. توضیح آنکه روایات مشروط، بیان نموده است که اگر طرفین در انجام معامله دوم مختار باشند معامله «بأس» ندارد، مفهوم مخالف آن این خواهد بود که چنانچه طرفین معامله دوم را در معامله اول به‌صورت شرط ضمن عقد، ذکر کنند «فیه بأس»؛ اما پرسش این است که مقصود از «بأس» چیست آیا به معنای ممنوعیت و حکم تکلیفی حرمت است؟ یا به معنای فساد و بطلان معامله است؟ یا اینکه دلالت بر کراهت دارد؟ صاحب جواهر معتقد است «بأس» معنایی عام دارد و عرفاً دلالت بر حرمت ندارد، چه برسد به اینکه دلالت بر فساد کند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج۲۳، ص. ۱۱۱). به نظر صاحب جواهر الکلام جمع بین ادله، دلالت بر «کراهت» اشتراط بیع دوم در بیع اول دارد البته باتوجه به نظر سایر فقها که نظر به بطلان چنین بیعی دارند معتقد است نهایت حکمی که از روایات دال بر عدم اشتراط بیع دوم در بیع اول استفاده می‌شود، حکم تکلیفی حرمت است (و نه بطلان معامله) اما چنانچه بایع این حرام شرعی را مرتکب شد، صرفاً مرتکب معصیت شده اما به لحاظ حکم وضعی، طرفین باید بنا به عموم ادله شروط، ملتزم به آن شرط توافق شده بوده و آن را اجرا کنند. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج۲۳، ص. ۱۱۱).

۴. برفرض تمام بودن استدلال به روایات مشروطه برای حکم به بطلان معامله بیع‌العینه باید توجه نمود که حکم به بطلان، استثنائی بر اصل و قاعده صحت است و لذا باید به مقدار متیقن اکتفا نمود و لذا فقط در صورتی حکم به بطلان

بیع‌العینه صحیح است که موضوع معامله، عین معین شخصی بوده و دو معامله انجام‌شده بیع بوده که یکی نقد و دیگری نسیه باشد و لذا معاملات کلی (اعم از کلی در معین یا کلی فی‌الذمه) و همچنین معاملات دو بیع نقدی یا بیع با یک عقد دیگر مثل اجاره یا صلح و یا دو عقد دیگر مثل دو صلح، مشمول این روایات نخواهد بود.

۲-۴. آراء فقها در خصوص بیع العینه

در خصوص حکم بیع‌العینه با تعریفی که بیان شد، بین فقها نظر واحدی وجود ندارد. عده‌ای به‌طور مطلق به جواز آن حکم داده‌اند و گروهی به‌صورت مشروط قائل به صحت‌اند و در غیراین‌صورت، بیع را باطل می‌دانند. بیع عینه در فقه امامیه به دو نوعِ مشروط و غیرمشروط تقسیم شده است. منظور از عینه مشروط، عینهای است که عقد دوم در عقد اول شرط شده باشد و مشتریِ عینه ملتزم شده باشد که کال را حتماً به خود فروشنده بفروشد؛ اما در عینه غیرمشروط مشتری چنین شرطی را نپذیرفته و آزاد است که کالا را به هرکسی که بخواهد (ازجمله خود فروشنده) بفروشد (عشایری منفرد، ۱۳۹۹، ص. ۷۳). در ادامه آراء فقهای امامیه حول این موضوع به‌تفصیل بررسی خواهد شد.

۲-۴-۱. قائلان به صحت بیع‌العینه به‌طور مطلق

شیخ مفید (۱۴۱۳ق) در «المقنعه» بیان کرده است: «چنانچه شخصی کالایی را به نسیه خریداری کند و سپس آن را به‌صورت نقد به فروشنده به‌صورت نقد یا نسیه یا به قیمت کمتر یا بیشتر بفروشد، این بیع صحیح است»[۲۰] (مفید، ۱۴۱۳ق، ص. ۵۹۶) همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، حکم فقهی ایشان، مطلق بوده و مقید به هیچ شرطی نیست. همچنین شیخ طوسی (۱۳۸۷) در کتاب «النهایه» مانند شیخ مفید قائل به صحت بیع‌العینه است. ایشان بیان کرده چنانچه انسان، کالایی را به‌صورت نسیه بفروشد و همان را بخرد، صحیح است[۲۱] (طوسی، ۱۳۸۷، ص. ۳۸۸). علامه حلی (بی‌تا) در کتاب «تذکره الفقها»، بیع‌العینه

---

۲۰. «...و لا بأس أن یبیع الإنسان متاعا حاضرا إلی أجل ثم یبتاعه بعینه من المبتاع له نقدا و نسیئة بنقصان مما باعه و زیادة فیه...».

۲۱. و لا بأس أن یبیع الإنسان متاعا حاضرا إلی أجل، ثمَّ یبتاعه منه فی الحال.

را مختص به فرضی دانسته که شخصی به دیگری مدیون است و در سررسید امکان پرداخت دین خود را ندارد و با انجام بیع‌العینه، دین خود را درازای افزایش مبلغ بدهی، به تأخیر می‌اندازد. ایشان در مسأله ۴۱۸ حکم به صحت بیع‌العینه در نزد علمای امامیه داده و در بیان این حکم به روایتی از امام صادق‌علیه‌السلام استناد کرده است. حکم فقهی علامه حلی مقید به هیچ شرطی نیست و به‌طور مطلق بیان شده است.[۲۲] البته ایشان در تعریف بیع‌العینه فقط به صورتی اشاره کرده است که شخصی مدیون دیگری است و برای به تأخیر انداختن سررسید متوسل به بیع‌العینه می‌شود (حلی، ۱۴۱۴ق، ص. ۲۵۴). همچنین محقق کرکی در «جامع المقاصد» بعد از بیان قول علامه در قواعد مبنی‌بر جایز نبودن اشتراط بیع دوم در ضمن بیع اول، استدلال ایشان مبنی‌بر دوری بودن معامله را رد کرده و هیچ توضیح دیگری را اضافه ننموده است لذا می‌توان استنباط کرد که نظر محقق کرکی بر صحت شرط بیع دوم در بیع اول بوده است (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج۴، ص. ۲۰۴).

۲-۴-۲. قائلان به صحت بیع‌العینه به‌طور مشروط

براساس این دیدگاه، بیع‌العینه با تعریفی که بیان شد صحیح است مشروط به آنکه بیع دوم در بیع اول شرط نشود؛ به‌عبارت‌دیگر اگر شخصی کالایی را به‌صورت نقد بفروشد و در همان مجلس، آن کالا را به‌صورت نسیه از طرف مقابل، خریداری کند، بیع صحیح است به‌شرط آنکه بیع نسیه را در ضمن عقد اول (بیع نقد) شرط نکند. محقق حلی در شرایع از قائلان به این دیدگاه است[۲۳] (حلی، ۱۴۰۸ق، ج۲، ص. ۲۰). همچنین علامه حلی در مسأله ۴۱۷ «تذکره الفقهاء» خرید نقدی کالایی که به‌صورت نسیه فروخته شده، قبل از سررسید را در صورتی صحیح می‌داند که بیع دوم (نقد) در بیع اول (نسیه) شرط نشده باشد. ایشان شرط بیع دوم در بیع اول را موجب بطلان معامله دانسته و حکم خود را به ایجاد دور در معامله، مستدل کرده است. (حلی، ۱۴۱۴ق، ص. ۲۵۴). شارحان کلام

---

۲۲. مسألة ۴۱۸: العِیْنَة جائزة :لیست منهیّاً عنها عندنا و به قال الشافعی و هی عندنا عبارة عن الإقراض لعین ممّن له علیه دَینٌ لیبیعها ثمّ یقضی دَیْنه منها؛ لأنّ ذلک یجوز فی حقّ الغیر فیجوز فی حقّه.

۲۳. إذا اشترط تأخیر الثمن إلی أجل ثم ابتاعه البائع قبل حلول الأجل جاز بزیادة کان أو بنقصان حالا و مؤجلا إذا لم یکن شرط ذلک فی حال بیعه.

علامه در بیان دور، دو احتمال مطرح کرده‌اند: یکی آنکه انتقال مالکیت به خریدار اول متوقف است بر حصول شرط که همان انتقال به فروشنده است و حصول شرط هم متوقف است بر انتقال مالکیت از فروشنده اول به خریدار اول لذا دور خواهد بود و احتمال دیگر اینکه فروش دوم منوط است به مالکیت خریدار و مالکیت خریدار هم منوط است به تحقق شرط (که همان فروش کالا به فروشنده است) و در هر دو تقریر، دور حاصل است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج۲۳، ص. ۱۱۰).

دلیل دیگر بر بطلان بیع مشروط، عدم تمشی قصد است با این بیان که فروشنده اول با شرط بیع دوم در ضمن عقد، درواقع قصدی برای انتقال مالکیت نداشته است و لذا چنین عقدی به دلیل عدم وجود قصد بر انتقال مالکیت، باطل است (کرکی، ۱۴۱۴، ج۴، ص. ۲۰۴). شایان ذکر است «قصد» به سه معنی به‌کار می‌رود: ۱) اراده: به معنای عزم برای انجام کار؛ ۲) هدف (علت غایی): به معنای هدف فرد از انجام یک کار؛ و ۳) انشاء. منظور از قصد در قراردادها و در محل بحث، معنای سوم یعنی انشاء و اعتبار است، نه دو معنای دیگر (آهنگران، ۱۴۰۰). در مقابل دلایلی که برای حکم به بطلان بیع مشروط ذکر گردید، بعضی فقها پاسخ داده و آن دلایل را نپذیرفته‌اند. ازجمله آنکه در مقابل شبهه دور، گفته‌اند مالکیت خریدار منوط به تحقق شرط (انعقاد بیع دوم و درنتیجه از دست دادن مالکیت وی) نیست تا دور پیش آید بلکه آنچه منوط به حصول شرط است، لزوم عقد اول است (به عبارتی اگر شرط اجرا نشود خللی به عقد اول وارد نمی‌شود بلکه صرفاً حقی برای مشروط له به‌واسطه عدم تحقق شرط و متضرر شدن او پدید می‌آید) و اگرچه تملک بایع در بیع دوم متوقف است بر مالکیت مشتری اما این مطلب مستلزم منوط شدن مالکیت مشتری بر ملکیت بایع در بیع دوم نیست (چون مشتری به‌واسطه بیع اول، مالک شده است) (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۳، ص. ۱۱۰؛ کرکی، ۱۴۱۴، ج۴، ص. ۲۰۴)؛ به عبارتی در صورت عدم تحقق شرط (بیع دوم)، عقد قابل‌فسخ خواهد بود اما مالکیت به‌واسطه انعقاد عقد اول به خریدار، منتقل‌شده و منوط به موضوع دیگری نیست.

بعضی از فقها همین اشکال و جواب را به‌صورت دیگری تقریر کرده و بیان کرده‌اند در بیع‌العینه بایع شرط می‌کند که مشتری مبیع را مجدداً به وی بفروشد و به همین دلیل،

مالکیت مشتری متوقف بر فروش ملک به بایع شده و بر این اساس، مشتری مالک مال نگردیده است و لذا سزاوار دریافت ثمن نخواهد بود. ایشان در پاسخ به این اشکال ابراز داشته‌اند که هرچند در بیع عینه ملکیت مشتری مستلزم عمل به‌شرط است، اما مالکیت وی بر مبیع محقق گردیده و چون در عقد بیع، مالکیت، کفایت می‌کند، بیع عینه صحیح خواهد بود (جبعی عاملی، ۱۴۱۳ق).

همچنین در پاسخ به اشکال دیگر یعنی عدم قصد بایع نسبت به بیع، پاسخ داده‌اند که شرط بیع دوم اتفاقاً دلالت بر قصد جدی بایع در انتقال مالکیت به خریدار در بیع اول دارد وگرنه باید بیعی را که طرفین، قصد بازگرداندن مجدد کالا به بایع اول را (بدون اشتراط آن ضمن عقد) دارند نیز باطل دانست چون «العقود تابعه للقصود»؛ حال‌آنکه تمام فقها چنین عقدی را صحیح می‌دانند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج۲۳، ص. ۱۱۰). به‌بیان‌دیگر فقها در بیع‌العینه بالاتفاق بر این نظرند که درصورتی‌که طرفین، معامله دوم را شرط نکرده باشند، معامله صحیح است و درصورتی‌که اشکال بیع‌العینه مشروط را ناظر به عدم قصد جدی بدانیم، در حالت عدم اشتراط نیز صادق است. قرینه دیگر بر جدی بودن بیع‌العینه این است که اگر پس از معامله اول، مبیع تلف شود، از مال مشتری بوده و مشتری ضرر خواهد نمود.

شیخ انصاری (۱۴۱۵ق) در «مکاسب» بیان کرده است: «هنگامی‌که کالایی را به قیمت نسیه بخرد جایز است که آن را به فروشنده‌اش و غیرفروشنده چه قبل از سررسید و چه بعدازآن، به جنس ثمن یا غیرجنس ثمن، مساوی با کالا یا بیشتر و یا کمتر از آن، چه به‌صورت نقد چه به‌صورت نسیه، بفروشد، مگر اینکه یکی از متبایعین در فروش اولی، قبول فروشنده را در معامله دوم شرط کند». (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج۶، ص. ۲۲۵).

همچنین میرزای نائینی (۱۳۷۳ق) هم معتقد است: «از روایات باب العینه برمی‌آید، اگر هریک از متعاقدین به بیع دوم ملزم نباشند بلکه هرکدام از ایشان مختار باشند که اگر خواستند بیع دوم را انجام دهند و اگر خواستند انجام ندهند، در این صورت معامله صحیح است.» ایشان در ادامه بیان نموده است: «از مفهوم روایات استفاده می‌شود که اگر مشتری به خاطر اشتراط، بر انجام بیع دوم ملزم باشد، معامله باطل خواهد بود زیرا هیچ

الزامی بر معامله دوم نیست مگر اشتراط بازخرید و صحت این اشتراط اول کلام است (نائینی، ۱۳۷۳ق، ج۲، ص. ۱۲۲).

امام خمینی(ره) (۱۳۹۹) در رابطه با بیع عینه بیان داشته است: «اگر چیزی را نسیه بفروشد، خرید آن از او قبل از رسیدن مدت و بعدازآن، به جنس ثمن یا به غیر آن جنس، جایز است؛ چه با ثمن اول مساوی باشد یا نباشد و چه فروش دوم نقد باشد یا مدت‌دار؛ و این وقتی جایز است که در بیع اول شرط نشده باشد، بنابراین اگر بایع در فروش آن بر مشتری شرط کرده باشد که آن را بعد از خریدن به خود او بفروشد یا خریدار شرط کرده باشد که فروشنده، آن را از او بخرد بنابر احتیاط (واجب) صحیح نیست، چنان‌که اگر برای تخلص از ربا این حیله را بنماید مطلقاً جایز نیست» (موسوی خمینی، ۱۳۹۹، ص. ۵۶۹).

امام فتوی به بطلان بیع‌العینه نداده‌اند. البته ازآنجاکه در معاملات بیع‌العینه عمدتاً قصد دو طرف تخلص از ربا است، هرچند ازآنجاکه بیع‌العینه راهی جهت تخلص از ربا است و امام قائل به حرمت استفاده از حیل ربا می‌باشند. شرط امام خمینی خلاف روایت خواهد بود. می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بیع‌العینه در صورت شرط معامله دوم در معامله اول، از منظر ایشان باطل خواهد بود.

۲-۴-۳. جمع‌بندی آراء فقها

از مجموع نظرات فقها حول موضوع بیع‌العینه می‌توان به این جمع‌بندی رسید که:

۱. بیع عین معین به‌صورت ترکیب دو عقد بیع که یکی نقد باشد و دیگری نسیه بین دو نفر، به این حالت که اولی نسیه باشد و دومی نقد یا بالعکس، به‌اتفاق نظر همه فقها صحیح است و هیچ مخالفی در حکم به صحت وجود ندارد (طباطبائی، ۱۴۱۸ق، ج۸، ص. ۳۳۳؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج۲۳، ص. ۱۰۸). محل بحث درجایی است که انعقاد بیع دوم در بیع اول به‌صورت «شرط ضمن عقد» بیاید که در این صورت نسبت به حکم مسأله، اختلاف‌نظر وجود دارد.

۲. در بیع‌العینه هیچ‌گاه بحث ربا یا حیل ربا مطرح نبوده است و علی‌رغم اینکه فقها در کتب خود فصلی را به مبحث ربا اختصاص داده‌اند، بحث و بررسی

حول مسأله بیع‌العینه را ذیل ربا مطرح نکرده‌اند بلکه این معامله را در عقد بیع و ذیل عنوان نقد و نسیه مطرح نموده‌اند لذا می‌توان فهمید، برخلاف فضای جامعه فعلی که بیع‌العینه را از حیل ربا دانسته و ازاین‌جهت حکم به بطلان را ترسیم می‌کنند، فقهای عظام، صرفاً براساس روایات خاص وارده و به‌عنوان استثنائی بر عموم صحت معاملات، این نوع معامله را کنکاش کرده و محل بحث قرار داده‌اند.

۳. آن دسته از فقها که قائل به بطلان معامله در صورت اشتراط بیع دوم در بیع اول هستند، علت بطلان را دو مطلب بیان کرده‌اند: الف) دوری بودن معامله و ب) عدم قصد طرفین بر معامله.

برخی فقها محل بحث (بیع‌العینه) را به دو بخش تقسیم کرده‌اند: یکی را تحت‌عنوان «نقد و نسیه» بحث کرده‌اند و دیگری را تحت‌عنوان «بیع‌العینه». -اگرچه ازنظر ما بنا به تعریفی که بیان شد، هر دو مورد «بیع‌العینه» محسوب می‌شود اما مقصود ایشان از بیع‌العینه، معامله‌ای است که برای به تأخیر انداختن سررسید در ازای افزایش بدهی انجام می‌شود. بنا بر نظر ایشان بیع‌العینه (تأخیر در سررسید به ازای افزایش بدهی) به‌طور مطلق اعم از اینکه بیع دوم در بیع اول شرط بشود یا شرط نشود، جایز و صحیح است اما انجام معامله ترکیبی بیع نقد و نسیه مشروط به عدم اشتراط بیع دوم در بیع اول صحیح است (حلی، ۱۴۱۴ق، ج۱۱، صص. ۲۵۳-۲۵۴). در نقد نظر ایشان می‌توان گفت در هر دو مورد (بیع‌العینه برای امهال بدهی و بیع‌العینه برای تأمین نقدینگی) شبهه ربا وجود دارد و امام معصوم[علیه‌السلام] راهکار بیع‌العینه را در خصوص امهال بدهی (تأخیر در پرداخت در ازای افزایش بدهی) برای تخلص از «ربای جاهلی» تعلیم داده‌اند و لذا بیع‌العینه در این فرض، صحیح و مجاز است اما آیا می‌توان از حکم بیان‌شده در فرض امهال بدهی الغای خصوصیت کرده و این حکم را به‌صورت دوم یعنی بیع‌العینه برای تأمین نقدینگی هم سرایت داد؟ برخی معتقدند با توجه به روایات وارده می‌توان گفت این نحوه از بازخرید که بفروشد و بخرد، اطلاق ندارد و تنها جهت امهال دین صحیح است و لذا اشخاصی که بدهی بالفعل در میان‌شان وجود ندارد، بلکه پول را برای امر دیگری نیاز دارند،

نمی‌توانند از بیع‌العینه استفاده کنند. امکان دارد که شارع برای رفع خطر امهال قرض به‌صورت ربوی، بیع‌العینه را در این صورت جایز شمرده است. در نتیجه قدر متیقن در صحت بیع‌العینه را می‌توان هنگامی دانست که یکی طلبکار و دیگری بدهکار است (معصومی‌نیا، ۱۳۹۸). در پاسخ باید گفت اولاً قدر متیقن را باید نسبت به استثنا جاری کرد و نه نسبت به قاعده و حکم کلی؛ در محل بحث قاعده کلی عبارت از «صحت» و «جواز» معاملات است و ممنوعیت ربا استثنایی بر این حکم کلی است، لذا به هنگام شک باید به اصل برگشت؛ ثانیاً در برخی روایات مانند روایت بشاربن یسار و عبدالحمید بن سعد در خصوص بیع‌العینه برای تأمین نقدینگی بدون قید و به‌صورت مطلق، حکم به جواز داده‌اند؛ و ثالثاً در هر دو مورد، اشکال یکی است و شبهه ربا از سنخ «دِین» بوده و هیچ‌کدام ویژگی خاصی نسبت به دیگری ندارند تا یکی را به‌طور مطلق صحیح بدانیم و دیگری را به‌طور مقید؛ بله اگر در روایات به‌صراحت، ممنوعیت اشتراط بیان‌شده بود، با توجه به ورود دلیل خاص، چنین معامله‌ای باطل بود اما با توجه به توضیحاتی که بیان شد چنین دلیلی موجود نیست.

۳. مصادیق شبهه بیع‌العینه در بازار سرمایه

۳-۱. قرارداد ریپو

ریپو، فروش نقدی اوراق بهادار هم‌زمان با توافقی برای بازخرید اوراق مشابه به قیمتی بالاتر در آینده است (Feleming, 2003, p. 1). با توجه به آنکه در این تعریف اوراق مشابه گفته شده است، پس می‌توان گفت ریپو خریدوفروش عین مشخص نیست. در این قرارداد شخص اوراق بهادار داشته و درعین‌حال نیاز به نقدینگی دارد ولی نمی‌خواهد اوراق را از دست بدهد؛ بنابراین هدف در ریپو و بیع‌العینه مشترک است و همان تأمین نقدینگی است. به‌صورت کلی ریپو را می‌توان به دودسته تقسیم‌بندی نمود؛

۱. ریپو کلاسیک: این ریپو شامل فروش نقدی اوراق منضم با تعهد به بازخرید اوراق مشابه به قیمت توافق شده در آینده است (World Bank, 2010).

۲. ریپو فروش و بازخرید: تفاوت این ریپو با ریپوی کلاسیک در این است که از دو قرارداد حقوقی جدا از هم تشکیل شده است. همچنین در این نوع ریپو خریدار مالک کوپن‌ها است (World Bank, 2010).

در هر دو مدل قراردادی ریپو، فروشنده ملزم به بازخرید نقدی اوراق خود است. شرط شدن معامله دوم در معامله اول بنابر قول مشهور، به دلیل شبهه بیع‌العینه محکوم‌به حرمت و بطلان است اما اولاً با توجه به مطالب پیش‌گفته چنین حکمی محل مناقشه است و با دلایل مطروحه نمی‌توان حکم حرمت و بطلان را پذیرفت و ثانیاً با فرض پذیرش قول مشهور که الزام به معامله دوم را محکوم‌به حرمت و بطلان عقد می‌داند میان ریپو و بیع‌العینه تفاوت‌هایی است. برخی از نویسندگان (موسویان، کاتوزیان، طالبی و حاجیان، ۱۳۹۵) از چند جهت میان ریپو و بیع‌العینه تفاوت قائل شده‌اند:

۱. در بیع عینه چنانچه فروشنده به‌شرط عمل نکند، خریدار معامله اول را فسخ می‌کند. درحالی‌که در ریپو اگر فروشنده به‌شرط خود عمل نکند، خریدار معامله اول را فسخ نخواهد کرد.
۲. بیع عینه، برای یک کالا مشخص است. درحالی‌که در ریپو ممکن است خریدار اوراق مشابهی را از بازار خریده و به فروشنده تحویل دهد.
۳. در بیع عینه در فاصله میان دو قرارداد هیچ فعالیت اقتصادی خاصی رخ نمی‌دهد. این در حالی است که دریپو، فروشنده با استفاده از این وجوه مشکل نقدینگی خود را برطرف می‌نماید.

همچنین می‌توان به تفاوت‌ها زیر نیز میان بیع‌العینه و ریپو اشاره کرد؛

۱. در ریپو دو بیع به‌صورت کلی است، درصورتی‌که ریپو ناظر به یک اوراق بهادار مشخص باشد، می‌تواند شبهه بیع‌العینه را داشته باشد؛ اما درصورتی‌که خریدار در قرارداد اول ملزم به فروش همان اوراق نباشد، نمی‌تواند در حیطه بیع‌العینه قرار گیرد. ازآنجاکه در ریپو خریدار می‌تواند در معامله دوم اوراق مشابهی را تحویل دهد، بنابراین ریپو خریدوفروش یک دارایی کلی است.

۲. در ریپو هر دو معامله به‌صورت نقد انجام خواهند شد. همان‌طور که اشاره شد، بیع‌العینه تنها اختصاص به معامله به‌صورت نقد و نسیه دارد.
۳. همچنین ممکن است مطرح شود که قصد جدی در معامله ریپو وجود ندارد. در جواب باید گفت اولاً همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد قصد به معنای انشاء است و در اینجا نیز انشاء قرارداد خریدوفروش است. دلیل دیگری که می‌توان بر وجود قصد در معامله بیان کرد آن است که در صورت عدم بازخرید، دارایی در اختیار خریدار اولیه باقی خواهد ماند.
۴. تفاوت دیگری که می‌توان بین قرارداد ریپو و بیع‌العینه قائل شد، آن است که در بیع‌العینه چنانچه یکی از طرفین معامله را انجام ندهد، طرف دیگر با استناد به‌شرط می‌تواند معامله اول را فسخ نماید؛ اما در ریپو چنانچه شخص اوراق بهادار خود را بفروشد اما دومرتبه آن را خریداری ننماید، معامله اول (در هردو مدل کلی ریپو) همچنان برقرار است.

با توجه به دلیل ذکرشده ریپو از اساس با بیع‌العینه متفاوت است. در نتیجه این معامله براساس قواعدی مانند «احل الله البیع» و «اوفوا بالعقود» صحیح خواهد بود. البته سازوکار ریپوی مصوب در شورای فقهی بانک مرکزی با حالت متعارف متفاوت است. در ریپو مصوب شورای فقهی بانک مرکزی شرط بازخرید وجود نداشته و فرآیند برمبنای یک اختیار خریدوفروش انجام می‌شود که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

۳-۲. اوراق اجاره

اوراق اجاره، اوراق بهادار بانام قابل نقل و انتقالی است که نشان‌دهنده مالکیت مشاع دارنده آن در دارایی مبنای انتشار اوراق اجاره است (شورای عالی بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۰). در این اوراق ابتدا کالا توسط بانی یا یک فروشنده دیگر به نهاد واسط فروخته می‌شود و سپس نهاد واسط با بانی قرارداد اجاره به‌شرط تملیک یا اجاره با اختیار خرید منعقد می‌کند (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۴۰۰، صص. ۳۶-۲۶). در حال حاضر اوراق اجاره‌ای که در بازار سرمایه منتشر می‌شود از نوع فروش و اجاره به‌شرط تملیک بوده و فروشنده و بانی نیز یکی است. به‌عبارت‌دیگر بانی یکی از دارایی‌های خود را به

نهاد واسط می‌فروشد و نهاد واسط همان دارایی را به بانی اجاره به‌شرط تملیک می‌دهد. در این حالت شبهه بیع‌العینه مطرح خواهد شد. کمیته فقهی سازمان بورس پیش‌تر مصوب کرده بود که در این حالت، جهت رفع احتمال شبهه بیع‌العینه بایستی قرارداد اجاره به‌صورت طبیعی برگزارشده و با شروط ضمن عقد مخدوش نشود (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۴۰۰، ص. ۳۶).

در ماهیت قرارداد اجاره به‌شرط تملیک اختلاف وجود دارد. برخی آن را عقدی مستقل دانسته‌اند (اسلام‌پناه و عباسیان، ۱۳۸۷، ص. ۳۸) و برخی معتقدند که اجاره به‌شرط تملیک همان اجاره است که ملکیت به‌صورت شرط نتیجه منتقل می‌شود (تفرشی و وحدتی شبیری، ۱۳۸۰؛ وفادار، ۱۳۸۵). همچنین ماده ۵۷ قانون عملیات بانکی بدون‌ربا، اجاره به‌شرط تملیک را عقد اجاره تعریف کرده است. برخی آن را بیع دانسته‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۹، ص. ۸۵۴؛ کاتوزیان، ۱۳۸۱، ص. ۷۸) و برخی آن را عقد مرکب از بیع و اجاره است (زحیلی، ۱۴۳۲ق، صص. ۳۹۵ و ۳۹۷؛ خورسندیان و شنیور، ۱۳۹۰، ص. ۸۷).

مطابق نظرات فوق تنها درصورتی‌که ماهیت اجاره به‌شرط تملیک را «بیع» بدانیم، مشکل بیع‌العینه متصور خواهد بود. در غیراین‌صورت ازآنجاکه عقد دوم ماهیتی غیر از بیع دارد، دیگر شبهه بیع‌العینه برای قرارداد فروش و اجاره به‌شرط تملیک مطرح نخواهد بود. درصورتی‌که اجاره به‌شرط تملیک را همان بیع بدانیم، به‌موجب وقوع عقد بیع، مشتری مالک مبیع خواهد شد. درصورتی‌که در اجاره به‌شرط تملیک، در پایان مدت قرارداد مستأجر مالک مبیع خواهد افتاد؛ بنابراین مستأجر از زمان انعقاد قرارداد می‌تواند هرگونه تصرفات مالکانه را انجام دهد درصورتی‌که در اجاره به‌شرط تملیک، در طول قرارداد تنها حق استیفای منفعت عین مستاجره را خواهد داشت (سعدی و اکبری، ۱۳۹۶، صص ۳۸-۳۹).

حتی اگر اجاره به‌شرط تملیک را مصداق بیع بدانیم، قرارداد «فروش و اجاره به‌شرط تملیک» مصداق بیع‌العینه نخواهد بود. چراکه بنابر نظر مختار، بیع‌العینه در هیچ حالتی حرام یا باطل نیست و حتی بنا بر نظر مشهور نیز بیع‌العینه منحصر در معامله نقد و نسیه است. حال آنکه در قرارداد «فروش و اجاره به‌شرط تملیک» اجاره به‌شرط تملیک را

نمی‌توانیم مصداق معامله نسیه بدانیم. چراکه در معامله نسیه، کالا (مبیع) به تملیک مشتری درمی‌آید و سپس قیمت (ثمن) پرداخت می‌شود. درحالی‌که در اجاره به‌شرط تملیک ابتدا وجه پرداخت می‌شود و کالا (مبیع) در انتهای قرارداد به تملیک مشتری درمی‌آید؛ بنابراین ازآنجاکه بیع‌العینه را منحصر در معامله نقد و نسیه دانستیم و حتی اشتراط بیع دوم در بیع اول را بدون مشکل دانستیم؛ بنابراین حتی اگر ماهیت اجاره به‌شرط تملیک را بیع بدانیم، در آن صورت قرارداد فروش و اجاره به‌شرط تملیک از سنخ دو بیع نقد خواهد بود.

۳-۳. ابزارهای مبتنی‌بر قرارداد فروش به همراه دو اختیار

در بازار سرمایه در ابزارهای متفاوتی از قراردادهای سلف، اوراق تبعی و قرارداد ریپو بانک مرکزی فروش به همراه دو اختیار استفاده می‌شود. در این قرارداد فرد سهام یا کالای خود را به فروش می‌رساند و همراه آن‌یک اختیار فروش به سرمایه‌گذار داده و یک اختیار خرید به قیمتی بالاتر از اختیار فروش از وی می‌گیرد. اختیار فروش برای سرمایه‌گذار درصدی از سود را تضمین می‌کند. چراکه در سررسید قرارداد درصورتی‌که قیمت کالا از قیمت اعمال در اختیار فروش کم‌تر شود، سرمایه‌گذار می‌تواند اختیار خود را اعمال کند. همچنین در صورت قیمت مبیع در سررسید از قیمت اعمال در اختیار خرید بیش‌تر شود، فروشنده می‌تواند اختیار خود را اعمال کند. مطابق مصوبه کمیته تخصصی فقهی سازمان بورس، هر نوع فروش دارایی اعم از نقد، سلف یا نسیه همراه با اختیار خریدوفروش در صورتی صحیح است که امکان تحقق قیمت کالا در فاصله میان دو اختیار از دید کارشناسان قابل‌اعتنا باشد. باشد و یا فاصله زمانی نیز میان دو اختیار به نحوی باشد که از دید کارشناسان احتمال عدم اعمال اختیار قابل‌اعتنا باشد (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۴۰۰، ص. ۲۳۰). تاکنون از این روش به سه نحو در بازار سرمایه استفاده شده است؛

۱. فروش سهام همراه با اختیار فروش تبعی و خرید حق اختیار خرید: ورقه بهاداری است که براساس آن، اختیار خرید تعداد مشخصی از دارایی پایه مطابق

شرایط تسویه تعهدات اعلامی در اطلاعیه عرضه در سررسید به عرضه‌کننده اوراق اختیار فروش تبعی داده می‌شود (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۷). در این روش سهامدار عمده یک سهام متقاضی تأمین مالی است. ابتدا وثایق معتبر (جهت) خود را همراه با اختیار فروش تبعی به سرمایه‌گذاران فروخته و سرمایه‌گذاران نیز اختیار خرید به سهامدار عمده می‌فروشند.

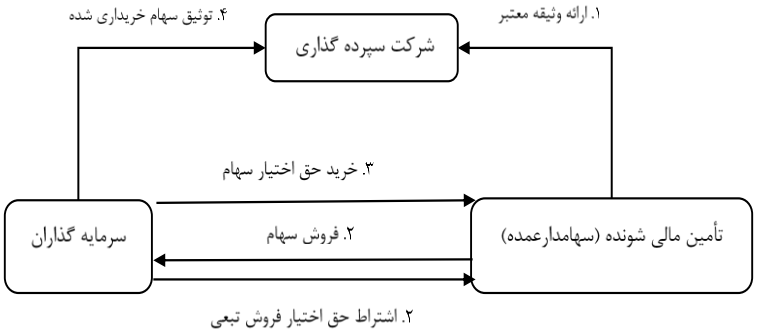

شکل (۱): فروش سهام همراه با اختیار فروش تبعی و خرید حق اختیار خرید
منبع: (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۴۰۰، ص. ۳۹۲)

۲. ریپو بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: همان‌طور که پیش‌تر گفته‌شده قرارداد ریپوی مصوب کمیته فقهی با ریپوی متعارف متفاوت است. مطابق مصوبه کمیته فقهی بانک مرکزی در قرارداد ریپو، شرط بازخرید نباید وجود داشته باشد و فرایند بر مبنای دو اختیار خریدوفروش میان طرفین برقرار می‌گردد (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۴۰۰). البته در این در مصوبه کمیته فقهی بانک مرکزی تصریحی به الزام وجود اختلاف میان اختیار خرید و اختیار فروش نشده است و در حال حاضر هر دو اختیار در یک قیمت و یک‌زمان دارند.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ریپو متعارف را قبول نکرده است. در مدل جایگزین بانک مرکزی دارایی مالی فروخته می‌شود و اختیار خریدوفروش بین خریدار و فروشنده مبادله می‌شود. دارایی مبنا می‌تواند اوراق دولتی و شرکتی و ارز قرار گیرد (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۸).

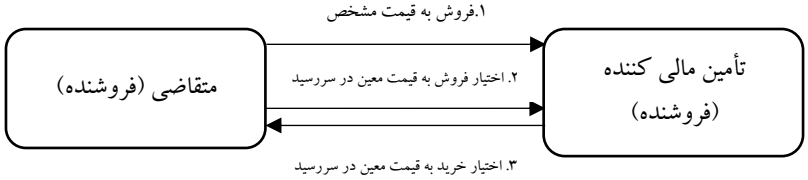

شکل (۲): مدل ریپو بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

منبع: (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۸)

۳. فروش کالا به‌صورت سلف با دو اختیار خریدوفروش اوراق سلف ورقه‌ای می‌باشد که بر پایه قرارداد سلف طراحی شده است یعنی خریدار انی اوراق، مالک مقدار معینی کالای کلی در ذمه انتشاردهنده آن است و انتشار دنده متعهد است در سررسید معین، کالای مورد معامله را تحویل دهد (موسویان، ۱۳۸۹، ص ۸۰). اوراق سلف همراه با اختیار فروش تبعی و یک اختیار خرید تبعی عرضه می‌شود. بر مبنای اختیار خرید تبعی عرضه‌کننده می‌توانند اختیار خرید مقدار مشخصی از دارایی پایه به «قیمت اعمال» را در تاریخ سررسید خواهد داشت (شورای عالی بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۰–الف و ب). همچنین بر مبنای اختیار فروش، خریدار امکان فروش مقداری مشخصی از دارایی را قیمت اعمال در سررسید خواهد داشت.

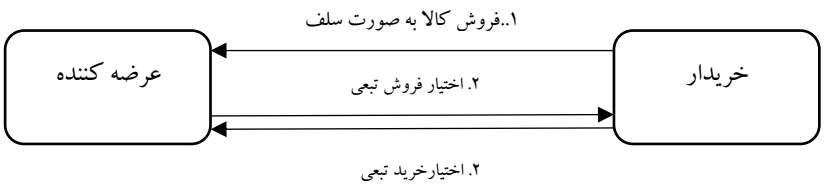

شکل (۳): اوراق سلف

منبع: (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۰)

همان‌طور که در بخش نخست مقاله اشاره کردیم، بیع‌العینه بنا بر بررسی روایی چنانچه به‌طورجدی مورد قصد و انشای متعاملین قرار گیرد، محکوم‌به حرمت و بطلان نخواهد بود و بنابر قول مشهور نیز حکم حرمت و بطلان منحصر به معامله نقد و نسیه است و ازآنجاکه در ابزارهای مبتنی‌بر بیع به همراه دو اختیار، معامله دوم بیع نسیه نیست و هر دو معامله نقدند، در حیطه شبهه بیع‌العینه قرار نخواهد گرفت.

نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی حکم بیع‌العینه در و انطباق آن بر ابزارهای بازار سرمایه جمهوری اسلامی ایران پرداختیم. ابتدا حکم بیع‌العینه را با بررسی روایات وارده در این خصوص موردبحث قراردادیم. روایات مربوط به بیع‌العینه را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: الف) برخی مطلقاً معامله بیع‌العینه را صحیح دانسته‌اند؛ ب) برخی به‌صورت مشروط حکم به صحت داده‌اند؛ و ج) برخی مطلقاً نهی کرده‌اند. از بررسی روایات به این نتیجه رسیدیم که روایات دال برنهی، از موضوع بحث خارج‌اند و روایات مشروط نیز مطابق قاعده بوده و چنانچه قصد جدی بر معامله نباشد را محکوم‌به بطلان دانسته‌اند و لذا معاملات جدی را ولو اینکه طرفین معامله دوم را در معامله اول شرط کنند صحیح می‌دانند همان‌طور که روایات مطلقه دال بر صحت بیان کرده‌اند.

در مرحله بعد ابزارهای بازار سرمایه که شبهه بیع‌العینه را می‌توان در مورد آن‌ها متصور نمود، موردبررسی قرار گرفتند. این ابزارها عبارت بودند از؛ ریپو متعارف، اوراق اجاره، ابزارهای مبتنی‌بر فروش اختیار خرید و اختیار فروش شامل (فروش سهام همراه با اختیار فروش تبعی و خرید حق اختیار خرید، ریپو بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، فروش کالا به‌صورت سلف با دو اختیار خریدوفروش). با توجه به نظر مختار هیچ‌کدام از این معاملات مشمول ممنوعیت شرعی نیستند و حتی با پذیرش قول مشهور در مورد بیع‌العینه نیز اشکالی به این ابزارها وارد نیست زیرا آنچه در نظر مشهور مصداق بیع‌العینه ممنوعه است جایی است که اولاً موضوع بیع، عین شخصی باشد و ثانیاً دو معامله یکی بیع نقد باشد و دیگری بیع نسیه؛ حال‌آنکه در این ابزارها هیچ‌کدام از این د

شرط وجود ندارد. اولاً معاملات به‌صورت کلی (اوراق بهادار) واقع می‌شود و ثانیاً هر دو معامله به‌صورت نقد منعقد می‌شود.

ملاحظات حقوقی
- پیروی از اصول حقوقی
تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.
- تعارض منافع
بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.
بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از پایان‌نامه، رساله دکتری و طرح پژوهشی نیست.
بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله با همکاری مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس و اوراق بهادار نگارش شده است

کتابنامه

۱. آهنگران، محمدرسول (۱۴۰۰). بازپژوهی حیله‌های مشروع فرار از ربا با رویکرد فقه مقارن. *مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی*، ۱(۱)، ۷-۳۰. DOI: 10.22034/fiqh.2021.59503

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، محقق (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه* (جلد سوم، چاپ دوم) (علی‌اکبر غفاری: مصحح). ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.

۳. ابن رشد، أبو الولید محمد بن أحمد (۱۴۲۵ق). *بدایة المجتهد و نهایة المقتصد* (جلد ۳). مصر، القاهره: دارالحدیث.

۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق). *لسان العرب* (چاپ ۳). لبنان، بیروت: دارصادر.

۵. ابن‌قدامه، أبو محمد (۱۳۸۸ق). *المغنی* (جلد ۴). مصر، القاهره: مکتبة القاهره.

۶. أحمد بن محمد بن حنبل (۱۴۱۶ق). *مسند الإمام أحمد بن حنبل*. مصر، القاهره: دارالحدیث.

۷. اسلامی‌پناه، علی؛ و عباسیان، رضا (۱۳۸۸). ماهیت حقوقی اجاره به شرط تملیک. *مطالعات حقوق خصوصی*، ۳۹(۳)، ۴۳-۲۳.

۸. انصاری، حسین؛ و هاشمی، سیدحامد (۱۳۹۵). «قبح نقض غرض» با تأکید بر نظر امام خمینی(ره) در بحث حیله‌های فرار از ربا. *پژوهشنامه متین*، ۱۸(۷۰)، ۱-۲۵.

۹. انصاری، شیخ مرتضی (ق۱۴۱۵). المکاسب المحرمة و البیع و الخیارات (ط- الحدیثة). ایران، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

۱۰. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۸). *شورای فقهی (مصوبه جلسه ۱۸)*. ایران، تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۱. تفرشی، محمدعیسی؛ وحدتی شبیری، سید حسن (۱۳۸۰). ماهیت حقوقی، احکام و آثار قرارداد «اجاره به‌شرط تملیک». *مطالعه تطبیقی*، ۹(۳۶)، ۱۱۷-۱۳۰.

۲. جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ق). *مسالک الافهام الی تنقیر شرائع اسلام* (جلد ۳). ایران، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.

۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۹). *مجموعه محشی قانون مدنی*. ایران، تهران: گنج دانش.

۴. حسینی عاملی، محمدجواد (بی‌تا). *مفتاح الکرام* (جلد ۴). لبنان، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۵. حلی، حسن بن یوسف (بی‌تا). *تذکره الفقها* (جلد ۱۰). ایران، قم: آل‌البیت(ع).

۶. خورسندیان، محمدعلی؛ و شنیور، قادر (۱۳۹۰). ماهیت عقد مرکب در فقه و حقوق موضوعه. *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، ۲(۴)، ۸۷-۱۱۰.
DOI: 10.22075/feqh.2017.1863

۷. رستمی، سید فاضل؛ افسری، سالم؛ و احمدی، ابوبکر (۱۳۹۷). حکم بیع عینه در فقه مذاهب اسلامی. *مطالعات فقه و اصول*، ۱(۱)، ۹۱-۱۰۶. DOI: 10.34785/J016.2018.994

۸. رضایی دوانی، مجید (۱۴۰۰). *درس گفتارهای فقهی، کتاب ربا، حضرت آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی*. ایران، قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی موسوی اردبیلی(ره).

۹. زحیلی، وهبه (۱۴۳۲ق). *المعاملات المالیه المعاصره*. سوریه، دمشق: دارالفکر.

۱۰. سجادی، سیدمحسن؛ و رضایی دوانی، مجید (۱۴۰۰). *نظام مالی اسلامی: مجموعه مقالات نکوداشت شادروان دکتر محمدتقی نظرپور*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

۱۱. سعدی، حسینعلی؛ و اکبری، محمود (۱۳۹۶)، بررسی فقهی ماهیت عقد اجاره به‌شرط تملیک در بانکداری بدون ربا جمهوری اسلامی ایران، *پژوهش‌نامه فقه اجتماعی*، ۶(۱۱)، ۳۱-۶۹. DOI: 10.30497/fiqh.2017.2279

۱۲. شکری، فاطمه؛ و حسینی، سید مصطفی (۱۴۰۰). بیع عینه و رابطه آن با ربا. *رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی*، ۲(۶)، ۲۲۱-۲۵۲.

۱۳. سازمان بورس و اوراق بهادار (۱۳۹۰– الف). *شورای عالی (دستورالعمل اجرایی معاملات سلف استاندارد در بورس کالای ایران)*. ایران، تهران: سازمان بورس و اوراق بهادار.

۱۴. سازمان بورس بورس و اوراق بهادار (۱۳۹۰–ب). *شورای عالی (دستورالعمل انتشار اوراق اجاره)*. ایران، تهران: سازمان بورس و اوراق بهادار.

۱۵. سازمان بورس و اوراق بهادار (۱۴۰۰). *مصوبات کمیته تخصصی فقهی*. ایران، تهران: سازمان بورس و اوراق بهادار.

۱۶. شوکانی، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *نیل أالوطار* (جلد ۵). مصر القاهره: دارالحدیث.

۱۷. طباطبائی، سید علی بن محمد (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل (ط– الحدیثة). ایران، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.

۱۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الامامیه* (جلد ۵، چاپ ۳). ایران، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.

۱۹. عشایری منفرد، محمد (۱۳۹۹). حکم فقهی بازخرید شرط شده در ضمن عقد بیع؛ مطالعه موردی قرارداد ریپو. *اقتصاد اسلامی*، ۲۰(۷۹)، ۶۵–۸۵.

۲۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱). *حقوق مدنی، عقود معین*. ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۲۱. کافی کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق). *دارالکتب الإسلامیه* (جلد پنجم، چاپ چهارم) (علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی: مصححان)، ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.

۲۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). *مرآه العقول فی شرح اخبار آل‌الرسول(ص)* (جلد ۱۹). ایران، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۲۳. محقق کرکی، شیخ نورالدین علی بن حسین (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد. ایران، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۶۴). *ربا بانک بیمه* (چاپ اول). ایران، تهران: صدرا.

۲۵. معصومی‌نیا، علی (۱۳۹۸). بیع‌العینه: بررسی فقهی و کاربرد آن در اختیار معامله تبعی و اوراق تورق. *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۱۰(۲۰)، ۴۹–۶۵.

۲۶. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *المقعنة*. ایران، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید رحمةالله‌علیه

۲۷. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق). *مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان* (جلد ۹). ایران، قم: مؤسسه النشر اسلامی.

۲۸. موسویان، سیدعباس (۱۳۸۹). اوراق سلف ابزاری برای تأمین مالی پروژه‌های بالادستی صنعت نفت. *اقتصاد اسلامی*، ۱۰(۳۹). ۸۵-۱۱۶.

۲۹. موسویان، سیدعباس؛ کاتوزیان، محمدرضا، طالبی، محمد؛ و حاجیان، محمدرضا (۱۳۹۵). توافق‌نامه بازخرید (ریپو) در بازار بین‌بانکی اسلامی. *اقتصاد اسلامی*، ۱۵(۶۰)، ۸۱-۱۱۱.

۳۰. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۹۷). *البیع* (جلد ۵). عراق، نجف: الآداب.

۳۱. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۹۹). *تحریرالوسیله* (جلد ۱). ایران، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۳۲. میرمعزی، سیدحسین. (۱۳۸۵). حیله‌های ربا. *اقتصاد اسلامی*، ۶(۲۴)، ۹۵-۱۳۰.

۳۳. نائینی، میرزامحمد حسین غروی (۱۳۷۳ق)، *منیه الطالب فی حاشیه المکاسب*. ایران، تهران، المکتبه المحمدیه.

۳۴. نجفی خوانساری، موسی (۱۳۷۹). *منیه الطالب فی شرح المکاسب* (چاپ اول). ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۳۵. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام* (جلد ۲۸). لبنان، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۳۶. نفری، جواد؛ و عندلیبی، علی (۱۴۰۱). پژوهشی در حیل تخلص از ربا با تأکید بر بیع عینه. *مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۴(۲۸)*، ۳۲۵-۳۴۸.

۳۷. وفادار، علی (۱۳۸۷). اجاره به‌شرط تملیک. *مطالعات حقوق خصوصی*، ۳۸(۱)، ۳۵۱-۳۷۲. DOR: 20.1001.1.25885618.1387.38.1.16.3

۳۸. هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار (۱۳۹۷). *دستورالعمل معاملات اوراق اختیار فروش تبعی در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران*. ایران، تهران: سازمان بورس و اوراق بهادار.

Reference

1. Ahangaran, M, R., (2021). Revisiting Lawful Tricks to Evade Usury with a Comparative Jurisprudence Approach. *Comparative Studies of Jurisprudence Schools*, 1(1), 7-30. DOI: 10.22034/fiqh.2021.59503
2. Ahmad, I, M, I, H., (1995). *Musnad Ahmad ibn Hanbal*. Cairo, Egypt: Dar al-Hadith. (In Arabic).
3. Al-Kulayni, M, I, Y., (1986). *Al-Kafi* (Volume 5, 4th Edition) (Edited by Ali Akbar Ghafari and Muhammad Akhund). Qom, Iran: Islamic Publications Office, Society of Seminary Teachers of Qom. (In Arabic).
4. Al-Majlisi, M, B., (1983). *Mir'aat al-Uqool fi Sharh Akhbar Aal al-Rasool* (Volume 19). Tehran, Iran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. (In Arabic).
5. Al-Mufid, M, I, M., (1992). *Al-Muqni'ah*. Qom, Iran: Global Millennium Congress of Sheikh al-Mufid. (In Arabic).

6. Al-Muhaqqiq al-Karaki, S, I, A., (1993). Jami‘ al-Maqasid fi Sharh al-Qawa’id. Qom, Iran: Al al-Bayt Institute. (In Arabic).
7. Al-Naini, M, H, A., (1953). *Minyat al-Talib fi Hashiyat al-Makasib*. Tehran, Iran: Al-Maktaba al-Muhammadiyya. (In Arabic).
8. Al-Najafi, M, H., (1983). *Jawahir al-Kalam* (Volume 28). Beirut, Lebanon: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. (In Arabic)
9. Al-Shawkani, M, I, A., (1992). *Nayl al-Awtar* (Volume 5). Cairo, Egypt: Dar al-Hadith. (In Arabic).
10. Al-Tusi, M, I, A., (1967). Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyyah (Volume 5, 3rd Edition). Tehran, Iran: Al-Maktaba al-Murtazawiyyah. (In Arabic).
11. Ansari, H; & Hashemi, S, H., (2016). The Wrong of Contradicting Purpose with Emphasis on Imam Khomeini's View on Usury-Evasion Tricks. *Matin Research*, 18(70), 1-25. (In Pesaian).
12. Ashayeri Monfared, M., (2021). The Jurisprudential Ruling of Conditional Buyback in Sale Contracts: A Case Study of Repo Agreements. *Islamic Economics*, 20(79), 65-85. (In Pesaian).
13. Ansari, M., (1994). *The Forbidden Gains, Sales, and Options* (Modern Edition). Qom, Iran: Global Congress of Commemoration of Sheikh Ansari. (In Arabic).
14. Eslami Panah, A; & Abbasian, R., (2009). Legal Nature of Lease-Purchase Agreements. *Private Law Studies*, 39(3), 43-23. (In Pesaian).
15. Feleming, M., (2003). *The Repurchase Agreement Refined*: GCF Repo; Federal Reserve Bank of New York.
16. Hilli, H, I, Y., (n.d.). *Tadhkirat al-Fuqaha* (Volume 10). Qom, Iran: Al al-Bayt (A). (In Pesaian).
17. Hosseini Ameli, M, J., (n.d.). *Miftah al-Karamah* (Volume 4). Beirut, Lebanon: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. (In Pesaian).
18. Ibn Babawayh, M, I, A., (1992). Man La Yahduruh al-Faqih (Volume 3, 2nd Edition) (edited by Ali Akbar Ghafari). Qom, Iran: Islamic Publications Office, Society of Seminary Teachers of Qom. (In Arabic).
19. Ibn Manzur, M, I, M., (1984). *Lisan al-Arab* (3rd Edition). Beirut, Lebanon: Dar Sadir. (In Arabic).
20. Ibn Qudamah, A, M., (1988). *Al-Mughni* (Volume 4). Cairo, Egypt: Cairo Library. (In Arabic).
21. Ibn Rushd, A., (2004). *The Distinguished Jurist's Primer* (Volume 3). Cairo, Egypt: Dar al-Hadith. (In Arabic).
22. Jafari Langroudi, M, J., (2000). Annotated Collection of the Civil Code. Tehran, Iran: Ganj-e Danesh. (In Pesaian).
23. Katouzian, Nasser (2002). *Civil Law: Specific Contracts*. Tehran, Iran: Company of Joint Publication. (In Pesaian).
24. Mousavi Khomeini, R., (2019). *Al-Bay’* (Volume 5). Najaf, Iraq: Al-Adab. (In Pesaian).
25. Mousavi Khomeini, R., (2021). *Tahrir al-Wasilah* (Volume 1). Tehran, Iran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini’s Works. (In Pesaian).

26. Khorsandian, M, A; & Shanivar, Q., (2011). The Nature of Compound Contracts in Jurisprudence and Civil Law. Islamic Jurisprudence and Law Studies, 2(4), 87-110. DOI: 10.22075/feqh.2017.1863 (In Pesaian).
27. Masoumi Nia, A., (2019). Bay‘ al-‘Inah: Jurisprudential Analysis and Its Application in Put Option and Tawarruq Bonds. *Islamic Economic Knowledge*, 10(20), 49-65. (In Pesaian).
28. Mirmazi, S, H., (2006). Usury Tricks. *Islamic Economics*, 6(24), 95-130. (In Pesaian).
29. Motahari, M., (1985). *Usury, Banking, and Insurance* (1st Edition). Tehran, Iran: Sadra. (In Pesaian).
30. Mousavian, S, A., (2010). Sukuk Forward Contracts as a Financing Tool for Upstream Oil Projects. *Islamic Economics*, 10(39), 85-116. (In Pesaian).
31. Mousavian, S, A; Katouzian, M, R; Talebi, M; & Hajian, M, R., (2016). Repurchase Agreements (Repo) in the Islamic Interbank Market. *Islamic Economics*, 15(60), 81-111. (In Pesaian).
32. Muqaddas Ardabili, A, I, M., (1982). *Majma‘ al-Fa’ida wa al-Burhan fi Sharh Irshad al-Adhhan* (Volume 9). Qom, Iran: Islamic Publishing Institute. (In Arabic).
33. Nafari, J; & Andlibi, A., (2022). A Study of Tricks to Escape Usury with Emphasis on Bay‘ al-‘Inah. *Islamic Jurisprudence and Law Studies*, 14(28), 325-348. (In Persian).
34. Najafi Khansari, M., (2000). Minyat al-Talib fi Sharh al-Makasib (1st Edition). Qom, Iran: Islamic Publications Office, *Society of Seminary Teachers of Qom*. (In Persian).
35. Rezaei Dowlatabadi, M., (2021). *Jurisprudential Lectures on Riba by Grand Ayatollah Mousavi Ardabili*. Qom, Iran: Center for Compilation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Mousavi Ardabili.
36. Rostami, S, F; Afsari, S; & Ahmadi, A., (2018). The Ruling of Bay‘ al-‘Inah in Islamic Schools of Jurisprudence. *Studies in Fiqh and Usul*, 1(1), 91-106. DOI: 10.34785/J016.2018.994 (In Persian).
37. Sadi, H, A; & Akbari, M., (2017). A Jurisprudential Examination of Lease-Purchase Agreements in Islamic Banking of the Islamic Republic of Iran. *Social Jurisprudence Research*, 6(11), 31-69. DOI: 10.30497/fiqh.2017.2279 (In Persian).
38. Sajjadi, S, M; & Rezaei Dowlatabadi, M., (2021). *Islamic Financial System*: A Collection of Articles in Memory of Dr. Mohammad Naqi Nazarpoor. Tehran, Iran: SAMT. (In Persian).
39. Securities and Exchange Organization (2021). *Resolutions of the Specialized Sharia Committee*. Tehran, Iran: Securities and Exchange Organization. (In Persian).
40. Securities and Exchange Organization (2018). *Instructions for Trading Put Options in Tehran Stock Exchange and Iran Fara Bourse*. Tehran, Iran: Securities and Exchange Organization. (In Pesaian).
41. Securities and Exchange Organization (2011-a). *Standard Forward Trading Instructions on the Iran Commodity Exchange*. Tehran, Iran: Securities and Exchange Organization. (In Pesaian).

42. Securities and Exchange Organization (2011-b). *Ijara Bonds Issuance Instructions*. Tehran, Iran: Securities and Exchange Organization. (In Pesaian).
43. Sharia Sharia Supervisory Board of the Central Bank of Iran (2019). *Resolution of the 18th Session.* Tehran, Iran: Central Bank of the Islamic Republic of Iran. (In Persian).
44. Shokri, F; & Hosseini, S, M., (2021). Bay‘ al-‘Inah and Its Relation to Usury. *New Approaches in Islamic Studies*, 2(6), 221-252. (In Persian).
45. Tabatabai, S, A, I, M., (1997). *Riyadh al-Masa’il fi Tahrir al-Ahkam bil-Dalail* (Modern Edition). Qom, Iran: Al al-Bayt Institute. (In Arabic).
46. Tafreshi, M; & Vahdati Shabiri, S, H., (2001). Legal Nature, Rules, and Effects of "Lease-Purchase Agreements. *Comparative Studies*, 9(36), 117-130. (In Persian).
47. Vafadar, A., (2008). Lease-Purchase Agreements. Private Law Studies, 38(1), 351-372. DOR: 20.1001.1.25885618.1387.38.1.16.3 (In Persian).
48. Zayn al-Din, I A., (Shahid Thani) (1992). *Masalik al-Afham ila Taqrir Shara’i al-Islam* (Volume 3). Qom, Iran: Islamic Knowledge Institute. (In Arabic).
49. Zuhayli, W., (2010). *Modern Financial Transactions*. Damascus, Syria: Dar al-Fikr. (In Arabic).
50. World Bank (2010). Repo Markets: Background Note. Washington, DC.

Islamic Finance Researches
Vol. 13, No. 2 (Serial 28), 2023

Research Paper

Investigating the Organization of Zakat in Iran with Emphasis on Zakat Law and Regulations

Hosin Hasanzadeh Sarvestani* **Alireza Etemadifar****

10.30497ifr.2024.245818.1877

Abstract

The Zakat Organization manages the mobilization and allocation of Zakat assets based on the Zakat Law and Regulations. The Zakat Law was approved in 1390 and its regulations in 1402. The main structure of the Central Zakat Council and its duties, incentive policies, and the presence of the Zakat Council in the country's divisions are specified in the law, and the functioning of the aforementioned structure is determined in the executive regulations. Despite the attention of the relevant authorities, this organization faces challenges that can be examined in different dimensions. In this study, using the meta-synthesis method, the challenges of the Zakat Organization were extracted through the analysis of the works of researchers and were examined in a comparative manner with the provisions of the Zakat Law and Regulations. The purpose of the comparative study is to examine the position (response or silence) of the Zakat Law and its regulations regarding the challenges raised. The organizing themes of the challenges of zakat organization in Iran are: fundamental and theoretical, financing from the budget, cultural and educational, structural, executive, regulatory and supervisory. A total of twenty-six challenges (basic themes) were identified and placed under the aforementioned categories (organizing themes). Each of them, the research and the results of the researchers are described under each of them.

Keywords: Zakat Organization; Zakat Law; Meta-Composition.
JEL Classification: Z13, K34, C83.

* Faculty Member, Finance Department, Maaf Islamic and Management School, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. h.hasanzadeh@isu.ac.ir 0000-0001-9018-2108

** Master's Student, Department of Financial Management, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author). etemadifar@isu.ac.ir 0000-0002-5126-6349

Recived: 2024/02/12 Accepted: 2024/05/13

فصلنامه علمی «تحقیقات مالی اسلامی»، سال سیزدهم، شماره دوم (پیاپی ۲۸)، زمستان ۱۴۰۲
مقاله پژوهشی، صص. ۲۱۹-۲۷۶

بررسی تشکیلات زکات در ایران با تأکید بر قانون و آیین‌نامه زکات

حسین حسن‌زاده سروستانی* علیرضا اعتمادی‌فر**

چکیده

تشکیلات زکات براساس قانون و آیین‌نامه زکات به مدیریت تجهیز و تخصیص اموال متعلق زکات، می‌پردازد. قانون زکات در سال ۱۳۹۰ و آیین‌نامه آن در سال ۱۴۰۲ تصویب شد. ساختار اصلی شورای مرکزی زکات و وظایف آن، سیاست‌های تشویقی و حضور شورای زکات در تقسیمات کشوری، در قانون مشخص‌شده و نحوه عملکرد ساختار مزبور، در آیین‌نامه اجرایی تعیین شده است. این تشکیلات علی‌رغم توجه مسئولین مربوط، با چالش‌هایی مواجهه است که در ابعاد مختلف قابل‌بررسی است. در این پژوهش با استفاده از روش فراترکیب، چالش‌های تشکیلات زکات از طریق تجزیه‌وتحلیل آثار پژوهشگران استخراج‌شده و به‌صورت تطبیقی با مفاد قانون و آیین‌نامه زکات بررسی شدند. هدف از بررسی تطبیقی، بررسی موضعِ (پاسخ‌گویی یا سکوت) قانون زکات و آیین‌نامه آن نسبت به چالش‌های مطرح است. مضمون‌های سازمان‌دهنده چالش‌های تشکیلات زکات در ایران عبارتند از: بنیادین و نظری، تأمین هزینه‌ها از بودجه، فرهنگی و آموزشی، ساختاری، اجرایی، مقرراتی و نظارتی. در مجموع ۲۶ چالش (مضمون‌های پایه) شناسایی و ذیل دسته‌بندی‌های مزبور (مضمون‌های سازمان‌دهنده) قرار گرفتند. هریک از آن‌ها، بررسی و نتایج پژوهشگران تشریح شده است.

واژگان کلیدی: تشکیلات زکات؛ قانون زکات؛ فراترکیب.

---

* عضو هیأت علمی، گروه مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.
h.hasanzadeh@isu.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مدیریت مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول). etemadifar@isu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۴
مقاله مدت ۹ روز جهت اصلاحات نزد نویسندگان بوده است.

مقدمه

در گام دوم انقلاب اسلامی که دومین مرحله خودسازی، جامعه پردازی و تمدن‌سازی است، توجه مضاعف به آموزه‌های اسلامیِ اساسی ضروری است. زکات یکی از آموزه‌های مورد تأکید قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم(ص) است. در راستای پیاده‌سازی زکات، فعالیت‌های مختلفی در کشور ایران انجام‌شده است. یکی از آن موارد، تصویب قانون زکات است. براساس این قانون «تشکیلات زکات» در ساختار قانونی کشور، سازمان‌دهی شده است. قانون زکات در مجلس شورای اسلامی به‌صورت رسمی در سال ۱۳۸۸ مطرح و بعد از اعمال نظرات اصلاحی شورای نگهبان در سال ۱۳۹۰ تصویب و به دولت وقت ابلاغ شد (رجایی رامشه و نعمتی، ۱۳۹۷، ص. ۶۸). این قانون شامل هفت ماده و دو تبصره است. همچنین آیین‌نامه آن توسط هیأت‌وزیران در سال ۱۴۰۲ توسط دبیرخانه شورای مرکزی زکات تنظیم و به تأیید و تصویب شورای مزبور با استناد به ماده هفت قانون زکات رسید. این آیین‌نامه مشتمل بر ۱۲ ماده و هفت تبصره است. در قانون زکات، شورای مرکزی زکات به‌عنوان سیاست‌گذار اصلی و کمیته امداد امام خمینی(ره) بازوی اجرایی شورای زکات تعیین‌شده است.

در این پژوهش بررسی و تحلیل چالش‌های تشکیلات زکات و مقایسه تطبیقی آن‌ها با مفاد قانون و آیین‌نامه زکات ارائه‌شده است. ابتدا مبانی نظری با عنوان‌های «تشکیلات»، «زکات» و «تشکیلات زکات» از منظر علمی بررسی و پیشینه‌ای از پژوهش‌های گذشته بیان‌شده است. سپس با استفاده از روش فراترکیب چالش‌های زکات بررسی و تحلیل می‌شوند. در گام اولِ روش فراترکیب، مقاله‌های علمی-پژوهشی با استفاده از مرور نظام‌مند بررسی و انتخاب شدند. در گام دوم، مضامین با استفاده از تحلیل مضمون استخراج‌شده و درنهایت چالش‌های تشکیلات زکات تشریح و با قانون و آیین‌نامه به‌صورت تطبیقی بررسی و توضیح داده شدند.

۱. مبانی نظری پژوهش

۱-۱. تشکیلات[1]

شهید بهشتی در تعریفی از تشکیلات چنین بیان کرده‌اند: «تشکیلات وسیله‌ای برای بهتر انجام دادن مسئولیت‌ها، خودسازی و رشد اخلاق دسته‌جمعی است. عوامل لازم در ایجاد تشکیلات از منظر معنوی ایمان و باور مشترک است و از منظر مادی، انسان‌ها هستند» (ذوالفقاری، ۱۳۹۸، ص. ۱۵).

این موضوع در اصطلاح عرفی به‌عنوان یک گروه و مجموعه انسانی است و در کنار مفاهیم علمی متداول مدیریت، واژه «سازمان» نزدیک‌ترین واژه به تشکیلات است. سازمان عبارت است از مجموعه افراد که به‌صورت آگاهانه، در راستای تحقق اهداف معین و براساس ساختار و سیستم معین فعالیت می‌کنند. در این تعریف سازمان دارای چهار مؤلفه محوری است: ۱. مؤلفه مجموعی و جمعی؛ ۲. مؤلفه آگاهانه بودن؛ ۳. مؤلفه هدفمندی؛ ۴. مؤلفه وجود ساختار و نظام‌مندی. این مفاهیم در تشکیلات نیز موجود است. در تشکیلات، حالت گروهی و مجموعه بودن، در قالب فعالیت گروهی و دسته‌جمعی وجود دارد لکن هر نوع فعالیت گروهی صحیح و نتیجه‌بخش دانسته نشده است؛ بلکه فعالیت گروهی ملاک است که آگاهانه و هدفمند بوده و سبب بقای تشکیلات شود. بدین‌ترتیب به‌تقریب، مفهوم تشکیلات، با مفهوم سازمان یکسان در نظر گرفته می‌شود. درنهایت این تعریف، برای تشکیلات برگزیده می‌شود: «تشکیلات عبارت است از مجموعه افرادی که در ساختار آگاهانه و مشخصی از همکاری کارآمد برای تحقق اهداف معین همراه با فعالیت خاصی هستند» (هدایت‌نسب، ۱۳۹۹، صص. ۳۹-۴۴).

۱-۲. زکات

معنا و تعابیر مختلفی همچون رشد و برکت، تزکیه نفس برای زکات یا به اصطلاح «زکا» بیان‌شده است. از منظر اصطلاحی معنای آن وجوب پرداخت اندازه معینی از اموال تعیین‌شده به مستحقین است که به حدنصاب خاصی رسیده باشد

1 .Organization

(راغب‌اصفهانی،۱۴۰۴ق، ج۱، ص. ۲۱۳). همچنین در وجه‌تسمیه بر هر دو معنای لغوی حمل می‌شود؛ چراکه اعطای مال به مستحق باعث برکت و پاکی مال می‌شود (سلیمی و شکرانی، ۱۳۹۷، ص. ۱۶۶).

زکات امر عبادی است ولی در صورت مطالبه امام معصوم یا فقیه جامع‌الشرایط تحویل آن، به ایشان واجب می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ص. ۵۳). همچنین اموال متعلق زکات در فقه امامیه، در نه مورد بیان‌شده است: «غلات اربعه»، «انعام ثلاثه» و «نقدین». «غلات اربعه» شامل گندم، جو، خرما و کشمش، «انعام ثلاثه» شامل گاو، گوسفند و شتر و درنهایت «نقدین» شامل طلا و نقره است (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج۸، ص. ۳۷). هریک از موارد فوق در شرایط خاصی مشمول حکم زکات می‌گردند. شرط مشترک در بین تمامی اقلام، رسیدن به نصاب‌های مشخص در میزان و زمان است. شرط متمایزکننده تحقق زکات برای نقدین، مسکوک بودن و برای انعام ثلاثه سائمه بودن آن‌ها است (شهید ثانی، ۱۴۱۲ق، ج۲). مسکوک بودن نقدین به معنای ضرب پول رایج از طلا و نقره و وسیله معامله قرار گرفتن آن‌ها است. با توجه به دو شرط بیان‌شده، زکات نقدین در حال حاضر مصداق ندارد یا خیلی نادر است. همچنین انعام ثلاثه به دلیل عدم سائمه بودن در تمامی ایام سال وجوب زکات بر آن‌ها مصداقی ندارد (زروندی رحمانی، ۱۴۰۱، ص. ۱۴۸). «غلات اربعه» شامل گندم، جو، خرما و کشمش مشمول مصادیقی در کشور به دو صورت دیم و آبی است. مقدار هریک از موارد فوق متفاوت است لکن برای نمونه، مقدار زکات برآوردشده‌ی حاصل از غلات اربعه در منطقه گلستان، توان پوشش درصد بالایی از هزینه‌های فقرزدایی کمیته امداد امام خمینی(ره) را دارد (گیلک حکیم‌آبادی، ۱۳۸۴، ص. ۱۲۰).

مصارف زکات در قرآن کریم به هشت صنف اختصاص یافته است. فقرا، مساکین، عاملین زکات، مؤلفه القلوب، آزادگی بردگان، بدهکاران، فی‌سبیل‌الله و در راه ماندگان به‌عنوان مصارف آن تلقی شده‌اند.[۲] در نظر امام خمینی(ره) مصارف زکات در عرصه

---

۲. آیه ۶۰ سوره مبارکه توبه: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»

سبیل‌الله شامل تمامی اقداماتی است که مصالح جامعه‌ی اسلامی را تأمین می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ج۱، ص. ۳۵۶).[۳] همچنین سایر بخش‌های مصرفی زکات به‌عنوان مصارفی است که تمامی نیازهای جامعه اسلامی را مرتفع می‌سازد. به عبارتی حیطه موضوعی تخصیص منابع زکات در تمامی نیازهای جامعه بسط یافته و توانمندی لازم در پیشبرد اهداف اقتصادی و اجتماعی جامعه اسلامی را دارد. همچنین از دیگر شروط تخصیص زکات، اولویت مصرف در منطقه جمع‌آوری زکات است (کاشف‌الغطاء، بی‌تا، صص. ۳۵۶-۳۵۷).[۴] بدین ترتیب برنامه‌ریزی و مدیریت منابع زکات در هر منطقه اختصاص به همان منطقه داشته و توانمندی رفع نیازهای آن را خواهد داشت.

۱-۳. تشکیلات زکات

نقش‌های زکات در جامعه عبارتند از: رفع فقر (اصغری، ۱۳۹۶؛ زرع‌پیما، جهانشاهی و حسین‌زاده‌یزدی، ۱۳۹۹؛ حبیبیان نقیبی و کفشگرجلودار، ۱۳۹۵؛ شریعتی و عباسی شاه‌کوه، ۱۳۹۳؛ محبی و طالب نجف‌آبادی، ۱۳۹۷)؛ ایجاد تعادل بین طبقات اجتماعی (رضایی و سبزرو، ۱۳۹۱؛ زرع‌پیما، جهانشاهی و حسین‌زاده‌یزدی، ۱۳۹۹؛ فتح‌اللهی، آیتی و قنبری‌جهرمی و جعفری‌هرندی، ۱۳۹۸؛ نعمتی، ۱۳۹۵)؛ غبرکت بخشی به جامعه در قالب پاک‌کننده سرمایه (صادقی‌پور، فراهانی‌فرد و غلامی جمکرانی، ۱۳۹۶)، استحکام‌بخشی به پیوندهای خویشاوندی (نعمتی، ۱۴۰۱)، مصونیت بخشی به جامعه (نعمتی، ۱۴۰۱) در قالب تکافل اجتماعی (زرع‌پیما، جهانشاهی و حسین‌زاده‌یزدی،

---

۳. فی‌سبیل‌اللّه، ولا یبعد أن یکون هو المصالح العامّة للمسلمین والإسلام، کبناء القناطر و إیجاد الطرق و الشوارع و تعمیرها، و ما یحصل به تعظیم الشعائر و عُلوّ کلمة الإسلام، أو دفع الفتن و المفاسد عن حوزة الإسلام وبین القبیلتین من المسلمین و أشباه ذلک، لا مطلق القربات کالإصلاح بین الزوجین والولد و الوالد.

۴. و لا تقف علی حدّ و لا یجوز نقلها لغیر المجتهد إلی مواضع بعیدة مع وجود المستحق فی البلد أو موضع قریب منها و لو أخرجها و نقلها لفقد المستحق و عدم مصرف آخر فی البلد فلا بأس و لا ضمان مع التلف و لو نقلها إلی بعض المواضع القریبة مع وجود المستحق جاز و علیه ضمانها مع التلف ما لم یکن مجتهدا و مأذونا منه و لو عصی و أخرجها فی غیر صورة الجواز و وصلت إلی أهلها أجزأت و الأفضل صرفها فی البلد مع فقد المرجّحات فی الخارج بل إلی خصوص أهل البلد.

۱۳۹۹؛ نعمتی، ۱۳۹۶) همچون به‌کارگیری زکات در بهبود بیماران (نعمتی، ۱۴۰۱)، پیشگیری‌کننده از ورشکستگی (روشن و امیرحسینی، ۱۳۹۶)، رفع‌کننده بدهی بدهکاران (احمدی و امینی، ۱۳۹۶؛ مروتی و دارابی، ۱۳۹۲؛ نادران، نظری و حسینی، ۱۳۹۱؛ نعمتی، ۱۴۰۱)، پیشگیری‌کننده از وقوع جرم (زیدآبادی‌نژاد، ادیبی و سالاری‌فر، ۱۳۹۶) و جهت‌دهنده به رفتارهای جامعه (نعمتی، ۱۳۹۵) در قالب‌هایی همچون ایجاد و تقویت‌کننده اعتماد به حاکمیت (رجایی رامشه و نعمتی، ۱۳۹۷)، تقویت بعد اجتماعی دین در سبک زندگی (شریعت‌نیا و اسدی، ۱۴۰۱)، خودکنترلی در پرداخت مالیات (نعمتی، ۱۳۹۵) و ایجاد رفاه عمومی (حبیبیان نقیبی و کفشگر جلودار، ۱۳۹۵؛ سبحانی‌نیا، خزایی، سلیمی و سیفی، ۱۴۰۱).

حال با توجه به نقش‌های مزبور و مفاد قانون و آیین‌نامه زکات، تعریف مختار از تشکیلات زکات این‌چنین است: «تشکیلات زکات، تشکیلاتی است که توسط قانون زکات و آیین‌نامه آن سازمان‌دهی شده و با نظارت ولی‌فقیه و در راستای اهداف نظام اسلامی و با توجه به شرایط ذی‌نفعان به برنامه‌ریزی و مدیریت اموال متعلق زکات، می‌پردازد».

۲. پیشینه پژوهش

در حوزه زکات موضوعاتی همچون فقه‌الزکاه، آثار زکات، ضرورت ایجاد نهاد زکات، قانون زکات، زکات و مالیات، زکات واحدهای تجاری و چگونگی انجام حسابداری متناسب با زکات، موردتوجه پژوهشگران قرارگرفته است. علاوه‌برآن برخی از پژوهشگران از روش فراترکیب برای استخراج چالش‌های یک موضوع خاص استفاده کرده‌اند.

در خصوص فقه الزکاه:

نعمتی و ملکی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «نسبت‌سنجی حاکمیت فقیه و زکات»، زکات را به‌عنوان بیت‌المال مسلمین اثبات کرده‌اند و سپس پرداخت زکات به فقیه را با توجه به بسط ید فقیه و تشکیل حکومت به‌تفصیل توضیح داده‌اند.

مشکانی، عابدی سرآسیا و ناصری‌مقدم (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی ولایت بر اموال زکوی با تأکید بر مبانی فقهی امام خمینی(ره)»، چگونگی تصرف ولایت در اموال زکوی را با مقایسه قول مشهور و قول نادر تعیین کرده است.

در زمینه ضرورت سازمان‌دهی امور زکات:

خانی و دهقان‌نیری (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی ضرورت تشکیل نهاد زکات در حکومت اسلامی با رویکردی بر اندیشه امام خمینی(ص)»، ضرورت تشکیل نهاد زکات را از منظر امام خمینی(ره) بررسی کرده‌اند. در این بررسی نظرات فقهی ناظر به توسعه متعلقات زکات، حکومتی و غیرحکومتی‌بودن جمع‌آوری و توزیع مبالغ زکات بحث شده است.

محقق داماد و مهریار (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «شخصیت حقوقی زکات در منظر فقهی و ارتباط آن با بیت‌المال»، شخصیت حقوقی نهاد زکات را از منظر فقهی و در ارتباط با بیت‌المال بررسی کرده‌اند. ایشان شخصیت حقوقی زکات را با متعلق دانستن اعتبار عقلایی و قرارگیری ذمه و عهده بر این نهاد مالی اسلامی اثبات کرده‌اند.

در خصوص قانون زکات:

کیاءالحسینی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عملکرد قانون زکات در ایران»، قانون زکات را از منظر عملکردی با استفاده از شاخص‌های درآمد- هزینه‌ای تحلیل کرده‌اند. ایشان این قانون را به سبب وجود ماده چهار و عدم‌تطابق هزینه با درآمد حاصله در عرصه عملکردی، ناکارآمد اعلام می‌کند.

رجایی رامشه و نعمتی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «نقد و بررسی قانون زکات و ارائه راهکارهای اصلاحی»، قانون زکات را در سه دسته ساختاری، محتوایی و روشی نقد و پیشنهادهایی راجع به اصلاح آن بیان کرده‌اند.

حبیبیان نقیبی و کفشگر جلودار (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی قوانین زکات در ایران و دیگر کشورهای اسلامی»، قانون زکات حاضر را با قوانین زکات سایر کشورهای اسلامی مقایسه کرده و مزیت‌ها و معایب موجود در قانون را مطرح کرده‌اند.

اسماعیل‌پور و عسکری (۱۳۹۲) در کتابی با عنوان «نهادهای مالی زکات در کشورهای اسلامی و جمهوری اسلامی ایران»، نظرات و فتاوای مختلف ناظر به زکات

را جمع‌آوری و جمع‌بندی کرده و نقدهای مرتبط با آن را بیان کرده‌اند. همچنین در این مطالعه قوانین و ساختار سازمانی نهاد زکات در کشورهای اسلامی و جمهوری اسلامی بررسی و درنهایت الگوی پیشنهادی ارائه کرده‌اند.

در خصوص ارتباط زکات و مالیات:

دهقان‌نیری و قانع (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «امکان‌سنجی فقهی معافیت مؤدی خمس و زکات از مالیات در حکومت اسلامی با رویکردی بر اندیشه امام خمینی(ره)» پیشنهادی برای کاهش هزینه‌های مالی متشرعین ارائه کرده‌اند. در این پیشنهاد هریک از افراد جامعه که خمس و زکات پرداخت کند، با ارائه حواله به سازمان امور مالیاتی، از پرداخت بخشی از مالیات معاف می‌گردد. همچنین ایشان قائل به اصالت خمس و زکات نسبت به مالیات هستند. در نظر ایشان خمس و زکات برای تأمین منابع مالی دولت استفاده شود، آنگاه در صورت کمبود منابع و اقتضای مصلحت مالیات از مردم اخذ شود.

توکلی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «انگیزش و تربیت اخلاقی در نظام مالیاتی اسلام»، اصول اخلاقی حاضر در نظام مالیاتی اسلام را ذکر کرده و آن را بر سازوکارهای دیگر ترجیح داده است.

رستمی و رستمی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «پیشنهادهایی برای بسط و جایگزینی نظام مالیاتی اسلام»، دوگانگی دو نظام مالیاتی زکات و مالیات متعارف را مانع دستیابی به کارایی و آن را مسبب افزایش بار مالیاتی و فرار مالیاتی دانسته‌اند. همچنین قابلیت بسط نظام مالیاتی اسلام را در نظر حکم اولیه یا ثانوی در دست ولی‌فقیه دانسته‌اند.

باقری تودشکی، باقری و رضایی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «احکام، مجازات و آثار دنیوی و اخروی فرار و اجتناب از مالیات زکات»، اجتناب و فرار از پرداخت مالیات را دو مقوله مجزا دانسته‌اند و هریک از آن‌ها را دارای آثار متفاوت در سطح جامعه و فرد بیان کرده‌اند. ایشان تفاوت این دو موضوع را به تفصیل بحث کرده‌اند.

مؤمن (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با عنوان «رابطه خمس و زکات با مالیات‌های حکومتی»، زکات، خمس و انفال را از مالیات مجزا دانسته و مشروعیت مالیات را ناشی از اختیار

ولایت می‌داند. ایشان در عین مجزا دانستن خمس و زکات از مالیات، بخشش مالیاتی به ازای زکات و خمس پرداختی را جایز می‌داند.

در مبحث زکات واحدهای تجاری و به‌کارگیری زکات در امور حسابداری:

حسینی و بابائی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی زکات واحد تجاری و قوانین و استانداردهای آن در کشورهای اسلامی»، هدف پژوهش را واکاوی نظری زکات واحدهای تجاری بیان کرده‌اند. درمجموع، این مقاله به‌قصد آشنایی با زکات واحدهای تجاری نگارش شده و عرصه پژوهشی این موضوع را بیان کرده است.

سلیمانی‌امیری و فرشی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی روش محاسبه زکات در بنگاه‌های اقتصادی کشورهای اسلامی»، به ضرورت ورود زکات به مباحث حسابداری شرکت‌های تجاری و استفاده از روش‌های حسابداری متناسب با امر زکات پرداخته‌اند.

با توجه به پژوهش‌های پیشین نوآوری این پژوهش موضوعی و روشی است. ازنظر موضوعی چالش‌های تشکیلات زکات از جنبه‌های مختلفی همچون مفاهیم نظری و بنیادین، اجرایی، عملیاتی، ساختاری، فرهنگی و آموزشی بررسی و با تطابق آن‌ها با قوانین، موضع (پاسخ‌گویی یا سکوت) قانون و آیین‌نامه زکات نسبت به آن‌ها بیان‌شده است. از منظر روشی مواردی همچون مطالعه نظام‌مند و تحلیل مضمون در قالب فراترکیب استفاده شده است. همچنین از نرم‌افزارهایی همچون سی‌تاوی[5] و مکس‌کیودی ای نسخه[6] ۲۰۲۰ جهت نمایه‌سازی، بررسی و تحلیل مضامین استفاده شد.

۳. روش پژوهش

این پژوهش از منظر روش‌شناختی، در دسته پژوهش‌های توصیفی، از نوع کیفی قرار می‌گیرد. همچنین از منظر هدف، کاربردی است. یکی از روش‌های تحلیلی داده‌های کیفی، روش فراترکیب (متاسنتز) است. این روش ابزاری ارزشمند برای تحلیل و بررسی تجربیات، معانی و دیدگاه‌های خبرگان یک حوزه است (Jonathan, Anne,

5. Citavi6
6. MAXQDA 2020

Massimili, 2017, p. 2). رویکردهای مختلفی از این روش در تحقیقات استفاده‌شده است. یکی از آن‌ها، رویکردی است که توسط ساندلوسکی و بارسو[۷] (۲۰۰۶م) معرفی شده است. این روش در طی هفت گام به شرح زیر معرفی شده است (تفتیان و علی‌پور، ۱۴۰۱، صص. ۸۴۷-۸۵۹).

۳-۱. گام اول: تنظیم مسأله‌های پژوهش

در این گام سؤال‌های اصلی پژوهش برای جهت‌دهی صحیح به پژوهش تعیین می‌شود. سؤال‌های پژوهش به شرح زیر است:

۱. چالش‌های نهاد زکات در ایران چیست؟ تطابق آن‌ها با قانون و آیین‌نامه قانون زکات چگونه است؟
۲. اولویت‌بندی اهمیت چالش‌های نهاد زکات به چه صورت است؟
۳. رویکرد قانون و آیین‌نامه زکات نسبت به چالش‌های شناسایی‌شده چیست؟

۳-۲. گام دوم: تعیین معیارهای ورود منابع اطلاعاتی به پژوهش و خروج از آن‌جهت انجام مرور نظام‌مند

مرور نظام‌مند[۸]، روش پژوهشی است که خلاصه‌ای از گزارش‌های علمی حاضر در یک موضوع یا در مورد یک مسأله خاص، با استفاده از روش‌های صریح برای جستجو به‌صورت نظام‌مند ارائه می‌دهد. این روش با کنار هم قرار دادن تعدادی از مطالعات انجام‌شده به‌طور جداگانه، گاهی اوقات با یافته‌های متناقض و ترکیب نتایج آن‌ها مطالب مفیدی ارائه می‌دهد (Akobeng, 2005, p. 845). معیارهای اصلی در ورود موارد پژوهش شده در جدول (۱) دسته‌بندی شده است.

جدول (۱): معیارهای ورود منابع اطلاعاتی به پژوهش و خروج از آن

معیارهای ورود مطالعات به پژوهش	معیارهای خروج مطالعات از پژوهش
مطالعات علمی- پژوهشی	پژوهش‌هایی در قالب یادداشت، گزارش، پایان‌نامه و مقاله‌های همایشی و کتاب

7. Sandelowski & Barso
8. Systematic Review

معیارهای ورود مطالعات به پژوهش	معیارهای خروج مطالعات از پژوهش
مطالعات انجام‌شده به زبان فارسی	نگارش به زبانی غیرفارسی
وجود عبارت «قانون زکات»، «نهاد زکات»، «زکات» در عنوان، چکیده و کلیدواژه‌های پژوهش	عدم وجود اصطلاحات زکات، قانون زکات، نهاد زکات در عنوان، چکیده و کلیدواژه‌های پژوهش
دسترسی به متن منابع مطالعاتی	عدم دسترسی به متن منابع مطالعاتی
مرتبط و ناظر به نهاد زکات و چالش‌های آن	عدم ارتباط به نهاد زکات و چالش‌های آن

منبع: (یافته‌های تحقیق)

۳-۳. گام سوم: جستجو و انتخاب متون مناسب

جستجوی منابع با استفاده از سه کلید واژه «قانون زکات»، «نهاد زکات»، «زکات» انجام شده است. فرایند جستجو بدین‌صورت است که واژگان فوق، در جایگاه جستجوی پیشرفته هریک از منابع اطلاعاتی[۹]، با اعمال محدودیت‌ها، وارد و سپس نتایج استخراج شده است.

۳-۳-۱. مرحله اول

مراحل جستجو شامل سه مرحله است. مرحله اول در سه مرتبه انجام شد. خلاصه چگونگی انجام آن در ادامه درج شده است.

جدول (۲): چکیده‌ای از چگونگی جستجوی منابع در مرحله اول و جامعه نتایج حاصل از آن

شماره مرتبه	عبارت اصلی	پایگاه اطلاعاتی	عبارت نگاشته شده در بخش «تمام این کلمات»	عبارت نگاشته شده در بخش «عین این کلمات»	تعداد نتایج
مرتبه اول	زکات	مگ ایران	زکات	زکات	۲۴۸
		علوم انسانی	زکات	زکات	۱۲۷
		نورمگز	زکات	زکات	۱۰۹

۹. تاریخ جستجو ۱۷ و ۱۸ مرداد ۱۴۰۲ است. به علت عدم دسترسی به پرتال جامع علوم انسانی، بررسی و جستجوی منابع در این پایگاه اطلاعاتی در مورخ ۱۴۰۲۰/۵/۲۳ انجام شد. همچنین پایگاه‌های اصلی مقاله‌های نورمگز، سامانه(پرتال) جامع علوم انسانی، مگیران استفاده شده است.

شماره مرتبه	عبارت اصلی	پایگاه اطلاعاتی	عبارت نگاشته شده در بخش «تمام این کلمات»	عبارت نگاشته شده در بخش «عین این کلمات»	تعداد نتایج
مرتبه دوم	قانون زکات	مگیران	قانون زکات	قانون	۱۴
		علوم انسانی	قانون زکات	قانون	۵
		نورمگز	قانون زکات	قانون	۴
مرتبه سوم	نهاد زکات	مگیران	نهاد زکات	نهاد	۲۷
		علوم انسانی	نهاد زکات	نهاد	۵
		نورمگز	نهاد زکات	نهاد	۰
مجموع مطالب در مرحله اول جستجو					۵۳۹

منبع: (یافته‌های تحقیق)

۳-۳-۲. مرحله دوم

مرحله دومِ جستجو شامل بررسی اولیه منابع جستجو شده در مرحله اول است که به شرح جدول (۳) است. ۱۷۳ عنوان مطلب در سی‌تاوی نسخه ۶.۸.۰.۰ نمایه شد. سایر موارد به علل تکراری بودن عنوان مطلب یا عدم‌تطابق با معیارهای ورود مطالب به پژوهش حذف شدند.

جدول (۳): خلاصه‌ای از انجام مرحله دوم جستجوی منابع

شماره مرتبه	عبارت اصلی جستجو	تعداد نتایج اولیه	تعداد نتایج راه‌یافته به مرحله سوم
مرتبه اول	نهاد زکات	۳۲	۱۲
مرتبه دوم	قانون زکات	۲۳	۱۰
مرتبه سوم	زکات	۴۸۴	۱۵۱
مجموع		۵۳۹	۱۷۳

منبع: (یافته‌های تحقیق)

۳-۳-۳. مرحله سوم

در مرحله سوم مطالب نمایه شده در سی‌تاوی بررسی شدند. در این بررسی چکیده مطالب و متن مقاله‌ها به‌صورت مروری مطالعه و بررسی شدند و منابع در دودسته «مطالب مرتبط» و «غیرمرتبط» دسته‌بندی شدند.

نمودار جریانی پریزما[10] نموداری است که در آن، جریان اطلاعات مرتبط با مراحل مختلف یک مرور منظم به تصویر کشیده می‌شود. اطلاعات در مورد تعداد مقاله‌ها در هریک از مراحل جستجو نمایش داده خواهد شد. به جهت پیشبرد و آزمون فرایند جستجوی انجام‌شده، به‌عنوان یکی از بخش‌های مرتبط با مرورنظامند شناخته‌شده و مورداستفاده پژوهشگران قرار می‌گیرد (آثار و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۷۳). در ادامه نمودار پریزما به جهت انجام مراحل جستجو، ترسیم شده است.

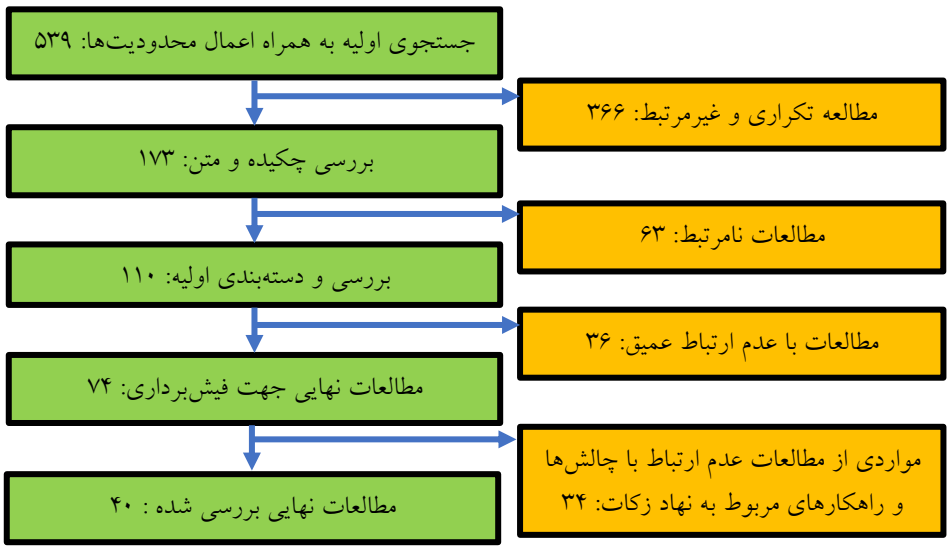

نمودار (۱): نمودار پریزما مراحل جستجو و انتخاب مقاله‌های مرتبط با قانون زکات

منبع: (نتایج تحقیق)

10. PRISMA

۳-۳-۴. گام چهارم: استخراج اطلاعات مقاله‌های منتخب

استخراج اطلاعات، مرحله‌ای بعد از انتخاب و بررسی اولیه مقاله‌ها است. این مرحله به جهت شناسایی اولیه اطلاعات مقاله‌ها، تعریف شد. در این شناسایی تمامی اطلاعات شناسه مقاله، همچون عنوان مقاله، نام نویسنده، تاریخ انتشار، عنوان ناشر و محل انتشار از مقاله‌ها دریافت و در جایگاه‌های تعریف‌شده نرم‌افزار سی‌تاوی نگاشته شد.

۳-۳-۵. گام پنجم: تجزیه‌وتحلیل مقاله‌های منتخب

در این مرحله از روش تحلیل مضمون استفاده شد. این روش یکی از روش‌های اصلی در تجزیه‌وتحلیل داده‌های کیفی است. همچنین فنی برای شکستن متن و یافتن نکات معقول و واضح در درون‌متن است (عابدی جعفری، تسلیمی، فقیهی و شیخ‌زاده،۱۳۹۰، ص. ۱۵۸). مطابق با رویکردی در این روش، سه دسته‌بندی از مضامین معرفی شده است. اولین دسته مضامین پایه، دومین دسته مضامین سازمان‌دهنده و درنهایت سومین دسته مضامین فراگیر است. مضامین پایه بیان‌کننده نکته‌های کلیدی متن بوده، مضامین سازمان‌دهنده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه ایجاد می‌شود و درنهایت مضامین فراگیر یا مضامین عالی اصول حاکم بر متن را بیان می‌کنند (سیمیاری، رضاییان و حسن‌زاده سروستانی، ۱۳۹۹، ص. ۱۳۳).

در فرایند بررسی، تحلیل متون و استنباط مضامین از نرم‌افزار مکس‌کیودی نسخه ۲۰۲۰ استفاده شد. در مرحله اول تمامی مقاله‌ها مرتبط، در نرم‌افزار بارگذاری، بررسی و بخش‌های مهم آن‌ها انتخاب شدند. در مرحله اول ۵۳ مضمون پایه از مجموع ۷۴ مقاله‌ی موردبررسی، استخراج شد. سپس مورد ارزیابی پژوهشگران قرار گرفت. در این ارزیابی، مضامین سازمان‌دهنده نهایی با تمرکز بر چالش‌های نهاد زکات شامل چالش‌های بنیادی و نظری، تأمین هزینه‌ها از بودجه‌ی دولت، فرهنگ و آموزش، اجرایی، ساختاری، مقرراتی و نظارتی استخراج شدند. درنهایت تعداد مضامین پایه چالش‌های نهاد زکات ۳۳ مضمون است که از مجموع ۴۰ مقاله استخراج شده است.

۳-۳-۶. کنترل کیفیت

در این بخش از آزمون لینکولن و گیوبا[11] (۱۹۸۱م) برای کنترل کیفیت مراحل پژوهش استفاده شد. این آزمون شامل چهار مؤلفه قابلیت اعتباردهی[12]، قابلیت ثبات[13]، تأییدپذیری[14] و قابلیت انتقال[15] است (دانایی‌فرد و مظفری، ۱۳۸۷، ص. ۱۴۸). مؤلفه قابلیت اعتباردهی با استفاده از روش ممیزی بیرونی و درگیری طولانی‌مدت قابل‌اثبات است. در روش ممیزی بیرونی، شخصی همچون استاد راهنما بر امور پژوهشی نظارت دارد. در این رویکرد به‌واسطه نظارت و بازبینی مطالب پژوهش توسط استاد راهنما پژوهش اعتبار می‌یابد. همچنین از دیگر راه‌های اثبات، درگیری طولانی‌مدت است. پژوهشگر به مدت دو سال با جوانب مختلف پژوهش درگیر بوده و بامطالعه مقاله‌های مختلف، مصاحبه با پژوهشگران، کارشناسان و جامعه مخاطب عرصه زکات، بر جوانب پژوهش مسلط شده است. به همین سبب انطباق یافته‌های استخراج‌شده با واقع و قابلیت اعتبار آن اثبات می‌شود (قویدل باجگیران، چرابین، فریبرزی و اکبری، ۱۳۹۹، ص. ۱۱۵). مؤلفه بعدی اثبات پذیری است که در داده‌های ورودی به‌واسطه انجام مرور نظام‌مند مقاله‌ها و تشریح فرایند انتخاب مقاله‌ها مشاهده می‌شود. همچنین به علت انتخاب نوع مقاله علمی-پژوهشی و تأیید حداقل دو داور، هریک از آن‌ها، قابلیت اتکا و اعتبار لازم دارد. تأیید پذیری با تشریح فرایند پژوهش و عدم‌سوگیری در مضامین قابل‌رؤیت است. این قابلیت به‌واسطه شرح کامل تمامی مراحل پژوهش، شامل چگونگی جستجوی مطالب، انتخاب منابع، استخراج مضامین تأیید می‌شود. قابلیت انتقال به‌واسطه استفاده از آثار علمی-پژوهشی در نگارش مطالب، اثبات پذیر است. این قابلیت به‌واسطه پژوهشگران و مخاطبین بیرونی اثبات می‌شود. به همین دلیل در ادامه تمامی نتایج پژوهش تشریح شده است.

---

11. Lincoln & Guba
12. Credibility
13. Dependability
14. Confirmability
15. Transferability

۳-۴. ارائه گزارش و یافته‌های پژوهش

در روش فراترکیب پاسخ به پرسش‌های پژوهش با استفاده از تجمیع نتایج مقاله‌های منتخب ارائه می‌شود (آزادی احمدآبادی و صفاری، ۱۴۰۰، ص. ۳۶۶). این مرحله در بخش ارائه یافته‌های پژوهش تشریح شده است.

۴. ارائه یافته‌های پژوهش

در این بخش تمامی مضامین در سه دسته‌بندی در جدول (۴) ارائه شده است. سپس در ادامه هریک از آن‌ها تبیین و به‌صورت تطبیقی با قانون و آیین‌نامه زکات بررسی شده است.

جدول (۴): مضامین استخراج شده از مقاله‌ها

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
چالش‌ها	بنیادین و نظری	ربط و نسبت مالیات و زکات
		الزامی یا اختیاری بودن پرداخت زکات به حکومت اسلامی
		محدودیت اموال متعلق زکات
	تأمین هزینه‌ها از بودجه	حقوق عاملان از محل کمک دولت نه از منابع زکات
		تحمیل هزینه به حکومت اسلامی
		انحراف در انگیزش و نیت زکات دهندگان
		امکان جعل گزارش و فساد در اداره‌ها
	فرهنگ و آموزش	توجه نامناسب به آموزش فرایض دینی به‌خصوص زکات در کتب آموزشی
		ناآگاهی مشمولین زکات از احکام، مزایا و منافع پرداخت زکات
		ادراک نامناسب برخی از مردم از فعالیت‌های کمیته امداد
		نگاه به امر زکات فقط به‌عنوان یک امر عبادی
		نگرش نامناسب برخی از مسئولین
	ساختاری	تداخل وظایف بین نهاد زکات با نهادهای دولتی و غیردولتی
		ساختار نامشخص ارائه پیشنهادی بودجه

		ابهام در مرتبط بودن حوزه کاری افراد تشکیل‌دهنده شورا به مسائل زکات
		ابهام در وظایف اعضای شورای زکات
		ابهام در شخصیت حقوقی نهاد زکات
	اجرایی	پراکندگی مراجع اطلاعاتی و نبود بانک اطلاعاتی جامع و یکپارچه
		ابهام در سازوکار تخصیص زکات و تعیین اولویت‌ها
		ضعف در ساختار اجرایی اطلاع‌رسانی و شفافیت
		مشغله کاری فراوان برخی از اعضای شورای زکات
		هزینه‌های بالای امور اجرایی
	مقرراتی و نظارتی	دشواری نظارت بر درآمدها و هزینه‌ها به علت کثرت و کوچک بودن آن‌ها
		تعدد نهادهای نظارتی
		غفلت از حل اختلاف و برخورد با متخلف
		ضعف قانون زکات در توجه به سایر مذاهب و مسلمانان غیرایرانی

منبع: (نتایج تحقیق)

۴-۱. چالش‌های بنیادین و نظری

۴-۱-۱. ربط و نسبت مالیات و زکات

چالش ربط و نسبت مالیات و زکات به مسائل تعامل مالیات‌های متعارف با وجوهات شرعی اشاره دارد. این موضوع از منظر قانونی و سیستمی قابل‌بررسی است. از منظر قانونی عدم‌توجه به زکات و خمس در قوانین مالیاتی علت چالش است و از منظر سیستمی نبود نظام هماهنگ‌کننده بین درآمدهای دولت اسلامی (رضایی و سبزرو، ۱۳۹۱، ص ۱۳۴؛ کیاءالحسینی، ۱۳۹۰، ص. ۱۶۴)، عدم هماهنگی بین نهادهای مالیات اسلامی و مالیات متعارف (شعبانی و کاشیان، ۱۳۹۵، صص. ۶۰-۷۰؛ عسکری و محمدی‌پور، ۱۴۰۰، ص. ۵۳۸) و فقدان سیستم اطلاعاتی یکپارچه تجهیز و مصارف

زکات و مالیات (شعبانی و کاشیان، ۱۳۹۵، صص.۴۰-۶۰) دلایل ایجاد چالش ذکرشده است.

ناهماهنگی سیستم اخذ مالیات، خمس و زکات سبب شده تا مردم (مسلمانان مقید به پرداخت) مالیات‌های موازی و چندگانه بپردازند. درنتیجه فشار مالی بر ایشان، وارد می‌شود (شعبانی و کاشیان، ۱۳۹۵، ص. ۴۰؛ دهقان‌نیری و قانع، ۱۴۰۱، ص. ۱۵۹). در صورت عدم‌توجه به این موضوع، این چالش سبب اثرگذاری منفی بر ادای دین مؤدیان، کاهش درآمدهای لازم برای دولت اسلامی (عسکری و محمدی‌پور، ۱۴۰۰، ص. ۵۳۸) و مُمانعت از دستیابی به کارایی (رستمی و رستمی، ۱۳۹۴، صص. ۷-۲۱) می‌گردد.

همچنین نبود سیستم اطلاعاتی مشترک بین نهادهای مسئول امور مالیات‌های متعارف و امور خمس و زکات سبب همپوشانی مصارف در توزیع منابع می‌شود. به عبارتی به علت نبود اطلاعات دقیق از چگونگی باز توزیع منابع، ممکن است فردی از چندین نهاد کمک و امور حمایتی دریافت کند و درعین‌حال، از افرادی که نیازمند بوده، حمایتی صورت نگیرد. علاوه‌برآن سبب چند برابر شدن هزینه باز توزیع منابع خواهد شد (شعبانی و کاشیان، ۱۳۹۵، ص. ۴۰).

در راستای رفع چالش مزبور راهکارهای مطرح‌شده به چند دسته تقسیم می‌شوند. در دسته اول، زکات و مالیات ازلحاظ مبنایی مستقل از یکدیگر هستند. براساس این نظر، ولی امر مسلمین می‌تواند براساس مصالح حکومتی، پرداخت‌کنندگان خمس و زکات را به میزان پرداختی آن‌ها یا به‌صورت تمام از مالیات معاف کند (مؤمن، ۱۳۸۰، ص. ۳۱). در این رویکرد، مالیات به‌عنوان امر لازم تلقی شده و هماهنگی بین زکات و مالیات با استفاده از تخفیف مالیاتی صورت می‌گیرد (رضایی، ۱۳۸۲، صص. ۸۱-۸۲؛ امینی، راعی و توکلی، ۱۳۹۷، ص. ۶۰؛ کاشیان، شعبانی و عسکری، ۱۳۹۸، ص. ۳۹۶). برخی معتقد هستند زکات به‌عنوان بخشی از مالیات محسوب می‌شود. این هماهنگی به‌موجب حفظ تعادل بین افراد پرداخت‌کننده هم‌زمان زکات و مالیات، پیشنهادشده است (باقری، امام و علوی، ۱۳۸۶، صص. ۸۷-۸۸).

در دسته دوم نظراتی مبنی‌بر کارآمدی نظام وجوهات شرعی نسبت به‌نظام مالیاتی مطرح است. در این نظر پیشنهادشده نظام وجوهات شرعی، جایگزین نظام مالیاتی فعلی شده و در صورت کمبود منابع با استفاده از احکام اولیه و ثانویه امکان تغییر اموال متعلق و نصاب‌های موردنظر لحاظ شود. در این نگاه وجوهات شرعی مشابه نظام مالیات‌های مستقیم فرض شده و علاوه‌برآن، این نظام حائض آثار مثبت یک نظام مالیاتی بهتر دانسته شده است (رستمی و رستمی، ۱۳۹۴، ص. ۲۱).

نظریه سوم مشابه به نظر قبل است. این نظر اصالت اولیه در درآمد دولت را به دریافت وجوهات شرعی اختصاص داده است. در این نگاه اگر خمس و زکات دریافتی توسط دولت اسلامی، پوشش‌دهنده تمامی هزینه‌ها باشد، ایشان نباید مالیات جدیدی وضع کند. در این صورت وضع مالیات به‌عنوان امر ثانوی محسوب می‌شود (کاشیان، شعبانی و عسکری، ۱۳۹۴، ص. ۱۴۴؛ شعبانی و کاشیان، ۱۳۹۵، ص. ۷۴؛ دهقان نیری و قانع، ۱۴۰۱، ص. ۱۸۶). البته قائلین به این نظر معتقد هستند که با توجه به شرایط فعلی، امکان تحقق نظریه مطرح‌شده در دسته دوم و سوم وجود ندارد. به عبارتی امکان جایگزینی هیچ‌یک از نظام‌های زکات، خمس و مالیات در عوض یکدیگر فراهم نیست. بلکه لازم است، بین بخش‌های مختلف مزبور، هماهنگی انجام شود. به عبارتی دولت باید ساختار هماهنگ‌کننده‌ای بین زکات و مالیات ایجاد بکند. بدین‌ترتیب اشخاص پرداخت‌کننده زکات، از تخفیف مالیاتی بهره‌مند شوند (کاشیان، شعبانی و عسکری، ۱۳۹۴، ص. ۱۴۴؛ مؤمن، ۱۳۸۰، صص. ۳۲-۳۱). این موضوع به‌نظر دسته اول نزدیک است.

در این رابطه برخی از پژوهشگران ساختاری به جهت هماهنگی بین نظام مالیات‌ستانی و نظام پرداخت وجوهات شرعی پیشنهاد داده‌اند. در این ساختار، شورایی به نام «شورای هماهنگی وجوه شرعی» پیشنهاد شده است. این نهاد وظیفه‌ی هماهنگی و تصمیم‌گیری مشترک برای نظام مالیاتی و وجوهات شرعی را برعهده دارد (عسکری و محمدی‌پور، ۱۴۰۰، ص. ۴۹۵).

۴-۱-۲. الزامی یا اختیاری بودن پرداخت زکات به حکومت اسلامی

یکی از چالش‌های بنیادین، دوگانِ الزامی یا اختیاری بودن پرداخت زکات به حکومت اسلامی است. جنبه‌ای از این موضوع به وظیفه‌ی مؤدیان زکات در قبال پرداخت زکات اشاره دارد و جنبه‌ای دیگر، وظیفه‌ی حکومت اسلامی در قبال حکم زکات را مشخص می‌کند.

چالش انتخاب رویکرد الزامی، خدشه‌دار شدن قصد قربت مؤدیان زکات و به‌تبع آن مخدوش شدن عبادی بودن زکات است (ایروانی، ۱۳۸۹؛ کیخا و مؤذنی، ۱۴۰۱، ص. ۱۱۸). در مقابل نظرات الزامی دریافت زکات، قائلانی معتقد به پرداخت اختیاری زکات توسط مؤدیان به نهاد زکات (حاکمیت) هستند (اسماعیلی، یاسوری و ابراهیمی، ۱۳۹۴، ص. ۸۷؛ توکلی، ۱۳۹۵، ص. ۲۱۶؛ کیاءالحسینی، ۱۳۹۰، ص. ۱۵۸). منظور از پرداخت اختیاری زکات این است که مؤدیان بدون اعمال هیچ سیاست الزامی، زکات خود را به نهاد زکات پرداخت کنند. همچنین اختیار داشته باشند که مبالغ زکات اموال خویش را به‌صورت مستقیم به مستحقین برسانند. در صورت اختیاری بودن پرداخت زکات، قصد قربت در آن دچار مشکل نشده و عبادی بودن زکات خدشه‌دار نمی‌گردد. لکن چالش‌های رویکرد اختیاری پرداخت زکات به نهادهای متولی زکات، متعدد است. یکی از آن‌ها، وجود احتمال عدم پرداخت مبالغ زکات و به‌تبع آن نوسانی شدن مبالغ تجمیع شده زکات است (کیاءالحسینی، ۱۳۹۸، صص. ۲۱-۲۲). همچنین اتخاذ این رویکرد، موجب عدم‌تقارن اطلاعات بین مؤدیان و نهادهای جمع‌آوری‌کننده زکات خواهد شد. به همین دلایل، نهاد زکات توانایی برنامه‌ریزی متمرکز را از دست خواهد داد (کیاءالحسینی، ۱۳۹۰، صص. ۱۵۴-۱۵۸).

پاسخ به چالش رویکرد الزامی، نیازمند بررسی قصد قربت است. برخی معتقد هستند قصد قربت در صورت الزامی شدن پرداخت زکات، خدشه‌دار نمی‌شود. به عبارتی حاکم اسلامی می‌تواند دریافت زکات را الزامی کند و به نیابت از مجبور شدگان، قضای نیت قربت آن‌ها را به‌جا آورد (دهقان‌نیری و قانع، ۱۴۰۱، ص. ۱۸۶). برخی دیگر این موضوع را اشکال ندانسته‌اند. مؤمن معتقد است، حاکم شرع اختیار دارد، مردم را به پرداخت زکات مجبور کند. همچنین اگر کسی آن را نپردازد، با اعمال

قدرت از او بگیرد (مؤمن، ۱۳۸۰، صص. ۳۱-۳۲). همچنین مصباحی‌مقدم (۱۳۹۷) معتقد است که زکات از منابع مالی حاکم اسلامی برای تحقق اهداف تعریف‌شده آن است. بدین‌ترتیب با تشکیل حکومت جمهوری اسلامی، باید در اختیار ولی‌فقیه قرار بگیرد (مصباحی‌مقدم، ۱۳۹۷، صص. ۱۱۹-۱۲۴).

همچنین شهید ثانی (۱۴۰۱) معتقد است، در صورت *درخواست ولی‌فقیه*، پرداخت زکات به حکومت اسلامی واجب است. علاوه‌برآن اگر درخواستی از ناحیه ایشان صورت نگیرد، مستحب است که زکات به فقیه عادل پرداخت شود. علت این موضوع در آگاهی بیشتر شخص فقیه نسبت به جایگاه‌های تخصیص زکات ذکرشده است[۱۶] (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج۲، ص. ۵۳؛ کوشکی فروشانی، ۱۳۹۶، ص. ۱۴۱؛ نعمتی و ملکی، ۱۴۰۱، ص. ۱۱۹).

بنابراین در صورت موافقت به الزامی شدن زکات، با چالش عبادی بودن آن روبرو نخواهیم شد. علاوه‌برآن، سیره معصومین[علیهم‌السلام] رویکرد الزامی را تأیید کرده است (دهقان‌نیری و قانع، ۱۴۰۱، ص. ۱۸۶؛ رجایی رامشه و نعمتی، ۱۳۹۷، ص. ۸۵؛ مصباحی‌مقدم، ۱۳۹۷، ص.۱۳۰). همچنین این رویکرد با استفاده از عقلانیت اقتصادی قابل‌اثبات است (قلعه‌نوی و پاسبانی صومعه، ۱۳۹۲، ص.۱۱۹). در بین نظرات، برخی دیگر الزام به اخذ زکات را فقط در موارد نه‌گانه دانسته‌اند (کعبی‌نسب، رجایی، ربیعی و نعمتی، ۱۳۹۷، ص. ۲۷).

این در حالی است که در نظر برخی رویکرد اختیاری پرداخت زکات به حکومت دارای مزایایی است. ازجمله مزایای اصلی رویکرد اختیاری، افزایش تعامل بین زکات دهندگان با مستحقین و به‌تبع آن، افزایش اعتماد طرفینی بین زکات‌دهندگان و حکومت

---

۱۶. و یجب دفعها إلی الإمام مع الطلب بنفسه أو بساعیه لوجوب طاعته مطلقا قیل: و کذا یجب دفعها إلی الفقیه الشرعی فی حال الغیبة لو طلبها بنفسه أو وکیله لأنه نائب للإمام کالساعی بل أقوی و لو خالف المالک فرقها بنفسه لم یجز للنهی المفسد للعبادة و للمالک استعادة العین مع بقائها أو علم القابض و دفعها إلیهم ابتداء من غیر طلب أفضل من تفریقها بنفسه لأنهم أبصر بمواقعها و أخبر بمواضعها و قیل و القائل المفید و التقی: یجب دفعها ابتداء إلی الإمام أو نائبه و مع الغیبة إلی الفقیه المأمون و ألحق التقی الخمس محتجین بقوله تعالی: "خُذْ مِنْ أَمْوالِهِمْ صَدَقَةً" و الإیجاب علیه یستلزم الإیجاب علیهم و النائب کالمنوب و الأشهر الاستحباب (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج۲، ص. ۵۳).

اسلامی است. ایجاد اعتماد سبب محول‌نمودن بخشی از کارها به دریافت‌کنندگان زکات می‌شود و زمینه رشد فعالیت‌های اقتصادی را فراهم می‌سازد (موسایی و کرمی، ۱۳۸۷، ص. ۲۱۹). همچنین ایجاد تعامل بین زکات‌دهندگان و مستحقین سبب اثر مثبت اقتصادی بر رفاه کل جامعه می‌شود (حبیبان نقیبی و کفشگر جلودار، ۱۳۹۵، ص. ۴۸). در این رویکرد ارتباط مستقیم بین مؤدیان و مستحقین سبب افزایش انگیزه‌های اخلاقی مالیاتی خواهد شد. در این وضعیت اشخاص صاحب اموال زکوی، وجوه را به محل مصرف می‌رسانند؛ بدین‌ترتیب تمرکززدایی مالیاتی و مشاهده آثار اجتماعی آن به‌صورت ملموس رخ می‌دهد. ازاین‌رو انگیزه‌های درونی ایشان تقویت می‌شود (توکلی، ۱۳۹۵، ص. ۲۱۴). به همین سبب پیشنهاد شده است که به مؤدیان مالیاتی اجازه داده شود، حداقل بخشی از مالیات را به صلاحدید خود در چارچوب مصارف قانونی و شرعی تعیین‌شده هزینه کنند (توکلی، ۱۳۹۵، ص. ۲۱۶).

همچنین کارایی رویکرد پرداخت اختیاری مستلزم ایجاد نظام مالیاتی با کارایی بالا است. کارایی بالا ناشی از کامل بودن اطلاعات نهادها و سازمان‌های مالیاتی از مؤدیان است تا فرار مالیاتی را به حداقل برساند. همچنین وجود وحدت رویه در امور، ازجمله ضروریات یک نظام مالیاتی کارآمد است (کیاءالحسینی، ۱۳۹۰، ص. ۱۵۹).

۴-۱-۳. محدودیت اموال متعلق زکات

براساس نظر مشهور فقهای عظام، اموال متعلق زکات واجب نه مورد است که اشاره شد. این چالش عبارت است از عدم‌کفایت منابع و درآمد حاصل از زکات اموال نه‌گانه در تحقق اهداف پیش‌بینی‌شده است (پژومان و زارع، ۱۳۹۸، ص.۱۵۰؛ شعبانی و کاشیان، ۱۳۹۲، ص. ۳۹؛ شعبانی و کاشیان، ۱۳۹۵، ص. ۵۷؛ کاشیان، ۱۴۰۰، ص. ۲۰۷).

در این رابطه نظرات راهبردیِ متفاوتی نسبت به رفع چالش وجود دارد. در نظر پژومان و زارع (۱۳۹۸)، راه‌حل در تعمیم زکات به اموال دیگر همچون نظرات حاضر در فقه اهل‌سنت و یا ترکیب خمس ارباح مکاسب با اموال متعلق زکات است. بدین‌ترتیب زمینه مناسبی برای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری فراهم می‌شود (پژومان و زارع، ۱۳۹۷، ص. ۱۵۰). شعبانی و کاشیان در پژوهشی، سه جمع‌بندی بابت رفع چالش

محدودیت زکات ذکر کرده‌اند. جمع‌بندیِ اول جهت تعمیم اموال متعلق زکات با مراجعه به نظرات غیر مشهور فقه شیعه، زمینه‌ی اضافه کردن اموال معرفی‌شده به موارد نه‌گانه فراهم کرد. در جمع‌بندی دوم ایشان، زکات را منحصر در نه مورد دانسته ولی زکات بر پول و سپرده بانکی را جایز و لازم دانسته‌اند. در سومین جمع‌بندی ارائه‌شده، زکات به معنای خاص و عام گرفته شده است. در معنای خاص زکات، همان نه‌مورد منظور واقع‌شده و در معنای عام، زکات برای اهداف رفع فقر به کار گرفته می‌شود (شعبانی و کاشیان، ۱۳۹۲، ص. ۵۸). همچنین در نظری دیگر نظریه‌ی تعمیم با توجه به نظر ولی‌فقیه حاکم بر جامعه اسلامی به‌عنوان نظریه کارآمد برای رفع اساسی چالش مزبور، مطرح شده است (کاشیان، ۱۴۰۰، صص. ۲۰۹-۲۰۷). البته برخی معتقد هستند که منابع نه‌گانه زکات کافی بوده؛ به همین دلیل چالش فقر را باید در سیستم‌های اقتصادی، مالی و... بررسی کرد (قلعه‌نوی و پاسبانی صومعه، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۹).

۴-۱-۴. بررسی تطبیقی با قانون و آیین‌نامه

به‌صورت مستقیم موضوع ارتباط زکات با مباحث مالیاتی در قانون زکات و آیین‌نامه آن، اشاره‌ای نشده است. هرچند عضویت وزیر امور اقتصادی و دارایی کشور در شورای عالی زکات مطابق با ماده یک قانون و تعریف سازمان امور مالیاتی ذیل این وزارتخانه به‌صورت ضمنی، ارتباط بین سازمان امور مالیاتی با نهاد زکات را مطرح کرده است. همچنین مطابق با بند اول و دوم ماده پنج قانون زکات، مدیران امور اقتصادی و دارایی به‌عنوان عضو شورای زکات استان و رئیس اداره امور مالیاتی به‌عنوان عضو شورای زکات شهرستان، عنوان شده است. این در حالی است که هیچ وظیفه و خطابی در آیین‌نامه مصوب هیأت‌دولت به‌صورت مستقیم به ایشان محول نشده است؛ اما می‌توان راهکار ایجاد هماهنگی بین وجوه شرعی زکات و مالیات را به‌عنوان وظیفه شورای زکات در روح این قانون مشاهده کرد. مطابق با ماده هشت آیین‌نامه، در صورت تصویب پیشنهادیِ مذکور توسط شورای مرکزی زکات، دستگاه‌های اجرایی حاضر در ماده یک قانون که وزارت اقتصادی و امور دارایی شامل آن‌ها است، موظف به اجرای آن مطابق با قوانین و مقررات مربوط خواهند بود.

مطابق با ماده یک قانون زکات، «شورای مرکزی زکات» جهت تشویق مردم به ادای زکات و سازمان‌دهی امور مربوط به آن، با اذن ولی‌فقیه و اعطای اختیارات در چهارچوب قانون مزبور تشکیل شده است. در نخستین نگاه، قانون عمل به تکلیف زکات را تشویقی محسوب کرده و اجباری برای آن قائل نشده است؛ اما با توجه به سایر مفاد حاضر در قانون برداشت می‌شود که منظور از تشویق آن است که شکل‌گیری شورای زکات به‌عنوان ساختار اصلی مدیریت اموال زکوی، موجب تشویق بیشتر مردم به پرداخت زکات بشود لکن هیچ نوع ضمانتی مبتنی‌بر عمل به قانون وجود ندارد؛ بنابراین براساس ماده دوم قانون زکات[۱۷] تصمیم‌گیری در خصوص اختیاری یا اجباری بودن پرداخت زکات با توجه به شرایط زمان و مکان و مصلحت‌سنجی، به شورای زکات واگذار شده است.

در قانون و آیین‌نامه به‌صورت مستقیم اموال متعلق زکات تعیین نشده‌اند. ولی به‌صورت کلی در ماده سه قانون تمامی مباحث فوق به نظر ولی‌فقیه و اذن ایشان ارجاع داده‌شده است. در ماده سوم چنین آمده است: «هرگونه اقدام در مورد زکات از قبیل جمع‌آوری و اولویت‌های مصرف آن مطابق نظر ولی‌فقیه و با اذن ایشان انجام می‌گیرد». همچنین آیین‌نامه، در رابطه با این چالش، مسکوت است.

۴-۲. تأمین هزینه‌ها از بودجه دولت[۱۸]

۴-۲-۱. حقوق عاملان از محل کمک دولت نه از منابع زکات

حقوق عاملین زکات به‌صورت مشخص از منابع زکات تأمین نمی‌شود. برخی معتقد هستند زکات فقط برای نیازمندان، عمران و آبادانی مناطق محروم هزینه می‌شود و

---

۱۷. بند الف ماده دوم قانون، چنین بیان شده است: «تعیین خط‌مشی‌های اساسی درخصوص جمع‌آوری و مصرف زکات و تنظیم ضوابط و معیارهای مربوطه».

۱۸. بایستی توجه شود که زکات در طول تمدن اسلامی به‌عنوان منبع درآمد بیت‌المال جامعه مسلمین محسوب شده است نه به‌عنوان هزینه (کعبی‌نسب، رجایی، ربیعی، و نعمتی، ۱۳۹۷، ص. ۱۸) بنابراین تأمین هزینه از بودجه‌ی دولت به‌عنوان چالش تلقی شده است.

کارگزاران زکات نیز به‌صورت داوطلبانه اقدام کرده یا آنکه دستمزد ایشان از محل کمک دولت پرداخت می‌شود (حبیبیان نقیبی و کفشگر جلودار، ۱۳۹۵، ص. ۴۴).

۴-۲-۲. تحمیل هزینه به حکومت اسلامی

دو دلیل برای ایجاد چالش تحمیل هزینه‌بر دولت، ذکر شده است. اولین دلیل وضع سیاست تشویقی مطابق با ماده چهار قانون زکات است (حبیبیان نقیبی و کفشگر جلودار، ۱۳۹۵، ص. ۴۰). براساس این ماده دولت مجاز است در جهت اهداف این قانون و بنابر پیشنهاد کمیته امداد امام خمینی(ره) حداقل معادل ریالی زکات جمع‌آوری‌شده سالانه را به‌علاوه ۱۰ درصد در بودجه سال بعد پیش‌بینی نماید و در اختیار کمیته امداد امام خمینی(ره) جهت مصارف اهداف این قانون قرار دهد. نظر دیگر آنکه دولت در تخصیص یا عدم‌تخصیص بودجه و هزینه‌های تشویقی نهاد متولی امر زکات، دارای اختیار است و مجبور به این تخصیص نیست و در بودجه نیز سرفصل خاصی برای نهاد زکات در بودجه سالانه در نظر گرفته نمی‌شود (رجایی رامشه و نعمتی، ۱۳۹۷، ص. ۷۶).

دلیل دوم این موضوع، هزینه‌های سازمانی بالا جهت به‌کارگیری نهادهای مختلف و فراوان برای اجرای این قانون است. در نظر برخی، به‌صورت احتمالی استفاده از مسئولین بخش‌های مختلف اقتصادی در قالب شورای مرکزی زکات و درگیری نهادها و افراد مختلف سبب افزایش هزینه‌ی اجرای این قانون شده است (کیاءالحسینی، ۱۳۹۸، صص. ۸-۱۷).

۴-۲-۳. انحراف در انگیزش و نیت زکات‌دهندگان

علت انحراف در انگیزش و نیت زکات دهندگان، وضع «سیاست‌های تشویقی» بیان شده است (توکلی، ۱۳۹۵، ص. ۱۹۵؛ کیاءالحسینی، ۱۳۹۸، ص ۸). تأمین هزینه‌های سیاست تشویقی از بودجه دولت علاوه‌بر تحمیل هزینه‌بر دولت، سبب کاهش انگیزه درونی و ایجاد ضررهای اخلاقی می‌گردد. ازجمله این ضررها کاهش عزت‌نفس و خودمختاری، کاهش انگیزه‌ی درونی، مشوب شدن واجب الهی با نیت‌های دیگر،

انحراف ادای فریضه از مسیر الهی آن (توکلی، ۱۳۹۵، ص. ۱۹۵؛ کیاءالحسینی، ۱۳۹۸، ص. ۸) هستند.

۴-۲-۴. امکان جعل گزارش و ایجاد فساد در اداره‌ها

یکی دیگر از انحرافات سیاست تشویقی، ایجاد حساب‌های صوری در دریافت زکات است. حساب صوری بدین‌معناست که گزارش دریافت زکات از زکات دهندگان بدون دریافت واقعی زکات ایجاد شده است (حبیبیان نقیبی و کفشگر جلودار، ۱۳۹۵، ص. ۴۰). «زکات انتظامی» یکی از زمینه‌های ایجاد چنین گزارش‌هایی است. در این مدل از اخذ و تخصیص زکات، عاملان، اشخاصی که زکات اموال خود را نپرداخته‌اند، شناسایی و زکات را از ایشان اخذ کرده و با نظر ایشان هزینه می‌کنند. در این رویه، گزارش‌های ساختگی به جهت بالابردن ارقام زکات پرداختی و دریافت بودجه تشویقی در هر منطقه، توسط دبیرخانه منطقه ایجاد شده است (رجایی رامشه و نعمتی، ۱۳۹۷، ص. ۷۸). همچنین پرداخت مبالغ تشویقی از بودجه دولت ممکن است سبب فسادهای مختلفی در بخش‌های اداری شود (کیاءالحسینی، ۱۳۹۸، ص. ۳۸).

۴-۲-۵. بررسی تطبیقی با آیین‌نامه و قانون

ماده شش قانون زکات[۱۹] مرتبط با چالش پرداخت حقوق عاملان از محل کمک دولت و نه از منابع زکات است. در این ماده قانونی بیان شده است که تا ۱۰ درصد هزینه‌های امور زکات از محل وصول منابع زکات تأمین شود.

چالش تحمیل هزینه‌بر دولت برآمده از دو علت است. دلیل اول سیاست تشویقی است. این موضوع در دو ماده چهارم و ششم «قانون زکات» و ماده نه «آیین‌نامه زکات» بیان شده است. هزینه‌های سیاست تشویقی در ماده چهار، مطابق با مطالب فوق است. همچنین در ماده شش، چگونگی سیاست‌های تبلیغی و تشویقی در جهت ترغیب مردم

---

۱۹. این ماده چنین است: «سیاست‌های تبلیغی و تشویقی در جهت ترغیب مردم به ادای زکات از قبیل اختصاص یارانه به کشاورزان و دامداران و نحوه اداره شوراهای استان، شهرستان و بخش و چگونگی تعیین معتمدان محلی در آیین‌نامه اجرائی این قانون پیش‌بینی می گردد. هزینه‌های ناشی از اجرای این قانون تا حداکثر ۱۰ درصد، از محل وصولی‌های مربوطه تأمین می‌گردد...».

به پرداخت زکات به آیین‌نامه محول شده است. این موضوع در ماده نه آیین‌نامه زکات[۲۰] شرح داده شده است.

دلیل دوم، تعداد حضور مسئولین نهادهای اداری مختلف و هزینه‌های سازمانی برای اجرای قانون زکات است. در ماده‌های اول و پنجم قانون زکات، ساختار شورای مرکزی زکات و شوراهای استانی، شهرستان و بخش تشریح شده است. مطابق با مفاد قانون، مسئولین متعددی در شوراهای مختلف زکات حضور دارند. لکن ممکن است قانون‌گذار با توجه به حضور مسئولین شورا در نهادهای مختلف دولتی و دریافت حقوق و دستمزد از این نهادها، هزینه‌ای برای حضور ایشان در شورای زکات در نظر نگرفته باشد. ازاین‌رو فقط هزینه حقوق عاملین زکات در امور اجرایی برعهده‌ی کمیته‌ی امداد امام خمینی(ره) و بودجه دولت خواهد بود. از طرفی مطابق با ماده شش قانون، تأمین هزینه‌ها حداکثر به میزان ۱۰ درصد از مبالغ جمع‌آوری‌شده زکات، قابل تحقق است. به همین سبب بار هزینه اجرای قانون بر دولت کمتر می‌شود.

ماده چهارم قانون زکات و ماده ۱۱ آیین‌نامه به عدم الزام دولت جهت اعمال سیاست تشویقی و عدم تعیین منبع برای تخصیص هزینه‌های نهاد زکات در بودجه، مرتبط است. ماده چهارم قانون از لفظ مجاز بودن دولت در تعیین بودجه برای هزینه‌های تشویقی امور زکات استفاده کرده است. این در حالی است که در ماده ۱۱ آیین‌نامه زکات به‌صورت صریح، سازمان برنامه‌وبودجه مکلف به تعیین بودجه برای هزینه‌های نهاد زکات شده است.[۲۱]

---

۲۰. این ماده از آیین‌نامه این‌چنین است: «در راستای ماده (۶) قانون و در جهت ترغیب مردم به ادای زکات سیاست‌های تشویقی زیر توسط دستگاه‌های ذی‌ربط اجرا می‌شوند: ۱- سازمان برنامه و بودجه کشور اعتبارات تشویقی پیش‌بینی شده در قانون بودجه سنواتی را به مناطق شهرها و روستاهای پرداخت کننده زکات جهت هزینه کرد در راستای مصارف زکات با اولویت مصرف در همان محل پرداخت‌کننده اختصاص و در اختیار کمیته امداد امام خمینی(ره) قرار می‌دهد. ۲- وزارت جهاد کشاورزی مجاز است در چهارچوب قانون بودجه سنواتی نسبت به اختصاص یارانه برای نهاده‌های کشاورزی و دامی برای مؤدیان زکات اقدام کند».

۲۱. ماده ۱۱ آیین‌نامه قانون زکات چنین است:« سازمان برنامه و بودجه کشور مکلف است در اجرای تبصره ماده (۱) قانون اعتبار موردنیاز برای دستیابی به اهداف قانون را در لایحه بودجه سنواتی پیش‌بینی نماید»؛ بایستی

راهکارهای اصلی این حوزه در نظر برخی، حذف ماده چهار و بازنگری در سه ماده یک، پنج و شش قانون زکات است. حذف ماده چهار به سبب حذف سیاست تشویقی قیدشده در آن، بازنگری در ماده‌های یک و پنج به سبب تجدیدنظر حضور اعضای شورای مرکزی زکات و نهادهای مرتبط با آن و بازنگری در ماده شش بابت هدفمندی سیاست‌های تشویقی، مطرح‌شده‌اند (کیاءالحسینی، ۱۳۹۸، ص ۳۹).

در خصوص سایر چالش‌ها همچون ایجاد گزارش‌های صوری، به‌صورت مستقیم در قانون و آیین‌نامه اشاره نشده است. براساس ماده هشت آیین‌نامه زکات، دبیرخانه شورا وظیفه نظارت بر عملکرد اعضای شورا را برعهده دارد.[۲۲] بدین‌ترتیب دبیرخانه زکات به‌عنوان ناظر بر عملکرد اعضای شورا قرارگرفته است. این در حالی است که آیین‌نامه نسبت به تعیین شاخص‌های ارزیابی گزارش‌ها و چگونگی انجام این امور، مسکوت است. علاوه‌برآن مرجعی برای نظارت بر صحت‌سنجی آمارهای عملکردی دبیرخانه‌های زکات قرار داده نشده است. به همین ترتیب امکان بررسی گزارش‌های ساختگی و تطابق آن با واقع دچار مشکل شده و در آیین‌نامه رفع نشده است.

۴-۳. فرهنگ و آموزش

۴-۳-۱. توجه نامناسب به آموزش فرایض دینی به‌خصوص زکات در کتب آموزشی

توجه شود که در ماده یک قانون زکات، هزینه‌های ماده چهارم که هزینه‌های سیاست تشویقی هم مدنظر قرار گرفته شده است.

۲۲. تبصره دوم ماده (۸) آیین‌نامه چنین بیان می‌کند: «هریک از اعضای شورای مرکزی موظف‌اند امور مرتبط با زکات را در دستگاه متبوع خود پیگیری کنند و برنامه‌های شورای مرکزی را به کلیه سطوح سازمانی (ملی، استانی و شهرستانی) ابلاغ و گزارش سالیانه عملکرد مدیران (ستادی و صف) را براساس سیاست‌ها و مصوبات ابلاغی به دبیرخانه شورای مرکزی ارائه نمایند. دبیرخانه شورای مرکزی موظف است گزارش عملکرد دریافتی از اعضا را براساس شاخص‌های تدوین‌شده در کلیه سطوح ملی، استانی و شهرستانی مورد ارزیابی قرار دهد و نتیجه را پس از هماهنگی، تأیید و امضای رئیس شورای مربوطه (حسب مورد) به مراجع ذی‌ربط ارائه نماید».

یکی از چالش‌های عرصه آموزش، توجه نامناسب به آموزش فرایض دینی به‌خصوص زکات در دوران تحصیلی است (نوریان، ۱۳۸۹، ص. ۸۹). این چالش می‌تواند عاملی برای آگاهی ناکافی نسل جوان جامعه اسلامی از احکام اجتماعی اسلام همچون زکات باشد.

۴-۳-۲. ناآگاهی مشمولین زکات از احکام، مزایا و منافع پرداخت زکات

یکی از چالش‌ها ناآگاهی مؤدیان و عموم مردم از احکام و مزایای زکات است. این چالش سبب بی‌تفاوتی مؤدیان نسبت به پرداخت زکات و محدودیت افزایش اندازه زکات شده است (عزتی و شهریاری، ۱۳۹۱، ص. ۵۷؛ شمس و فتحی هفشجانی، ۱۳۹۴، ص. ۶۱). در نظر برخی یکی از علل این چالش ضعف در ساختار اجرایی اطلاع‌رسانی و شفافیت است (نعمتی، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۲؛ رجایی رامشه و نعمتی، ۱۳۹۶، ص.۸۵).

۴-۳-۳. ادراک نامناسب برخی از مردم از فعالیت‌های کمیته امداد

چالش ادراک نامناسب برخی مردم از فعالیت‌های کمیته امداد امام خمینی(ره) موجب کاهش اندازه زکات پرداختی به این مجموعه شده است. موضوع چالش، نگرش برخی مردم نسبت به پرداختی‌های کمیته امداد به افراد است. برخی بر این نظرند که بروز احتمال در بهره‌برداری نابجا از این نوع پرداختی‌ها، موجب ایجاد چهره نامطلوبی از کمیته امداد شده است (عزتی و شهریاری، ۱۳۹۱، ص. ۵۷). از طرفی پایبندی مردم به توزیع سنتی (توزیع مبالغ زکات توسط خود مؤدیان) (کیاءالحسینی، ۱۳۹۸، ص. ۲۶) نشان از بروز چنین چالشی در صحنه اجرا است.

۴-۳-۴. نگاه به امر زکات فقط به‌عنوان یک امر عبادی

این چالش سبب عدم رعایت جوانب اخلاقی پرداخت زکات به افراد زکات‌دهنده شده است. نگاه صحیح نسبت به عرصه زکات، دیدن زکات به‌عنوان حقی برای فقرا در اموال زکات‌دهندگان و اعطای آن برای ادای تکلیف است. این نگاه علاوه‌بر آنکه منت‌گذاری زکات‌دهندگان نسبت به زکات‌گیرندگان را از بین می‌برد، سبب افزایش رضایت مؤدیان خواهد شد (حبیبیان نقیبی و کفشگرجلودار، ۱۳۹۵، صص. ۴۷-۴۸).

۴-۳-۵. نگرش نامناسب برخی از مسئولین

در نظر برخی این چالش، به سبب میزان کم‌درآمد حاصل از زکات نسبت به سایر درآمدها، مطرح و یکی از علل کم‌توجهی مسئولان مالیه عمومی به بخش زکات است (رجایی رامشه و نعمتی، ۱۳۹۷، ص. ۷۰).

در رابطه با رفع این چالش، پیشنهاد شده که قانون زکات با تعیین وظیفه برای هر یک از وزرا، تأثیر حضور ایشان را بالا ببرد تا بدین‌وسیله اهتمام هر عضو برای عمل به اهداف را بیشتر کند (رجایی رامشه و نعمتی، ۱۳۹۷، ص. ۷۰).

۴-۳-۶. بررسی تطبیقی با قانون و آیین‌نامه

قانون و آیین‌نامه در مورد چالش «توجه نامناسب به آموزش فرایض دینی به‌خصوص زکات در کتب آموزشی»، «ناآگاهی مشمولین زکات از احکام، مزایا و منافع پرداخت زکات»، «نگاه به امر زکات فقط به‌عنوان یک امر عبادی» و نگرش نامناسب به آن در ماده دوم قانون و ماده‌های دوم، ششم و دهم آیین‌نامه توجه داشته است. سیاست‌گذاری امور تبلیغی و آموزشی مطابق با بند «ب» ماده دوم قانون زکات به شورای مرکزی زکات محول شده است. هدف از این وظیفه آشنایی و هدایت مردم به ادای زکات است. همچنین این موضوع در بند دوم ماده دوم[۲۳] آیین‌نامه زکات به‌عنوان یکی از وظایف شورای زکات استان مطرح است. همچنین در بند پنجم ماده دوم[۲۴] آیین‌نامه به موضوع آموزش اشاره کرده است. این موضوع در بند نهم ماده ششم[۲۵] آیین‌نامه به‌عنوان وظیفه دبیرخانه شورای مرکزی ذکر شده است. علاوه‌برآن، ماده ۱۰ به‌صورت خاص به تولیدات محتوایی راجع به مباحث زکات اشاره‌کرده است. طبق این ماده، «دستگاه‌های اجرایی (به‌ویژه شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه، سازمان تبلیغات اسلامی و سازمان

---

۲۳. این بند این‌چنین است: «برنامه‌ریزی، ساماندهی و بسیج منابع و امکانات استانی در امر بسترسازی، فرهنگ‌سازی، تبلیغات و اعتمادسازی در امر زکات».

۲۴. این بند این‌چنین است: «برنامه‌ریزی امور مربوط به پژوهش، آموزش و همایش‌های زکات (علمی، تخصصی، آموزشی، هم‌اندیشی، تشویقی) و پیشنهاد به شورای مرکزی».

۲۵. در این بند آمده است: «تدوین راهکارهای اجرایی و عملیاتی در راستای سازمان‌دهی، آموزش و به‌کارگیری معتمدین و مبلغین به‌عنوان عوامل افتخاری جهت ترویج و توسعه زکات».

صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران) در راستای ترویج و توسعه فرهنگ زکات مجازند اقدامات زیر را براساس مصوبات شورای مرکزی از محل اعتبارات مربوط، پیش‌بینی و اجرا نمایند: ۱. تهیه، تدوین و ابلاغ طرح جامع رسانه‌ای- تبلیغی. ۲. تهیه و پخش برنامه‌های رسانه‌ای از قبیل فیلم، نماهنگ (کلیپ) و آگهی کوتاه تبلیغاتی (تیزر) مربوط به زکات. ۳. اجرای پویش فرهنگی و رسانه‌ای زکات. ۴. تهیه بسته‌های آموزشی و محتوایی زکات مبلغین و مؤدیان زکات.» بنابراین در آیین‌نامه به‌صورت جامع ابزارهای مختلف رسانه‌ای برای رفع چالش‌های مزبور، ارائه شده است.

چالش ادراک نامناسب برخی مردم به کمیته امداد، چالش نگرشی است. یکی از راه‌های رفع این چالش، افزایش شفافیت عملکرد و ایجاد ساختارهای نظارتی در تشکیلات زکات است. در خصوص موضوع شفافیت آیین‌نامه و قانون مسکوت است لکن در خصوص ساختارهای نظارتی در بند شش ماده دو، بند شش ماده سه، بند شش ماده چهار و بند پنج ماده شش آیین‌نامه قانون زکات ساختار نظارتی از طریق شورای مرکزی زکات پیش‌بینی شده است.[۲۶]

۴-۴. ساختاری

۴-۴-۱. تداخل وظایف بین سازمان زکات با سازمان‌های دولتی و غیردولتی

اولین چالش ساختاری، تداخل وظایف بین نهاد زکات با نهادهای دولتی و غیردولتی است. این چالش به وجود سازمان‌هایی همچون اوقاف، بهزیستی، انجمن‌ها و مؤسسات خیریه به‌موازات کمیته امداد در امور زکات اشاره دارد. به عبارتی انجام امور و وظایف

---

۲۶. بند شش ماده دو از جمله وظایف شورای زکات « بررسی پیشنهادها و آسیب‌ها و ارزیابی عملکرد دستگاه‌های مرتبط استانی و نظارت بر شورای زکات شهرستان‌ها به‌منظور جمع‌بندی و ارائه راهکارها به دبیرخانه شورای مرکزی.» و در بند شش ماده سوم از جمله وظایف شورای استان «نظارت بر امور مربوط به کلیه فعالیت‌های زکات در شهرستان» و در بند شش ماده چهار از جمله وظایف شورای زکات بخش «ارائه گزارش ارزیابی عملکرد شوراهای دهستان و روستا به دبیرخانه شورای سوری شهرستان» و در بند پنجم ماده شش از جمله وظایف دبیرخانه «ارزیابی چگونگی اجرای مصوبات ابلاغی مربوط به دستگاه‌ها و وزارتخانه‌های عضو و ارائه گزارش به شورای مرکزی» به‌عنوان ساختار نظارتی بر امور زکات ذکر شده است.

مشترک بین آن‌ها، عامل تهدیدی برای هدایت وجوه به کمیته امداد است (عزتی و شهریاری، ۱۳۹۱، ص. ۵۶). این موضوع سبب سلب فرصت برنامه‌ریزی متمرکز، برای این سازمان شده است.

۴-۴-۲. ساختار نامشخص ارائه پیشنهادیِ بودجه

دومین چالش ساختاری، ساختار نامشخص ارائه‌ی پیشنهادیِ بودجه است. یکی از امور تشکیلات زکات، تعیین بودجه برای تأمین هزینه‌ها است. این بودجه مطابق با ماده یک قانون، توسط دبیرخانه‌ی شورا (کمیته امداد امام خمینی(ره)) پیشنهاد می‌شود تا پس از تصویب، توسط شورای مرکزی زکات و لحاظ ماده چهار قانون زکات، دولت آن را در بودجه سالانه کمیته امداد قرار دهد. برخی از پژوهشگران با اشاره به این موضوع، چالش «نبود سازوکاری برای ارائه پیشنهادیه بودجه از ناحیه‌ی شورا به دولت» را مطرح کرده‌اند (کعبی‌نسب، رجایی، ربیعی و نعمتی، ۱۳۹۷، ص. ۱۵).

۴-۴-۳. ابهام در مرتبط بودن حوزه کاری برخی از افراد تشکیل‌دهنده شورا به مسائل زکات

سومین چالش ساختاری، عدم ارتباط حوزه کاری افراد تشکیل‌دهنده شورا به مسائل زکات است (کیاءالحسینی، ۱۳۹۸، ص. ۳۸). این چالش ارتباط حوزه کاری اعضای شورای زکات به مسأله زکات را زیر سؤال برده است. به عبارتی جایگاه اجتماعی برخی از اعضای شورای زکات غیرمرتبط با مسأله زکات دانسته شده و حضور ایشان در نهاد زکات مفید شمرده نشده است.

۴-۴-۴. ابهام در وظایف اعضای شورای زکات

عدم تبیین وظایف مسئولین حاضر در شورای زکات و از طرفی پرمشغله بودن ایشان، سبب شده اعضای شورا (به‌جز نماینده ولی‌فقیه (رئیس شورا) و رئیس کمیته امداد (دبیر شورا)) به اهداف حضور در شورای زکات توجه نداشته باشند (رجایی رامشه و نعمتی، ۱۳۹۷، ص. ۷۰).

۴-۴-۵. ابهام در شخصیت حقوقی تشکیلات زکات

ابهام در شخصیت حقوقی تشکیلات زکات در مقایسه با سایر سازمان‌ها، به‌عنوان چالش مطرح شده است (رجایی رامشه و نعمتی، ۱۳۹۷، ص. ۶۹). این چالش در زمینه چگونگی عملکرد نهاد زکات در قبال سایر نهادها است (کعبی‌نسب، رجایی، ربیعی و نعمتی، ۱۳۹۷، ص. ۱۶). در این زمینه اگر شخصیت حقوقی مستقل یا تعریف‌شده‌ای برای نهاد زکات وجود داشته باشد، امکان گسترش فعالیت‌های ایشان فراهم‌شده و توانمندی ایشان بابت پیشبرد اهداف بیشتر خواهد شد.

۴-۴-۶. بررسی تطبیقی با قانون و آیین‌نامه

اولین چالش ساختاری، تداخل وظایف بین نهاد زکات با نهادهای دولتی و غیردولتی است. در این خصوص فقط حضور بهزیستی به‌عنوان یکی از نهادهای مرتبط با نهاد زکات در امور شورای زکات دیده شده است.[۲۷] دومین چالش، ساختار نامشخص ارائه پیشنهادیِ بودجه است. در قانون، این رویه با ارائه پیشنهادیِ بودجه سازمان کمیته امداد امام خمینی(ره) ادغام شده است.[۲۸] همچنین در ماده ۱۱ آیین‌نامه، سازمان برنامه‌وبودجه مکلف به تعیین بودجه برای این موضوع شده است. در این ماده آمده است: سازمان برنامه‌وبودجه کشور مکلف است در اجرای تبصره ماده یک قانون، اعتبار موردنیاز برای

---

۲۷. قانون زکات در ماده پنج اشاره به حضور مدیرکل سازمان بهزیستی در شورای زکات استان دارد. همچنین در بند دوم این ماده حضور رئیس بهزیستی در شورای شهرستان تصریح شده است. همچنین در تبصره ماده ۱۲ آیین‌نامه مقرر شده است که امام‌جمعه در انتخاب یکی از معتمدین محلی به‌عنوان شرکت‌کننده در شورای زکات بخش، به پیشنهاد رئیس اداره بهزیستی شهرستان عمل نماید. این در حالی است که قانون و آیین‌نامه در خصوص شیوه هماهنگی نهادهای موازی با دبیرخانه زکات به‌عنوان بازوی اجرایی شورای زکات، مسکوت است.

۲۸. سازوکار ارائه پیشنهادیِ بودجه در تبصره ماده یک چنین بیان شده است: «دبیرخانه شورا در کمیته امداد امام خمینی(ره) تشکیل می‌گردد. همچنین وظیفه جمع‌آوری و رساندن زکات به موارد مصرف برعهده آن نهاد است که علاوه‌بر ارائه گزارش کار به شورا، بودجه موردنیاز جهت اجرای این قانون را پیشنهاد می‌نماید تا پس از تصویب شورا و با لحاظ ماده چهار این قانون توسط دولت در بودجه سالانه آن نهاد قرار گیرد و پس از تصویب مجلس شورای اسلامی، توسط معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور تخصیص اعتبار یابد تا به مصرف برسد».

دستیابی به اهداف قانون را در لایحه بودجه سنواتی پیش‌بینی نماید.[۲۹] بدین‌ترتیب سازوکار پیشنهادی بودجه به‌نحو ساختاری به ترتیب با پیشنهاد دبیرخانه شورای زکات به شورای زکات شروع‌شده و در طی مراحلی از سازمان برنامه‌وبودجه و مجلس شورای اسلامی عبور کرده و درنهایت توسط سازمان برنامه‌وبودجه تخصیص داده می‌شود. سومین چالش ساختاری، «ابهام در مرتبط بودن حوزه کاری برخی افراد تشکیل‌دهنده شورا به مسائل زکات» است. با توجه به اعضای معرفی‌شده در شورای زکات براساس ماده یک قانون، تمامی اعضا مرتبط با مسائل زکات هستند لکن ارتباط صریح حوزه کاری افراد با امور زکات مشخص نشده است. چهارمین چالش، ابهام در وظایف اعضای شورای زکات است. با توجه به بررسی قانون، این چالش وجود داشته و علی‌رغم تصویب آیین‌نامه، به چالش مزبور پاسخ متقنی داده نشده است. در این زمینه، وظایف تمامی اعضای شورای مرکزی به‌صورت کلی در ماده دوم مطرح‌شده است. این موضوع در آیین‌نامه برای سایر شوراهای استان، شهرستان و بخش نیز وجود دارد. هرچند در ماده نه آیین‌نامه دستورات مشخصی برای سازمان برنامه‌وبودجه و وزارت کشاورزی بابت تعیین و تخصیص بودجه و حمایت از کشاورزان زکات دهنده بیان کرده است ولی درمجموع وظایف تمامی اعضای بیان‌شده در متن ماده یک قانون، مشخص نشده است. پنجمین چالش «ابهام در شخصیت حقوقی» است. بررسی قانون و آیین‌نامه نشان‌دهنده از عدم‌توجه به این چالش است. در این خصوص توضیح مشخصی از تشکیلات زکات و ابعاد مفهومی آن در قانون و آیین‌نامه موجود نیست.

۴-۵. اجرایی

۴-۵-۱. پراکندگی مراجع اطلاعاتی و نبود بانک اطلاعاتی جامع و یکپارچه

اولین چالش اجرایی، چالش پراکندگی مراجع اطلاعاتی است. این چالش به نبود سامانه‌های اطلاعاتی مشترک بین کمیته امداد به‌عنوان بخش دولتی و دفاتر مراجع عظام

---

۲۹. همچنین در تبصره این ماده آمده است: «سازمان برنامه‌وبودجه کشور مجاز است در اجرای ماده چهار قانون، براساس گزارش عملکرد حسابرسی شده سالانه زکات، معادل ریالی زکات جمع‌آوری‌شده در هرسال را به‌علاوه ۱۰ درصد در بودجه سال بعد پیش‌بینی کند».

تقلید و مؤدیان پرداخت‌کننده زکات به‌صورت مستقیم اشاره دارد. این موضوع به علت نبود سامانه اطلاعاتی مشترک و جمع کننده تمامی اطلاعات حاضر در سه بخش مزبور ایجاد شده است. این چالش منجر به افزایش مخارج موازی و غیرهماهنگ دولت با دو بخش قبلی و نبود مرجع آماری واحد برای تمامی بخش‌ها است (شعبانی و کاشیان، ۱۳۹۵، ص. ۴۰؛ حبیبیان نقیبی و کفشگر جلودار، ۱۳۹۵، ص. ۴۵).

از دیگر چالش‌ها مسأله فقدان اطلاعات دقیق است. یکی از ملزومات اطلاعات دقیق، بانک اطلاعاتی کارآمد است. منظور از بانک اطلاعاتی کارآمد، بانک اطلاعاتی است که دربردارنده‌ی گستره وسیعی از اطلاعات دقیق منابع، مستحقان، انواع نیازها و استعدادها، مطالعه شیوه‌های توانمندسازی مستحقان، عاملان و شیوه‌های ارتقای بهره‌وری عاملان باشد (رجایی رامشه و نعمتی، ۱۳۹۶، ص.۷۱). این موضوع سبب خروج بدهکاران معسر از مشمولین زکات شده است. درواقع نقش بانک اطلاعاتی کارآمد، کمک در تشخیص شرایط دائن و مدیون با به‌کارگیری شاخص‌هایی همچون میزان اموال و توانایی کسب درآمد ایشان است (احمدی و امینی، ۱۳۹۶، ص. ۷۶). همچنین بانک اطلاعاتی سبب بهبود و ارتقای بهره‌وری آموزش و توانمندسازی فقرا می‌گردد.

۴-۵-۲. ابهام در سازوکار تخصیص زکات و تعیین اولویت‌ها

تعیین اولویت‌های مصرف منابع زکات با توجه به ماده سوم قانون زکات منوط به نظر ولی‌فقیه شده ولی سازوکار مشخصی راجع به آن تعیین نشده است. این چالش سبب عدم معرفی و تبیین مواضع تخصیص با اولویت بالا شده است. مواردی همچون توانمندسازی و آموزش فقرا به جهت افزایش مهارت ایشان (کعبی‌نسب، رجایی، ربیعی و نعمتی، ۱۳۹۷، صص. ۱۶-۲۱) و پرداخت بدهی بدهکاران معسر (احمدی و امینی، ۱۳۹۶، ص. ۵۳) ازجمله موارد اثربخش است.

۴-۵-۳. ضعف در ساختار اجرایی اطلاع‌رسانی و شفافیت

این چالش اثرگذاری بسزایی در ناآگاهی مؤدیان در موضوعاتی همچون احکام، مزایای پرداخت و معایب عدم‌پرداخت زکات داشته است. به عبارتی رفع چالش ساختار

اجرایی اطلاع‌رسانی، بهبود دو نقیصه مزبور را به‌دنبال دارد. علاوه‌برآن، سبب تقویت عملیات اخذ و تخصیص در مصارف شرعی خواهد شد (شمس و فتحی هفشجانی، ۱۳۹۴، ص. ۶۱). عدم‌توجه به این موضوع سبب ایجاد برداشت‌های ناصحیح برخی مردم از عملیات کمیته امداد شده است (عزتی و شهریاری، ۱۳۹۱، ص. ۵۷). ضعف ساختار اجرایی از منظر شفافیت، به‌خصوص در آمار هزینه‌های تشویقی مطرح است. با توجه به گذشت یک دهه از تصویب قانون زکات، شفافیت در آمار هزینه‌های تشویقی و سایر موارد مالی نهاد زکات به نحو کامل مشخص نیست (کیاءالحسینی، ۱۳۹۸، ص.۳۸).

در جهت رفع چالش ضعف ساختار اجرایی در اطلاع‌رسانی، راهبردهای متفاوتی همچون توانمندسازی، مدیریت کارا و حرفه‌ای و استفاده از روش‌های ساده در مدیریت عواید زکات، همراه با اطلاع‌رسانی در خصوص نحوه جمع‌آوری و مصرف آن مطرح است. تشکیلات زکات با استفاده از آن‌ها می‌تواند زمینه افزایش اعتماد مردم نسبت به مراکز متولی زکات شود (شاه‌ولی، خلیق‌زاده و کرمی، ۱۳۹۶، ص. ۹۷).

درزمینه چالش ضعف ساختار اجرایی در آگاهی‌بخشی و شفافیت نهاد زکات، راهبردهایی همچون استفاده از تبیین احکام زکات و جوانب مزیت‌های پرداخت و معایب عدم‌پرداخت آن، قرار دادن اطلاعات کامل نزد مؤدیان (نعمتی، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۲) و مشخص نمودن وظایف مؤدیان مالیاتی در قانون (رجایی رامشه و نعمتی، ۱۳۹۶، ص.۸۵) موجب افزایش آگاهی مؤدیان زکات می‌گردد. این اقدام موجب افزایش انگیزه‌ی مؤدیان (توکلی، ۱۳۹۵، ص. ۲۱۵) جلوگیری از تأثیرگذاری سلایق مختلف برنهاد زکات، نابودی زمینهِ رشوه‌خواری (نعمتی، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۲) و تجاوز به حقوق مؤدیان (نعمتی، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۲؛ محبی و طالب نجف‌آبادی، ۱۳۹۷، ص.۸۴) می‌شود.

۴-۵-۴. مشغله کاری فراوان برخی از اعضای شورای زکات

این چالش به‌عنوان یک تهدید سازمانی برای نهاد زکات در نظر گرفته شده است (عزتی و شهریاری، ۱۳۹۱، ص. ۵۶). به عبارتی برخی از اعضای شورا در سطح وزیران

کشور قرار داشته و به دلیل مشغله فراوان در حیطه کاری خود، توان پیشبرد شورای زکات را ندارند (رجایی رامشه و نعمتی، ۱۳۹۶، ص.۷۰).

۴-۵-۵. هزینه‌های بالای امور اجرایی

این چالش علل مختلفی دارد. اولین علت به ساختار تخصیص و توزیع مجدد در کمیته‌ی امداد امام خمینی(ره) مرتبط است. به عبارتی ساختار مزبور، با تعدد عاملین زکات و دریافتی محدود، سبب افزایش هزینه‌های اجرایی قانون زکات شده است (حبیبان نقیبی و کفشگر جلودار، ۱۳۹۵، ص. ۴۹). دلیل دیگر هزینه بالای امور اجرایی، تعدد سازمان‌های مختلف و موازی کار در تجمیع و تخصیص مبالغ در ساختار امور زکات است (رجایی رامشه و نعمتی، ۱۳۹۶، ص.۷۱؛ کیاءالحسینی، ۱۳۹۸، ص. ۱۷).

۴-۵-۶. بررسی تطبیقی با قانون و آیین‌نامه

اولین چالش، پراکندگی اطلاعات و نبود بانک اطلاعاتی جامع و یکپارچه است. با توجه به ماده یک قانون، شورای مرکزی زکات از طریق «رئیس شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه سراسر کشور» و «رئیس سازمان تبلیغات اسلامی»، به‌صورت بالقوه توانمندی لازم برای ایجاد هماهنگی بین دبیرخانه زکات با دفاتر مراجع معظم جهت رفع پراکندگی اطلاعات را دارد. علاوه‌برآن در ماده دو آیین‌نامه، یکی از وظایف شورای زکات استان، «تعامل مؤثر و هدفمند با مراجع تأثیرگذار در امر زکات مانند حوزه‌های علمیه، ائمه جمعه و جماعات، ارباب جراید، سازمان‌های انتفاعی و غیرانتفاعی» بیان شده است. همچنین مطابق با تبصره دوم ماده چهار قانون تجمیع و یکپارچه‌سازی اطلاعات در بانک اطلاعات ملی زکات قابل تحقق است.[۳۰] همچنین مطابق با بند ۱۲ ماده شش آیین‌نامه یکی از وظایف دبیرخانه و شورای زکات ثبت اطلاعات مؤدیان و مستحقین زکات در سامانه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با همکاری وزارتخانه است؛ بنابراین پراکندگی اطلاعات با توجه به موارد فوق قابل‌رفع خواهد بود. این

۳۰. مطابق با تبصره مزبور، بانک اطلاعات ملی زکات، شامل گزارش عملکرد میزان زکات جمع‌آوری شده در مناطق کشور، کمک‌های دولت و اقدامات رفع فقر، عمرانی و خدماتی است.

موضوع با پیگیری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به‌عنوان عضو حاضر در شورای زکات، با توجه به تبصره دوم ماده هشت[۳۱] آیین‌نامه پشتوانه اجرایی می‌یابد.

دومین چالش اجرایی «ابهام در سازوکار تخصیص زکات و تعیین اولویت‌ها» است. مطابق با ماده سه قانون «هرگونه اقدام در مورد زکات از قبیل جمع‌آوری و اولویت‌های مصرف آن مطابق نظر ولی‌فقیه و با اذن ایشان انجام می‌گیرد.». همچنین اولویت‌هایی همچون رفع فقر و افزایش توانمندی فقرا در بند چهارم ماده شش آیین‌نامه بدین‌ترتیب مطرح شده است: «تعامل و هم‌افزایی با مسئولین و معتمدین محلی برای رفع فقر و محرومیت از محل معادل تشویقی زکات جمع‌آوری‌شده». همچنین در بند هفتم ماده سه به‌عنوان وظیفه شورای شهرستان چنین آمده است: «ترغیب مؤدیان در امر پرداخت زکات برای محرومیت‌زدایی و توانمندسازی با اولویت فقرا و مساکین». بدین‌ترتیب در مفاد آیین‌نامه به سازوکار دقیق تخصیص اشاره‌ای نشده است. همچنین در خصوص سایر مستحقین زکات، همچون بدهکاران معسر آیین‌نامه مسکوت است.

سومین چالش اجرایی، «ضعف در ساختار اجرایی اطلاع‌رسانی و شفافیت» است. بند سوم ماده شش آیین‌نامه به‌عنوان یکی از وظایف دبیرخانه و شورای زکات به این موضوع اشاره دارد.[۳۲] با توجه به موارد اشاره‌شده، در صورت انتشار اطلاعات به‌صورت عمومی، شفافیت اطلاعات تا به‌حدی انجام خواهد شد. هرچند در خصوص اطلاع‌رسانی و جوانب آن همچون ساختار ضعیف اجرایی، قانون و آیین‌نامه مسکوت است و برای رفع آن موردی را پیشنهاد نداده است. در حالت کلی ممکن است استدلال شود که این موضوع به‌عنوان یک امر اجرایی قرار داشته و به آیین‌نامه ارتباطی ندارد.

---

۳۱. تبصره دوم ماده هشت آیین‌نامه زکات: «هریک از اعضای شورای مرکزی موظفند امور مرتبط با زکات را در دستگاه متبوع خود پیگیری کنند و برنامه‌های شورای مرکزی را به کلیه سطوح سازمانی (ملی استانی و شهرستانی) ابلاغ و ...».

۳۲. بند سوم ماده شش آیین‌نامه: «تدوین، مستندسازی و ارائه گزارش مرکزی اعم از هزینه‌های اجرایی- عملیاتی وجوه جمع‌آوری‌شده از محل زکات، اعتبارات دولتی و سایر کمک‌های اخذشده در این رابطه جهت جمع‌بندی و ارسال به مراجع ذی‌ربط پس از تأیید شورای مرکزی و انتشار عمومی آن».

چهارمین چالش اجرایی «مشغله کاری فراوان برخی از اعضای شورای زکات» است. در این خصوص آیین‌نامه به‌صورت مستقیم اشاره‌ای نسبت به رفع چالش نکرده است و فقط بر حضور ایشان در تبصره دوم ماده پنجم آیین‌نامه تأکید دارد.[۳۳]

پنجمین چالش «هزینه بالای امور اجرایی» است. اولین علت آن ساختار تخصیص و توزیع منابع زکات در کمیته امداد است. در این خصوص قانون و آیین‌نامه به اصل صرفه‌جویی در هزینه‌های ساختاری توجهی نکرده است. دومین علت تعدد سازمان‌های مختلف در ساختار امور زکات است. در این مورد نیز قانون و آیین‌نامه در رابطه با اصل صرفه‌جویی در هزینه‌های ساختاری مسکوت است.

۴-۶. مقرراتی و نظارتی

۴-۶-۱. دشواری نظارت بر امور درآمدها و هزینه‌ها به علت کثرت و کوچک بودن آن‌ها

این چالش در خصوص تعدد بیش‌ازاندازه مناطق زکات‌دهنده بوده که سبب پیچیدگی امر نظارت شده است (عزتی و شهریاری، ۱۳۹۱، ص. ۵۷).

۴-۶-۱. تعدد نهادهای نظارتی

تعدد دستگاه‌های نظارتی از منظر قانونی و عملیاتی قابل‌بررسی است. از منظر قانونی مطابق با ماده یک، نماینده‌ای از کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی به‌عنوان ناظر در شورا معرفی‌شده و در ماده دو، یکی از وظایف اعضای شورای مرکزی زکات، برنامه‌ریزی برای نظارت و مشارکت مؤثر در اجرای قانون ذکر شده است. علاوه‌برآن نظارت ولی‌فقیه در ماده سه قانون[۳۴] مطرح است. همچنین براساس تبصره دوم ماده چهار قانون زکات، کمیته امداد باید گزارش عملکرد خود را به شورای زکات و کمیسیون‌های اقتصادی و اجتماعی مجلس ارائه نماید؛ بنابراین شورای زکات و

---

۳۳. این موضوع در تبصره دوم ماده پنج آیین‌نامه این‌چنین بیان شده است: «اعضای شورای زکات مکلف به حضور در شورای مربوط هستند و چنانچه هر یک از اعضای شورا در دو جلسه از جلسات شورای مربوط حاضر نشود، رئیس شورا عدم حضور اعضای حقوقی را به نهادهای نظارتی گزارش می‌کند».

۳۴. در ماده سه قانون زکات آمده است: «هرگونه اقدام در مورد زکات از قبیل جمع آوری و اولویت‌های مصرف آن مطابق نظر ولی‌فقیه و با اذن ایشان انجام می‌گیرد».

کمیسیون‌های اقتصادی و اجتماعی مجلس نیز ناظران امور زکات هستند. همچنین از منظر عملیاتی امر نظارت توسط چندین نهاد صورت می‌گیرد. ازجمله آن‌ها استانداری‌ها، سازمان برنامه‌وبودجه، سازمان بازرسی کل کشور، دفتر رهبری، حسابرسی کمیته امداد مرکز، امور مالی مراکز استان‌ها و بازرسی مستقر در اداره کل کمیته امداد است. این چالش سبب عدم تخصص در امر نظارت شده است (رجایی رامشه و نعمتی، ۱۳۹۶، صص. ۷۲-۷۳).

۴-۶-۲. غفلت از حل اختلاف و برخورد با متخلف

این چالش به عدم‌ملاحظه امر تنبیهی برای مواجهه با متخلفین است. در قانون زکات برای برخورد با تخلفات عاملین زکات و جرم‌انگاری تخلفات زکات مانند اخفای زکات یا سندسازی خلاف واقع، تدبیری نشده است (رجایی رامشه و نعمتی، ۱۳۹۶، صص. ۷۳-۸۴). به همین سبب طبق اصل قانونی بودن جرم و مجازات، نمی‌توان تخلفات مربوط را جرم دانست و برای آن مجازات تعیین کرد؛ زیرا به‌موجب اصل ۳۶ قانون اساسی و ماده دوم قانون مجازات اسلامی، کسی را نمی‌توان به مجازاتی که در قانون پیش‌بینی‌نشده، محکوم کرد و عملی را که در قانون جرم شناخته‌نشده است، جرم به‌شمار آورد (کوه میشی، امیرزاده جیرکلی و صابری، ۱۴۰۱، ص. ۱۴).

۴-۶-۳. ضعف قانون زکات در توجه به سایر مذاهب و مسلمانان غیرایرانی

قانون زکات به اهل سایر مذاهب ساکن در ایران و سایر ایرانیان مسلمان ساکن در کشورهای دیگر توجهی نکرده است. این موضوع عدم بهره‌مندی از ظرفیت زکات در دست ایشان، برای حل مسائل به دنبال دارد (رجایی رامشه و نعمتی، ۱۳۹۶، ص. ۸۴).

۴-۶-۴. بررسی تطبیقی با قانون و آیین‌نامه

اولین چالش، دشواری نظارت بر امور درآمدها و هزینه‌ها به علت کثرت و کوچک بودن آن‌ها است. در این رابطه قانون و آیین‌نامه مسکوت است. دومین چالش تعدد نهادهای نظارتی است. بررسی تطبیقی این چالش با قانون از منظر برخی پژوهشگران انجام شده است. همچنین این چالش در آیین‌نامه نیز وجود دارد. در ماده سوم آیین‌نامه، یکی از وظایف شورای شهرستان «نظارت بر امور مربوط به کلیه فعالیت‌های زکات در

شهرستان» قید شده است. علاوه‌برآن در ماده دوم آیین‌نامه یکی از وظایف شورای زکات استان، نظارت بر شورای زکات شهرستان مطرح است. مفاد قانونی تبصره دوم ماده هشت به این موضوع مرتبط است.[۳۵] در این تبصره قانونی، هریک از اعضای شورای زکات بایستی اقدامات نهادهای زیرمجموعه خود را برعهده داشته باشد و به دبیرخانه نهاد زکات، گزارش دهد.

همچنین در خصوص مجازات متخلفین، چالش وارده بر قانون، بر آیین‌نامه نیز وارد است. در آیین‌نامه، تدبیری برای مجازات متخلفین اعم از مؤدیان و عاملین زکات، مطرح نیست لکن در رابطه با بخشی از چالش ضعف قانون زکات همچون توجه به سایر مذاهب در بند چهارم ماده پنج آیین‌نامه، چاره‌اندیشی شده است. توجه به اقشار اهل‌سنت، با پیشنهاد رئیس شورای بخش (امام‌جمعه) یکی از علمای اهل سنت در شورا حاضرشده و از نظرات ایشان استفاده می‌شود. همچنین در تبصره بند ۱۲ ماده شش آیین‌نامه آمده است: «در مناطق اهل‌سنت، بانک اطلاعات ملی زکات با توجه به اقلام مشمول براساس فقه و شریعت جاری منطقه تهیه می‌شود»؛ بنابراین ارتباط مؤدیان زکات اهل‌سنت با قانون زکات در آیین‌نامه دیده شده است، اما به دو قشر دیگر یعنی مسلمانان غیر ایرانی ساکن در ایران و مسلمانان ایرانی ساکن در سایر کشورهای دیگر توجهی نشده است.

نتیجه‌گیری

تشکیلات زکات در ایران مطابق با قانون زکات مصوب سال ۱۳۹۰ به‌صورت شورایی شکل گرفت. شورای زکات به‌عنوان ساختار کلانِ سیاست‌گذار و کمیته امداد به‌عنوان بازوی اجرایی این شورا در نظر گرفته شده است. تشکیلات شکل یافته با چالش‌هایی

---

۳۵. تبصره دوم ماده هشت قانون: «هریک از اعضای شورای مرکزی موظف‌اند امور مرتبط با زکات را در دستگاه متبوع خود پیگیری کنند و برنامه‌های شورای مرکزی را به کلیه سطوح سازمانی (ملی استانی و شهرستانی) ابلاغ و گزارش سالیانه عملکرد مدیران ستادی و صف را براساس سیاست‌ها و مصوبات ابلاغی به دبیرخانه شورای مرکزی ارائه نمایند. دبیرخانه شورای مرکزی موظف است گزارش عملکرد دریافتی از هریک از اعضا را براساس شاخص‌های تدوین‌شده در کلیه سطوح ملی استانی و شهرستانی مورد ارزیابی قرار دهد و نتیجه را پس از هماهنگی تأیید و امضای رئیس شورای مربوط حسب مورد به مراجع ذی‌ربط ارائه نماید».

مواجهه است. در این پژوهش ۲۶ چالش تشکیلات زکات در ایران شناسایی و در شش دسته چالش‌های بنیادین و نظری، تأمین هزینه‌ها از بودجه، فرهنگی و آموزشی، ساختاری، اجرایی و مقرراتی و نظارتی دسته‌بندی و سپس اولویت‌بندی شدند. همچنین هریک از مضامین پایه، ذیل هریک از مضامین سازمان‌دهنده توضیح داده شد و درنهایت هریک از آن‌ها با «قانون زکات» مصوب سال ۱۳۹۰ مجلس شورای اسلامی و «آیین‌نامه قانون زکات» مصوب سال ۱۴۰۲ هیأت‌وزیران دولت مطابقت داده شد. برخی از چالش‌ها در قانون و آیین‌نامه رفع شده و به برخی توجهی نشده است.

اصلی‌ترین چالش‌های بنیادین و نظری، اختلاف در ربط و نسبت مالیات و زکات است. برخی مالیات را اصل دانسته و زکات را جزئی از مالیات فرض کرده‌اند و برخی دیگر زکات را اصل فرض کرده و در صورت کمبود منابع، اخذ مالیات را جایز دانسته‌اند. چالش دیگر، الزامی یا اختیاری بودن پرداخت زکات به حکومت اسلامی است. این چالش از جنبه‌های مختلفی قابل‌بررسی است. در یکی از موارد، خواست ولی جامعه جهت الزامی شدن پرداخت زکات به حکومت شرط شده است. در غیراین‌صورت امری اختیاری است. هر دو جنبه اختیاری و الزامی بودن پرداخت زکات به حکومت دارای مزایا و معایبی است که قابل‌بررسی است؛ لکن هم‌اکنون ساختار قانونی زکات، اختیاری است. این موضوع در نظر برخی، یکی از چالش‌های مطرح است. همچنین محدودیت اموال متعلق زکات یکی از مسائل اساسی برای ایفای نقش‌های زکات در جامعه است. برخی قائل به گسترش دامنه شمول اموال متعلق زکات به سایر اموال هستند. برخی، ورود خمس به عرصه‌ی زکات را به‌عنوان حق‌العماره مطرح کرده‌اند و برخی علت عدم تحقق اهداف برشمرده برای زکات را، وجود ساختار ناصحیح اقتصادی کنونی دانسته‌اند.

چالش‌هایی همچون توجه نامناسب به آموزش فرایض دینی به‌خصوص زکات در کتب آموزشی، ناآگاهی مشمولین زکات از احکام، مزایا و منافع پرداخت زکات، ادراک نامناسب برخی مردم از فعالیت‌های کمیته امداد، نگاه به امر زکات فقط به‌عنوان یک امر عبادی، نگرش نامناسب برخی از مسئولین، مواردی هستند که تشکیلات زکات با آن‌ها مواجه است. این چالش‌ها سبب عدم توجه به موضوع زکات در جامعه شده است.

دسته دیگر چالش‌ها، تأمین هزینه‌ها از بودجه است. چالش‌هایی نظیر حقوق عاملان از محل کمک دولت نه از منابع زکات، تحمیل هزینه به حکومت اسلامی، انحراف در انگیزش و نیت زکات دهندگان، امکان جعل گزارش و فساد در ادارات در این دسته قرار می‌گیرند. این موارد علت ناکارآمدی عاملین زکات در تشکیلات زکات، کاهش انگیزه الهی در پرداخت زکات و ناکارآمدی زکات در تربیت جامعه است.

دسته چالش‌های ساختاری شامل تداخل وظایف بین نهاد زکات با نهادهای دولتی و غیردولتی، ساختار نامشخص ارائه پیشنهادیِ بودجه، ابهام در مرتبط بودن حوزه کاری افراد تشکیل‌دهنده شورا به مسائل زکات، ابهام در وظایف اعضای شورای زکات، ابهام در شخصیت حقوقی نهاد زکات است. این چالش‌ها سبب سردرگمی عاملین زکات و ناکارآمدی تشکیلات زکات در عملکرد و ارتباط‌گیری با سایر سازمان‌های دولتی شده و کارآمدی را کاهش داده است.

دسته چالش‌های اجرایی شامل پراکندگی مراجع اطلاعاتی و نبود بانک اطلاعاتی جامع و یکپارچه، ابهام در سازوکار تخصیص زکات و تعیین اولویت‌ها، ضعف در ساختار اجرایی اطلاع‌رسانی و شفافیت، مشغله کاری فراوان برخی از اعضای شورای زکات و هزینه‌های بالای امور اجرایی است. این چالش‌ها سبب تضعیف تشکیلات زکات در عملکرد و پاسخ‌گویی به جامعه شده است.

دسته چالش‌های مقرراتی و نظارتی شامل دشواری نظارت بر درآمدها و هزینه‌ها به علت کثرت و کوچک بودن آن‌ها، تعدد نهادهای نظارتی، غفلت از حل اختلاف و برخورد با متخلف، ضعف قانون زکات در توجه به سایر مذاهب و مسلمانان غیرایرانی، چالش‌هایی است که در این دسته قرار می‌گیرند. درنهایت تمامی چالش‌ها با قانون و آیین‌نامه‌ی زکات تطابق داده شده است.

سپاسگزاری

این مقاله با حمایت هسته سیاست کشاورزی و منابع طبیعی مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام انجام شده است.

ملاحظات حقوقی
- پیروی از اصول حقوقی
تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.
- تعارض منافع
بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.
بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از پایان‌نامه، رساله دکتری و طرح پژوهشی نیست.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.

۲. احمدی، سلمان؛ و امینی، علیرضا (۱۳۹۶). نقدی بر قانون جدید نحوه اجرای محکومیت‌های مالی از منظر فقه، *مبانی فقهی حقوق اسلامی*، ۱۹(۱۰)، ۸۲-۱۱۲.

۳. اسماعیل‌پور، مهدی؛ و عسکری، محمدمهدی (۱۳۹۲). نهادهای مالی زکات در کشورهای اسلامی و جمهوری اسلامی ایران. ایران، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

۴. اسماعیلی، عطاالله؛ یاسوری، مجید؛ و ابراهیمی، آدینه (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی اقتصادی از منظر قرآن و حدیث. *بصیرت و تربیت اسلامی*، ۱۲(۳۵)، ۷۷-۹۵.

۵. اصغری، محمود (۱۳۹۶). نقش زکات در تولید ثروت در نگرش قرآن کریم. *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، ۲۳(۱۱۲)، ۳۹-۶۰.

۶. امینی، حسینعلی؛ راعی، مسعود؛ و توکلی، احمدرضا (۱۳۹۷). تبیین جایگاه حکومتی مالیات در فقه سیاسی امامیه. *پژوهشنامه مذاهب اسلامی*، ۶(۱۲)، ۳۳۶-۳۶۲.

۷. ایروانی، جواد (۱۳۸۹). نقدی بر «بازجستی در ادله عبادیت زکات و خمس». *فقه و اصول*، ۴۲(۱). ۴۴-۹. DOI: 20.22067/FIQH.V0I0.3162

۸. آزادی احمدآبادی، محمد؛ و صفاری، محمدسعید (۱۴۰۰). رویکردی نظام‌مند به‌سلامت الکترونیک با استفاده از روش فراترکیب. *اندیشه مدیریت راهبردی*، ۱۵(۲)، ۳۴۵-۳۸۶ DOI: 10.30497/smt.2021.14004.2927

۹. آثار، شکرالله؛ جلال‌پور، شیلا؛ ایوبی، فاطمه؛ رحمانی، محمدرضا؛ و رضائیان، محسن (۱۳۹۵). پریزما؛ موارد ترجیحی در گزارش مقالات مروری منظم و فراتحلیل. *علوم پزشکی رفسنجان*، ۱۵ (۱)، ۶۸-۸۰.

۱۰. باقری تودشکی، مجتبی؛ باقری، محمدمهدی؛ و رضایی، محمدرضا (۱۳۹۲). احکام، مجازات و آثار دنیوی و اخروی فرار و اجتناب از مالیات زکات. *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۲(۲)، ۲۷-۴۶.

۱۱. باقری، احمد؛ امام، سید محمدرضا؛ و علوی، سید یوسف (۱۳۸۶): باز پژوهی نظریه تعمیم زکات ازنظر امامیه. *مقالات و بررسی‌ها*، ۴۰(۱). ۷۷-۹۰.

۱۲. پژومان، سودابه؛ و زارع، هاشم (۱۳۹۷). ارتباط منابع درآمدی از طریق پرداخت زکات؛ شرطی برای یک اقتصاد تعادلی اسلامی. *اقتصاد اسلامی*، ۱۹(۷۳)، ۱۲۳-۱۵۳.

۱۳. تفتیان، اکرم؛ و علی‌پور، رامین (۱۴۰۱). چالش‌ها و فرصت‌های فناوری مالی اسلامی. *تحقیقات مالی اسلامی*، ۱۱(۲)، ۸۳۷-۸۷۴.

۱۴. توکلی، محمدجواد (۱۳۹۵). انگیزش و تربیت اخلاقی در نظام مالیاتی اسلام. *پژوهشنامه مالیات*، ۲۴(۳۲)، ۱۹۵-۲۲۱.

۱۵. حبیبیان نقیبی، مجید؛ و کفشگر جلودار، حسین (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی قوانین زکات در ایران و دیگر کشورهای اسلامی. *دین و قانون*، ۱۲(۸)، ۱۱-۵۶.

۱۶. حسینی، سیدعلی؛ بابائی، فاطمه (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی زکات واحد تجاری و قوانین و استانداردهای آن در کشورهای اسلامی. *مطالعات حسابداری و حسابرسی*، ۳۸(۹)، ۵-۲۲.

۱۷. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۲ق). *محقق مجمع البحوث الاسلامیه. قسم الفقه* (جلد ۸) (با مقدمه صفاءالدین بصری و محمود بستانی). ایران، مشهد: آستانة الرضویة المقدسة - مجمع البحوث الإسلامیة.

۱۸. خانی، زهره؛ دهقان‌نیری، حمیدرضا (۱۳۹۹). واکاوی ضرورت تشکیل نهاد زکات در حکومت اسلامی با رویکردی بر اندیشه امام خمینی(ص). *پژوهشنامه متین*، ۲۴(۹۵)، ۲۵-۵۱.

۱۹. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۹۲). *تحریرالوسیله*. ایران، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۲۰. دانایی‌فرد، حسن؛ مظفری، زینب (۱۳۸۷). ارتقاء روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی مدیریتی: تأملی بر استراتژی‌های ممیزی پژوهشی. *پژوهش‌های مدیریت*، ۱(۱)، ۱۳۱-۱۶۲.

۲۱. دهقان‌نیری، حمیدرضا؛ قانع، احمدعلی (۱۴۰۱). امکان‌سنجی فقهی معافیت مؤدی خمس و زکات از مالیات در حکومت اسلامی با رویکردی بر اندیشه امام خمینی(ره). *حکومت اسلامی*، ۲۷(۴)، ۱۵۹-۱۹۰.

۲۲. ذوالفقاری، محسن (۱۳۹۸). *تشکیلات بهشتی*. ایران، تهران: معارف.

۲۳. راغب‌اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴ق). *المفردات فی غریب القرآن*. لبنان، بیروت: دارالمعرفه.

۲۴. رجایی رامشه، سید محمدکاظم؛ و نعمتی، میثم (۱۳۹۷). نقد و بررسی قانون زکات و ارائه راهکارهای اصلاحی: *اقتصاد اسلامی*، ۱۸(۷۰)، ۶۳-۸۹.

۲۵. رجایی، سید محمدکاظم (۱۳۹۱). توازن یا عدم تداول ثروت در دست اغنیا. *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۴(۱)، ۲۳-۴۶.

۲۶. رستمی محمد زمان؛ و رستمی، محمدهادی (۱۳۹۴). پیشنهادهایی برای بسط و جایگزینی نظام مالیاتی اسلام. *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۸(۱۵)، ۷-۲۶.

DOI: 10.30497/ies.2015.1754

۲۷. رضایی، مجید (۱۳۸۲). مالیات‌های حکومتی: مشروعیت یا عدم مشروعیت؟. *مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، ۱(۳)، ۶۳-۸۴.

۲۸. رضایی، محمدقاسم؛ و سبزرو، محبوبه (۱۳۹۱). ارائه الگویی برای پذیرش خمس به‌عنوان بخشی از مالیات بر درآمد. *پژوهشنامه مالیات*، ۶۳(۱)، ۱۲۵-۱۵۲.

۲۹. روشن، محمد؛ و امیرحسینی، امین (۱۳۹۶). پیشگیری از وقوع ورشکستگی در نظام حقوقی ایران و جایگاه آن در فقه امامیه با نگاهی به حقوق فرانسه. *فقه و مبانی حقوق اسلامی*، ۱۶(۵۰)، ۸۷-۱۰۴.

۳۰. زرع‌پیما، شاهین؛ جهانشاهی، مینا؛ و حسین‌زاده‌یزدی، مهدی (۱۳۹۹): علل و پیامدهای اجتماعی فقر و نابرابری اقتصادی و راهکارهای رفع آن در اندیشه سید قطب. *نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، ۱۸(۱۰)، ۳۱-۶۲.

۳۱. زروندی رحمانی، محمد (۱۴۰۱): بازشناسی در ادله وجوب تعلق زکات با رویکرد توسعه. *فقه و مبانی حقوق اسلامی*، ۵۵(۱)، ۱۶۴-۱۴۷.

DOI: 10.22059/jjfil.2022.335450.669284

۳۲. زیدآبادی‌نژاد، میثم؛ ادیبی، سارا؛ و سالاری‌فر، ابوذر (۱۳۹۶). پیشگیری از شکل‌گیری شخصیت مجرمانه با تأکید بر عمل به احکام. *مطالعات علوم اجتماعی*، ۷(۳)، ۲۱۵-۱۹۷.

۳۳. سبحانی‌نیا، نریمان؛ خزایی، میثم؛ سلیمی، علیرضا؛ و سیفی، عبدالمجید (۱۴۰۱). مبانی فقهی رفاه عمومی و جایگاه آن در حکومت اسلامی. *مطالعات فقه اقتصادی*، ۴(۱)، ۷۳-۹۰.

۳۴. سلیمانی‌امیری، غلامرضا؛ و فرشی، زهرا (۱۳۹۰). ارزیابی روش محاسبه زکات در بنگاه‌های اقتصادی کشورهای اسلامی، *فقه اهل‌بیت*، ۱۷(۶۶-۶۷)، ۲۰۶-۲۴۹.

۳۵. شکرانی، رضا؛ و سلیمی، هادی (۱۳۹۹). بررسی سیر تاریخی تشریع آیات زکات در قرآن کریم. *مطالعات تفسیری*، ۱۱(۴۱)، ۱۶۵-۱۸۴.

۳۶. سیمیاری، محمدرضا؛ رضاییان، علی؛ و حسن‌زاده‌سروستانی، حسین (۱۳۹۹). اصول حاکم بر مدیریت مالی شخصی (با تأکید بر بخش تخصیص) مبتنی‌بر بیانات مقام معظم رهبری. *اندیشه مدیریت راهبردی*، ۲۷(۱۴)، ۱۲۵-۱۵۹. DOI: 10/30497. Smt.2020.2677

۳۷. شاه‌ولی، منصور؛ خلیق‌زاده، پروین؛ و کرمی، غلامحسین (۱۳۹۶). رویکرد ارزشی به کسب‌وکار و تولید در بخش کشاورزی: مهیاسازی برای ترویج سازوکار تأمینی زکات. *مطالعات کارآفرینی و توسعه پایدار کشاورزی*، ۴(۲)، ۸۷-۱۰۰.

۳۸. شریعت‌نیا، سمیرا؛ و اسدی، حسن (۱۴۰۱). بررسی سبک زندگی اسلامی شیعه در فقه امامیه بر پایداری خانواده. *سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، ۶(۴)، ۴۹۷-۵۱۹.

۳۹. شریعتی، شهروز؛ و عباسی‌شاهکوه، مهدی (۱۳۹۳). بایسته‌های تولید ثروت در زیست ایمانی و سبک زندگی شیعی. *راهبرد توسعه*، ۴۱(۱)، ۳۷-۵۶.

۴۰. شعبانی، احمد؛ و کاشیان، عبدالمحمد (۱۳۹۵). طراحی سازوکار ورود خمس و زکات به‌نظام مالیاتی ایران و آثار بالقوه اقتصادی آن. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱۶(۸)، ۳۹-۷۴.

۴۱. شمس، احمد؛ و فتحی هفشجانی، کیامرث (۱۳۹۴): تحلیل حقوقی و ارائه مدل تصمیم‌گیری چند شاخصه برای گرفتن زکات براساس مبانی اسلام. *مبانی فقهی حقوق اسلامی*، ۱۵(۸)، ۵۷-۷۶.

۴۲. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۱۰ق). محقق محمد کلانتر. نویسنده محمد بن مکی شهید اول.، ۱۴۱۰ ه.ق. الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (۱۰ جلدی)، قم - ایران، مکتبة الداوری، جلد: ۲.

۴۳. صادقی‌پور، علی؛ فراهانی‌فرد، سعید؛ و غلامی جمکرانی، رضا (۱۳۹۶). مدل مفهومی سرمایه‌گذاری پاک با تأکید بر راهبری شرکتی با رویکرد اسلامی. *تحقیقات مالی اسلامی*، ۷(۱)، ۱۹۱-۲۱۸. DOI: 10.30497/IFR.2017.2131

۴۴. عابدی جعفری حسن؛ تسلیمی محمدسعید؛ فقیهی ابوالحسن؛ و شیخ‌زاده محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. *اندیشه مدیریت راهبردی*، ۵(۲۱۰)، ۱۵۱-۱۹۸.

۴۵. عزتی، مرتضی؛ و شهریاری، لیلا (۱۳۹۱). ارزیابی عملکرد کمیته امداد امام خمینی(ره) درزمینه جمع‌آوری زکات. *پژوهشنامه مالیات*، ۱۶(۶۴)، ۳۱-۵۹.

۴۶. عسکری، محمدمهدی؛ و محمدی‌پور، احمد (۱۴۰۰). ارائه الگو پیشنهادی تأمین مالی دولت اسلامی و بررسی ظرفیت اجرایی آن در اقتصاد ایران. *تحقیقات مالی اسلامی*، ۱۰(۲)، ۴۹۵-۵۳۸. DOI: 10.30497/IFR.2021.240202.1590

۴۷. عسکری حشمت اله؛ و بادپا، بهروز (۱۳۹۳). اثر زکات بر مصرف عمومی در ایران. *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۶(۲۱۲)، ۸۳-۱۱۲.

۴۸. فتح‌اللهی، زهره؛ آیتی، سید محمدرضا؛ قنبری‌جهرمی، محمدجعفر؛ و جعفری هرندی، محمد (۱۳۹۸). تداول ثروت در دست اغنیا، نقض حقوق شهروندی. *اخلاق زیستی*، ۳۱(۹)، ۵۷-۷۴.

۴۹. قویدل باجگیران، میثم؛ چرابین، مسلم؛ فریبرزی، الهام؛ و اکبری، احمد. (۱۳۹۹). طراحی و اعتبارسنجی الگوی ارزشیابی تعالی فردی معلمان مدارس. *مدیریت مدرسه*، ۱۴(۸)، ۱۳۲-۱۰۶.

۵۰. قلعه‌نوی، مهدی؛ و پاسبانی صومعه، ابوالفضل (۱۳۹۲). عقلانیت اقتصادی برای جمع‌آوری دولتی زکات. *اقتصاد و بانکداری اسلامی*. ۲(۳)، ۱۱۱-۱۲۰.

۵۱. کاشف‌الغطاء، جعفر بن خضر (بی‌تا). *کشف الغطاء عن مبهمات شریعه الغراء*. اصفهان، ایران: مهدوی.

۵۲. کاشیان، عبدالمحمد؛ و شعبانی، احمد (۱۳۹۷): ارائه الگوی یکپارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف در ایران (جمع‌آوری و مصرف منطق‌های در ماتریس سه‌بعدی ولی‌فقیه، منطقه و وظایف). *تحقیقات بنیادین علوم انسانی*، ۱۰(۴)، ۷-۳۵.

۵۳. کاشیان، عبدالمحمد؛ شعبانی، احمد؛ و عسکری، محمدمهدی (۱۳۹۴). تبیین مؤلفه‌های تأثیرگذار در طراحی الگوی یکپارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف در ایران و ارائه یک الگو. *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۱۱(۲)، ۳۶۱-۴۰۶.

۵۴. کاشیان، عبدالمحمد؛ شعبانی، احمد؛ عسکری، محمدمهدی (۱۳۹۴). بررسی دوگان‌های تقدم وجوهات شرعی یا مالیات و مکمل یا جانشین بودن آن‌ها با تأکید بر ابعاد حکومتی خمس و زکات در اقتصاد اسلامی ایران: *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۱۲(۶)، ۱۲۷-۱۴۸.

۵۵. کعبی‌نسب، عباس؛ رجایی، سید محمدکاظم؛ ربیعی، محمد؛ و نعمتی، میثم (۱۳۹۷). قانون پیشنهادی زکات براساس فقه حکومتی و مالیه عمومی اسلام. *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۹(۱۸), ۲۶-۵.

۵۶. کوه‌میشی، فاطمه؛ امیرزاده جیرکلی، منصور؛ و صابری، حسین (۱۳۹۹). حکم فقهی ممتنعین زکات از منظر آیات و روایات. *مطالعات قرآنی*، ۱۳(۵۲), ۱-۱۸.

۵۷. کوشکی فروشانی، جعفر (۱۳۹۶). ارائه نهاد پیشنهادی برای ساماندهی و عملیاتی کردن سیاست مالیاتی زکات در کشور. *تحقیقات بنیادین علوم انسانی*، ۴(۱)، ۱۱۹-۱۴۴.

۵۸. کیاءالحسینی، سید ضیاءالدین (۱۳۹۰). ملاحظات پیاده‌سازی مالیات‌های اسلامی. *پژوهشنامه مالیات*، ۱۹(۱۱)، ۱۴۱-۱۷۲.

۵۹. کیاءالحسینی، ضیاءالدین (۱۳۹۸). بررسی عملکرد قانون زکات در ایران. *پژوهشنامه مالیات*، ۲۷(۴۲)، ۷–۴۱.

۶۰. کیخا، محمدرضا؛ و مؤذنی، حمید (۱۴۰۱). تحلیل و بررسی چگونگی مجزی‌بودن تأدیه زکات در فرض اجبار حاکم اسلامی. *فقه و اصول*. ۵۴(۲)، ۱۱۷–۱۳۵.

DOI: 10.22067/jfiqh.2021.62619.87713

۶۱. گیلک حکیم‌آبادی، محمدتقی (۱۳۸۴). بررسی توان زکات (گندم و جو) در کاهش فقر (مطالعه موردی استان گلستان). *مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*, ۰(۹)، ۱۰۱–۱۱۴.

۶۲. محبی، داود؛ و طالب‌نجف‌آبادی، اعظم (۱۳۹۷): حقوق پرداخت‌کنندگان مالیات، مطالعه تطبیقی در آموزه‌های نهج‌البلاغه و نظام حقوق مالیاتی ایران. *مطالعات حقوق بشر اسلامی*، ۱۵(۷)، ۷۶–۹۴.

۶۳. محقق داماد، سید مصطفی؛ و مهریار، محمد (۱۳۹۹). شخصیت حقوقی زکات در منظر فقهی و ارتباط آن با بیت‌المال. *فقه و مبانی حقوق اسلامی*، ۵۳(۲)، ۴۴۱–۴۲۳.

DOI: 10.22059/jjfil.2021.293181.668948

۶۴. مروتی، سهراب؛ و دارابی، فرشته (۱۳۹۲). بررسی فرایند عدالت مالیاتی در نهج‌البلاغه. *پژوهش‌نامه علوی*، ۴(۷)، ۱۰۵–۱۲۴.

۶۵. مشکانی، زینب؛ عابدی سرآسیا، علیرضا؛ و ناصری‌مقدم، حسین (۱۴۰۰). واکاوی ولایت بر اموال زکوی با تأکید بر مبانی فقهی امام خمینی(ره). *حکومت اسلامی*، ۴(۲۶)، ۳۳–۶۲.

۶۶. مصباحی‌مقدم، غلامرضا (۱۳۹۷). جایگاه زکات از دیدگاه فقه حکومتی. *جستارهای اقتصادی ایران*، ۱۵(۳۰)، ۱۱۹–۱۳۵.

۶۷. موسایی، میثم؛ و کرمی، یوسف (۱۳۸۷): نقش وجوهات شرعی در تأمین اجتماعی. *مطالعات فرهنگ – ارتباطات*، ۹(۲)، ۱۹۹–۲۳۳.

۶۸. مؤمن، آیت‌الله محمد (۱۳۸۰). رابطه خمس و زکات با مالیات‌های حکومتی. *اقتصاد اسلامی*، ۱(۲)، ۲۳–۳۲.

۶۹. نادران، الیاس؛ نظری، حسن‌آقا؛ و حسینی، سید رضا (۱۳۹۱). الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام و دلالت‌های آن برای الگوهای نوین. *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۶(۱)، ۵–۲۸.

۷۰. نعمتی، میثم (۱۴۰۱). جلوه‌های زکات در عرصه حقوق اساسی. *حکومت اسلامی*، ۲۷(۴)، ۱۳۳–۱۵۸.

۷۱. نعمتی، میثم؛ و ملکی، محمدامین (۱۴۰۱). نسبت سنجی حاکمیت فقیه و زکات. *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۱۳(۲۵)، ۱۰۳–۱۲۲.

۷۲. نعمتی، میثم (۱۳۹۵). اصول حاکم بر زکات در مالیه عمومی اسلام. *اندیشه‌های حقوق عمومی*، ۱۰(۶)، ۹۳–۱۱۰.

۷۳. نوریان، محمد (۱۳۸۹). چگونگی معرفی «نماز، روزه، جهاد، حج، خمس و زکات» در کتاب‌های درسی «تعلیمات اجتماعی» و «بخوانیم» مدارس دوره ابتدایی ایران. *تربیت اسلامی*، ۵(۱۱)، ۵۹–۷۹.

۷۴. هدایت‌نسب، نسترن (۱۳۹۹). تبیین مفهوم تشکیلات جامعه زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی(عج). *مطالعات مهدوی*، ۵۰(۱۱)، ۳۵–۶۴.

Reference

1. The Holy Quran
2. Akobeng, A. K. (2005). Understanding Systematic Reviews and Meta-Analysis. *Archives of Disease in Childhood*, *90*(8), 845-848. DOI: 10.1136/adc.2004.058230
3. Abedi Jafari ,H; Taslimi M .S; Faqihi Abul .H; & Sheikhzadeh.M (1390). Thematic Analysis and Network of Themes: a Simple and Efficient Way to Explain Patterns in Qualitative data, 5(210): 151-198. (In Persian).
4. Ahmadi, S & Amini, A. (2016). A Critique of the New Law on the Way of Implementing Financial Punishments from the Point of View of Jurisprudence. *Jurisprudential Foundations of Islamic Law*, 19(10), 82-112 .)In Persian.(
5. Amini, H. A; Rai, M. & Tavakoli, A. (2017). Clarifying the Governmental Position of tax in Imami Political Jurisprudence. *Islamic Religions*, 6(12), 336-362) .In Persian.(
6. Asar, Sh; Jalalpour, Sh; Ayubi, F; Rahmani, M; & Rezaian, M (2015): Prisma; Preferred Cases in Reporting Systematic Review and Meta-Analysis Articles. *Rafsanjan of Medical Sciences*, 15 (1), 68-80) .In Persian.(
7. Asghari, M. (2016). The Role of Zakat in the Production of Wealth in the Perspective of the Holy Quran. *Islamic Social Research*, 23(112), 39-60) .In Persian.(
8. Askari Heshmat E; & Badpa. B (2013). The Effect of Zakat on Public Consumption in Iran, 6(212), 83-112) .In Persian.(

9. Askari, M Mi; Mohammadipour, A (2023). Presenting the Proposed Model of Financing the Islamic State and Examining its Executive Capacity in Iran's Economy. *Islamic Financial Research*, 10(2), 495-538.
10. Azadi Ahmedabadi, M. & Safari, M.S (2021). A Systematic Approach to Electronic Health Using a Hybrid Method. *Strategic Management Thought*, 15(2), 345-386 .DOI: 10.30497/smt.2021.14004.2927 (In Persian).
11. Badpa, M (2015). The Effect of Zakat on Income Inequality in Iran. *Islamic Economic Studies*, 11(222), 309-336.
12. Bagheri Todashki, M; Bagheri, M. M; & Rezaei, M. R (2012). Rulings, Punishments and Worldly and Afterlife Effects of Evading and Avoiding Zakat Tax. *Islamic Economics and Banking*, 2(2), 27-46) .In Persian.(
13. Bagheri, A; Imam, S. R; & Alavi, S. Y., (2006). Re-examination of the Theory of Generalization of Zakat from the Perspective of Imamiyyah. *Articles and Reviews*. 40 (1). 77-90) .In Persian.(
14. Bagheri, M; Asghari, S; & Purmola, S. M. H (2016). Explaining Examples of Commanding and Prohibiting Evil as a Common Moral act in Organizations. *Strategic Management Thought*, 11 (2), 116-83) .In Persian.(
15. Danai Fard, H: & Mozafari, Z., (2007). Enhancing Validity and Reliability in Qualitative Management Research: Reflection on Research audit Strategies. *Management Research*, 1(1), 131-162. (In Persian).
16. Dehghan Neiri, H R; Ghane, A. A (1401): Jurisprudential feasibility of exempting Khums and Zakat taxpayers from taxation in Islamic government with an approach to Imam Khomeini's thought. *Islamic Government*, 27(4), 159-190) .In Persian.(
17. Ezzati, M. & Shahriari, L. (2011): Evaluation of the Performance of the Imam Khomeini, Relief Committee in the Field of Zakat Collection. *Tax Research*, 16 (64), 31-59) .In Persian.(
18. Fethullahi, Z; Aiti, S M; Ghanbari Jahrami, M, J; Jafari Harandi, M., (2018). Wealth Circulation in the Hands of the Rich, Violation of Citizen's Rights. *Bioethics*, 31(9), 57-74.
19. Gilak Hakimabadi, M. (2005). Investigating the Power of Zakat (Wheat and Barley) in Reducing Poverty (A Case Study of Golestan Province). *Economic Studies and Policies*, 3(9), 101–114. (In Persian).
20. Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1981). Effective Evaluation: Improving the Usefulness of Evaluation Results Through Responsive and Naturalistic Approaches. Jossey-Bass. (In Persian).
21. Habibi, M; & Bagheri Nasrabadi, M., (2016). Investigating Institutional Priorities to Remove key Obstacles to People's Participation in Economic Jihad. *Strategic Studies of Basij*, 20(74), 5-28. (In Persian).
22. Habibiyan Nagibi, M; & Shoegar Jolodar, H. (2016). Comparative Study of Zakat laws in Iran and other Islamic Countries. *Religion and Law*, 12(8), 11-56) .In Persian.(

23. Hali, H. (1991). Researcher of the Al-Bakhruh Al-Islamiyya. Kurisprudence oath Introduction by Safauddin Basri, and Mahmoud Bostani. The End of the End of the Study of Religion, Astana al-Razaviya al-Maqdisa. *Holy Mashhad - Iran Islamic Research Council*, volume, 8. (In Arabic).
24. Hedayat Nesab, N (2019). Explaining the Concept of Community Formations That lay the Groundwork for the Emergence of Hazrat Mahdi. *Mahdavi Studies*, 50(11), 35-64.
25. Hosseini,S A; & Babaei, F (2023). A Comparative Study of Business unit Zakat and its Rules and Standards in Islamic Countries. *Accounting and Auditing Studies*, 38(9), 5-22 .(In Persian).
26. Irvani, J. (2010). Critique of "Research into the Evidences of the Worship of Zakat and Khums". *Fiqh and Principles*, 42(1). (In Persian).
27. Ismailpour, M; & Askari, M. M (2012). Zakat Financial Institutions in Islamic Countries and the Islamic Republic of Iran. Iran, Tehran: Imam Sadiq University. (In Persian).
28. Ismaili, A; Yasuri, M; & Ebrahimi, A. (2014). Investigating Factors Affecting Economic Empowerment. *Quran and Hadith*, 12(35), 77-95. (In Persian).
29. Kaabi Nasab, A. Rajaei, S. M. K. Rabiei, M. & Nemati, M. (2017). The Proposed Law of Zakat is Based on Islamic Government Jurisprudence and Public Finance. *Knowledge of Islamic Economics*, 9(18), 5-26.
30. Karimi, M. K. (2018). A Review of the Role and Position of the Concepts of Group, Institution, Society and Culture with a Comparative View of Islamic views. Specialized Research Culture, 2(4), 53-74. (In Persian).
31. Kashian, A M; Shabani, A; & Askari, M. M., (2014). Examining the Duality of Precedence of Shariah Objects or Taxes and Their Complementarity or Substitution with an Emphasis on the Governmental Aspects of Khums and Zakat in the Islamic Economy of Iran. *Knowledge of Islamic Economics*, 12(6), 127-148.
32. Kashian, A M; & Shabani, A (2017). Presenting the Model of Integration of Islamic Financial Resources System and Conventional Taxes in Iran (Collecting and Consuming Logics in the Three-Dimensional Matrix of the Jurisprudence, Region and Duties), *Fundamental Research of Humanities*, 10(4), 7-35. (In Persian).
33. Kashif al-Ghata, J. (Bita). *Kashf al-Ghita on the Obscurities of Sharia al-Ghara.* Isfahan, Iran, Mahdavi.
34. Khani, Z; & Dehghan Neiri, H (2019). Analyzing the Necessity of Establishing a Zakat Institution in the Islamic Government with an Approach to the Thought of Imam Khomeini. *Matin Research Paper*, 24(95), 25-51. (In Persian).
35. Kiaalhosseini, S. Z., (2010). Considerations for the Implementation of Islamic taxes. *Research Taxation*, 19(11), 141-172. (In Persian).

36. Kiaalhosseini, Z., (2018). Investigating the performance of Zakat law in Iran. *Research Taxation*, 27(42), 7-41. (In Persian).
37. Kikha, M, R; & Mozni, H., (2023). Analysis and Investigation of How the Payment of Zakat is Special in the Assumption of the Compulsion of the Islamic Ruler. Jurisprudence and Principles. 54(2), 117-135. DOI: 10.22067/jfiqh.2021.62619.87713 (In Persian).
38. Knoepfel, P ,.Larrue, C ,.Varone, F., & Hill, M. (2011). Institutional Rules. https://www.researchgate.net/publication/281508153_Institutional_rules https://doi.org/10.1332/policypress/9781861349071.003.0005
39. Koh Mishi, F; Amirzadeh Jirkali, M; & Saberi, H. (2019). The Jurisprudential Ruling of Those Who Refrain from Zakat from the Perspective of Verses and Hadiths. *Qur'anic Studies*, 13(52), 1-18. (In Persian).
40. Koushki Foroshani, J., (2017). Presenting a Proposed Institution for Organizing and Operationalizing the Zakat Tax Policy in the Country. *Fundamental Research in the Humanities*, 4(1), 119–144. (In Persian).
41. Lachal, J., Revah-Levy, A., Orri, M., & Moro, M. R. (2017). Metasynthesis: an original method to synthesize qualitative literature in psychiatry. *Frontiers in psychiatry*, *8*, 269. DOI: 10.3389/fpsyt.2017.00269
42. Mousavi Khomeini, R., (2012). *Tahrir al-Wasila*. Iran, Qom: Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini. (In Persian).
43. Maruti, S; & Darabi, F., (2012). Investigating the Process of Tax Justice in Nahjul Balagha. *Alavi Research*, 4(7), 105-124. (In Persian).
44. Mashhadi Ahmad, M., (2012). The Meaning and Concept of Institution in Institutional Economy; A Look at the Differences Between Old and New Institutionalism and the Role of Institutions in Economic Relations. *Economic Research*, 48(13), 49-78. (In Persian).
45. Meshkani, Z; Abedi Sarasia, A; & Naseri Moghadam, H., (2023). Analyzing the Province of Zakat Property with an Emphasis on the Jurisprudence of Imam Khomeini. Islamic Government, 4(26), 33-62) .In Persian.(
46. Mesbahi Moghadam, G, R., (2017). The Position of Zakat from the Point of View of Government Jurisprudence. *Iranian Economic Studies with Islamic Economy Approach*, 15(30), 119-135 (In Persian).
47. Mohabi, D; & Taleb Najafabadi, A., (2017). The Rights of Tax Payers, a Comparative Study in the Doctrines of Nahj al-Balagha and the Tax Law System of Iran. *Islamic Human Rights Studies,* 15(7), 76-94 (In Persian).
48. Mohaghegh Damad, S M; & Mahriyar, M., (2019). The Legal Personality of Zakat from a Jurisprudential Point of View and its Connection with Bait al-Mal. *Islamic Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law*, 53(2), 441-423. DOI: 10.22059/jjfil.2021.293181.668948 (In Persian).
49. Momen, A, M., (2001). The Relationship between Khums and Zakat and Government Taxes. *Islamic Economy*, 1(2), 23-32. (In Persian).

50. Musaei, M; & Karmi, Y (2007). The Role of Religious Aspects in Social Security. *Culture and Communication Studies*, 9(2), 199-233. (In Persian).
51. Nadran, E; Agha Nazari, H; Hosseini, S. R (2011). The Model of Social Security at the Beginning of Islam and its Implications for New Models. *Knowledge of Islamic Economics*, 6(1), 5-28. (In Persian).
52. Nemati, M (2023). The Effects of Zakat in the Field of Fundamental Rights. *Islamic Government*, 27(4), 133-158. (In Persian).
53. Nemati, M. (2015). Principles Governing zakat in Islamic Public Finance: Public Law Thoughts, 10(6), 93-110. (In Persian).
54. Nemati, M; & Maleki, M, A., (2023). Proportionality of Jurisprudence and Zakat. *Knowledge of Islamic Economics*, 13(25), 103-122. (In Persian).
55. Nooryan, M. (2010). How to Introduce "Prayer, Fasting, Jihad, Hajj, Khums and Zakat" in the textbooks of "Social Education" and "Let's Read" in Iran's Elementary Schools. *Islamic Education*, 5(11), 59-79. (In Persian).
56. Pejuman, S. Zare, H (2017): Communication of Sources of Income Through Payment of Zakat; A condition for an Islamic Equilibrium Economy. *Islamic Economy*, 19(73), 123-153. (In Persian).
57. Qaraeti, M. (2012). Zakat Cultural Center of Lessons from the Quran.
58. Qala Novi, M; & Monastery Guard, A., (1392). Economic Rationality for Government Collection of zakat. *Islamic Economics and Banking*, 2(3), 111-120. (In Persian).
59. Quydel Bajgiran, M; Charabin, M; Fraud, I; & Akbari, A., (2019). Design and Validation of the Evaluation Model of Individual Excellence of School Teachers. *School Management*, 14(8), 106-132. (In Persian).
60. Ragheb Esfahani, H. (1983). *Al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an* .Lebanon, Beirut: Dar Al-Marafah (In Persian).
61. Rajaei, S M. K (2013): Balance or Lack of Circulation of wealth in the Hands of the Rich. *Knowledge of Islamic Economy,* 4(1), 23-46. (In Persian).
62. Rajai Ramsheh, S.M. K. Nemati, M. (2017): Criticism of the Zakat Law and Providing Corrective Solutions. *Islamic Economic*,18(70), 63-89. (In Persian).
63. Rezaei, M. J; Mohadi Baknazar, M., (2012). Financial Decentralization and Islamic Economy; Some Theoretical Considerations About Provincial Tax and Budget Allocation: *Islamic Economics and Banking*, 2(4), 199-220. (In Persian).
64. Rezayi, M., (2012). Government taxes: Legitimacy or Illegitimacy?. *Economic Studies and Policies,* 1(3), 63-84. (In Persian).
65. Rezaei, M, G; & Sabzero, M., (2013). Presenting a Model for Accepting Khums as a Part of Income tax. *Tax Research*, 63(1), 125-152. (In Persian).
66. Roshan, M; & Amirhosseini, A (2016). Preventing the Occurrence of Bankruptcy in Iran's Legal System and its Place in Imami Jurisprudence

with a Look at French law. *Islamic Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law*, 16(50), 87-104. (In Persian).
67. Rostami M. Z; & Rostami M., (2014). Suggestions for Expanding and Replacing the Islamic Tax System. *Islamic Economics Studies*, 8 (15), 7-26 . DOI: 10.30497/ies.2015.1754 (In Persian).
68. Sandelowski, M. & Barroso, J. (2006). *Handbook for Synthesizing Qualitative Research*. Springer Publishing Company .
69. Sadeghipour, A; Farahani Fard, S; & Gholami Jamkarani, R., (2016): A Conceptual Model of Clean Investment with an Emphasis on Corporate Governance with an Islamic Approach. *Islamic Financial Research*, 7(1), 191-218. (In Persian).
70. Second Martyr, I, A., (1989). Al-Ruda al-Bahiya fi Sharh al-Lama' al-Damashqiyyah (10 volumes), Qom, Iran: Al-Davari School. (In Persian).
71. Shabani, A; Kashian, A ,M., (2015). Designing the Mechanism of Entering Khums and Zakat into Iran's Tax System and its Potential Economic Effects. *Islamic Economic Studies,* 16(8), 39-74. (In Persian).
72. Shah Wali, M; Khaliqzadeh, P; & Kerami, Gh., (2016). A Value Approach to Business and Production in the Agricultural Sector: Preparation for Promoting the Mechanism of Zakat. *Entrepreneurship Studies and Sustainable Development of Agriculture*, 4(2), 87-100. (In Persian).
73. Shams, A; & Fathihefeshjani, K., (2014). Legal Analysis and Presentation of a Multi-Indicator Decision Model for Taking Zakat Based on the Principles of Islam. *Legal Principles of Islamic Law,* 15(8), 57-76. (In Persian).
74. Shariati, S; & Abbasishahkoh, M. (2013). The Requirements of Wealth Production in the Life of Faith and Shia Lifestyle. *Development Strategy,* 41(1), 37-56. (In Persian).
75. Shariatnia, S; & Asadi, H., (2023). Investigation of Shia Islamic Lifestyle in Imamiyyah Jurisprudence on Family Stability. *Islamic Lifestyle Centered on Health*, 6(4), 497-519. (In Persian).
76. Shokrani, R; & Salimi, H., (2019). A Study of the Historical Course of the Legislation of the Verses of Zakat in the Holy Quran. Interpretative Studies, 11(41), 165–184. (In Persian).
77. Simiari, M; Rezaiyan, A; & Hassanzadeh Sarvestani, H., (2019). Principles Governing Personal Financial Management (with Emphasis on the Allocation Section) Based on the Statements of the Supreme Leader. *Strategic Management Thought*, 27(14), 125-159. DOI: 10.30497/smt.2020.2677 (In Persian).
78. Sobhani Nia, N; Khazai, M; Salimi, A; & Seifi, A M (2023). Jurisprudential Foundations of Public Welfare and its Place in Islamic Government. *Economic Jurisprudence Studies,* 4(1), 73-90. (In Persian).

79. Soleimani-Amiri, Gh; & Farshi, Z., (2011). Evaluation of Zakat Calculation Method in Economic Enterprises of Islamic Countries. *Fiqh Ahl al-Bayt*, 17(66-67), 206-249. (In Persian).
80. Taftian, A; & Alipour, R., (2023). Challenges and Opportunities of Islamic Financial Technology. *Islamic Financial Research*, 11(2), 837-874 .DOI: 10.30497/ifr.2023.243589.1737 (In Persian).
81. Tavakli, M. J., (2015). Motivation and Moral Education in the Islamic Tax System. *Tax Research Paper,* 24 (32), 195-221. (In Persian).
82. Wells, A., (1970). *Social Institutions*. London: Heinemann.
83. Zarepima, S; Jahanshahi, M; Hosseinzadeh-Yazdi, M., (2019). Causes and Social Consequences of Poverty and Economic Inequality and Solutions to Solve it in Seyyed Qutb's thought: Social theories of Muslim thinkers, 18(10), 31-62. (In Persian).
84. Zarundi Rahmani, M., (2023). Recognizing the Evidences of the Obligation of Zakat with a Development Approach: Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, 55(1), 147-164. DOI: 10.22059/jjfil.2022.335450.669284 (In Persian).
85. Zeidabadinjad, M; Adibi, S; & Salarifar, A (2016). Prevention of the Formation of Criminal Personality by Emphasizing on Following the Rules. *Social Science Studies*, 7(3), 197-215. (In Persian).
86. Zulfiqari, M., (2018). *Beheshti Formations*. Iran, Tehran: Maarif. (In Persian).

Islamic Finance Researches
Vol. 13, No. 2 (Serial 28), 2023

Research Paper

Designing the Business Model of Qarz-Al-Hasna Digital Bank

Sajad Golchin* **Asadollah Ganjali**** **Sayyed Saeed Shamsinajad*****

10.30497/ifr.2024.245479.1864

Abstract

Extensive environmental turbulence has caused various changes in economic, social and cultural fields, and has become the driver of many changes in the context of needs and preferences of customers. As an active form of Islamic banking in Iran, Qarz-Al-Hasna Banking has faced many issues and challenges that have overshadowed its survival and competitiveness. Therefore, the aim of this research is to answer the banking needs of Qarz-Al-Hasna Bank and specifically the territory of Qarz-Al-Hasna Mehr Bank of Iran in the face of digital variables, in the form of a business model. In this regard, the method of qualitative content analysis with analogical-inductive approach has been used to analyze the data and answer the research questions. Ritter's model is the basic framework in "Designing the Business Model of Qarz-Al-Hasna Digital Bank". In the data analysis that was done using Maxqda2020 software, a total of 255 basic themes and 29 subcategories were extracted and placed under the dimensions of value proposition, customers, value demonstration and capabilities.

Keywords: Business Model; Banking; Digital Banking; Islamic Banking; Qarz-Al-Hasna; Digitalization.
JEL Classification: G2, G21.

* M.A. Student, Business Management, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
s.golchin@isu.ac.ir 0009-0002-2036-7670

** Faculty Member, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadeq University, Tehran, Iran. ganjali@isu.ac.ir 0000-0002-3250-9595

*** Faculty Member, Hazrat Masoumeh University, Qom, Iran.
s.golchin@isu.ac.ir 0009-0009-4636-9376

Recived: 2023/11/28 Accepted: 2024/06/19

فصلنامه علمی «تحقیقات مالی اسلامی»، سال سیزدهم، شماره دوم (پیاپی ۲۸)، زمستان ۱۴۰۲
مقاله پژوهشی، صص. ۲۷۷-۳۲۰

طراحی مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه دیجیتال

سجاد گلچین* اسدالله گنجعلی** سید سعید شمسی‌نژاد***

چکیده

تلاطمات محیطی گسترده، از سویی موجب بروز تحولاتی در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شده و از سوی دیگر پیشران تغییرات گسترده در نیازها، سلایق و ترجیحات مشتریان کسب‌وکارهای گوناگون شده است. بانکداری قرض‌الحسنه نیز به‌عنوان گونه‌ای فعال از بانکداری اسلامی در کشور جمهوری اسلامی ایران، مسائل و چالش‌های متعددی ورای خود می‌بیند که بقا و رقابت‌پذیری او را تحت‌الشعاع قرار داده است؛ بنابراین، هدف از پژوهش حاضر، پاسخ‌گویی به نیاز بانکداری قرض‌الحسنه و به‌طور خاص قلمرو بانک قرض‌الحسنه مهر ایران در مواجهه با متغیرهای دیجیتال، در قالب مدل کسب‌وکار است. در این راستا از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد قیاسی- استقرایی به‌منظور تجزیه‌وتحلیل داده‌ها و پاسخ به پرسش‌های پژوهش استفاده شده است. مدل ریتر چارچوب مبنا در «طراحی مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه دیجیتال» قرارگرفته‌اند. در تجزیه‌وتحلیل داده‌ها که با استفاده از نرم‌افزار Maxqda2020 صورت گرفت، مجموعاً ۲۵۵ مضمون پایه و ۲۹ مقوله فرعی استخراج و ذیل ابعاد ارزش پیشنهادی، مشتریان، ارائه ارزش و قابلیت‌ها جایابی شدند.

واژگان کلیدی: مدل کسب‌وکار؛ بانکداری؛ بانکداری دیجیتال؛ بانکداری اسلامی؛ قرض‌الحسنه؛ دیجیتالی شدن.

---

* دانشجوی کارشناسی ارشد، مدیریت بازرگانی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول) s.golchin@isu.ac.ir

** عضو هیأت علمی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران ganjali@isu.ac.ir

*** عضو هیأت علمی، دانشگاه حضرت معصومه(س)، قم، ایران s.golchin@isu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۳۰
مقاله مدت ۲۴ روز جهت اصلاحات نزد نویسندگان بوده است.

مقدمه و بیان مسأله

عصر دیجیتال به سبب ظهور فناوری‌های نوین، به دگرگون‌سازی اساسی در نحوه عملیات سازمان‌ها و کسب‌وکار منجر شده است. امروزه رقابت برای بهبود کیفیت خدمات به‌عنوان یک مسأله راهبردی و کلیدی برای سازمان‌هایی که در بخش خدمات فعالیت می‌کنند، شناخته می‌شود. سازمان‌هایی که به سطح بالاتری از کیفیت دست می‌یابند، قادر خواهند بود میزان بالاتری از رضایت‌مندی مشتریان را نیز به دست آورند که خود مقدمه‌ای برای دستیابی به مزیت رقابتی پایدار است (Guo & Duff & Hair, 2008). در چنین شرایطی که انواع تصمیمات و اقدامات تحت‌الشعاع تغییرات دیجیتال قرار گرفته‌اند، سازمان‌ها تنها یک‌راه پیش‌رو دارند و آن همگامی با تحولات موجود است.

ازنظر کاپلان و دیگران[1] (۲۰۰۶م) تحول دیجیتال به‌عنوان تغییراتی است که به سبب فناوری‌های دیجیتال ایجادشده و بر همه جنبه‌های زندگی انسان تأثیر می‌گذارد. از همین‌رو فناوری‌های تحول‌آفرین، دیجیتالی شدن را در گستره بخش‌ها و صنایع مختلف، راهبردها، فرایندها، قابلیت‌ها، محصولات، خدمات و همچنین روابط درون‌سازمانی به‌صورت بنیادی دستخوش تحول ساخته‌اند (Bharadwaj & Sawy, Pavlou & Venkatraman, 2013). مندرهلو و دیگران[2] (۲۰۱۷م) بیان می‌کنند: «تحول دیجیتال در مدل‌های کسب‌وکار در حال شکل دادن مجدد به ترجیحات مصرف‌کننده است، چراکه صنایع در حال معرفی فناوری‌های نوین دیجیتالی برای افزایش رقابت‌پذیری خود به‌منظور تغییر روابط با مشتری (Dellarocas, 2003)، فرایندهای داخلی (BarNir & Gallaugher & Auger, 2003) و ارزش هستند». به‌این‌ترتیب، مشتریان امروز کسب‌وکارها خواستار سازگاری (به‌عنوان‌مثال، اینکه محصولات و خدمات مختلف را بتوانند به پلتفرم‌های دیجیتال مختلف متصل نمایند) و یکپارچگی (به‌عنوان‌مثال، یکپارچه‌سازی همه‌جانبه[3]) هستند (Lee & et al. 2019).

صنعت بانکداری نیز از شرایط متلاطم تحولات مستثنی نیست و بانک‌های نسل آینده، چه بانک‌های مستقر و چه انواع جدید آن، باید به تحول در سازوکار نقدینگی،

1. Kaplan et al.
2. Manderhlo et al.
3. Omnichannel Integration

داده‌ها، اعتماد، رقابت و دیجیتالی‌سازی خدمات مالی بپردازند (Broby, 2021). عوامل حیاتی موفقیت در رقابت بین بانک‌ها در بانکداری امروزی علاوه‌بر ارائه فناوری‌های جدید و خدمات مناسب به مشتریان، شامل به‌کارگیری روش‌های مدرن مشتری‌مداری نیز هست (Arsanjani et al, 2019). فناوری‌های ابری می‌توانند برای ارتقای به اشتراک‌گذاری داده‌ها در مرزهای سراسر شرکت، افزایش چابکی و انعطاف‌پذیری در عملکرد سیستم و کاهش هزینه‌ها با برخط‌سازی سیستم‌ها استفاده شوند. دراین‌بین سیستم‌ها و فرایندهای بانک‌ها نیز به کمک فناوری‌های نامبرده می‌توانند به‌صورت انعطاف‌پذیرتر عمل کرده و مجدداً طراحی شوند. فشارهای فناوری‌های جدید، فعالیت‌ها و قابلیت‌های جدیدی مانند خدمات احراز هویت برخط، تأمین‌مالی‌جمعی و بلاکچین را در بانکداری ممکن ساخته است. همچنین تحولات عصر دیجیتال، مدل فکری و الگوهای رفتاری مشتریان را دستخوش تغییر ساخته و تقاضای آنان را نسبت به خدمات مالی افزایش داده است (Teresiene, Pieczulis, Kong & Yue, 2021). این نمونه‌ها از تأثیر دیجیتالی‌سازی نشان می‌دهند که فناوری اطلاعات دیگر نمی‌تواند به‌عنوان یک عملکرد پشتیبانی فرعی در نظر گرفته شود (Yoo & Henfridsson & Lyytinen, 2010؛ Matt & Hess & Benlian, 2015)، بلکه دیجیتالی‌سازی باید به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از راهبردهای صنعت بانکداری قرار گیرد.

در سال‌های اخیر هم‌زمان با افزایش تعداد و گستره فعالیت بانک‌های تجاری در کشور ایران، شاهد فعالیت بانک‌های قرض‌الحسنه نیز بوده‌ایم. منشأ تأسیس این نهادهای مالی این بوده است که نظام اقتصادی اسلام برای مقابله با رباخواری شیوه‌هایی در حوزه عقود انتفاعی و غیرانتفاعی را جایگزین نموده و کسانی که توانایی بازپرداخت سود را ندارند از عقد قرض‌الحسنه استفاده می‌کنند. بدین‌ترتیب نظام اقتصادی اسلام نهاد قرض‌الحسنه را به‌عنوان یکی از شیوه‌ها و ابزارهای مؤثر برای کاهش نابرابری توزیع درآمدها قرار داده است (یزدانی، ۱۳۹۰). قرض‌الحسنه عقدی است که به‌موجب آن بانک‌ها (به‌عنوان قرض‌دهنده) مبلغ معینی را مطابق با ضوابط و دستورالعمل‌های مرتبط به اشخاص حقیقی یا حقوقی (به‌عنوان قرض‌گیرنده) واگذار می‌کنند (عرب‌مازار و کیقبادی، ۱۳۸۵). باید توجه داشت پرداخت قرض‌الحسنه برخاسته از تعالیم اسلام است

و غیردولتی بودن نهاد قرض‌الحسنه در پرهیز از حمل بار بر دوش دولت و ایجاد زمینه مساعد جهت شکل‌گیری انگیزه‌های معنوی و در نتیجه انعقاد بستر مناسب برای تحقق این رفتار نقش مهمی دارد (هادوی‌نیا، ۱۳۸۰). محدودیت ماهوی و قانونی بانک‌های قرض‌الحسنه در دریافت و پرداخت بهره از محل تسهیلات بانکی، ضرورت توجه بیشتر به بهره‌مندی از فرصت‌های تجاری را در بخش‌های مختلف عملیات کسب‌وکار بانکداری قرض‌الحسنه ایجاب می‌کند.

بدین‌ترتیب ضرورت دارد مطالعه‌ای دقیق و همه‌جانبه بر روی راهبردها، تصمیمات، فعالیت‌ها و فرایندهای بانک‌های قرض‌الحسنه در شرایط تحولات دیجیتال انجام گیرد تا نسخه‌ای شفابخش برای این بانک‌ها در تلاطمات ارائه دهد. خلاء موجود در ارائه یک چارچوب جامع به‌عنوان نقشه راه بانکداری قرض‌الحسنه جهت انطباق با ملزومات دیجیتالی‌شدن برای این بانک‌ها موضوعی است که برای بقا، کارایی و رشد این بانک‌ها ضروری به‌نظر می‌رسد. مدل کسب‌وکار، به‌عنوان نگاشتی راهبردی از کلیت کسب‌وکار قادر به انجام این مهم است و در این پژوهش به‌عنوان قالب مبنا جهت احصای انواع تغییرات انتخاب شده است. بدین‌ترتیب هدف از انجام این پژوهش طراحی مدل کسب‌وکار بانکداری قرض‌الحسنه دیجیتال عنوان می‌شود.

۱. ادبیات نظری

۱-۱. بانکداری قرض‌الحسنه

مکتب اقتصادی اسلام، قرض‌الحسنه را به‌عنوان بهترین روش جایگزین ربا برای استفاده از افرادی که توانایی بازپرداخت سود را ندارند، در نظر گرفته است تا ثروتمندان با درنظرگرفتن معنوی قرض‌الحسنه داوطلبانه به انجام آن اقدام نمایند. نظام اقتصاد اسلام توجه ویژه‌ای به قرض‌الحسنه دارد و چنانچه مسلمانان به‌صورت اختیاری و بدون توقع هیچ سودی، اقدام به آن نمایند، از دامنه فقر کاسته شده و به توازن اقتصادی و توزیع عادلانه درآمدها نزدیک‌تر می‌شویم (احمدی، غفاری و وفایی، ۱۳۸۷).

در بانکداری قرض‌الحسنه، بانک صرفاً سپرده‌های قرض‌الحسنه را تجهیز می‌کند و براساس همین عقد، منابع را به متقاضیان تخصیص می‌دهد (موسویان و میثمی، ۱۳۹۳).

فعالیت‌های قرض‌الحسنه در ایران دارای سابقه گسترده‌ای است؛ به‌طوری‌که در عمل انواعی از تسهیلات قرض‌الحسنه به اشکال مختلف مصرفی و تولیدی ارائه‌شده و طرح‌های مختلفی نیز توسط دولت یا بخش خصوصی جهت ارائه تسهیلات قرض‌الحسنه به متقاضیان نیازمند اجرایی شده است (شهیدی‌نسب، ۱۳۹۳). بااین‌وجود یکی از نوآوری‌های مهم حوزه بانکداری اسلامی در ایران را می‌توان تأسیس بانک‌های قرض‌الحسنه دانست (جوزی‌زاده، یزدانی و شیخ، ۱۳۹۶). بانک‌های قرض‌الحسنه یکی از انواع بانک‌های موجود در نظام پولی کشور هستند که مانند سایر بانک‌ها مبتنی‌بر قانون پولی و بانکی کشور، قانون عملیات بانکی بدون‌ربا و بخشنامه‌های صادرشده از سوی بانک مرکزی فعالیت می‌کنند. بانک‌های قرض‌الحسنه با توجه به نقش فعالی که در بازار پولی کشور دارند، بر فرایند خلق پول نیز تأثیر می‌گذارند.

۱-۲. بانکداری دیجیتال

دیجیتالی‌شدن، در واقع نوآوری‌های برهم‌زننده و فناوری‌های جدیدی است که در حال تغییر مدل‌ها و فرایندهای کسب‌وکار سنتی هستند و باعث شده بانک‌ها مدل‌های کسب‌وکار خود را برای تغییر نحوه تعامل با مشتریان، مدیریت عملیات میانی و پشتیبانی، رقابت‌پذیری و آمادگی برای آینده تطبیق دهند (Timo, 2014). وایل و وُرنر[4] (۲۰۱۳م) تحول دیجیتال را این‌گونه تعریف می‌کند: «فرایندی است که هدف آن بهبود یک واحد کسب‌وکار با ایجاد تغییرات اساسی در ساختار آن از طریق ترکیب فناوری اطلاعات، ارتباطات و فناوری اتصال برخط است». تحول دیجیتال شامل مفهوم گسترده‌ای از بانکداری است و به معنای دیجیتالی کردن اسناد، امضای الکترونیکی برای تراکنش‌ها، آموزش الکترونیکی، اجلاس برخط، پلتفرم‌های تجارت برخط[5]، فروشگاه‌های دیجیتال، صورت‌های مالی الکترونیکی و پرداخت‌های الکترونیکی به‌کار می‌رود (Yip & Bocken, 2018). سازمان همکاری و توسعه اقتصادی[6] بانک‌های دیجیتال را یکی از انواع فین‌تک معرفی می‌کند که در بطن آن‌ها خدمات مالی، دانش مشتری و ارزش‌های پیشنهادی مکمل یکدیگر هستند (OECD, 2019).

4. Weil & Woerner
5. Online
6. Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)

به گزارش گارتنر[7] (۲۰۱۵م)، صنعت بانکداری در سراسر جهان به‌طور متوسط سه برابر بیش از صنایع دیگر برای سرمایه‌گذاری در فناوری اطلاعات هزینه می‌کند. جدول (۱) به مهم‌ترین ریشه‌های برهم زنندگی[8] در صنعت بانکداری اشاره داشته است. مطابق با تحقیقی که در زمینه بانک‌های نسل جدید صورت‌گرفته، ساختار سازمانی بانک‌های دیجیتال یا نسل ۴.۰ دربرگیرنده بهبود تجربه مشتری، عملیات تجاری و فرایندهای فناورانه و قابلیت‌های نوین بانکداری است. این پژوهش تجربه مشتری را شامل مدل‌سازی داده و رفتار مشتریان؛ قابلیت‌های کلیدی؛ برند؛ طراحی تجربه؛ و درگیرسازی مشتریان می‌داند. همچنین عملیات تجاری را متشکل از پایبندی به مقررات؛ راهبرد؛ مدیریت شرکا؛ کنترل مالی؛ و توسعه‌سازمانی برمی‌شمرد. فرایندهای فناورانه نیز شامل تحقیق درباره فناوری‌های نوظهور؛ تعیین ریسک؛ سیستم‌های داخلی؛ انباشت فناوری؛ هوش مصنوعی[9]؛ یادگیری ماشین[10]؛ و مدل‌سازی عنوان می‌شوند. در نهایت، به‌طورکلی قابلیت‌های بانکداری را در مدیریت شعب، مدیریت وجوه پس‌انداز و سرمایه‌گذاری؛ اعتبار و وام‌دهی؛ شبکه پرداخت، مبادلات و تأمین مالی خلاصه می‌کند (King, 2018). در گزارش بانکداری دیجیتال[11] (۲۰۲۲م) نیز دیجیتالی‌شدن بانک‌ها به‌عنوان عامل تأثیرپذیری کمتر بانک‌ها از رکود اقتصادی معرفی‌شده و آن را شامل بهبود عملیات پشتیبان، ایجاد تجربیات مشتری متمایز، رشد پایگاه مشتریان، بهبود بهره‌برداری از داده‌ها جهت حمایت از نوآوری و بازاریابی و ارائه سبک رهبری مناسب برای به‌دست‌آوردن و حفظ کارکنان ماهر تعریف کرده است.

جدول (۱): عناصر برهم‌زنندگی در بانک‌ها

عنصر برهم‌زنندگی	توضیحات
مشتریان	۱. بانکی که فناوری بیشتری داشته باشد مشتریان بیشتری خواهد داشت. البته مشتریان هم از نقطه نظر دیجیتال حساس شده و تقاضای زیادی برای پیشنهادات اختصاصی با دسترسی پذیری بالا بوجود آمده است.

7. Gartner
8. Distruption
9. Artificial Intelligence
10. Machine Learning
11. Digital Banking Report

عنصر برهم‌زنندگی	توضیحات
	۲. ترجیح مشتریان دریافت راهکارهای برخط با استفاده از گوشی هوشمند خود است. با این وجود تراکنش‌های دارای ارزش بالا کمتر به‌صورت برخط انجام می‌شوند. ۳. مشتریان بانکی خواهان دریافت مشاوره شخصی از سوی متخصصان بانک هستند. استارتاپ‌ها گروهی جذاب از مشتریان هستند. ۴. سطح آگاهی، خواسته ها و انتظارات مشتریان کاملاً تغییر کرده است و بانک‌ها را وادار می‌کند تا در تجربه مشتری خود بازنگری داشته باشند. توجه به انعطاف‌پذیری بالا در فرآیندها و کاهش وفاداری مشتریان از جمله این تغییرات است.
دولت	۱. سیاست‌های دولت در رابطه با بانک‌ها و شرکت‌های بخش عمومی بر کسب‌وکار بانک تأثیر می‌گذارد. امروز بانک ملزم به رعایت تمام مقررات هستند. از سوی دیگر هرگونه طرح معافیت دولت نیز بر درآمد بانک تأثیر دارد. ۲. بانک باید به قوانین دولتی پای‌بند باشد؛ هر چند تمام تشریفات را نمی‌توان به صورت برخط انجام داد و شاید مشتریان برای انجام برخی الزامات مجبور به حضور در بانک باشند. ۳. برخی قوانین بین‌المللی در خصوص مشتریان دارای تراکنش با ارزش بالا موجب شکل‌گیری ابتکار UPI (رابط پرداخت‌های یکپارچه) و IMPS (خدمات پرداخت فوری) شده است. ۴. بانک‌هایی که تبادلات بین‌المللی دارند ملزم به رعایت IFRS-9 هستند
رقبا	۱. بقا در بازار معادل شده با ارائه خدمات سفارشی و نه مشابه سایر رقبا. بانک باید شناسایی کند که کدام نیاز(های) مشتریان را می‌تواند متمایز از سایر بانک‌ها پاسخ دهد. ۲. کاهش روزهای انتظار در صف دریافت وام می‌تواند یکی از نقاط تمایز باشد. ۳. ابزارهایی مانند PayTM[۱۲] موجب تشدید فضای رقابت در صنعت بانکداری شده و بانک‌ها را وادار ساخته روی مشتریانی که تاکنون نادیده انگاشته می‌شدند توجه بیشتری شود.

۱۲. از بزرگترین پلتفرم‌های پرداخت موبایلی در هند است.

عنصر برهم‌زنندگی	توضیحات
	۴. باتوجه به نزدیک بودن نرخ بهره در بانک‌ها، وجه تمایز را می‌توان در سادگی و تسهیل عملیات بانکی برای مشتریان تعریف کرد. ۵. به دلیل رقابت بانک‌های خصوصی، بسیاری از بانک‌های بخش دولتی کسب‌وکار خود را از دست دادند.
فناوری	۱. در دسترس بودن فناوری‌های مرتبط در بانکداری و درگاه های پرداخت الکترونیکی بسیار حائز اهمیت است. ۲. بستر برنامه‌های دیجیتال، بانک را به ارائه خدمات بانکی به‌صورت برخط سوق داده است. ۳. ویژگی های جدید در برنامه های گوشی‌های هوشمند به کاهش تعداد مراحل مورد نیاز برای انجام یک تراکنش خاص کمک کرده است. ۴. دیجیتالی شدن منجر به تغییر در فعالیت های بانک شده است.

منبع: (Dasgupta, 2019)

۱-۳. مدل کسب‌وکار

مدل کسب‌وکار یک ابزار مفهومی برای کمک به درک نحوه کسب‌وکار یک شرکت است و می‌تواند برای تجزیه‌وتحلیل، مقایسه و ارزیابی عملکرد، مدیریت ارتباطات و نوآوری کسب‌وکارها استفاده شود (Osterwalder, Pigneur & Tucci, 2005). مدل کسب‌وکار منطق اقتصادی اساسی یک شرکت است که نشان می‌دهد چگونه ارزش‌ها به مشتریان منتقل می‌شود (Voigt, Buliga & Michl, 2017). مدل‌های کسب‌وکار به این موضوع مربوط می‌شوند که چگونه شرکت راهبرد رقابتی خود را از طریق طراحی محصول یا خدماتی که به بازار خود ارائه می‌دهد، تعیین می‌کند؛ چگونه برای آن هزینه می‌کند؛ چگونه از طریق ارزش پیشنهادی خود را از سایر شرکت‌ها متمایز می‌کند؛ و چگونه شرکت زنجیره ارزش خود را با سایر شرکت‌ها در یک شبکه ارزش یکپارچه می‌کند (Rasmussen, 2007).

یک مدل کسب‌وکار را می‌توان به‌عنوان «یک سیستم از اجزا و پیوندهای پویای بین اجزا» مفهوم‌سازی کرد» (Afuah & Tucci, 2001). با همین نگاه می‌توان مدل کسب‌وکار را مجموعه‌ای از فعالیت‌های یک شرکت، نحوه و زمان انجام آن‌ها نیز دانست

(Johnson, 2008). درحالی‌که میچل و کولز[13] (۲۰۰۳م) تأکید می‌کنند که مدل کسب‌وکار به «چگونگی» ارائه محصولات و خدمات به مشتریان و کاربران نهایی می‌پردازد. آیزنمن[14] (۲۰۱۲م) معتقد است که مدل کسب‌وکار به «ماهیت» خدماتی که شرکت‌ها به مشتریان ارائه می‌دهند و فعالیت‌هایی که برای ارائه آن خدمات انجام می‌دهند اشاره دارد. چسبورو و روزنبلوم[15] (۲۰۰۲م) با یک دیدگاه ساختاری، مدل کسب‌وکار را سازه‌ای می‌دانند که میان ورودی‌های فناوری و خروجی‌های اقتصادی میانجیگری می‌کند؛ براین‌اساس، مدل کسب‌وکار مشتمل بر ساختار زنجیره ارزش کسب‌وکار و فرایند خلق ارزش، از مواد خام تا محصول نهایی است (Chesbrough & Rosenbloom. 2002).

اصطلاح مدل کسب‌وکار در رشته‌های مختلف مورداستفاده قرار گرفته است که منجر به رویکردهای توضیحی کاملاً متفاوتی برای این مفهوم شده است. این ناهمگونی موضوعی به‌ویژه در تعاریفی منعکس می‌شود که به‌صورت خاص در یک زمینه مشخص و به‌منظور پوشش زیر حوزه‌های مرتبط با آن آمده است؛ مانند تشریح اجزای مدل کسب‌وکار (Eriksson & Penker, 2000)؛ در ادامه و طی جدول (۲) با در نظر گرفتن این زوایای مختلف، تعاریف متعددی از مدل کسب‌وکار ارائه شده است.

جدول (۲): تعاریف مدل کسب‌وکار

ردیف	نویسنده	سال	تعریف
۱	Teece	2010	یک مدل کسب‌وکار منطق و شواهد چگونگی خلق ارزش توسط کسب‌وکار به مشتریان را بیان می‌کند. همچنین ساختار درآمدها، هزینه‌ها و سودهای مرتبط با عملیات تجاری ارائه ارزش را ترسیم می کند. در اصل، یک مدل کسب و کار چیزی معادل با «معماری سازمانی و مالی» یک کسب‌وکار را در بر می‌گیرد.
۲	Osterwalder and Pigneur	2010	یک مدل کسب‌وکار منطق چگونگی خلق ارزش، ارائه ارزش و جذب ارزش برای یک سازمان را توصیف می‌کند.

13. Mitchell & Coles
14. Eisenman
15. Chesbrough & Rosenbloom

۳	Amit and Zott	2001	مدل کسب‌وکار محتوا، ساختار و حاکمیت معاملات را به تصویر می‌کشد که به‌گونه‌ای طراحی شده است که از طریق بهره‌برداری از فرصت‌های تجاری، ارزش ایجاد کند.
۴	Wirtz	2000	یک مدل کسب‌وکار به شکلی بسیار ساده و انبوه نشان می‌دهد که کدام منابع در شرکت نقش دارند و چگونه فرآیند داخلی ایجاد کالاها و خدمات این منابع را به اطلاعات، محصولات و/یا خدمات قابل فروش تبدیل می کند. بنابراین یک مدل کسب‌وکار ترکیبی از عوامل تولید را نشان می‌دهد که باید برای اجرای راهبرد شرکت و کارکردهای بازیگران درگیر استفاده شوند.
۵	Chesbrough & Rosenbloom	2002	مدل کسب‌وکار یک منطق نوآورانه است که ظرفیت فنی برای تحقق ارزش اقتصادی شرکت را در خود جای داده است.
۶	Callio et al.	2006	مدل کسب‌وکار ابزاری است که سازمان را قادر می‌سازد ارزش خلق کند. ارزش‌ها از طریق هماهنگی کالاها و خدمات شرکای مختلف صنعت با مشتریان، شرکا، رقبا و دولت در زنجیره ارزش شکل می‌گیرد.
۷	Rajala& Westerlund	2006	مدل کسب‌وکار راهی است برای ایجاد ارزش برای مشتریان و اینکه چگونه سازمان‌ها فرصت‌ها را از طریق عناصر، فعالیت‌ها و مشارکت‌ها به سود تبدیل می‌کنند.
۸	Alexander, Pigneur & Tucci	2015	مدل کسب‌وکار به چگونگی ایجاد، انتقال و به‌دست‌آوردن ارزش در یک شرکت و ارائه مدل‌های کسب‌وکار شبکه در میان ذی‌نفعان اکوسیستم شبکه با شرکای در حال تغییر می‌پردازد.
۹	Voigt et al.	2017	مدل کسب‌وکار، منطق اقتصادی اساسی است که نشان‌دهنده نحوه ارائه ارزش‌ها به مشتریان است.
۱۰	Wirtz et al,.	2016	«مدل کسب‌وکار یک نمایش ساده و تجمیع‌شده از فعالیت‌های مربوطه یک شرکت است. توضیح می‌دهد که چگونه

			اطلاعات، محصولات و/یا خدمات قابل فروش با استفاده از جزء ارزش‌افزوده یک شرکت تولید می‌شوند. علاوه‌بر معماری ارزش‌آفرینی، مؤلفه‌های راهبردی و مشتری و بازار نیز مورد توجه قرار می‌گیرد تا به هدف برتر تولید یا بهتر بگوییم تأمین مزیت رقابتی دست یابد. برای تحقق این هدف اخیر، یک مدل کسب‌وکار فعلی باید همیشه از منظری پویا به‌طور انتقادی مورد توجه قرار گیرد، بنابراین با این آگاهی که ممکن است به دلیل تغییرات داخلی یا خارجی در طول زمان نیاز به تکامل مدل کسب‌وکار یا نوآوری مدل کسب‌وکار وجود داشته باشد.

تعاریف فوق حاکی از تفاوت‌های قابل‌توجه در نگاه اندیشمندان نسبت به مورد اصطلاح مدل کسب‌وکار است. اکثر نویسندگان ساختار کلی مدل‌های کسب‌وکار را در تعاریف خود ادغام کرده و مدل‌های کسب‌وکار را به چندین زیرمجموعه جزئی تقسیم می‌کنند. به‌ویژه رینر و دیگران (۲۰۰۱م) و جانسون[16] (۲۰۰۸م) یک نمای کلی و پیشنهادهایی برای تعریف مدل کسب‌وکار مبتنی‌بر مؤلفه‌های آن ارائه داده‌اند. درک مفهومی از مدل‌های کسب‌وکار در تعاریف دیگری منعکس شده است که در قالب اصطلاحات چارچوب مرجع، معماری و ابزارها آمده و موردتوجه ویرتز (۲۰۰۰م)، اریکسون و پنکر[17] (۲۰۰۰م)، جانسون[18] (۲۰۱۰م)، ماسا و دیگران (۲۰۱۷م) و کالیو، تینالا و تسکنگ[19] (۲۰۰۶م) بوده است.

۱-۳-۱. مدل کسب‌وکار همسویی چندبعدی[20] ریتر[21] (مدل مبنا در بخش طراحی مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه دیجیتال)

ریتر (۲۰۱۴م) در کتاب خود با عنوان «همسویی: پیشبرد رقابت و رشد با استفاده از تعالی مدل کسب‌وکار[22]» اذعان می‌کند علی‌رغم فقدان یک تعریف روشن و موردتوافق از

16. Johnson
17. Eriksson & Penker
18. Johnson
19. Kallio, Tinnila & Tseng
20. Alignment Squared
21. Ritter
22. Alignment² [Alignment Squared]: Driving Competitiveness and Growth through Business Model Excellence

«مدیریت راهبردی»، یک‌سری سؤال‌ها هستند که به‌صورت مکرر به‌عنوان موضوعات راهبردی اصلی که نیازمند رسیدگی مدیران ارشد هستند، مطرح می‌شوند. او سؤال‌های «چه کسی»، «چه چیزی»، «چگونه» و «به چه وسیله» را به‌عنوان چارچوبی برای توصیف روش انتخاب شده برای تحقق اهداف تجاری سازمان معرفی می‌کند که حول پاسخ به یک «چرا» شکل می‌گیرد و نهایتاً یک چارچوب مربعی را ایجاد می‌کند که مدل کسب‌وکار را از نزدیک توصیف نموده و می‌تواند ماهیت هر سازمانی را به تصویر بکشد.

پس از توصیف عناصر هر بُعد، ریتر موضوع «همسویی» چارچوب مربعی را طرح کرده است که در عمل، اینکار با گسترش چهار بعد مابین عناصر چارچوب مربعی به‌صورت دوبه‌دو امکان‌پذیر است که با تطبیق عناصر هر دو بُعد باهم اجرا می‌شود. چارچوب مربعی مذکور در شکل (۱) آمده است.

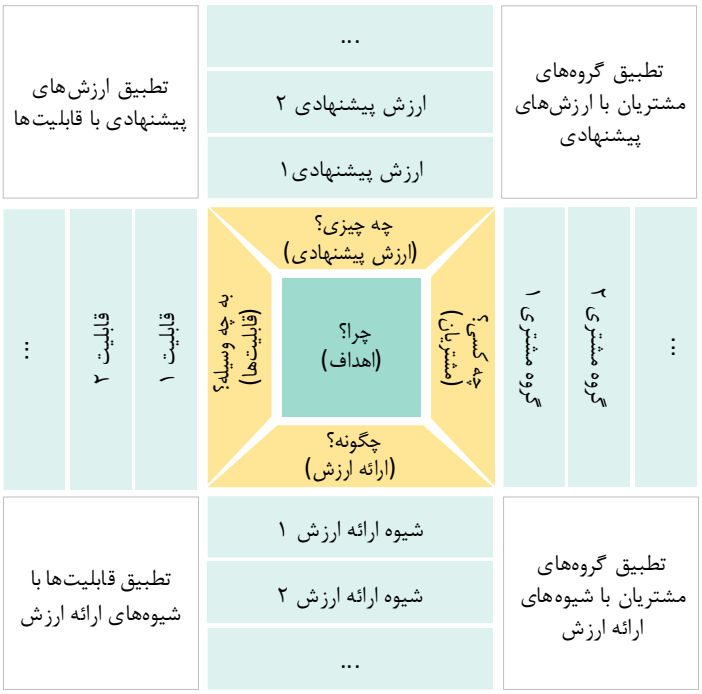

شکل (۱): تکمیل یافته مدل کسب‌وکار ابعاد همسویی

منبع: (Ritter, 2014)

جهت همسوسازی ابعاد چهارگانه، شناسایی هریک از ابعاد و بررسی تناظر ابعاد باهم لازم است. درک کامل نیازهای مشتری باید با پیشنهاد ارزشی شرکت کاملاً مطابق و پوشش‌دهنده نیاز و ترجیحات مشتریان هدف باشد تا ارزشمند تلقی شود. چنانچه گروه‌های هدف مشتریان دارای نیازها و ویژگی‌های منحصربه‌فرد، شناسایی‌شده باشند اما کسب‌وکار نتواند ارزش پیشنهادی خلق‌شده را به‌طور مؤثر به آن‌ها منتقل کند، آگاهی و جذاب‌سازی لازم انجام‌نشده و فایده تجاری بر عملیات کسب‌وکار مترتب نخواهد شد. کشف مناسب‌ترین ارزش‌های پیشنهادی که برای مشتریان نیز جذاب و مفید است، مادامی‌که سازمان قابلیت‌های لازم جهت خلق آن ارزش‌های پیشنهادی را دارا نباشد، عملیاتی نخواهد شد و به سودآوری نمی‌انجامد. همچنین درصورتی‌که کسب‌وکار کانال‌های مناسب انتقال ارزش به مشتریان هدف را شناسایی کرده اما در تأمین قابلیت‌های پیاده‌سازی ارتباطات با مشتریان دچار کمبود و خلأ باشد، مشتریان درک کاملی از ارزش‌های پیشنهادی پیدا نخواهند کرد و اهداف رشد کسب‌وکار محقق نخواهند شد.

۲. پیشینه پژوهش

در این بخش به ذکر مهم‌ترین مواردی که دارای اشتراکات موضوعی با این پژوهش هستند پرداخته شده است.

میرجلیلی و دیگران[۲۳] (۲۰۲۰م) در مقاله‌ای با عنوان «پلتفرم بانکداری اجتماعی اسلامی (موردکاوی بانک قرض‌الحسنه رسالت)»، مدل کسب‌وکار مؤثر و متناسب برای اکوسیستم فین‌تک اسلامی در بانک قرض‌الحسنه رسالت را بررسی نموده‌اند. مقاله در مورد سه مرحله از توسعه مدل کسب‌وکار بانک رسالت به‌عنوان یک بستر پلتفرمی در اجرای مدل کسب‌وکار دیجیتال اجتماعی می‌پردازد تا ارزش‌های جدید، ارکان شناسایی ارزش و معادلات ارزش را شناسایی کند و به همین ترتیب در مدل کسب‌وکار بانکداری نوآوری ایجاد نماید. نتایج روش کیفی استفاده شده در این پژوهش، برای مقایسه بانک رسالت و بانک گرامین بنگلادش به‌کار رفته است تا نشان دهد که مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه رسالت از بانک گرامین از کارآمدی بیشتری برخوردار است. درنهایت، پژوهشگران در مورد چالش‌های تحول از «مدل کسب‌وکار فعلی بانکداری اسلامی» به

23. Mirjalili et al

«بانکداری اسلامی به‌عنوان یک پلتفرم اجتماعی BaaP» بحث کرده و چارچوبی را برای «بانکداری اسلامی در مدل کسب‌وکار پلتفرمی[۲۴]» در سطح اقتصاد کلان و خرد پیشنهاد نموده‌اند.

قائمی‌اصل و خلیجی پیربلوطی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «طراحی مکانیسمی برای ایجاد اتحادیه قرض‌الحسنه مبتنی‌بر فناوری‌های نوین مالی»، به دنبال ازمیان‌بردن چالش‌های انگیزشی در تجهیز منابع و انحرافات متعدد در تخصیص منابع و تأمین اغراض سپرده‌گذار و قانون‌گذار در سپرده‌های قرض‌الحسنه در نظام بانکداری بدون‌ربا بوده‌اند. در همین راستا، فرایند ایجاد اتحادیه‌ای شفاف برای ارائه تسهیلات قرض‌الحسنه را در سه فاز طراحی نموده‌اند که بدین شرح است: اول) تشکیل اتحادیه قرض‌الحسنه؛ دوم) فرایند ارزیابی و کنترل؛ و سوم) ایجاد ضمانت در اتحادیه قرض‌الحسنه و نهایی‌سازی فرایند ارائه تسهیلات در اتحادیه قرض‌الحسنه. در این فرایند فناوری‌های نوین مالی نظیر زنجیره‌بلوکی، قراردادهای هوشمند خودکار، ایجاد هویت دیجیتال، فعالیت‌های احراز هویت[۲۵] در فرایند ثبت رکوردهای معاملاتی، گردش شفاف اطلاعات تحت نظارت رگولاتور، بازبینی جزئیات مالی در راستای رویه‌های قانونی و قوانین ضد پول‌شویی[۲۶] استفاده شده است و سازوکاری مؤثر، تخلف‌ناپذیر و هوشمند جهت تخصیص منابع قرض‌الحسنه معرفی شده است.

هیدایت و دیگران[۲۷] (۲۰۲۳م) در پژوهشی با عنوان «خدمات بانکداری دیجیتال: مدل بخشی بانک‌های اسلامی»، هدف خود را ارائه مدل اولویت‌بندی انتخاب خدمات بانکداری دیجیتال در بانکداری اسلامی اندونزی برشمرده‌اند. مدل پیشنهادی این پژوهشگران شامل هفت بعد اصلی است که مشتمل‌بر معیارهای کلی حضور در بافت عمومی بانکداری متعارف و برخی دیگر معیارهای خاص بانکداری اسلامی است. بخش مشتریان شامل زیرمجموعه‌های «راحتی، سرعت و اعتماد»، «پاسخ‌گویی به تقاضای مشتریان با تأکید بر مشتریان بانکداری اسلامی»، «آگاهی‌بخشی به مشتریان از خدمات

24. Islamic Bank as a Platform
25. Know Your Customer (KYC)
26. Anti Money Laundering (AML)
27. Hidayat et al

بانک» و «رعایت اصول و چارچوب‌های دینی» هستند. بخش فناوری شامل زیرمجموعه‌های «مزیت‌ساز بودن فناوری»، «هزینه‌های فناوری»، «ریسک و امنیت» و «توسعه فناوری» است. بخش شرایط داخلی شامل اهداف راهبردی، منابع انسانی، نظامات فعلی و فرهنگ نوآوری است. بخش محیط شامل پذیرش رقبا، ارتباطات با رقبا، رگولاتوری و مشارکت‌ها است. بخش دین شامل مکاتب فکری، انطباق محصولات با الزامات شرع، متمایز بودن محصولات خاص بانکداری اسلامی و هماهنگی بخش‌های توسعه محصول و نظارت بر شرع است. بخش کانال‌ها شامل چندکاناله نوع اول (فیزیکی + یک نوع کانال دیجیتال)، چندکاناله نوع دوم (فیزیکی + دو نوع کانال دیجیتال مجزا از هم)، چندجانبه[۲۸] (فیزیکی + کانال‌های دیجیتال به‌صورت یکپارچه) و کانال‌های دیجیتال است. در نهایت بخش خدمات جایگزین بانکداری دیجیتال شامل تراکنش‌های انتقال وجه و پرداخت، افتتاح حساب، امنیت و ریسک محصولات جانبی، معاملات اوراق بهادار اسلامی، اهداف اجتماعی و وقف یا زکات و عناصر فراتر از بانکداری است.

۳. روش پژوهش

از نقطه‌نظر فرایند پیاز پژوهش، پژوهش حاضر به لحاظ مبانی فلسفی از نوع تفسیری و به لحاظ جهت‌گیری اصلی از نوع توسعه‌ای است. همچنین رویکرد این پژوهش قیاسی است. این پژوهش از نوع کیفی است و همچنین پژوهشگر از روش تحلیل محتوای کیفی در تجزیه‌وتحلیل داده‌ها استفاده نموده است. در این روش به بیرون‌کشیدن مفاهیم موردنیاز پژوهش از متن موردمطالعه پرداخته می‌شود؛ مفاهیمی که در قالب مقوله‌های منظم سامان می‌یابند (Wilkinson & et al, 2003). این روش قادر است علاوه‌بر منابع نوشتاری، هرگونه متن نظیر داده‌های کلامی، تصویری، چاپی و الکترونیکی را که ممکن است از روایت‌ها، مصاحبه‌ها، پرسش‌ها پیمایشی باز، مشاهده و اسناد به‌دست‌آمده باشد مورد تحلیل قرار دهد (Fang, Zhong & Mu & 2005). در نهایت به‌منظور گردآوری داده‌های این پژوهش از مصاحبه با خبرگان حوزه بانکداری قرض‌الحسنه بهره‌مند شده و از نرم‌افزار Maxqda2020 نیز در دسته‌بندی کدها استفاده است.

28. Omnichannel

۳-۱. انتخاب نمونه

جامعه آماری این پژوهش متشکل از مدیران بانک قرض‌الحسنه مهر و پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزه بانکداری قرض‌الحسنه است. ملاک اصلی برای انتخاب جامعه نیز تسلط و تخصص مصاحبه‌شوندگان در موضوع پژوهش بوده است. با عنایت به آنکه در پژوهش تحلیل محتوا اغلب از نمونه‌گیری «هدفمند» استفاده می‌شود، در این مطالعه نیز جهت انتخاب نمونه، روش نمونه‌گیری هدفمند به‌کاربرده شد. بدین‌ترتیب با تعداد ۱۲ نفر از فعالان و اندیشمندان بانکداری قرض‌الحسنه مصاحبه‌های عمیق به عمل آمد. در ادامه روند گردآوری داده‌ها و در مورد تعیین حجم نمونه نیز با رعایت حد اشباع نظری، از روش گلوله‌برفی استفاده شد. گلیزر و اشتراوس[۲۹] (۱۹۶۷م) اشباع نظری را این‌گونه توضیح می‌دهند: «اشباع نظری به وضعیتی اشاره می‌کند که هیچ داده بیشتری یافت نمی‌شود که پژوهشگر به‌وسیله آن بتواند ویژگی‌های مقوله را گسترش دهد. به موازاتی که پژوهشگر داده‌های مشابه را بارهاوبارها مشاهده می‌کند، ازلحاظ تجربی اطمینان حاصل می‌کند که یک مقوله به‌کفایت رسیده است. زمانی‌که مقوله‌ای کفایت لازم خود را کسب کرد، هیچ‌چیز باقی نمی‌ماند، جز اینکه پژوهشگر به سراغ گروه‌های جدیدی از داده در مورد مقوله‌های دیگر برود و تلاش کند آن مقوله‌ها نیز کفایت لازم را به دست آورند». در توضیح روش گلوله‌برفی نیز باید گفت نمونه‌گیری به روش گلوله‌برفی یک روش غیراحتمالی است که حالت انتخاب تصادفی دارد و در آن پژوهشگر ابتدا افرادی را شناسایی می‌کند (روش هدفمند در تعیین نمونه اولیه برای این پژوهش) و پس از دریافت اطلاعات، از آن‌ها می‌خواهد که فرد یا افراد دیگری را به وی معرفی کنند (نادری‌فر، گلی و قلجایی، ۱۳۹۶).

۳-۲. فرایند تحلیل محتوای قیاسی

استفاده از رویکرد قیاسی در تحلیل محتوا زمانی ضرورت می‌یابد که پیرامون موضوع تحقیق دیدگاه‌های نظری گوناگونی وجود داشته باشد و هدف از انجام تحقیق، آزمون نظریه‌های پیشین یا بسط آن‌ها در یک زمینه متفاوت است. ازاین‌رو می‌توان فرایند مطالعه را به شکلی ساخت‌یافته‌تر و با بهره‌گیری از این دیدگاه‌های پیشینی هدایت کرد (تبریزی،

29. Glaser & Strauss

۱۳۹۳). دیدگاه‌های موجود به پژوهشگر کمک می‌کند که به تعریف عملیاتی مفاهیم موردنظر دست پیدا کند. این تعریف عملیاتی، مقوله‌های موردنیاز پژوهش را فراهم می‌آورد. مقوله‌های اصلی که معرف موضوع موردمطالعه هستند از تعریف عملیاتی، استخراج‌شده و در یک جدول قرار می‌گیرند. در اینجا می‌توان با توجه به هدف تحقیق، یک ماتریس مقوله‌بندی ساخت‌یافته یا ساخت‌یافته را ترسیم نمود (Elo & Kyngäs, 2007). شکل (۲) حرکت در مسیر قیاسی را نشان می‌دهد. در ادامه به گزارش گام‌های مذکور که بعضاً باهم ادغام شده‌اند به شرح انتخاب واحد تحلیل، آشنایی با موضوع و داده‌ها، ایجاد ماتریس تحلیل ساخت‌یافته، دسته‌بندی کدها و مقوله‌سازی و تلخیص و نقشه مفهومی پرداخته شده است.

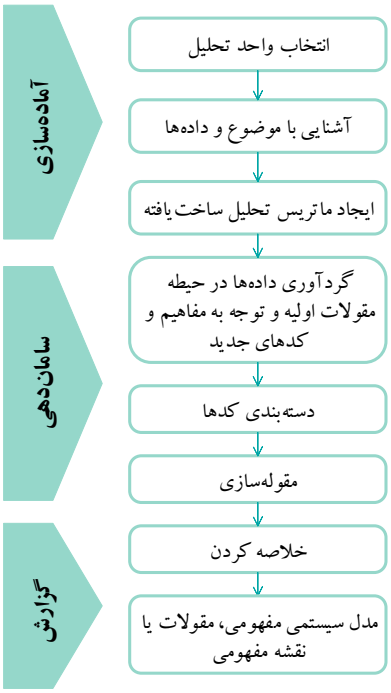

شکل (۲): مراحل انجام تحلیل محتوای قیاسی
منبع: (Elo & Kyngäs, 2007)

۴. یافته‌های پژوهش

مطابق با فرایند تحلیل محتوای قیاسی، در ادامه گام‌های اصلی فرایند تحلیل محتوای کیفی صورت گرفته در این پژوهش ذکر شده است.

۴-۱. گام اول: واحد تحلیل (مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه دیجیتال)

براساس واحدهای نمونه‌گیری، واحد تحلیل این مطالعه نیز مضامین موجود در متن مصاحبه‌های انجام شده حول سؤال‌های پژوهش است. همچنین بخش‌هایی از متن که با بازنمایی عقاید مصاحبه‌شوندگان، از متن جدا شده و مورد رمزگذاری شده قرار گرفته‌اند به‌عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته می‌شوند.

۴-۲. گام دوم: آشنایی با موضوع و داده‌ها (مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه دیجیتال)

در این گام به‌منظور آشنایی و درک عمیق‌تر نسبت به داده‌های پژوهش، پس از پیاده‌سازی متن مصاحبه‌های انجام شده، داده‌های اولیه توسط محقق سه مرتبه موردمطالعه و بررسی قرار گرفت و نکات مرتبط با هر بخش به‌صورت جداگانه یادداشت‌برداری شد.

۴-۳. گام سوم: ایجاد ماتریس تحلیل ساخت‌یافته (مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه دیجیتال)

در این گام، مقوله‌های اصلی که معرف موضوع موردمطالعه هستند، در یک جدول قرار می‌گیرند؛ بنابراین پژوهشگر عناصر مدل کسب‌وکار دیجیتال (Ritter & Lund Pedersen, 2020) را به‌عنوان طبقه یا مقوله‌های اصلی در تشکیل ماتریس ساخت‌یافته مدل کسب‌وکار بانکداری قرض‌الحسنه در نظر گرفته است که در جدول (۳) آمده است.

جدول (۳): ماتریس تحلیل ساخت‌یافته مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه دیجیتال

مقوله‌های اصلی	تعریف عملیاتی
چرا (هدف)	اهمیت درک پیشران‌های دیجیتالی‌سازی و ارزش‌افزایی آن در کسب‌وکار مورد بررسی
چه چیزی (گزاره ارزشی)	بیانیه‌ای از مزایای ارائه شده به گروه مشتریان در ازای قیمتی است که مشتری پرداخت می‌کند

چه کسی (مشتریان)	پاسخ به این سؤال است که کسب‌وکار می‌خواهد چه کسانی را جذب کند
چگونه (ارائه ارزش)	به‌عنوان تمام تعاملات با مشتریان است که هدف آنها متقاعدکردن مشتریان برای خرید پیشنهادهای ارزشی یک شرکت است
کدامین (قابلیت‌ها)	به صلاحیت یا مهارت‌های لازم برای پیاده‌سازی منطق بهبود مدل کسب‌وکار اشاره دارند

منبع: (Ritter & Lund Pedersen, 2020)

۴-۴. گام چهارم: گردآوری داده‌ها (مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه دیجیتال)

در این گام به پیاده‌سازی متن مصاحبه‌ها در نرم‌افزار Word و سپس ورود اطلاعات آن‌ها در نرم‌افزار Maxqda2020 شد. خروجی تحلیل و کدگذاری داده‌های پژوهش مرتبط با بانکداری قرض‌الحسنه دیجیتال، استخراج ۲۶۵ کد اولیه بوده است.

۴-۵. گام پنجم: دسته‌بندی کدها و مقوله‌سازی (مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه دیجیتال)

با توجه به رویکرد تحلیل در این پژوهش، از روش کدگذاری به شرح کدها؛ زیرمقوله‌ها؛ و مقوله‌ها در تقسیم‌بندی و شکست مضامین پایه استفاده شده است. بدین‌ترتیب، پس از مرور چندباره متن، کلیه جملات معنادار استخراج‌شده و ماحصل انجام این فرایند در نرم‌افزار Maxqda2020 تعداد ۲۶۵ کد بود که پس از پالایش، نهایتاً تعداد ۲۵۵ مضمون پایه مستخرج از متن به‌دست‌آمد که بخشی از آن در جدول (۴) آمده است.

جدول (۱): بخشی از کدگذاری مضامین پایه

ردیف	واحد معنی	مضمون پایه	منبع
۱	اثرات مثبت بانکداری اسلامی در جامعه نظیر کاهش فقر، اخلاق‌مداری در تأمین مالی، تأمین مالی طرح‌های مولد، تأمین مالی طرح‌های پایدار، شفافیت در نظام بانکداری، جلب‌اعتماد مردم به‌نظام بانکداری، کمک به توسعه کسب‌وکار متوسط.	جلب‌اعتماد به‌نظام بانکداری اسلامی	A1

ردیف	واحد معنی	مضمون پایه	منبع
۲	یکی از نمودهای دیجیتالی‌شدن، تبدیل دارایی‌ها با توکن هست. توکنایز کردن یعنی اینکه من الان یک‌چیز قیمتی مثل لپ‌تاپ دارم. با این لپ‌تاب بانک بتونه به من تسهیلات بده.	توکنایزکردن دارایی‌های و دریافت تسهیلات از طریق آن‌ها	A7
۳	خب ببینیم آیا ما می‌توانیم اینجا یک سازوکارهایی ایجاد کنیم که یک مقدار دایورسیتی این‌ها را بالا ببریم.	متنوع‌سازی انواع ضمانت‌نامه‌ها	A7
۴	حجم سبد مشارکت نباید بالا باشد، اما تعداد باید زیاد باشد؛ چون کلاً نمی‌توان بانک قرض‌الحسنه را در معرض ریسک قرار داد.	لزوم تنوع‌بخشی به سبد بانک قرض‌الحسنه دیجیتال	A5
۵	در بحث قرض، مدل‌های P2P را می‌توان اجرا کرد. P2P Lendingهای نوآورانه دنیا که یونیکورن شده‌اند همشان با پشتوانه همین پول‌های دیجیتال هستند.	طراحی و اجرای مدل‌های وام‌دهی همتابه‌همتا (P2P Lending)	A1
۶	مدل بعدی APIفروشی هست. من در آینده بانک قرض‌الحسنه می‌بینم به APIفروشی برسد.	فروش رابط برنامه‌نویسی کاربردی (API) به سازمان‌ها و کسب‌وکارها	A10
۷	حالا تو این فضا کارت اعتباری قرض‌الحسنه کجاست. مدل «بخر بعداً قسط بده» کجاست. BMPL چی میشه؟	کارت اعتباری قرض‌الحسنه با شرایط خرید نسیه	A10
۸	شرکت‌های دانش‌بنیان که نوپا هستند و خیلی عریض و طویل نیستند یا SMEها و استارتاپ‌ها می‌توانند بیان از ظرفیت بانک قرض‌الحسنه استفاده کنند و کارشان راه بیفتد.	امکان ارائه تسهیلات قرض‌الحسنه به استارتاپ‌ها	A4
۹	شرکت‌های دانش‌بنیان که نوپا هستند و خیلی عریض و طویل نیستند یا SMEها و استارتاپ‌ها می‌توانند	امکان دریافت تسهیلات قرض‌الحسنه به شرکت‌های دانش‌بنیان	A4

ردیف	واحد معنی	مضمون پایه	منبع
	بیان از ظرفیت بانک قرض‌الحسنه استفاده کنند و کارشان راه بیفتد.		
۱۰	الان برخی افراد میان میگن به‌صورت گروهی، این‌هایی که می‌خواند برن سفر اربعین بهشان کمک کنیم. آیا این نمی‌تونه در بستر دیجیتال اتفاق بیفته.	تسهیلات قرض‌الحسنه به سفرهای گروهی اربعین	A7
۱۱	بانکداری تعاونی[30] مدل پیشرفته تعاونی اعتبار[31] است که این‌ها همگی مبتنی‌بر گروه هستند. Group Lending مانند فرامین بانک بنگلادش و بانک نبرد هند همین‌طور هستند.	بحث وام‌دهی گروهی (Group Lending) به‌عنوان مدل پیشرفته تعاونی مبتنی‌بر گروه	A1
۱۲	ما به دنبال پیاده‌سازی دیجیتال محض نیست. به دنبال فیجیتال هستیم؛ یعنی فیزیک را کاملاً حذف نمی‌کنیم. شعب فیزیکی وظایفشان را مثل الان انجام نمی‌دهند.	پیاده‌سازی رویکرد فیجیتال؛ دیجیتال و فیزیک در کنار هم	A4
۱۳	داریم یه اپلیکیشن راه میندازیم که متناسب با خواسته و نیاز آن‌ها باشه؛ شبیه کار بلوبانک. برای جذاب‌سازی بیشتر. یه چیزی شبیه نئوبانک‌ها ولی نه با مشخصات موبایل بانک؛ فراتر و جذاب‌تر و متناسب با مدل فکری نسل Z.	ایجاد اپلیکیشن‌های جذاب و متناسب با مدل فکری نسل Z	A4
۱۴	بهره‌گیری از فرصت‌های دیجیتال برای بهبود تجربه مشتری از دیگر مواردی است که به‌عنوان راهبردهای پیشنهادی در تلاطم‌های محیطی مطرح می‌شوند.	بهبود تجربه مشتریان در تلاطمات دیجیتال	A2
۱۵	در بانک مهر می‌توانیم طرح تشویقی داشته باشیم برای تکمیل پروفایل‌ها توسط مشتریان.	ارائه طرح تشویقی جهت تکمیل پروفایل مشتریان	A8
۱۶	یا بحث تحلیل کسب‌وکار BA باید داشته باشن یا اینکه میگن هر واحد باید فرایند خودش رو داره.	لزوم وجود کارکرد تحلیل کسب‌وکار (Business Analysis)	A8

30. Cooperating Banking
31. Credit Union

ردیف	واحد معنی	مضمون پایه	منبع
۱۷	برخی جاها سیستم خودش تصمیم می‌گیره، همه در سطح کارشناس هستند. سیستم تصمیم می‌گیره طرح را به چه کسی وصل کند.	استفاده از سیستم آموزش و یادگیری JTI در مدیریت طرح	A4
۱۸	نقش کارکنان از تلر به بانکر تبدیل میشه. ینی از پشت باجه پاشو بیا اینور مشکلش رو بپرس و سرویس مالی پیشنهاد بده. اینکه زنجیره ارزش داشته باش.	تبدیل نقش کارکنان از تلر به بنکر	A8

منبع: (یافته‌های تحقیق)

۴-۵-۱. فرایند انتزاع زیر مقوله‌ها و تشکیل مقوله‌های اصلی

نتیجه پالایش مضامین پایه در بخش تعیین ابعاد مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه دیجیتال، شناسایی تعداد ۲۵۵ مضمون پایه تخصیص‌یافته به مجموع داده‌های تحقیق در بخش دوم طراحی مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه دیجیتال بود. سپس، از تحلیل و طبقه‌بندی مضامین پایه احصا شده، تعداد ۲۹ زیرمقوله شناسایی شد. با توجه به پیاده‌سازی رویکرد قیاسی توسط محقق، مجموعاً زیرمقوله‌های شناسایی‌شده ذیل چهار مقوله یا طبقه اصلی مطابق با مدل کسب‌وکار ریتر (۲۰۱۴م) گنجانده شدند.

۴-۵-۲. طبقه‌بندی مقوله‌های فرعی ذیل مقوله‌های اصلی

در این مرحله، به جهت وضوح بیشتر در مدل ارائه‌شده، مقوله‌های اصلی به‌دست‌آمده در مرحله قبل، با اتکا به رویکرد قیاسی، ذیل مقوله‌های اصلی چهارگانه ارزش پیشنهادی، مشتریان، ارائه ارزش و قابلیت‌ها قرار گرفتند.

۴-۶. گام ششم: تلخیص و نقشه مفهومی (مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه دیجیتال)

در این مرحله از گزارش، پس از پالایش و ساماندهی اطلاعات، محقق بر نمایش داده‌ها در قالب مدل کسب‌وکار ریتر (۲۰۱۴م) که به‌عنوان مبنای طبقه‌بندی مقوله‌ها در طراحی مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه دیجیتال قرارگرفته، پرداخته است. شکل (۳) مشتمل بر مدل کسب‌وکار پیشنهادی برای بانک قرض‌الحسنه مهر در فضای دیجیتال است.

شکل (۳): مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه دیجیتال

منبع: (یافته‌های تحقیق)

۴-۷. تحلیل ارتباط چهار ربع مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه دیجیتال

نامشخص بودن هماهنگی و عدم‌همسویی ابعاد چهارگانه مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه دیجیتال، چالش بزرگ این بخش از تحلیل بوده است. به این معنی که به تشخیص پژوهشگر، صرف استخراج یکسری عناصر مهم ذیل ابعاد مدل کسب‌وکار، برای موفقیت بانک قرض‌الحسنه مفید فایده نخواهد بود و نیازمند سطح بالاتری از کشف ارتباطات و ایجاد همسویی میان آن‌ها است؛ بنابراین، از رهگذر یک واکاوی عمیق‌تر، به بررسی و تحلیل دوبه‌دوی ابعاد مرتبط باهم پرداخته شده که ازاین‌پس به هر قسمت یک «ربع» گفته خواهد شد (شکل ۴). تحلیل به این نحو صورت گرفته است که عناصر یک بُعد به‌صورت متناظر با بُعد مقابل در یک ربع از حیث وجود همسویی باهم مورد قضاوت قرار گرفته و علامت ضربدر نشان از وجود این همسویی و تطابق است. مجموع این بررسی همسویی‌ها درنهایت ابزاری عملیاتی جهت طراحی، برنامه‌ریزی و پیاده‌سازی مدل به‌دست‌آمده در بانک قرض‌الحسنه مهر می‌نماید. در ادامه، ابتدا به تشریح ربع‌های چهارگانه مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه در شرایط دیجیتال تشریح شده است.

۴-۷-۱. ربع ارزش پیشنهادی- مشتریان

در ربع ارزش پیشنهادی- مشتریان در حقیقت به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال هستیم که «در مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه دیجیتال، کدام ارزش‌های پیشنهادی برای کدام مشتریان در نظر گرفته شده است؟». مطابق با تحلیل‌های صورت گرفته، ارزش «دلگرمی و اعتماد» به‌نظر می‌رسد برای تمام گروه‌های مشتریان بانک قرض‌الحسنه دیجیتال جذابیت داشته باشد. «کسب‌وکارها»، «صندوق‌های قرض‌الحسنه»، «بخش فرهنگی»، «گروه‌های ویژه» و «جوامع حقیقی» همگی با داشتن نوعی اعتماد به سمت بانک‌های قرض‌الحسنه روی می‌آورند. ارزش «داده[۳۲] و رابط برنامه‌نویسی کاربردی» از میان گروه‌های مختلف، به‌طور ویژه‌تر نسبت در تعامل با مشتریانی از نوع «کسب‌وکارها»، «صندوق‌های قرض‌الحسنه» و «بخش فرهنگی» وجود دارد. دلیل آن‌هم واضح است؛ ارتباط با این سه گروه مشتریان فی‌نفسه مشتمل بر همکاری با شبکه‌های گسترده‌تر از مشتریان زیرمجموعه آن‌ها است.

ارزش پیشنهادی «ارزش‌های اسلامی» به‌عنوان یکی از مزیت‌های منحصربه‌فرد بانک قرض‌الحسنه مهر است که برای مشتریان «صندوق‌های قرض‌الحسنه»، «بخش فرهنگی» و

32. Data

برخی از «گروه‌های ویژه» دارای اولویت است. ارزش «سبد متنوع» که مشتمل بر ارائه خدمات گوناگون با شرایط منعطف مبتنی‌بر قرض‌الحسنه است برای گروه‌های مشتریان «کسب‌وکارها»، «گروه‌های ویژه» و «جوامع حقیقی» دارای جذابیت بیشتری است. این گروه‌های مشتریان مایل هستند براساس مقتضیات کسب‌وکار یا شرایط زندگی خود خدمات و محصولات متناسبی از بانک قرض‌الحسنه مهر دریافت نمایند.

ارزش «سهولت و جذابیت» در کسب‌وکار دیجیتال بانک قرض‌الحسنه برای عموم مشتریان بانک دارای اهمیت است. «کسب‌وکارها»، «بخش فرهنگی»، «گروه‌های ویژه» و «جوامع حقیقی» همگی نسبت به بالابودن میزان ارزش سهولت و جذابیت در خدمات بانک قرض‌الحسنه مهر حساسیت دارند؛ چراکه عدم رقابت‌پذیری بانک مهر در ارائه این ارزش مساوی است با غلبه سایر رقبا در خدمات و محصولات مشابه.

ارزش «برخط و سریع» با توجه به دیجیتالی‌شدن اغلب کسب‌وکارها از اصول موضوع کسب‌وکار دیجیتال در بانک قرض‌الحسنه مهر قلمداد می‌شود. گروه‌های مشتریان «کسب‌وکارها»، «گروه‌های ویژه» و «جوامع حقیقی» بیش از سایر مشتریان در انتظار دریافت خدمات برخط و سریع از سوی بانک هستند و چنانچه رضایت کافی را نسبت به ارزش‌های دیجیتال مانند سهولت و جذابیت، برخط و سریع بودن خدمات بانکی نداشته باشند، احتمال دارد جایگزین‌های دیگر از میان بانک‌ها و استارتاپ‌های مالی را برگزینند.

ارزش «تأمین‌مالی‌جمعی» گرچه در انحصار بانک قرض‌الحسنه نیست؛ اما نوع و شرایط قرارداد قرض‌الحسنه و بستری که این بانک می‌تواند با شبکه شرکای خود تشکیل دهد بی‌شک موردتوجه گروه‌هایی از مشتریان «کسب‌وکارها»، «صندوق‌های قرض‌الحسنه»، «بخش فرهنگی» و «گروه‌های ویژه» قرار خواهد گرفت.

ارزش «ابزار مالی دیجیتال»، با یک رویکرد ایده‌آل‌گرایانه تنظیم شده است و برای گروه‌های مختلف شناسایی‌شده مشتریان به‌طور بالقوه دارای جذابیت است. با توجه به محدودیت‌های قانونی و ریسک‌های موجود، از نوع کارهای تحقیق و توسعه بانک قرض‌الحسنه مهر می‌تواند قرار بگیرد.

ارزش «خدمات مالی مکمل» دربرگیرنده طیف گسترده‌ای از خدمات مالی است که خصوصاً برای گروه‌های مشتریان «کسب‌وکارها»، «گروه‌های ویژه» و «جوامع حقیقی» دارای جذابیت است. برخی از این خدمات در زمره خدمات پایه بانکی هستند که برای حفظ

مشتریان ضروری و برخی دیگر خدمات نوینی هستند که در جذب مشتریان جدید مؤثر هستند.

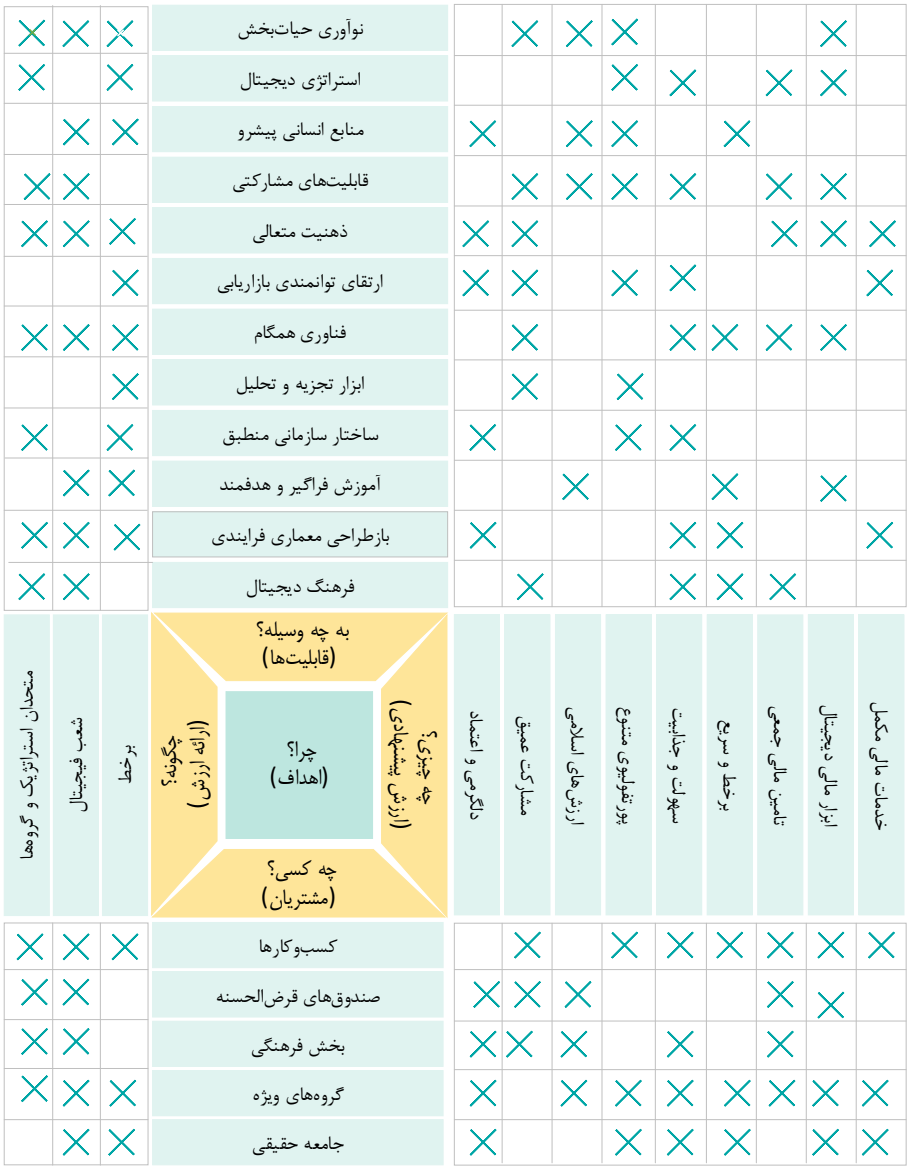

شکل (۴): مدل چهار ربع بانک قرض‌الحسنه دیجیتال

منبع: (یافته‌های تحقیق)

۴-۷-۲. ربع مشتریان - ارائه ارزش

ربع مشتریان – ارائه ارزش به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که «در مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه دیجیتال، ارائه ارزش به مشتریان مختلف چگونه انجام می‌گیرد؟». مطابق با تحلیل داده‌ها، «کسب‌وکارها» که شامل سازمان‌ها، شرکت‌های دانش‌بنیان و استارتاپ‌ها هستند با هر سه شیوه «برخط»، «شعب دیجیتال» و «متحدان راهبرد و گروه‌ها» خدمات موردنظر خود را از بانک قرض‌الحسنه دریافت می‌کنند. کسب‌وکارها که تاکنون از طریق حضور فیزیکی در شعب مراودات خود با بانک را انجام داده‌اند، در مدل فیجیتال بانک قرض‌الحسنه می‌توانند به‌صورت برخط و غیرحضوری تمام فرایندهای سنتی را پیش بگیرند. چنانچه موضوعاتی جهت بررسی بیشتر وجود داشته باشند نیز با مراجعه به شعب فیجیتال از ظرفیت مشاوره‌ای این شعب استفاده می‌نمایند. همچنین متحدان و گروه‌های واسطه مانند صندوق‌های پژوهش و نوآوری و صندوق‌های قرض‌الحسنه نیز با ایجاد ارتباط میان مشتریان از نوع کسب‌وکارها با بانک قرض‌الحسنه، به‌عنوان یک کانال ارائه ارزش نقش‌آفرینی می‌کنند.

مشتریان «صندوق‌های قرض‌الحسنه» که جهت تکامل عملیات خود اغلب از طریق شعب فیجیتال اقدام به تبادل ارزش با بانک قرض‌الحسنه می‌کنند یا آنکه خود نقش واسطه‌گری در انتقال ارزش را برعهده دارند.

مشتریان «بخش فرهنگی» که اغلب به نهادهای فرهنگی و گروه‌های دینی اشاره دارد به هر سه شیوه «برخط»، «شعب فیجیتال» و «متحدان راهبرد و گروه‌ها» مایل هستند با بانک قرض‌الحسنه در ارتباط باشند. این گروه‌ها از پلتفرم‌های بانک به‌عنوان یک راهکار مدیریت مراودات قرض‌الحسنه؛ از شعب فیجیتال به‌منظور تعامل و حل مسائل مبتلا به؛ و از متحدان استراتژیک و گروه‌ها جهت تسریع و سهولت در دریافت تسهیلات استفاده می‌کنند.

مشتریان «گروه‌های ویژه» با توجه گسترگی زیادشان به کمک هر سه شیوه «برخط»، «شعب فیجیتال» و «متحدان راهبرد و گروه‌ها» با بانک قرض‌الحسنه ارتباط برقرار می‌سازند. طبیعتاً زمانی که افراد خارج از کشور یا نسل Z باشند، مطلوبشان وجود بسترهای برخط پرسرعت، جامع و جذاب است.

مشتریان «جوامع حقیقی» نیز که مردم با ترجیحات و شرایط متفاوت را شامل می‌شود در هر دو کانال ارائه ارزش «برخط» و «شعب دیجیتال» حضور دارند. برخی براساس سهولت و صرفه‌جویی در زمان به برقراری ارتباط برخط با بانک روی می‌آورند و برخی نیز به فراخور نیاز حضور در شعب فیجیتال را تجربه می‌کنند.

۴-۷-۳. ربع ارائه ارزش- قابلیت‌ها

ربع ارائه ارزش- قابلیت‌ها به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که «در مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه دیجیتال، به ازای شیوه‌های مختلف ارائه ارزش، کدام قابلیت‌ها را باید دارا بود؟». آنچه از تحلیل داده‌های پژوهش برمی‌آید، ارائه ارزش «برخط»، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و البته جدیدترین شیوه‌های ارائه ارزش در دهه اخیر، مستلزم قابلیت‌های گوناگون و عمدتاً عمیق است. بازطراحی معماری فرایندهای سازمان به‌عنوان یکی از اولین گام‌های مدیریت و بهبود فرایندها به‌منظور جایگزین‌سازی فرایندهای برخط با فرایندهای سنتی هستند.

برخط بودن مستلزم این است که در بازطراحی مدل عملیاتی سازمان بسیاری از فعالیت‌های واحد کسب‌وکاری به‌صورت سرویس‌های اشتراکی جدید طراحی شوند. داشتن نگاه زنجیره ارزشی در طول زنجیره خلق تا انتقال و نهایتاً دریافت ارزش، این امکان را می‌دهد که ساختار سازمانی بانک قرض‌الحسنه را با نقش‌آفرینی متحدان راهبردی و گروه‌های مشارکت‌کننده در انتقال ارزش طراحی کرد.

بانک قرض‌الحسنه مهر چنانچه فاقد «فناوری همگام» در خصوص تأمین زیرساخت‌ها و به‌کارگیری ابزارهای دیجیتال باشد، بی‌شک در ارائه ارزش برخط ناکام خواهد ماند. البته بانک باید دقت داشته باشد که صرف دارا بودن «فناوری‌های نگه‌دارنده» کفایت نمی‌کند و باید به سمت توسعه «فناوری‌های تحول‌آفرین» مانند به‌کارگیری ابزار هوش مصنوعی، یادگیری ماشین و رایانش ابری و جایابی این فناوری‌ها در فرایندهای خود باشد. ابزار تجزیه‌وتحلیل از دیگر الزامات انتقال ارزش به هر سه شیوه برخط، شعب فیجیتال و متحدان استراتژیک و گروه‌ها است که به برخی ابزارهای آن مانند یادگیری ماشین اشاره شد.

تجزیه‌وتحلیل داده‌ها، کلیدی برای سرعت بخشیدن به فرآیندها، ارائه دید به شرکا و مشتریان، دیجیتالی کردن زنجیره‌های ارزش در چارچوب تحول دیجیتال و ارائه مدل‌های تجاری جدید است و تمام این‌ها درنهایت نوعی ارزش برای مشتریان بانک ایجاد خواهند کرد. ارتقای قابلیت‌های بازاریابی و خصوصاً بهره‌برداری از دیجیتال مارکتینگ، علاوه‌بر ایجاد ارزش از طریق ارتباطات بیشتر و باهزینه کمتر برای بانک، برای مشتریان بانک نیز اعتماد و آگاهی بیشتری رقم می‌زند.

بانک قرض‌الحسنه مادامی‌که یک «استراتژی دیجیتال» مدون نداشته باشد، نمی‌تواند برنامه کامل و رقابت‌پذیری برای حضور برخط در ارتباط با مشتریان داشته باشد. این راهبرد دیجیتال ممکن است شامل بخش‌های تحلیلی مختلف مانند پایش فرصت‌ها، طراحی شبکه‌های همکاری از مشتریان و شرکا و ارتقای قابلیت‌های خاص باشد؛ بنابراین در اینجا به جایگاه متحدان راهبردی و گروه‌های مشارکت‌کننده در انتقال ارزش، در راهبرد دیجیتال بانک قرض‌الحسنه مهر نیز اشاره گردید.

در بهره‌برداری از زیرساخت‌های فناورانه و پیاده‌سازی راهبردهای دیجیتال بانک، منابع انسانی متخصص حلقه مفقوده شمرده می‌شود. «منابع انسانی پیشرو» که دارای سواد دیجیتال است، موجب جذب مشتریان جدید و حفظ و وفادارسازی مشتریان فعلی بانک خواهد شد. کارکنان متصل در هر زمان و مکان به سازمان متصل هستند و قابلیت انتقال ارزش دارند.

حضور نیروهای متخصص و خبره خود یکی از پیشران‌های ارتقای موضوع «آموزش» و روحیه یادگیری در بانک خواهد بود. آموزش و توسعه باید به یک فرایند همواره جاری در بانک تبدیل شود تا ضمن ارتقای منابع انسانی سازمان، ارائه ارزش برخط با بالاترین کیفیت ممکن انجام شود. موضوع آموزش در شعب دیجیتال جدی‌تر هم شود؛ و آن زمانی است که در بانک قرض‌الحسنه مهر صحبت از تغییر نقش کارکنان به مشاور می‌شود و هدف‌گذاری شده که اساساً کارکرد شعب فیزیکی مبدل به کارکرد پشتیبانی دیجیتال شود.

تا زمانی‌که اندیشه متعالی و ذهنیت نو به‌عنوان منشأ شکل‌گیری و بسط ایده‌های خلاقانه مطرح نباشد، اساساً نمی‌توان از تغییر صحبت به میان آورد. عنصر «ذهنیت متعالی»

را می‌توان یکی از معدود شاه‌کلیدهای نوآوری در مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه مهر دانست که اگر مدیران ارشد و تمام سطوح کارکنان بانک در کسب و بسط آن ناکام باشند، بهره‌برداری از ابزارهای انتقال ارزش برخط در انواع وبگاه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و... شدنی نیست. همچنین فقدان ذهنیت متعالی باعث می‌شود رویکرد سنتی رقابت محض بماند و نگاه همکاری با متحدان راهبردی و گروه‌ها در انتقال ارزش به مشتریان مفقود می‌شود.

ارائه ارزش با راهکار «متحدان راهبردی و گروه‌ها»، مستلزم طراحی شبکه‌ای از بازیگران در طول انتقال ارزش از سمت بانک قرض‌الحسنه به مشتریان نهایی است. بانک قرض‌الحسنه مهر به جهت برقراری همکاری‌های مؤثر لازم است «قابلیت‌های مشارکتی» خود را توسعه داده و پس از شناسایی موجودیت‌های فعال در زنجیره ارزش، به شکل‌دهی اتحادهای راهبردی در طیف مختلف آن اقدام نماید.

ارائه ارزش به مشتریان نهایی به کمک متحدان راهبردی و گروه‌های مشارکت‌کننده، به یک زیربنای جدی در بانک قرض‌الحسنه مهر به نام «فرهنگ دیجیتال» نیازمند است. این نوع فرهنگ باید بتواند باور به تحول و ملزومات آن را در افراد و مجموع سازمان به وجود آورد. برای نمونه ارتباط با مشتریان در شعب فیجیتال، به فرهنگ خاصی نیاز دارد که مؤلفه‌هایی ازجمله ارزشمندی مشتری، خلق تجربه منحصربه‌فرد برای مشتری و ارائه راهکارهای جذاب و متناسب با هر مشتری را در بطن خود داشته باشد.

ارائه ارزش از چهار طریق شناسایی‌شده، یک بهبود دیجیتال در فرایندهای عملیاتی بانک قرض‌الحسنه را می‌طلبد. چراکه نیازهای جدید دیجیتال الزاماتی از جنس کارایی و اثربخشی را در پاسخ به نیازهای مشتریان می‌طلبد. «بازطراحی معماری فرایندی» در سازمان به بهینه‌سازی تعداد فرایندها، بهینه‌سازی تعداد وظایف ذیل هر فرایند و درنهایت بهبود دیجیتال وظایف در حد امکان اشاره دارد. بهبود مذکور می‌تواند از نوع خودکارسازی فرایندها، انتقال برخی وظایف به بازیگران دیگر اکوسیستم، توانمندسازی کارکنان جهت تسریع فرایند، ایجاد بستر پلتفرمی و مواردی ازاین‌دست باشد.

از دیگر عناصر زیربنایی که بانک قرض‌الحسنه برای انتقال ارزش در تمام شیوه‌های خود پیش‌رو دارد، «نوآوری حیات‌بخش» است. بانک قرض‌الحسنه مهر نوآوری را باید

در نقاط مختلف ارتباط با مشتری جایگذاری کند. همچنین نوآوری چنانچه در تعامل حضوری مشتریان با بانک در شعب فیجیتال اتفاق نیفتد، می‌تواند موجب دلسردی و ریزش مشتریان شود. نوآوری در طراحی شبکه‌های جدید همکاری و گروه‌های با هویت‌های مختلف و نقش واسطه در انتقال ارزش به مشتریان نیز متصور است. بانک باید در ایجاد اعتماد درون‌سازمانی نیز اهتمام مناسبی داشته باشد تا فضای بروز نوآوری درونی نیز بهتر شود تا نتایج آن بر جریان‌های درآمد بانک خود را نشان دهد.

۴-۷-۴. ربع ارزش پیشنهادی- قابلیت‌ها

ربع ارزش پیشنهادی- قابلیت‌ها به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که «در مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه دیجیتال، برای ارائه هرکدام از ارزش‌های پیشنهادی، کدام قابلیت‌ها به‌کار گرفته می‌شوند؟». مطابق با گزارش تحلیل داده‌های پژوهش، در سطوح مختلف خصوصاً مدیران بانک لازم است دارای ذهنیت متعالی باشند که در اندیشه ایجاد سرمایه اجتماعی باشد. همچنین در ارزش «دلگرمی و اعتماد»، جلب اعتماد و احساس قرابت نسبت به بانک قرض‌الحسنه دیجیتال زمانی اتفاق می‌افتد که بانک فرایندهای مختلف عملیات تجهیز و تخصیص را بازطراحی و از ابزارهای دیجیتال مانند اپلیکیشن‌های کاربردی در مقایسه با سایر رقبا استفاده نماید. ساختار سازمانی منطق با تغییرات دیجیتال و نیازهای متنوع مشتریان عامل دیگری است که اعتماد مشتریان را به بانک جلب خواهد کرد. بانک جهت انتقال دلگرمی بیشتر از خدمات خود، با انجام مطالعات تطبیقی از طریق حضور در محیط واقعی و شناسایی نیازهای مشتریان، طرح‌های هدفمندی را ارائه خواهند کرد که تجربه مشتری مناسبی موجب می‌شود. درنهایت چنانچه عنصر اثربخشی به نام منابع انسانی توانمند و متخصص در زنجیره عملیات بانک نباشد، اقبال و اتکای قابل‌قبول مشتریان به بانک جلب نخواهد شد.

بانک قرض‌الحسنه دیجیتال جهت ارائه ارزش پیشنهادی «داده و رابط برنامه‌نویسی کاربردی» به برخی زیرساخت‌ها و قابلیت‌های نرم احتیاج دارد. ذهنیت متعالی، از پیشران‌های این امر است و فرهنگ دیجیتال میان کارکنان، بازطراحی معماری فرایندهای سازمان نیز از ملزومات امر هستند. فناوری همگام وظیفه تأمین زیرساخت‌های بنیادی

ارزش پیشنهادی داده را برعهده دارند. همچنین بانک قرض‌الحسنه دیجیتال به کمک قابلیت‌های مشارکتی قدرتمند خود، بازیگران مختلف زنجیره ارزش داده را شناسایی و با آن‌ها وارد تعامل می‌شود. طبق تحقیقات، بازوی بازاریابی و ابزار تجزیه‌وتحلیل از دیگر الزامات جدی بانک جهت دستیابی به ارزش پیشنهادی داده در بالاترین کیفیت ممکن است. دسته‌بندی مشتریان، کشف نیازها و ترجیحات آن‌ها و تحلیل تجربه مشتریان همگی با ابزار تجزیه‌وتحلیل در نهایت باید مبنای تصمیم‌گیری متقاضیان داده قرار بگیرند.

سبد متنوع بانک قرض‌الحسنه، ارزش مهمی است که در وهله اول عناصر بنیادینی مانند ذهنیت متعالی رهبران بانک قرض‌الحسنه مهر نیازمند است تا از طریق ترسیم افق‌های بلند ارائه خدمات مختلف دیجیتال مبتنی‌بر رشد هسته کسب‌وکار و ایجاد مشارکت‌ها، مصادیق نوآوری حیات‌بخش را در ایجاد سبد محصولات/ خدمات متنوع پیاده‌سازی نماید. تدوین راهبرد دیجیتال دربردارنده سبد کلی محصولات و خدمات متنوع و نیز مشتمل بر راهبرد محصول/ خدمت، از دیگر الزامات متنوع‌سازی سبد بانک قرض‌الحسنه دیجیتال است که هدف محصول/ خدمت، نیازهای گروه هدف، رقبای محصول/ خدمت و چرخه عمر آن را تحلیل می‌کند. ارتقای توانمندی‌های فناورانه و ابزارهای بازاریابی در ارزش سبد متنوع هم نقش عِلّی و هم نقش معلولی دارند و بسیار تأثیرگذارند.

بانک قرض‌الحسنه دیجیتال چنانچه ارائه ارزش پیشنهادی «سهولت و جذابیت» را در برنامه داشته باشد، ابتدائا به فرهنگ دیجیتالی نویی نیاز دارد که اساساً دسترسی ساده از طریق خدمات پلتفرمی و شخصی‌سازی‌شده را یک «ارزش» در فضای دیجیتال بداند و این امر در راهبرد تدوین‌شده بانک نیز قابل پیاده است. سپس معماری فرایندهای کل سیستم بانکداری خود را به کمک ابزارهای دیجیتال مانند حذف فرایندهای غیرضروری، استفاده از اپلیکیشن‌ها و وبگاه‌ها در تعاملات، بهره‌برداری از هوش مصنوعی و یادگیری ماشینی در بهبود مدیریت ریسک و تجزیه‌وتحلیل اطلاعات مشتریان در اعطای تسهیلات، کاهش فعالیت متقلبانه احتمالی برخی افراد و دستیارهای مجازی پاسخ‌گو[۳۳] بهینه سازد. به‌صورت هماهنگ، در ساختار سازمانی بانک قرض‌الحسنه نیز باید تغییر در نقش‌ها و

33. Chat Bot

حدود اختیارات اتفاق بیفتد. همچنین نقش‌آفرینی بازو بازاریابی در ایجاد ارزش جذابیت و سهولت محسوس است؛ جایی‌که طرح‌های هدفمند براساس ترجیحات و ملزومات نیازهای جدید مشتریان عامل جذابیت و سهولت برای آنان می‌گردد.

ارزش پیشنهادی «برخط و سریع» به‌عنوان یکی از بایسته‌های ارائه خدمات در عصر دیجیتال، نیازمند آن است که در یک نگاه بنیادی، بانک قرض‌الحسنه به فرهنگ متناسب دیجیتال که سرعت در خدمات و امکان ارائه برخط تمام خدمات را یک نیاز الزامی مشتریان دیجیتال بشناسد. بدیهی است، بدون اجرای طرح‌های مدیریت فرایند و معماری سازمان که منجر به بهینه‌سازی فرایندها با رویکرد دیجیتالی‌شدن می‌شود، این مهم قابل تحقق نیست. در واقع فرایندهای تجاری بانک باید به‌گونه‌ای بازتعریف شوند که در تمام مراحل ارتباط با مشتری، تجربه کاربری خودکار، بدون اصطکاک و یکپارچه‌ای ارائه نماید.

همچنین بانک قرض‌الحسنه دیجیتال، جهت آماده‌سازی و تقویت توانمندی‌های مهارتی گوناگون کارکنان خصوصاً خط مقدم، لازم است تمام سطوح بانک را نسبت به نحوه خدمت‌رسانی برخط آموزش دهد. توسعه مهارت‌ها و شایستگی‌های حوزه دیجیتال کارکنان، سرعت تحول دیجیتال درون‌سازمانی را افزایش می‌دهد که خود از پیشرانه‌های ارتقای خدمات دیجیتال ازجمله سرعت و برخط بودن نسبت به مشتریان بیرونی است.

بانک قرض‌الحسنه دیجیتال، برای ارائه ارزش «تأمین‌مالی‌جمعی» لازم است ابتدائا خود را به راهبرد و فرهنگ حامی آن در سازمان مجهز سازد. ذهنیت متعالی عنصر پیش‌زمینه‌ای دیگر است که مدل‌های تفکر رهبران و مدیران بانک قرض‌الحسنه را به سمت طراحی و ارائه خدمات تأمین مالی در مقیاس‌های مختلف اشخاص حقیقی، کسب‌وکارهای نوپا در اندازه‌های کوچک و متوسط و طرح‌ها بکشاند. ایجاد بسترهای ویژه تأمین مالی در گونه‌های متعدد خود، مستلزم ایجاد پلتفرم‌های دیجیتال مناسبی است که تعامل مستقیم عرضه‌کنندگان و متقاضیان وجوه را به‌گونه‌ای اثربخش ممکن سازد. همچنین ضرورت دارد بانک قرض‌الحسنه با طرف‌های توسعه‌دهنده فناوری و طراحی پلتفرم‌ها وارد همکاری شود.

بانک قرض‌الحسنه چنانچه در پی ارائه ارزش «ابزار مالی دیجیتال» باشد، می‌تواند به سمت ارائه خدماتی همچون تأمین مالی در بستر قراردادهای هوشمند و توکنایزکردن دارایی‌ها باشد. این موضوع مستلزم دستیابی به فناوری‌های اساسی و جدید در کشور مانند فرایند جایگزینی و اختصاص رمز با داده‌های حساس مانند شماره‌حساب بانکی است که تمام اطلاعات ضروری را بدون به خاطر انداختن امنیت آن‌ها حفظ کند. موضوع مذکور در سطح خلاقیت است و زمانی که وارد عرصه اجرا شود به نوآوری دیجیتال حوزه بانکداری قرض‌الحسنه تبدیل خواهد شد.

بانک قرض‌الحسنه دیجیتال جهت ایجاد و انتقال «خدمات مالی مکمل»، باید ذهنیت متعالی توسعه‌دهندگان کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه را برانگیزاند. وارد ساختن اشکال مختلف قرض‌الحسنه به زندگی مشتریان یا ایجاد مسیرهای جدید خلق درآمد از کارمزد و غیر کارمزد به اتاق فکرهای جدی نیازمند است که باهدف نقش گسترده‌تر و پررنگ‌تر بانک قرض‌الحسنه دیجیتال در نقاط قابل‌تعریف، به حضور رقابتی بانک قرض‌الحسنه در محیط متلاطم کمک کنند. بی‌شک این اتفاق نمی‌افتد مگر از طریق بازطراحی معماری فرایندهای سازمان به‌عنوان بعد اصلاحی درون‌سازمانی و نیز ارتقای توانمندی بازاریابی سازمان باهدف شناسایی نیازها و ترجیحات مشتریان به‌عنوان بعد برون‌سازمانی.

نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی و تحلیل مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه دیجیتال پرداخته و با استفاده از فرایند تحلیل محتوای قیاسی، به شناسایی ابعاد کلیدی و عناصر مؤثر در موفقیت این مدل پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بانک قرض‌الحسنه دیجیتال می‌تواند با استفاده از رویکردهای برخط و فیجیتال، خدمات متنوعی به مشتریان مختلف از جمله کسب‌وکارها، صندوق‌های قرض‌الحسنه، بخش‌های فرهنگی و گروه‌های ویژه ارائه دهد. تحلیل انجام‌شده در این مطالعه نه‌تنها شامل شناسایی مقوله‌های کلیدی مانند ارائه ارزش و قابلیت‌ها می‌شود، بلکه به توضیح تعاملات پیچیده بین این عناصر و ساختار کلی مدل کسب‌وکار نیز پرداخته است.

نتایج تحلیل تأکید بر این نکته دارند که موفقیت بانک به ایجاد زنجیره‌ای از همکاری‌ها و شبکه‌های راهبردی میان مشتریان و عوامل واسطه بستگی دارد. این همکاری‌ها نقش اساسی در ارائه خدمات با کیفیت و بهینه شدن فرآیندهای عملیاتی ایفا می‌کنند. به‌ویژه، اهمیت «ذهنیت متعالی» و تمهیدات دیجیتالی در جذب و حفظ مشتریان را نمی‌توان نادیده گرفت. کارکنان با سواد دیجیتال و فرهنگ سازمانی مناسب می‌توانند به‌عنوان پیشران‌های کلیدی در تحقق اهداف دیجیتالی بانک عمل کنند.

این پژوهش نتایج خود را در قالب یک مدل کسب‌وکار کامل و مفهوم‌سازی‌شده ارائه داده که می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای طراحی و اجرای استراتژی‌های مؤثر در بانکداری دیجیتال قرض‌الحسنه محسوب شود. تأکید بر نوآوری‌های مستمر و بازطراحی فرآیندها به‌عنوان راهکارهای بنیادی برای پاسخ‌گویی به نیازهای روزافزون مشتریان و سوق دادن بانک به سمت رقابت‌پذیری بیشتر در بازار مالی توصیه می‌شود. این امر همچنین نیازمند سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناوری و به‌کارگیری ابزارهای تحلیل داده جهت بهبود تجربیات مشتری خواهد بود.

مدل کسب‌وکار فعلی بانک قرض‌الحسنه مهر را می‌توان یک الگوی هشت بُعدی متشکل از سازوکارهای راهبردی، منابع، ارتباطات، پیشنهاد بازار، مشتریان، درآمد، خلق ارزش و مالی معرفی نمود. به عقیده پژوهشگر، ابعاد مذکور کاملاً مکمل یکدیگر بوده و بنا به منطق مدل‌های کسب‌وکار، تشکیل‌دهنده یک کل واحد از سازوکار کلی کسب‌وکار –در اینجا بانک قرض‌الحسنه مهر– هستند. روابط متقابل ابعاد مذکور کاملاً مشهود بوده و بررسی مدل نیز مستلزم به‌کارگیری یک نگاه جامع است. در ادامه به تبیین هریک از این ابعاد پرداخته می‌گردد.

با توجه به رویکرد قیاسی در انجام پژوهش، جهت مقایسه نتایج پژوهش با سایر مطالعات، پژوهشگر به مقایسه تطبیقی مقوله‌های اصلی و مقوله‌های فرعی مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه دیجیتال بسنده کرده است؛ بنابراین در ادامه، تعدادی از مهم‌ترین مدل‌های کسب‌وکار بانکی ارائه به همراه جدول مقایسه تطبیقی مربوطه ارائه شده است.

شامی زنجانی طی یک گزارش، مدل کسب‌وکار بانکداری دیجیتال را بر اساس بوم کسب‌وکار اوستروالدر ارائه داده است که دارای نه بُعد اصلی است. مقایسه تطبیقی این مدل با نتایج پژوهش حاضر در جدول (۵) آمده است.

جدول (۲): مقایسه عناصر مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه دیجیتال در یافته‌های پژوهش حاضر با عناصر مدل کسب‌وکار بانکداری دیجیتال شامی زنجانی (۲۰۲۳م)

ردیف	ابعاد و عناصر مدل کسب‌وکار بانکداری دیجیتال شامی زنجانی	عناصر مرتبط در مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه دیجیتال
۱	ارزش پیشنهادی: ارائه خدمات کامل و شخصی‌سازی‌شده براساس نیازهای ویژه هر مشتری – دردسترس‌بودن خدمات و محصولات.	مقوله فرعی «سهولت و جذابیت» و مضمون «شخصی‌سازی خدمات بانکداری قرض‌الحسنه برای مشتریان» و «مؤثربودن سهولت دسترسی به خدمات دیجیتال در جذب مشتری» و مقوله فرعی «سبد متنوع» و «برخط و سریع»
۲	بخش‌بندی مشتریان: تمرکز بر روی بخش مشتریان خُرد است – بازنگری بخش‌بندی مشتریان مبتنی‌بر تحلیل داده‌ها و ایجاد دید ۳۶۰ درجه نسبت به مشتری – ایجاد پرسوناهای مشتری.	مضامین پایه «لزوم داشتن پروفایل مشتریان» و «لزوم دسته‌بندی مشخص در مشتریان» ذیل مقوله فرعی «ارتقای توانمندی بازاریابی»
۳	ارتباط با مشتریان: پاسخ‌گویی ۲۴ ساعته در طول روزهای هفته از طریق چت‌بات‌ها – ابزار هوش مصنوعی.	مضمون پایه «استفاده از هوش مصنوعی در ساختار مرکز تماس» و «سامانه‌های دیجیتال جهت تعامل برخط با مشتریان» و مقوله فرعی «شعب فیجیتال»
۴	کانال‌ها: تغییر نقش شعب به ارائه مشاوره مالی – شعب دیجیتال – خودپردازهای هوشمند – همراه بانک – ابزارهای پوشیدنی – شبکه‌های اجتماعی	مضمون‌های پایه «تغییر نقش شعب به محل آموزش» و «تبدیل‌شدن شعبه به محل مراجعه و مشورت و گفتمان‌سازی» ذیل «شعب فیجیتال» و ارائه ارزش «برخط»
۵	فعالیت‌های کلیدی: تحلیل داده، مدیریت دارایی مشتریان و ارائه راهکار مبتنی‌بر تحلیل کلان‌داده‌ها – شخصی‌سازی و	مقوله‌های بُعد «قابلیت‌ها» و مقوله فرعی «ابزار تجزیه‌وتحلیل» و مقوله فرعی «بازطراحی معماری فرایندی» و مضامین پایه

ردیف	ابعاد و عناصر مدل کسب‌وکار بانکداری دیجیتال شامی زنجانی	عناصر مرتبط در مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه دیجیتال
	یکپارچگی کانال‌ها و تحول فرایندهای کاری – اکتساب فناوری‌های جدید – مدیریت تغییر.	«تغییرات در تمام سطوح بانک قرض‌الحسنه دیجیتال» و «لزوم همدلی و همراهی مدیران و بدنه سازمان در پیشبرد تحول»
۶	شرکای کلیدی: بیمه و سایر شرکت‌های خدمات مالی – تأمین‌کنندگان بزرگ خدمات فناوری اطلاعات – دانشگاه‌ها، پارک‌های علم و فناوری و سرمایه‌گذاران خطرپذیر – فینتک‌ها	بُعد «قابلیت‌ها»، مقوله «قابلیت‌های مشارکتی»
۷	منابع کلیدی: مشتریان وفادار و فعال – کارکنان با ذهنیت دیجیتال و مشارکت‌جو – اکوسیستم نوآوری دیجیتال – زیرساخت‌های یکپارچه و رابط‌های کاربردی برنامه‌نویسی – فناوری‌های نوین ازجمله تحلیل کلان‌داده‌ها، هوش مصنوعی و ...	مقوله فرعی «منابع انسانی پیشرو» و مقوله‌های فرعی «قابلیت‌های مشارکتی» و «نوآوری حیات‌بخش» و مقوله «فناوری همگام»
۸	ساختار هزینه‌ها: ایجاد، توسعه و نگهداری زیرساخت‌ها و پلتفرم – پروژه‌های دیجیتال بانک – تغییر رویکرد از اختصاص هزینه‌های ثابت به پروژه‌های توسعه محصول و خدمت	مضمون «هزینه‌های تحول با تدارک زیرساخت‌های سیستمی» و بُعد «قابلیت‌ها»
۹	جریان درآمد: کاهش هزینه ناشی از بازمهندسی فرایندها – ارائه محصولات و خدمات مالی جدید فناورانه – ارائه پلتفرم به شرکت‌های فینتک.	مضمون پایه «دریافت کارمزد بابت تعریف طرح‌های تأمین‌مالی‌جمعی» و مضامین پایه «توکنایز کردن دارایی‌ها»، «طراحی پلتفرم لوکالایز برای مشتریان سازمانی»، «اعتبارسنجی الکترونیک»، «سفته الکترونیک»، «P2P Lending» و «کارت خرید اعتباری»

هیدایت و دیگران (۲۰۲۳م) در پژوهشی با عنوان «خدمات بانکداری دیجیتال: مدلی انتخابی از بانک‌های اسلامی[۳۴]» طی بررسی‌های خود از بانک‌های اسلامی، مجموعاً هفت بُعد را به‌عنوان نقاط قابل‌تغییر در تحول دیجیتال شناسایی و معرفی کرده‌اند. مقایسه تطبیقی این مدل با نتایج پژوهش حاضر در جدول (۶) آمده است.

جدول (۶): مقایسه عناصر مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه دیجیتال در یافته‌های پژوهش حاضر با عناصر مدل کسب‌وکار بانکداری دیجیتال هیدایت و دیگران(۲۰۲۳م)

ردیف	ابعاد و عناصر مدل کسب‌وکار بانکداری اسلامی دیجیتال هیدایت و همکاران	عناصر مرتبط در مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه دیجیتال
۱	مشتریان: خدمات سریع، ساده و قابل‌اعتماد – پاسخ‌گویی به تقاضای مشتریان – آگاهی بخشی به مشتریان از خدمات بانک – دینداری.	«دلگرمی و اعتماد» و «برخط و سریع» و مضمون پایه «به‌روزرسانی سازوکارهای اطلاع‌رسانی به مشتریان» و مقوله «ابزار تجزیه‌وتحلیل»
۲	فناوری: بهبود تصویر و توسعه برند بانک – هزینه‌های نوآوری – امنیت و ریسک – توسعه فناوری.	مضمون «ریبرندیگ بانک قرض‌الحسنه»
۳	شرایط داخلی: هدف راهبردی– منابع انسانی – سیستم‌ها و زیرساخت‌ها – فرهنگ نوآوری.	مقوله «راهبرد دیجیتال» و «منابع انسانی پیش‌رو» و مضامین «لزوم به‌روزرسانی قابلیت‌های منابع انسانی دیجیتال» و «بهبود زیرساخت IT» و مقوله مجزای «نوآوری حیات‌بخش» و «فرهنگ دیجیتال».
۴	محیط: پذیرش رقیب – مقررات دولت – مشارکت/ همکاری با سایر ذی‌نفعان.	مضامین «رقبای فین‌تکی ارائه‌دهنده خدمات در بازار پول» و «لزوم پایش اقدامات رقبا و نسبت آن با بانک خود» و «جایگاه نظارتی بانک مرکزی در بالادست بانک‌های قرض‌الحسنه» و مقوله «قابلیت‌های مشارکتی».

34. The Digital Banking Services: A Selection Model from Islamic Banks

ردیف	ابعاد و عناصر مدل کسب‌وکار بانکداری اسلامی دیجیتال هیدایت و همکاران	عناصر مرتبط در مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه دیجیتال
۵	شریعت: انطباق با شرع - منحصربه‌فرد بودن محصول اسلامی - هماهنگی واحدهای توسعه محصول و نظارت بر ارزش‌های اسلامی.	مقوله «ارزش‌های اسلامی».
۶	کانال‌ها: ۱. شعب فیزیکی و یک کانال دیجیتال و مدیریت جداگانه هر کانال؛ ۲. شعب فیزیکی و دو کانال دیجیتال و مدیریت جداگانه هر کانال؛ ۳. شعب فیزیکی و دو کانال دیجیتال و ادغام و مدیریت یکپارچه آن‌ها؛ ۴. بدون شعبه و صرفاً با کانال‌های دیجیتال.	مقوله «شعب فیجیتال» و «برخط».

ملاحظات حقوقی

- پیروی از اصول حقوقی

تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

- تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «طراحی مدل کسب‌وکار بانک قرض‌الحسنه دیجیتال» که در دانشگاه امام صادق علیه‌السلام در تاریخ ۱۴۰۲/۰۶/۳۱ دفاع شده است.

کتابنامه

۱. احمدی، علی‌محمد؛ و غفاری، حسن‌محمد؛ و وفایی، رضا (۱۳۸۷). بررسی تأثیر قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد، همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، ایران، مشهد. دسترسی در: https://civilica.com/doc/49948

۲. تبریزی، منصوره (۱۳۹۳). تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی. *علوم اجتماعی*، ۲۱(۶۴)، ۱۳۸- ۱۰۵. DOI: 10.22054/qjss.2014.344

۳. جوزی‌زاده، منا؛ یزدانی، ناصر؛ و شیخ، محمدجواد (۱۳۹۶). قرض‌الحسنه و بانکداری قرض‌الحسنه در آینه مطالعات (مروری بر مطالعات تخصصی قرض‌الحسنه). *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۶(۱۹)، ۲۲۷- ۱۹۷.

۴. شهیدی‌نسب، مصطفی (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی تأمین مالی خرد در بانک‌های ایران: درس‌هایی برای طراحی نظام تأمین مالی خرد اسلامی. *جستارهای اقتصادی ایران با رویکرد اقتصاد اسلامی*، ۱۱(۲۱)، ۹۷-۱۲۴.

۵. عرب‌مازار، عباس؛ و کیقبادی، سعید (۱۳۸۵). جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران. *اقتصاد اسلامی*. ۲(۶)، ۴۶- ۱۳.

۶. قائمی اصل، مهدی؛ و خلجی پیربلوطی، زهرا (۱۴۰۰). طراحی مکانیسمی برای ایجاد اتحادیه قرض‌الحسنه مبتنی‌بر فناوری‌های نوین مالی. *اقتصاد اسلامی* ۲۱(۸۱)، ۳۱-۶۳.

۷. موسویان، سید عباس؛ و میثمی، حسین (۱۳۹۳). *بانکداری اسلامی (مبانی نظری- تجارب عملی)*. ایران، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی جمهوری اسلامی ایران.

۸. نادری‌فر، میهن؛ گلی، حمیده؛ و قلجایی، فرشته (۱۳۹۶). گلوله‌برفی روشی هدفمند در نمونه‌گیری تحقیقات کیفی. *گام‌های توسعه در آموزش پزشکی*، ۱۴(۴)، ۱۲۱- ۱۰۱.

۹. هادوی‌نیا، علی اصغر (۱۳۸۰). اوراق قرض‌الحسنه. *اقتصاد اسلامی*، ۱(۴)، ۱۰۴- ۸۳.

۱۰. یزدانی، مریم (۱۳۹۰). قرض‌الحسنه و نقش آن در رفع نیازهای اجتماعی و اقتصادی. *بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*، ۱(۵ و ۶)، ۲۹-۴۰.

Reference

1. Afuah, A., & Tucci, C. L. (2001). *Internet Business Models and Strategies: Text and Cases* (pp. 29-35). New York: McGraw-Hill.
2. Ahmadi, A. Ghafari, H., Vafaee, R. (2008). Investigating the Impact of Qarz-al-Hassaneh on Income Distribution." In Islamic Economics and Development Conference, Mashhad. Available at: https://civilica.com/doc/49948 (In Persian).
3. Arab Mazar, A., & Keygabadi, S. (2006). The Position of Qard al-Hasanah in the Iranian Banking System. *Islamic Economics*, 2(6), 13-46. (In Persian).
4. BarNir, A., Gallaugher, J. M., & Auger, P. (2003). Business Process Digitization, Strategy, and the Impact of firm Age and Size: the Case of the Magazine Publishing Industry. *Business Venturing*, *18*(6), 789-814.
5. Broby, D. (2021). Financial Technology and the Future of Banking. *Financial Innovation*, *7*(1), 47.
6. Bharadwaj, A., El Sawy, O. A., Pavlou, P. A., & Venkatraman, N. V. (2013). Digital Business Strategy: Toward a next Generation of Insights. *MIS Quarterly*, 471-482.

7. Chesbrough, H., & Rosenbloom, R. S. (2002). The Role of the Business Model in Capturing Value from Innovation: Evidence from Xerox Corporation's Technology spin-off Companies. *Industrial and Corporate Change*, *11*(3), 529-555.
8. Dasgupta, M. (2019). Business Model Innovation: Responding to Volatile Business Environment in the Indian Banking Industry. *Asia-Pacific Business*, *20*(4), 260-280.
9. Dellarocas, C. (2003). The Digitization of Word of Mouth: Promise and Challenges of Online Feedback Mechanisms. *Management Science*, *49*(10), 1407-1424.
10. Eisenmann, Thomas R., Business Model Analysis for Entrepreneurs (2012). *Harvard Business School Entrepreneurial Management Case*. No. 812-096, Available at SSRN: https://ssrn.com/abstract=2053342
11. Elo, S., & Kyngäs, H. (2008). The Qualitative Content Analysis Process. *Advanced Nursing*, *62*(1), 107-115.
12. Eriksson, H. E., & Penker, M. (2000). Business Modeling with UML. *New York*, *12*.
13. Fang, J., Zhong, C., & Mu, R. (2005). The Study of Deposited Silver Particulate Films by Simple Method for Efficient SERS. *Chemical Physics Letters*, *401*(1-3), 271-275.
14. Ghaemi asl, M., & Khalaji Pirbalooti, Z. (2021). Designing a Process for Creation of Interest-Free Smart Syndicate Based on Financial Modern Technologies. *Islamic Economics*, 21(81), 31-63. (In Persian).
15. Guo, X., Duff, A., & Hair, M. (2008). Service Quality Measurement in the Chinese Corporate Banking Market. *Bank Marketing*, 5(26), 305-327.
16. Hidayat, Achmad & Kassim, Salina. (2023). THE DIGITAL BANKING SERVICES: A SELECTION MODEL FROM ISLAMIC BANKS. *International Journal of Islamic Business*. 8. 41-58. 10.32890/ijib2023.8.1.3.
17. Jawizadeh ,M., Yazdani, N., & Sheikh Mohammad, J. (2017). Qard al-Hasana and Qard al-Hasana Banking in the Mirror of Studies (A Review of Specialized Studies on Qard al-Hasana). *Islamic Economics and Banking*. 6 (19), 197-227. (In Persian).
18. Johnson, M. (2008). Reinventing Your Business Model. *Harvard Business Review* 86 (12), 50e59.
19. Johnson, M.W. (2010), The time has come for business model innovation. Leader to Leader, 2010: 6-10. https://doi.org/10.1002/ltl.421.
20. Kallio, J., Tinnilä, M., & Tseng, A. (2006). An International Comparison of Operator-Driven Business Models. *Business Process Management*, *12*(3), 281-298.
21. Kaplan, B., Truex, D. P., Wastell, D., Wood-Harper, A. T., & DeGross, J. (Eds.). (2004). *Information Systems Research: Relevant Theory and Informed Practice* (Vol. 143). Springer Science & Business Media.

22. King, B. (2018). *Bank 4.0: Banking Everywhere, Never at a Bank*. John Wiley & Sons.
23. Lee, Z. W., Chan, T. K., Chong, A. Y. L., & Thadani, D. R. (2019). Customer Engagement Through Omnichannel Retailing: The Effects of Channel Integration Quality. *Industrial Marketing Management*, *77*, 90-101.
24. Marous, J. 2022. Maximizing Digital Banking Engagement. *Digitalbankingreport*. 293. https://www.digitalbankingreport.com/wp content/uploads/2022/08/DBR293Abstract.pdf
25. Massa, Lorenzo & Tucci, Christopher & Afuah, Allan. (2017). A Critical Assessment of Business Model Research. *Academy of Management Annals*. 11. 73-104. 10.5465/annals.2014.0072.
26. Matt, C., Hess, T., & Benlian, A. (2015). Digital Transformation Strategies. *Business & Information Systems Engineering*, *57*, 339-343. DOI: 10. 1007/ s12599- 015- 0401-5.
27. Mirjalili, H. Ban, H. Soroush, A. Batshken, H. (2020). Islamic Social Banking Platform (Case Study of Qarz-ol-Hasanah Resalat Bank). *Journal of Money & Economy*. 15 (1): 35-54.
28. Mitchell, D. and Coles, C. (2003), "The ultimate competitive advantage of continuing business model innovation", *Journal of Business Strategy*, 24(5), 15-21.
29. Moussavian, S, A; & Meysami, H., (2014). *Islamic Banking (Theoretical Foundations - Practical Experiences).* Iran, Tehran: Monetary and Banking Research Institute of the Islamic Republic of Iran. (In Persian).
30. Naderifar, M., Goli., H., & Qoljaei, F .(2017). Snowball Sampling: a Purposive Sampling Method in Qualitative Research. *Development Steps in Medical Education,* 14(4), 101-121. (In Persian).
31. OECD (2020). Digital Disruption in Banking and its Impact on Competition http://www.oecd.org/daf/competition/digital-disruption-in-financial-markets.htm
https://www.pressebox.com/pressrelease/gartner-uk-ltd/Gartner-Says-Worldwide-EnterpriseIT-Spending-is-Forecast-to-Grow-2-5-Per-Cent-in-2013/boxid/555441
32. Osterwalder, A., Pigneur, Y., & Tucci, C. L. (2005). Clarifying Business Models: Origins, Present, and Future of the Concept. *Communications of the Association for Information Systems*, *16*(1), 1.
33. Rasmussen, B. (2007) Business Models and the Theory of the Firm. *Pharmaceutical Industry Project Working Paper*, 32, 1-11.
34. Ritter, T., & Lettl, C. (2001). "Technology-based Business Models: The Role of the Business Model in the Success of Tech-based Startups." *International Journal of Technology Management*, 26(1-2), 113-124.

35. Ritter, T. (2014). *Alignment² [Alignment Squared]: Driving Competitiveness and Growth through Business Model Excellence*. The CBS Competitiveness Platform.
36. Ritter, T., & Pedersen, C. L. (2020). Digitization Capability and the Digitalization of Business Models in Business-to-Business firms: Past, Present, and Future. *Industrial Marketing Management*, *86*, 180-190.
37. Shahidi Nasab, M. (2014). Pathology of Micro-finance in the Banks of Iran: Lessons for Designing Islamic Micro-financing System in Iran. *Economic Essays; an Islamic Approach*, 11(21), 97-124. (In Persian).
38. Tabrizi, M. (2014). Qualitative Content Analysis from the Perspective of Deductive and Inductive Approaches. Social Sciences, 21(64), 105-138. DOI: 10.22054/qjss.2014.344 (In Persian).
39. Teresiene, D., Pu, R., Pieczulis, I., Kong, J. & Yue X. (2021). The Interaction between Banking Sector and Financial Technology Companies: Qualitative Assessment—A Case of Lithuania. MDPI: Risks,9(10), 21.
40. Timo, C. (2014). A Literature Review on Digital Transformation in the Financial Service Industry. Bled EConference, 18.
41. Voigt, K. I., Buliga, O., & Michl, K. (2017). Business Model Pioneers. *Management for Professionals. AG Switzerland: Springer International Publishing*.
42. Weill, Peter & Woerner, Stephanie. (2013). Optimizing Your Digital Business Model. *MIT Sloan Management Review*. 54. 71-78. 10.1109/EMR.2015.7059380.
43. Wilkinson, C. P., Ferris III, F. L., Klein, R. E., Lee, P. P., Agardh, C. D., Davis, M., ... & Global Diabetic Retinopathy Project Group. (2003). Proposed International Clinical Diabetic Retinopathy and Diabetic Macular Edema Disease Severity Scales. *Ophthalmology*, *110*(9), 1677-1682.
44. Wirtz, B. W. (2001). *Electronic business*. Springer-Verlag.
45. Yip, A. W., & Bocken, N. M. (2018). Sustainable Business Model Archetypes for the Banking Industry. *Cleaner Production*, *174*, 150-169.
46. Yoo, Y., Henfridsson, O., & Lyytinen, K. (2010). Research Commentary-The New Organizing Logic of Digital Innovation: an Agenda for Information Systems Research. *Information Systems Research*, *21*(4), 724-735.
47. Arsanjani, A., Gholipour Soleimani, A., Delafrooz, N., & Taleghani, M. (2019). Challenges of the Iranian E-Banking Business Model in Digital Transformation. Journal of Money and Economy, 14(3), 389-419.
48. Gartner (2015). "Top 10 Technology Trends for 2016", Gartner.
49. Yazdani, M. (2011). Qard al-Hasana and its Role in Meeting Social and Economic Needs. *Islamic Economic*, 1(4), 29-40. (In Persian).

Islamic Finance Researches
Vol. 13, No. 2 (Serial 28), 2023

Research Paper

Evaluation and Prioritization of Islamic Financial Instruments (Sukuk) in Iran with a Focus on Risk Sharing

Mohammad Mahdi Askari* **Mohammad Mahdi Kargozar****
Hassan Hemmati***

10.30497/ifr.2024.246606.1898

Abstract

In today's world, one of the most significant concerns for economic enterprises is financing. In Muslim countries, Islamic financing is conducted through Islamic bonds known as sukuk. Sukuk come in various types, tailored to the specific needs of the issuing entity. Multiple stakeholders are involved in the issuance process of these bonds, each with a defined role to optimize the process. Consequently, each stakeholder assumes certain risks throughout this process. This study examines these risks and ranks the credit risk each stakeholder incurs during the sukuk issuance process. The research is applied in nature and utilizes a descriptive survey method for data collection, falling under the category of field studies. The analysis method for this study is TOPSIS. Data collection was conducted in two phases: initially through library research and reviewing existing documents, and subsequently through field research. The necessary raw data was gathered via questionnaires. The findings indicated that, on average, for all types of bonds, the originator bears the highest credit risk in the sukuk issuance process, while the market maker bears the lowest risk. Additionally, it was found that among all scenarios involving different types of bonds and stakeholders, in participation bonds, the originator bears the highest credit risk, whereas, in Murabaha bonds, the market maker bears the lowest risk. The results of this study can be utilized in policymaking for drafting guidelines on the issuance of Islamic financial bonds and the methods for credit evaluation, securing guarantees, and assessing the stakeholders involved in the issuance process based on the type of bond.

Keywords: Islamic Financial; Islamic Financial Instruments; Risk Sharing; Risk Management; Islamic Financial Papers; Sukuk.
JEL Classification: G32, G23, Z12 .

* Faculty Member, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. m.askari@isu.ac.ir 0000-0002-3922-5165
** M.A. in Economic Sciences, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author .(kargozar@isu.ac.ir 0009-0002-0428-8219
*** M.A. Student, Economic Sciences, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. h.hemmati@isu.ac.ir 0009-0003-6410-7974
Recived: 2024/07/07 Accepted: 2024/09/20

فصلنامه علمی «تحقیقات مالی اسلامی»، سال سیزدهم، شماره دوم (پیاپی ۲۸)، زمستان ۱۴۰۲
مقاله پژوهشی، صص. ۳۲۱-۳۴۶

ارزیابی و اولویت‌بندی ابزارهای مالی اسلامی در ایران از منظر ریسک اعتباری

محمدمهدی عسکری* محمدمهدی کارگزار** حسن همتی***

چکیده

در جهان کنونی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های بنگاه‌های اقتصادی مقوله تأمین مالی است. در کشورهای مسلمان، تأمین مالی اسلامی در قالب اوراق اسلامی انجام می‌پذیرد. اوراق مالی اسلامی متناسب با نوع نیازمندی نهاد متقاضی، انواع مختلفی دارد. در فرایند انتشار این اوراق، ارکان مختلفی دخیل هستند که هرکدام وظیفه‌ای مشخص را جهت بهینه‌سازی این فرایند برعهده دارند. بدین‌ترتیب در فرایند مذکور هرکدام از ارکان به‌نوعی ریسک‌هایی را متحمل می‌شوند. در پژوهش حاضر به بررسی این ریسک‌ها و همچنین رتبه‌بندی ریسک اعتباری که هریک از ارکان انتشار در فرایند مربوطه می‌پذیرند، پرداخته شد. تحقیق حاضر ازنظر هدف کاربردی و ازنظر شیوه گردآوری اطلاعات از نوع تحقیقات توصیفی پیمایشی و از شاخه میدانی است. روش تجزیه‌وتحلیل مطالعه حاضر با استفاده از روش تاپسیس است. گردآوری اطلاعات در مرحله اول از طریق روش کتابخانه‌ای و مراجعه به اسناد و مدارک موجود و در مرحله دوم میدانی است. اطلاعات و داده‌های خام موردنیاز از طریق پرسشنامه جمع‌آوری گردید. یافته‌ها نشان داد که به‌صورت میانگین در مورد تمام انواع اوراق، رکن بانی در فرایند انتشار اوراق مالی اسلامی بیشترین ریسک اعتباری را دارد و رکن بازارگردان در این فرایند کمترین ریسک را دارد. همچنین از نتایج اصلی به‌دست‌آمده می‌توان به این موضوع اشاره کرد که در بین تمام حالت‌های موجود بین اوراق و ارکان، در اوراق مشارکت بیشترین ریسک اعتباری برای رکن بانی و در اوراق مرابحه کمترین ریسک برای رکن بازارگردان وجود دارد. از نتایج این پژوهش می‌توان در سیاست‌گذاری‌های مربوط به نگارش دستورالعمل‌های انتشار اوراق تأمین مالی اسلامی و همچنین نحوه اعتبارسنجی، اخذ و شیوه ضمانت ارکان مربوط به انتشار این اوراق با توجه به نوع آن اوراق، بهره گرفت.

واژگان کلیدی: مالی اسلامی؛ ابزارهای مالی اسلامی؛ تسهیم ریسک؛ مدیریت ریسک؛ اوراق مالی اسلامی، صکوک.

---

* عضو هیأت علمی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
m.askari@isu.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، علوم اقتصادی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول) kargozar@isu.ac.ir

*** دانشجوی کارشناسی ارشد، علوم اقتصادی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران h.hemmati@isu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۳۰
مقاله مدت ۱ روز جهت اصلاحات نزد نویسندگان بوده است.

مقدمه

با رشد و پیشرفت بازارهای مالی دنیا در چندین دهه اخیر، متخصصین حوزه‌های مالی در جوامع اسلامی بر آن شدند تا با استفاده از منابع اسلام و بهره‌گیری از عقود اسلامی موجود، ابزارهای مالی رایج که معمولاً بی‌بهره از شرایط مورد تأیید اسلام هستند را کنار گذاشته و ابزارهایی نوین در حیطه‌ی مالی اسلامی را طراحی و جایگزین ابزارهای قبلی نمایند. با بررسی تاریخ تحولات اقتصادی جوامع اسلامی مخصوصاً کشور ایران می‌توان دریافت که ابزارها و نهادهای مالی و اقتصادی در صورتی به موفقیت و پایداری رسیدند که متناسب و سازگار با فرهنگ و اعتقادات اسلامی مردم بوده‌اند.

در بازار اولیه و ثانویه، به‌مقتضای شرایط حاکم بر اقتصاد و سیاست؛ ریسک‌های مختلفی برای معاملات و سرمایه‌های در گردش موجود است که باید به‌دقت بررسی شود و جوانب آن مورد تحلیل قرار گیرد تا موجبات اطمینان خاطر برای سرمایه‌گذار فراهم شود.

ظهور بازار سرمایه مستقل که ساختار محصولات و فعالیت‌های تأمین مالی و سرمایه‌گذاری آن با اصول شریعت اسلامی همخوانی دارد، نتیجه تکامل طبیعی صنعت خدمات مالی اسلامی است. موفقیت در انتشار اوراق بهادار اسلامی در مناطق مختلف جهان، این اوراق را به یک منبع تأمین مالی جایگزین تبدیل کرده و باعث شده است که بسیاری از کشورها و شرکت‌ها از آن بهره‌برداری کنند (مظاهری و لشکری، ۱۳۹۷).

با توجه به اینکه انتشار اوراق قرضه یکی از مهم‌ترین ابزارهای تأمین مالی در دنیاست و از طرفی پرداخت بهره به‌صورت معین‌شده و قطعی حرمت دارد، نظریه‌پردازان مسلمان ابزارهای جایگزینی را طراحی کردند که به‌عنوان اوراق بهادار اسلامی شناخته می‌شوند. آنان توانستند با رعایت ضوابط و مقررات شرعی، متناسب با نیازهای واقعی جوامع اسلامی، نوعی از ابزارهای مالی اسلامی به نام صکوک را طراحی کنند؛ می‌توان صکوک را ابزاری در مالی اسلامی دانست که به خاطر برخی محدودیت‌های موجود در نظام مالی اسلامی و همچنین عدم مقبولیت اوراق قرضه متعارف، جهت تأمین مالی میان‌مدت و بلندمدت طرح‌های دولتی و شرکتی قابل‌استفاده است.

استاندارد شرعی شماره ۱۷ سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی، صکوک را به این شکل تعریف می‌کند: «صکوک، گواهی‌هایی باارزش اسمی یکسان هستند که پس از پایان پذیره‌نویسی، نشان‌دهنده پرداخت مبلغ اسمی مندرج در آن توسط خریدار به ناشر است. دارندگان این گواهی‌ها مالک یک یا مجموعه‌ای از دارایی‌ها، منافع حاصل از آن‌ها، یا ذی‌نفع یک طرح یا فعالیت سرمایه‌گذاری خاص می‌شوند» (موسویان و سروش، ۱۳۹۰).

هدف از به‌کارگیری صکوک به‌عنوان ابزاری نوین در نظام مالی اسلامی، تنها تقلید ناآگاهانه از اوراق قرضه مبتنی‌بر بهره نیست، بلکه خلق ابزاری است که با قوانین شریعت اسلامی همخوانی دارد. با حذف بهره از نظام مالی در جوامع اسلامی، لازم است ساختار و روش‌های فعالیت بازارهای مالی تغییریافته و ابزارهایی مطابق با اصول اسلامی طراحی و ارائه شوند (نظرپور و خزایی، ۱۳۹۱).

ابزارهای مالی اسلامی عمدتاً به سه گروه تقسیم می‌شوند: «گروه ابزارهای مالی غیرانتفاعی» که بر پایه قراردادهای خیریه‌ای مانند قرض‌الحسنه و وقف شکل‌گرفته‌اند؛ «گروه ابزارهای مالی انتفاعی با سود انتظاری» که براساس قراردادهای مشارکتی مانند شرکت، مضاربه، مزارعه و مساقات ایجادشده‌اند؛ و «گروه ابزارهای مالی انتفاعی با سود مشخص» که بر پایه قراردادهایی مانند مرابحه، خرید دین، اجاره و استصناع طراحی‌شده‌اند (موسویان، ۱۳۸۶).

امروزه می‌توان از صکوک به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین محصولات بازارهای مالی اسلامی یاد کرد. اخیراً میزان بهره‌مندی از ابزارهای مالی اسلامی در بازارهای مالی جهانی رشد چشم‌گیری داشته است، به‌طوری‌که از یک‌سو طرح‌های با مقیاس بزرگی که دولت‌ها در دست دارند را می‌توان از طریق انتشار صکوک تأمین مالی کرد؛ جنبه دیگر اینکه سرمایه‌گذاران نیز سرمایه خود را در ابزارهایی وارد می‌کنند که سود حاصل از آن در حقیقت از طریق فعالیت‌های واقعی اقتصادی کسب‌شده و مهم‌تر از همه عاری از هرگونه ربا است.

مسأله‌ای که در این پژوهش به آن پرداخته شده، در حقیقت جنبه‌ای از تمام فعالیت‌های اقتصادی و غیراقتصادی را فرامی‌گیرد؛ مسأله ریسک را می‌توان یکی از

مهم‌ترین ملاک‌های انتخاب هر فرد در انتخاب‌هایش دانست؛ ریسک ابزارهای مالی اسلامی (صکوک) نیز از این رویه مستثنا نیست و لازم است تا به آن پرداخته شود.

با توجه به وجود ریسک در تمامی فعالیت‌های اقتصادی، ازجمله استفاده از این ابزارها، باید تدابیری برای کنترل ریسک‌های ناشی از آن‌ها اتخاذ شود. به همین دلیل، لازم است مهم‌ترین ریسک‌های مرتبط با این ابزارها شناسایی و برای مدیریت بهینه، اولویت‌بندی شوند (شیرمردی، ۱۳۹۸).

مفهوم ریسک در طول تاریخ تغییرات زیادی را تجربه کرده است. واکنش‌ها نسبت به ریسک نیز از پذیرش سرنوشت و تقدیر به سمت ارزیابی، مدیریت و کنترل ریسک پیشرفت کرده‌اند. دیدگاه‌ها نسبت به ریسک از یک وضعیت خطرناک که باید از آن اجتناب کرد، به یک رفتار محاسبه‌شده تغییریافته‌اند که ریسک را به‌عنوان فرصتی برای کسب سود در نظر می‌گیرد.

ریسک در نظام مالی اسلامی نیز مانند نظام مالی متعارف وجود دارد و نوعی چالش تلقی می‌شود؛ اما در هر نظام مالی، فن‌هایی را برای شناسایی و مدیریت ریسک انجام داده‌اند در نظام مالی اسلامی، دو قاعده فقهی معروف «الخراج بضمان» و «من له الغنم فصلیه الغرم» براساس ریسک بنا شده‌اند. این قواعد بیان می‌کنند که بازده حاصل از دارایی به‌طور ذاتی با میزان مسئولیت‌پذیری در قبال زیان احتمالی آن دارایی مرتبط است؛ اما در قراردادهای مالی مبتنی‌بر نرخ بهره، با قرار دادن تمام مسئولیت وام برعهده وام‌گیرنده از طریق تعیین نرخ بازده ثابت، بین بازدهی و مسئولیت‌پذیری در قبال زیان احتمالی جدایی ایجاد شده است. در این قراردادها، ریسک‌های مربوط به وام به وام‌گیرنده منتقل می‌شود، درحالی‌که وام‌دهنده هیچ ریسکی را نمی‌پذیرد. نظام مالی اسلامی، جداسازی حق بهره‌برداری از بازده بدون مشارکت و مسئولیت‌پذیری در قبال زیان را حرام می‌داند. در این شرایط، انتقال ریسک ممنوع بوده و مشارکت در ریسک تشویق می‌شود. این بدان معنا نیست که تمایل فرد به ریسک براساس یک دستورالعمل ثابت تعیین شده باشد، بلکه تحمل ریسک به دلیل ویژگی‌های شخصی در برخی افراد بیشتر از دیگران است؛ اما نکته‌ای که نباید از آن غافل بود این است که اوراق بهادار ربوی معمولاً بر پایه قراردادهای قرض با بهره طراحی می‌شوند و صاحبان این اوراق

هیچ نقشی در مالکیت دارایی‌ها ندارند و درآمد آن‌ها به‌صورت کاملاً برون‌زا و بدون وابستگی به بازدهی فعالیت‌های اقتصادی تعیین می‌شود؛ اما در مورد اوراق بهادار اسلامی (صکوک) به‌طورمعمول، صاحبان اوراق در مالکیت دارایی‌های مورد قرارداد شرکت دارند و در انجام فعالیت‌های اقتصادی مشارکت می‌کنند و بازدهی این اوراق به بازدهی طرح‌ها و فعالیت‌های اقتصادی مرتبط است (فروغی‌نژاد و خوشنود، ۱۳۹۶).

بازارهای مالی وظیفه پشتیبانی از بخش واقعی اقتصاد را برعهده دارند تا شرایط لازم جهت توسعه و رشد پایدار اقتصادی را فراهم نمایند. حمایت این بازارها از بخش واقعی اقتصاد در قالب روش‌های مختلف تأمین مالی و پوشش ریسک صورت می‌پذیرد. به‌طورمعمول بازار پول متولی تأمین مالی کوتاه‌مدت و بازار سرمایه متولی تأمین مالی بلندمدت است و این مهم به کمک ابزارهای مالی انجام می‌گیرد (موسویان و سروش، ۱۳۹۰).

ازآنجاکه همگام‌سازی هر پدیده مالی با نظام مالی اسلامی، آسان و بدون چالش نیست، در بازارهای مالی جمهوری اسلامی ایران نیز این مسأله با ملاحظاتی روبرو بوده که ازجمله آن‌ها به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱- تبیین ماهیت و ساختار اوراق مشارکت؛
۲- انواع اوراق مشارکت اسلامی در کشور؛
۳- تحلیل اقتصادی اوراق بهادار اسلامی و بررسی آثار آن‌ها روی مؤلفه‌های اقتصادی کشور؛
۴- تحلیل فقهی این ابزارها؛
۵- رتبه‌بندی صحیح و به‌روز اوراق بهادار اسلامی از نگاه طرفین معاملات در بازارهای مالی از منظر میزان و نوع ریسک مترتب بر آن‌ها؛
۶- بررسی ذائقه انواع مخاطبین و ذی‌نفعان ابزارهای مالی اسلامی از منظر تسهیم ریسکِ صکوک منتشره در کشور.

پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال است: ابزارهای مالی اسلامی (صکوک) منتشرشده در ایران از منظر تسهیم ریسک چگونه رتبه‌بندی می‌شوند؟

این پژوهش باهدف ارائه رتبه‌بندی جامعی از اوراق براساس ویژگی‌های تسهیم ریسک آن‌ها، تلاش می‌کند تا ضمن درک ریسک‌های عمومی برای تصمیم‌گیری‌های مالی بهتر و تدوین سیاست‌های مرتبط با مالی اسلامی در ایران فراهم کند.

۱. پیشینه پژوهش

عسکری و کریمی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «امکان‌سنجی مدیریت ریسک صکوک»، اوراق صکوک را یکی از متداول‌ترین ابزارهای مالی اسلامی در بازار کشورهای اسلامی دانسته است. ایشان آینده مطلوب صنعت مالی اسلامی را در گرو مدیریت ریسک اوراق بهادار اسلامی یا همان صکوک می‌داند و در این راستا به شناسایی و بررسی ریسک‌هایی که این ابزارها دارند پرداخته؛ همچنین راهکارهایی برای کاهش این ریسک‌ها نیز ارائه کرده‌اند.

توحیدی، کاوند و اعتصامی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «طبقه‌بندی اوراق بهادار اسلامی (صکوک)»، به دسته‌بندی انواع صکوک از منظر قرارداد پایه، دوره انتشار، هدف انتشار، ماهیت سود، ریسک پرداخته‌اند.

کاوند (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «طبقه‌بندی ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)»، ابتدا وضعیت انتشار صکوک در جهان را بررسی کرده و سپس نهادهای مهم منتشرکننده صکوک را معرفی کرده است. وی براساس استانداردهای شرعی سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی، انواع گواهی‌های سرمایه‌گذاری را معرفی کرده و آن‌ها را با ساختارهای صکوک در بازار سرمایه ایران مقایسه کرده است. در بخش پایانی، طبقه‌بندی‌ای از انواع صکوک منتشرشده در بازار ایران ارائه کرده که نقش ریسک در نگاه سرمایه‌گذاران را نیز در نظر گرفته است.

ریزوی، باچا و میرآخور[1] (۲۰۱۶م) در کتابی با عنوان «تأمین مالی بخش عمومی و بازار سرمایه اسلامی»، به دنبال ایجاد سازوکارهای اجرایی مناسب برای تأمین مالی بخش عمومی هستند که این تأمین مالی را از ابزارهای مبتنی‌بر بدهی جدا کرده و با تأکید بر مدل تسهیم ریسک در بازار سرمایه اسلامی، ابزارهای تأمین مالی اسلامی برای بخش عمومی طراحی می‌کنند. در این کتاب تبیین می‌دهند که اجرای این سیاست کلان

1 .Rizvi, Bacha & Mirakhor

اقتصادی منجر به کاهش بدهی‌های دولتی، افزایش تأمین مالی دولت و هدایت دولت به‌سوی توسعه اقتصادی می‌شود.

میرآخور، دواندارو و حمید[۲] (۲۰۱۷م) در مقاله‌ای با عنوان «آیا سازوکار انتقال ریسک پایدار است؟ قراردادهای ناممکن و نابرابری»، به این موضوع پرداخته‌اند که در نظامی که براساس تحمیل یا انتقال ریسک عمل می‌کند، قراردادهای بدهی مبتنی‌بر بهره، با توجه به شرایط اقتصاد متعارف، به‌عنوان «قراردادهای غیرممکن» تلقی می‌شوند؛ زیرا وام‌گیرنده انگیزه‌ای برای بازپرداخت وام ندارد. به همین دلیل، در اقتصاد متعارف، سازوکارهایی مانند وثیقه‌گذاری، مکانیسم‌های قانونی، اجرایی و سیاست‌های انگیزشی برای ممکن ساختن این قراردادهای غیرممکن و ایجاد اطمینان برای وام‌دهنده ایجادشده‌اند که این امر هزینه‌های زیادی را به جامعه تحمیل می‌کند. از سوی دیگر، تسهیم ریسک به‌صورت بالقوه می‌تواند بهره‌وری را افزایش دهد و با «مشارکت همه در بازی» مشکل کارگزار-کارفرما را به حداقل برساند. شرکت‌کنندگان می‌توانند با ایجاد یک محیط مبتنی‌بر اعتماد، انسجام اجتماعی، همیاری و نوع‌دوستی را تقویت کنند.

۲. مبانی نظری

۲-۱. تعریف صکوک

واژه صکوک را جمع کلمه «صک» است. صک به معنای گواهی، اسناد حقوقی، سند رسمی یا چک است و در واقع معادل عربی کلمه «چک» است. کلمه چک فارسی بوده و به همین صورت وارد زبان انگلیسی و با اندکی تغییر وارد زبان عربی شده است. صکوک در معنای تخصصی خود به ابزارهای مالی اسلامی اطلاق می‌شود که مبتنی‌بر دارایی‌های فیزیکی (عینی) یا غیرفیزیکی (دینی) منتشر می‌شوند؛ بنابراین دارندگان این اوراق در حقیقت مالکان دارایی محسوب می‌شوند. طراحی اوراق مبتنی‌بر دارایی‌های غیرفیزیکی تحت‌تأثیر ممنوعیت خریدوفروش دین در فقه اهل سنت قرار دارد. با توجه به اینکه بزرگان فقه شیعه، خریدوفروش دین را مجاز می‌دانند، بنابراین از دیدگاه آنان

2 .Mirakhor, Dewandaru & Hamid

می‌توان اوراق بهادار اسلامی (صکوک) را نه‌تنها مبتنی‌بر دارایی فیزیکی، بلکه مبتنی‌بر دارایی غیر فیزیکی (دین) نیز طراحی نمود (کاوند، ۱۳۹۶).

صکوک، اوراق بهادار باارزش مالی یکسان و قابل معامله در بازارهای مالی هستند که براساس یکی از قراردادهای معتبر اسلامی طراحی شده‌اند و دارندگان این اوراق به‌طور مشترک مالک یک یا مجموعه‌ای از دارایی‌ها و منافع حاصل از آن‌ها هستند.

۲-۲. برخی از عمده مزایای استفاده از اوراق مالی اسلامی

تفاوت‌های بسیاری بین اوراق قرضه رایج و اوراق مالی اسلامی موجود است و استفاده از ابزارهای مالی اسلامی در برابر سایر اوراق بهادار، دارای مزایای فراوانی است. درواقع به‌نوعی می‌توان گفت که این اوراق بهادار اسلامی ارتباطی بین بازار پول و بازار سرمایه برقرار می‌کنند که خود باعث گسترش فعالیت‌های حقیقی اقتصادی می‌شود. برخی دیگر از این مزایا بدین شرح است:

در حالتی که ناشر، صکوکی را منتشر کند که پشتوانه دارایی‌های آن غیرنقد هستند یا حجم نقدینگی پایینی دارند، آن دارایی از ترازنامه حذف شده و مبالغ نقد جایگزین آن می‌شوند.

در قراردادهای صکوک، بخشی از اموال و دارایی‌ها با تغییر مالکیت مشاع از بانی جدا می‌شوند اما بااین‌وجود بانی می‌تواند از آن دارایی‌ها استفاده کند و فعالیت‌اش را پیش ببرد.

در فرایند انتشار اوراق اسلامی، حجم مناسبی از نقدینگی به دست تأمین مالی شونده (بانی) می‌رسد که از این طریق می‌تواند به‌پیش برد فعالیتش سرعت بیشتری ببخشد.

در فرایند انتشار صکوک، دارایی‌ها به‌نوعی اوراق بهادار مبدل می‌شوند که این مسأله به گسترش و توسعه بازار سرمایه می‌انجامد.

درصورتی‌که امکان معامله صکوک در بازار ثانوی به وجود بیاید، این باعث افزایش نقدشوندگی اوراق می‌شود و خود بازار مطلوبی است.

پشتوانه صکوک، همان دارایی‌های حقیقی بانی ست که این امر باعث کاهش ریسک برای سرمایه‌گذار است و همچنین باعث کاهش هزینه تأمین مالی می‌شود.

اوراق عاری از ربا است و با توجه به موازین شارع مقدس طراحی شده که این مسأله خود باعث سلامت معنوی بازار اسلامی می‌شود و تبعات خوبی خواهد داشت.

با توجه به تطبیق اوراق با فقه اسلامی، می‌توان بخشی از جامعه‌ی متدین را که به‌طور زمینه‌ای در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت چندانی ندارند، وارد فرایندهای مالی و سرمایه‌ای کرد که این مسأله نیز باعث افزایش نقدینگی بازار و تکاپوی اقتصادی می‌شود (موسویان و کشاورزیان، ۱۳۹۳).

۲-۳. کارکرد ابزارهای تأمین مالی اسلامی (صکوک)

صکوک درواقع بهترین شیوه برای تأمین نقدینگی لازم برای انجام طرح‌های بزرگ است. بسیاری از طرح‌های کلان اقتصادی و تجاری در فرایند گردش اقتصادی یک کشور در حال انجام است که تأمین مالی آن از عهده یک شخص یا شرکت خصوصی و بعضاً حتی از عهده دولت نیز خارج است که با انتشار صکوک می‌توان این طرح‌ها را تأمین مالی کرد.

حجم نقدینگی بسیاری که در فضای مالی و اقتصادی سرگردان است و بسیاری از این مبالغ بلااستفاده یا خواب هستند که خود در یک سلسله علل به رشد تورم می‌انجامد؛ صکوک سرمایه‌گذاری راه‌حل مناسبی برای مدیریت و کنترل این نقدینگی است.

سرمایه‌گذاران زیادی مایل هستند که مازاد منابع مالی خود را در فعالیت‌های اقتصادی سودآور سرمایه‌گذاری کنند، درعین‌حال می‌خواهند در صورت نیاز سرمایه خود را در اسرع وقت نقد کنند و با این شرایط صکوک بهترین گزینه برای این افراد است.

یکی از مهم‌ترین اهدافی که اقتصاد اسلامی دنبال می‌کند، توزیع عادلانه ثروت در جامعه است. در انتشار صکوک سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی بین عده زیادی از سرمایه‌گذاران کلان و خُرد تقسیم می‌شود و درواقع هرکس بسته به میزان سرمایه‌اش

می‌تواند در جریان فعالیت‌های اقتصادی شریک باشد؛ بنابراین صکوک ابزاری است که باعث تحقق اهداف اقتصاد اسلامی نیز می‌شود.

ازآنجایی‌که این اوراق، قراردادهایی مبتنی‌بر کار واقعی و فعالیت حقیقی اقتصادی است، علاوه‌بر اینکه خود باعث عمق‌بخشی به حوزه‌ی اقتصاد کشور و تولید کار واقعی می‌شود، با توجه به تقسیم ریسک سرمایه‌گذاری بین افراد مختلف موجب کاهش نااطمینانی و ریسک خواهد شد که در طی زمان به‌سلامت و آرامش بازار کمک می‌کند و درنهایت موجب ثبات بازار خواهد شد.

صکوک انواع مختلفی دارد و در زمینه‌های مختلف قابل استفاده است. این تنوع ساختاری باعث می‌شود سرمایه‌گذاران با سلیقه‌های مختلف و قدرت تحمل ریسک متفاوت، جذب این بازار شوند و در جریان فعالیت‌های اقتصادی مشارکت کنند (آقاتقی، حسن‌زاده سروستانی و صبوری، ۱۳۹۹).

۲-۴. ریسک و مقوله تسهیم ریسک

به‌طورکلی ریسک را در لغت به معنی «خطر» یا «در معرض خطر» معادل‌سازی می‌کنند و نیز در حالت اصطلاحی به موقعیتی اطلاق می‌شود که یک فرایند، جایگشت‌هایی بیش از یک مورد را درنتیجه داشته باشد؛ یعنی احتمال وقوع بیش از یک نتیجه، عدم ثبات و تغییرپذیری نتایج وجود داشته باشد. البته مفهوم ریسک، دارای مضمون گسترده و عمیقی است که نسبت به تعاریف اصطلاحی آن می‌شود تدقیق بیشتری کرد و تفاوت باریک آن را با «عدم قطعیت» مورد کنکاش قرار داد. به‌طور مثال یک سرمایه‌گذار قصد دارد در یک فعالیت اقتصادی شرکت کند و طبق برنامه‌ریزی‌ها می‌داند که سودی بین یک تا سه میلیارد ریال نصیبش خواهد شد. در شرایط دیگری یک سرمایه‌گذار در طرحی سرمایه‌گذاری می‌کند اما اطمینان ندارد که اصلاً سودی نصیبش می‌شود یا خیر؛ بلکه احتمال این را می‌دهد که متضرر شود یا نیز اصل سرمایه‌اش را از دست بدهد. این شرایط حالت‌های متفاوتی را در سرمایه‌گذاری و همچنین زندگی روزمره پیش روی انسان‌ها می‌گذارد. به‌نوعی می‌توان گفت در حالتی که مبنای آینده بر سود است و تنها در میزان آن سود تشکیک وجود دارد، این حالت به وضعیت عدم قطعیت نزدیک‌تر

است. درحالی‌که آنگاه‌که در یک شرایط ملتهب وارد معامله‌اش می‌شود که احتمال ضرر به میزان بخشی از سرمایه اصلی فرد نیز مطرح می‌شود، این شرایط به تعریف دقیق ریسک منطبق می‌شود. در حقیقت در یک شرایط دارای ریسک، در ابتدا وضعیت موجود بررسی می‌گردد و اندازه‌گیری‌ها صورت می‌گیرد، لکن تا پروسه به انجام نرسد و فرایند فعالیت‌ها به نتیجه انتهایی نرسند، نتیجه قطعی مشخص نخواهد شد و این نتیجه نیز به عوامل مختلف و گسترده‌ای مرتبط خواهد بود که اندازه‌گیری و پیش‌بینی آن‌ها با دشواری زیادی همراه است. یکی از مؤلفه‌های موقعیت دارای ریسک این است که در نتایج محتملی که از موقعیت انتظار می‌رود، حداقل یکی از آن‌ها پیامدهای نامطلوب یا خطرناکی را در پی داشته باشد که کسب اطمینان از عدم رخداد آن جایگشت نیز قابل انجام نباشد. به‌بیان‌دیگر می‌توان گفت که عدم اطمینان و قرار گرفتن در معرض این عدم اطمینان از مهم‌ترین مشخصه‌های تشکیل‌دهنده انواع ریسک‌ها است (عمادی و خمیس‌آبادی، ۱۳۹۶).

۲-۵. ریسک در اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی

ریسک در نظام مالی اسلامی نیز مانند نظام مالی متعارف وجود دارد و نوعی چالش تلقی می‌شود؛ اما در هر نظام مالی فن‌های را برای شناسایی و مدیریت ریسک انجام داده‌اند. در نظام مالی اسلامی، دو قاعده فقهی معروف به نام «الخراج بالضمان» و «من له الغنم و له الغرم» بر پایه ریسک مبنا است. از این دو قاعده فقهی دریافت می‌شود که بازدهی حاصل از یک دارایی درواقع با میزان مسئولیت‌پذیری در برابر خسارت احتمالی آن دارایی ترکیب شده است؛ اما در قراردادهای مالی مبتنی‌بر نرخ بهره، به دلیل اینکه تمام مسئولیت وام بر عهده وام‌گیرنده قرار می‌گیرد از طریق تعیین نرخ بازده ثابت، این جدایی بین دو جنبه، یعنی بازدهی و مسئولیت‌پذیری در برابر خسارت احتمالی، ایجاد می‌شود. به همین دلیل، این قراردادها ریسک‌های مربوط به وام را به وام‌گیرنده منتقل می‌کنند، درحالی‌که وام‌دهنده هیچ‌گونه ریسکی را نمی‌پذیرد. در نظام مالی اسلامی، جداسازی حق بهره‌برداری از بازده، بدون مشارکت و مسئولیت‌پذیری در برابر خسارت، مجاز نیست؛ بنابراین، انتقال ریسک در این نظام ممنوع بوده و به‌جای آن،

مشارکت در ریسک تشویق می‌شود. این نکته بدین‌معنا نیست که گرایش فردی به ریسک براساس یک دستورالعمل ثابت تعیین‌شده باشد، بلکه به دلیل برخی ویژگی‌های شخصی تحمل ریسک در برخی بیش از دیگران است؛ اما نکته‌ای که نباید از آن غافل بود این است که اوراق بهادار ربوی معمولاً بر پایه قراردادهای قرض با بهره طراحی می‌شوند و صاحبان این اوراق هیچ نقشی در مالکیت دارایی‌ها ندارند و درآمد آن‌ها به‌صورت کاملاً برون‌زا و بدون وابستگی به بازدهی فعالیت‌های اقتصادی تعیین می‌شود؛ درحالی‌که در مورد اوراق بهادار اسلامی (صکوک) به‌طورمعمول، صاحبان این اوراق در مالکیت دارایی‌های موردقرارداد شرکت دارند و در انجام فعالیت‌های اقتصادی مشارکت می‌کنند و بازدهی این اوراق مرتبط با بازدهی پروژه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی است (ملک‌زاده، ۱۳۹۷).

نکته دیگری که وجود دارد این است که برخی فرهنگ‌نامه‌ها ریسک را به «غرر» ترجمه کرده‌اند ولی با توجه به معنای غرر در حقوق اسلامی و با توجه به منشأ و موارد آن، غرر با اصطلاح ریسک تفاوت دارد. به‌طور عمده در مبادلات و معاملات بین‌المللی، به معنای «مسئولیت»، «قبول مخاطره»، «خطرات»، «معامله یا حمل کالا به‌شرط مسئولیت صاحب کالا» است و در این مفاهیم معمولاً به‌صورت ترکیب با کلمات دیگر به‌کاررفته، هیچ مطابقتی با مفهوم اصطلاحی غرر ندارد؛ در تعاریفی که از ریسک آمده این کلمه اساساً به معنای غرر و خطر ناشی از جهل به موضوع مورد معامله (کالا) و ثمن و یا عدم قدرت بر تسلیم مورد معامله که در حقوق اسلامی و به‌تبع آن در حقوق مدنی ایران تبیین شده، نیست. از طرف دیگر یکی از مهم‌ترین دلایل نهی غرر در فقه اسلامی، جلوگیری از ادعاهای احتمالی طرف‌ها در معامله‌های غرری است. به‌بیان‌دیگر، اسلام به شفاف بودن شرایط و کامل بودن اطلاعات معامله‌کنندگان در معامله بسیار حساس است؛ زیرا نقض این شرایط باعث ادعاهای احتمالی معامله‌کنندگان می‌شود؛ اما در اقتصاد به‌طور عام و در اقتصاد اسلامی، به‌طور خاص، شرایط و معامله‌هایی وجود دارد که همراه با نااطمینانی است؛ ولی غرری نیست. برای مثال، خرید اوراق سهام همراه با نااطمینانی است؛ یعنی سود این اوراق مشمول معامله‌های غرری نیست؛ زیرا همه خریداران این اوراق به‌طور بالقوه می‌توانند برنده

بوده و از سود این اوراق استفاده کنند؛ به‌عبارت‌دیگر، در معامله‌های اوراق سهام، برد (سود) یک نفر الزاماً با باخت (زیان) طرف دیگر، برابر نیست؛ بنابراین، می‌توان گفت که هر معامله و رابطه غرری شامل نااطمینانی است؛ اما هر معامله و رفتار اقتصادی که در شرایط نااطمینانی انجام شود، غرری نیست. تنها تفاوت بین تصمیم‌گیری در شرایط نااطمینانی برای فرد مسلمان و غیرمسلمان نوع تابع مطلوبیت و متغیرهای مربوط به آن است. برای مثال، برای فرد مسلمان علاوه‌بر این تغییرها، مؤلفه‌هایی مانند انفاق و غیره، وارد تابع مطلوبیت او می‌شود؛ اما تبدیل ترجیح‌های فرد مسلمان و یا غیرمسلمان در شرایط نااطمینانی به تابع مطلوبیت (به فرم ریاضی) ملزم به رعایت یک سلسله فرض‌های بدیهی است که به نظر می‌رسد برای هر فرد مسلمان یا غیرمسلمان مشترک باشد. (حسن‌زاده سروستانی و قزلباش، رستمی‌پور و قوام، ۱۴۰۰).

۲-۶. مدیریت ریسک

در سیستم مالی یکی از مهم‌ترین نکاتی که پردازشگران این حوزه را با مخاطره روبه‌رو می‌کند، انواع ریسک‌هایی است که در یک فرایند، موجود است. انواع مختلفی از ریسک‌ها مانند ریسک‌های اعتباری، ریسک نقدینگی، ریسک بازار و... وجود دارند که در بسترهای مختلف و شرایط گوناگون حالت‌های خاصی را شکل می‌دهد و تا حدودی قابل‌اندازه‌گیری است. در حقیقت از طریق بررسی سوابق و طی کردن مسیری مانند یک دنباله عددی، با پیگیری گذشته یک فرایند تا حدودی می‌توان آینده پیش روی آن را تصویرسازی کرد. البته در سیستم‌های مختلف، این درصد احتمال صحت پیش‌بینی متفاوت است. همان‌طور که عوامل دخیل در رخداد ریسک‌های مختلف، تنوع دارد و در بسترهای مختلف تغییر می‌کند. با شناخت و مطالعه حالت‌های مختلف و جایگشت‌های متنوع یک رویداد، می‌توان برای آینده برنامه‌ریزی کرد و از این طریق برخی ریسک‌ها را مدیریت کرد. اگرچه مؤلفه‌های اصلی مدیریت ریسک شامل تشخیص، سنجش، پایش و مدیریت انواع ریسک هستند، اما این هدف‌ها هنگامی اجرایی می‌شود که نظامی کارآمد پدید آید. مدیریت ریسک با مدیریت سودآوری ارتباط نزدیکی دارد به‌این‌علت که ریسک فاکتور اصلی برای سودآوری است. مدیریت

ریسک موضوع جدیدی است که پیشرفت قابل‌توجهی را در چند دهه اخیر در جهان پدید آورده است. ریسک در نظام مالی اسلامی، مشابه نظام مالی متعارف، یک مسأله است. به‌طورکلی، می‌توان گفت که صکوک به‌عنوان یکی از ابزارهای مالی اسلامی، به‌طور ذاتی دارای ریسک بیشتری نسبت به سایر ابزارهای مالی است (نظرپور، عبادی و میرحسینی، ۱۳۹۷).

۲-۷. تسهیم ریسک

مسأله تسهیم ریسک مدت‌ها قبل از آغاز به کار بانک‌های مدرن و دیگر مؤسسات مالی بخش بزرگی از فعالیت‌های بشر را به خود اختصاص داده بود.

تسهیم ریسک به‌معنای به اشتراک گذاشتن تمامی ریسک‌های موجود در فرایند انجام یک امر بین عاملین و سرمایه‌گذاران و به‌طورکلی عوامل دخیل در سودوزیان آن طرح است.

در میان مردم در همه مواردی که منابع مختلف ازجمله منابع مالی، نیروی‌کار، منابع فنی یا سایر نهادها به‌منظور انجام فعالیت تولیدی جمع می‌شوند، امری رایج بوده است. انجام فعالیت‌ها به‌صورت مشترک و با اشتراک گذاشتن ریسک‌های موجود (تسهیم ریسک) به این امید صورت می‌گرفت که ترکیب تعدادی از مشارکت‌کنندگان، منابع مالی بزرگ، مهارت‌ها و فناوری‌های متنوع، منجر به تولید و سود بیشتری نسبت به اقدامات فردی شود. در برخی موارد طرح‌هایی که به دلایل متعدد امکان اجرای آن‌ها وجود نداشت با استفاده از تسهیم ریسک اجرایی می‌شد. بدین‌صورت که طرفین فعالیت‌های سرمایه‌گذاری، قرارداد و توافق‌نامه‌هایی را تنظیم می‌کردند که مشارکت هر یک از طرفین شامل شرایط مالی، مدیریتی، فنی و سایر رویدادهای ممکن را تعیین و نحوه توزیع عایدات طرح را مشخص می‌نمود. درنتیجه بنگاه‌های تسهیم ریسک (مشارکتی) در طول قرن‌ها تغییر، در قالب ساختار شرکتی مدرن تجسم یافتند که در این شرکت‌ها تعداد زیادی از افراد مالکان سهام شرکت‌ها هستند. در بسیاری از اقتصادهای پیشرفته حجم قالب تولید اقتصادی و اشتغال، در این‌گونه شرکت‌ها صورت می‌پذیرد (هادوی‌نیا و عرب بافرانی، ۱۳۹۵).

۳. روش تحقیق

تحقیق حاضر ازنظر هدف کاربردی و ازنظر شیوه گردآوری اطلاعات از نوع تحقیقات توصیفی پیمایشی و از شاخه میدانی است. ازآنجایی‌که این مطالعه به‌صورت اکتشافی است بنابراین در مطالعه حاضر فرضیه وجود نداشته و به سؤال‌های پژوهش پاسخ داده می‌شود. محوریت پژوهش حاضر برمبنای نظرات خبرگان است و برخورداری پاسخ‌دهندگان از دانش، تخصص و دقت بسیار بالا در زمینه ابزارهای مالی و رویه‌های آن، بسیار ضروری است؛ بنابراین جامعه آماری این پژوهش متخصصین است. طرح نمونه‌برداری به‌صورت نمونه‌برداری غیراحتمالی هدفمند (قضاوتی) است. این طرح مستلزم انتخاب آزمودنی‌هایی است که بهترین شرایط را برای ارائه اطلاعات موردنیاز دارند. بر این اساس پرسشنامه در اختیار ۳۱ متخصص قرار داده شد.

این تحقیق به دنبال رتبه‌بندی ریسک اعتباری ارکان در انواع اوراق صکوک با استفاده از روش تاپسیس است، بنابراین می‌توان آن را یک پژوهش کاربردی دانست. این پژوهش به‌صورت توصیفی- پیمایشی انجام شده است، زیرا پرسشنامه‌ای به‌منظور بررسی آن در ایران طراحی و اجرا شده است. جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق به دو مرحله تقسیم می‌شود؛ در مرحله اول از طریق روش کتابخانه‌ای و مراجعه به اسناد و مدارک موجود و در مرحله دوم اطلاعات و داده‌های خام از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده‌اند. در مطالعه حاضر، در پرسشنامه از سؤال‌های بسته با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت استفاده شده است. بدین‌منظور پرسشنامه تدوین شده، در بین متخصصان توزیع و از آنان خواسته شد که اهمیت و اولویت هر معیار، بر مبنای طیف پنج‌تایی برآورد کنند.

روایی تحقیق در این مطالعه به دو نوع صوری و محتوایی بررسی شده است. برای طراحی پرسشنامه، در ابتدا با انجام مطالعات کتابخانه‌ای، مفاهیم و متغیرهای اساسی به‌طور کامل شناسایی شده و روش‌های اندازه‌گیری آن‌ها مشخص می‌شود تا بتوان سؤالات مناسبی برای دستیابی به اهداف طراحی پرسشنامه ایجاد نمود. پس‌ازآن

پرسشنامه طراحی شده برای بررسی روایی در اختیار خبرگان قرارگرفته، تعدیل و تصحیح می‌گردد. در پژوهش حاضر با توجه به تعداد، مطلوبیت در CVR و CVI برقرار است. پایایی پرسشنامه از منظر ناشر، متعهد پذیره‌نویسی، بازارگردان، ضامن، بانی و کل متغیرها، بالاتر از ۰.۷ بوده و تأیید می‌گردد. در این مطالعه از مدل‌های تصمیم‌گیری برای تجزیه‌وتحلیل اطلاعات استفاده شد. روش تجزیه‌وتحلیل اطلاعات با استفاده از روش تاپسیس است.

۴. یافته‌های تحقیق

در این پژوهش از فن تاپسیس برای ارزیابی و رتبه‌بندی ابزارهای مالی استفاده شد. این فن شامل مراحل ذیل است:

- گام اول: ایجاد ماتریس تصمیم‌گیری: در این گام ماتریس تصمیم ایجاد می‌شود.
- گام دوم: نرمال‌سازی یا بی‌مقیاس کردن ماتریس: در این گام مقیاس‌های موجود در ماتریس تصمیم، بدون مقیاس گردید. به‌این‌ترتیب که هرکدام از مقادیر بر اندازه بردار مربوط به همان شاخص تقسیم می‌شود.
- گام سوم: وزن دهی به ماتریس نرمال شده: ماتریس تصمیم درواقع پارامتری است و الزم است، کمی شود. به این منظور تصمیم‌گیرنده، برای هر شاخص وزنی را معین می‌کند. مجموعه وزن‌ها در ماتریس نرمال شده ضرب می‌شود.
- گام چهارم: تعیین راه‌حل ایدئال مثبت و ایده‌آل منفی: در این گام دو گزینه مجازی ایجاد شده درواقع بدترین و بهترین راه‌حل هستند که در جدول (۱)، نمایش داده شده است.

جدول (۱): ایده‌آل مثبت و ایده‌آل منفی

مصاحبه‌شونده	راه‌حل بهینه		مصاحبه‌شونده	راه‌حل بهینه	
	مثبت	منفی		مثبت	منفی
خبره ۱	۰.۰۰۲	۰.۰۱۰۲	خبره ۱۷	۰.۰۰۲	۰.۰۰۹۹
خبره ۲	۰.۰۰۱۸	۰.۰۰۸۹	خبره ۱۸	۰.۰۰۲	۰.۰۱
خبره ۳	۰.۰۰۱۷	۰.۰۰۸۷	خبره ۱۹	۰.۰۰۲	۰.۰۱

مصاحبه‌شونده	راه‌حل بهینه		مصاحبه‌شونده	راه‌حل بهینه	
	مثبت	منفی		مثبت	منفی
خبره ۴	۰.۰۰۱۷	۰.۰۰۸۷	خبره ۲۰	۰.۰۰۳	۰.۰۰۷۶
خبره ۵	۰.۰۰۱۸	۰.۰۰۸۹	خبره ۲۱	۰.۰۰۳۷	۰.۰۰۹۲
خبره ۶	۰.۰۰۳۹	۰.۰۰۹۸	خبره ۲۲	۰.۰۰۱۹	۰.۰۰۹۳
خبره ۷	۰.۰۰۱۸	۰.۰۰۹۲	خبره ۲۳	۰.۰۰۲	۰.۰۰۹۹
خبره ۸	۰.۰۰۲۷	۰.۰۱۳۷	خبره ۲۴	۰.۰۰۲۲	۰.۰۱۱
خبره ۹	۰.۰۰۱۹	۰.۰۰۹۷	خبره ۲۵	۰.۰۰۳۳	۰.۰۰۸۲
خبره ۱۰	۰.۰۰۱۹	۰.۰۰۹۷	خبره ۲۶	۰.۰۰۳۴	۰.۰۰۸۶
خبره ۱۱	۰.۰۰۱۹	۰.۰۰۹۳	خبره ۲۷	۰.۰۰۳۶	۰.۰۰۹۱
خبره ۱۲	۰.۰۰۳۴	۰.۰۰۸۶	خبره ۲۸	۰.۰۰۳۵	۰.۰۰۸۹
خبره ۱۳	۰.۰۰۱۹	۰.۰۰۹۴	خبره ۲۹	۰.۰۰۳۶	۰.۰۰۹۱
خبره ۱۴	۰.۰۰۲۳	۰.۰۱۱۶	خبره ۳۰	۰.۰۰۳۵	۰.۰۰۸۸
خبره ۱۵	۰.۰۰۱۹	۰.۰۰۹۳	خبره ۳۱	۰.۰۰۳۶	۰.۰۰۹۱
خبره ۱۶	۰.۰۰۳۶	۰.۰۰۸۹			

– گام پنجم: تعیین اندازه فاصله از راه‌حل ایده‌آل مثبت و منفی.

فاصله بین هر گزینه با استفاده از روش اقلیدسی سنجیده شد؛ یعنی فاصله گزینه‌ها از گزینه‌های ایده‌آل مثبت و منفی برآورد شد که در جدول (۲)، نمایش داده شده است.

جدول (۲): فاصله‌ها از ایده‌آل مثبت و ایده‌آل منفی

گزینه	اندازه فاصله		گزینه	اندازه فاصله	
	مثبت	منفی		مثبت	منفی
گزینه ۱	۰.۰۲۴۸	۰.۰۲۲۹	گزینه ۱۶	۰.۰۱۴۵	۰.۰۳۱۶
گزینه ۲	۰.۰۲۱۹	۰.۰۲۵۸	گزینه ۱۷	۰.۰۱۳۷	۰.۰۳۰۶
گزینه ۳	۰.۰۲۲	۰.۰۲۴۸	گزینه ۱۸	۰.۰۱۶۹	۰.۰۳۰۸
گزینه ۴	۰.۰۲۵	۰.۰۲۱۲	گزینه ۱۹	۰.۰۱۷	۰.۰۲۷۱
گزینه ۵	۰.۰۲۱۹	۰.۰۲۵۴	گزینه ۲۰	۰.۰۱۶۴	۰.۰۲۸۵

گزینه	اندازه فاصله		گزینه	اندازه فاصله	
	مثبت	منفی		مثبت	منفی
گزینه ۶	۰.۰۲۴۱	۰.۰۲۲۸	گزینه ۲۱	۰.۰۱۷۷	۰.۰۲۵۲
گزینه ۷	۰.۰۱۷۴	۰.۰۲۹۵	گزینه ۲۲	۰.۰۱۷۱	۰.۰۲۷۹
گزینه ۸	۰.۰۱۸	۰.۰۲۸۲	گزینه ۲۳	۰.۰۱۸۳	۰.۰۲۷۴
گزینه ۹	۰.۰۱۴۱	۰.۰۳۰۶	گزینه ۲۴	۰.۰۱۹۱	۰.۰۲۶
گزینه ۱۰	۰.۰۱۷۸	۰.۰۲۸	گزینه ۲۵	۰.۰۳۴۵	۰.۰۰۷۳
گزینه ۱۱	۰.۰۱۵۶	۰.۰۳۲۱	گزینه ۲۶	۰.۰۱۸۲	۰.۰۲۴۳
گزینه ۱۲	۰.۰۱۴۶	۰.۰۳۰۱	گزینه ۲۷	۰.۰۳۴۳	۰.۰۰۹۳
گزینه ۱۳	۰.۰۱۶۴	۰.۰۳	گزینه ۲۸	۰.۰۳۱۹	۰.۰۱۲۷
گزینه ۱۴	۰.۰۱۲۱	۰.۰۳۲۲	گزینه ۲۹	۰.۰۲۹	۰.۰۱۴۸
گزینه ۱۵	۰.۰۱۳۳	۰.۰۳۱	گزینه ۳۰	۰.۰۳۱۵	۰.۰۱۲۵

– گام ششم: محاسبه نزدیکی به راه‌حل ایده آل مثبت و منفی و رتبه‌بندی گزینه‌ها

رتبه‌بندی نهایی گزینه‌ها در جدول (۳) نمایش داده شده است.

جدول (۳): محاسبه نزدیکی به راه‌حل ایده‌آل مثبت و منفی

سؤال	نتیجه نهایی
میزان ریسک اعتباری ناشر هنگام استفاده از اوراق مشارکت را از ۱ الی ۵ ارزیابی نمایید.	۰.۴۶۰۴
میزان ریسک اعتباری ناشر هنگام استفاده از اوراق اجاره را از ۱ الی ۵ ارزیابی نمایید.	۰.۵۱۹۷
میزان ریسک اعتباری ناشر هنگام استفاده از اوراق مرابحه را از ۱ الی ۵ ارزیابی نمایید.	۰.۴۸۶۳
میزان ریسک اعتباری ناشر هنگام استفاده از اوراق خرید دین را از ۱ الی ۵ ارزیابی نمایید.	۰.۴۴۴۸
میزان ریسک اعتباری ناشر هنگام استفاده از اوراق منفعت را از ۱ الی ۵ ارزیابی نمایید.	۰.۵۲۰۱
میزان ریسک اعتباری ناشر هنگام استفاده از اوراق رهنی را از ۱ الی ۵ ارزیابی نمایید.	۰.۵۰۲۴
میزان ریسک اعتباری که متعهد پذیره‌نویسی هنگام استفاده از اوراق مشارکت، متحمل می‌شود را از ۱ الی ۵ ارزیابی نمایید.	۰.۶۴۵

سؤال	نتیجه نهایی
میزان ریسک اعتباری که متعهد پذیره‌نویسی هنگام استفاده از اوراق اجاره، متحمل می‌شود را از ۱ الی ۵ ارزیابی نمایید.	۰.۶۶۶۶
میزان ریسک اعتباری که متعهد پذیره‌نویسی هنگام استفاده از اوراق مرابحه، متحمل می‌شود را از ۱ الی ۵ ارزیابی نمایید.	۰.۷۲۶۱
میزان ریسک اعتباری که متعهد پذیره‌نویسی هنگام استفاده از اوراق خرید دین، متحمل می‌شود را از ۱ الی ۵ ارزیابی نمایید.	۰.۶۳۷۲
میزان ریسک اعتباری که متعهد پذیره‌نویسی هنگام استفاده از اوراق منفعت، متحمل می‌شود را از ۱ الی ۵ ارزیابی نمایید.	۰.۶۹۴۲
میزان ریسک اعتباری که متعهد پذیره‌نویسی هنگام استفاده از اوراق رهنی، متحمل می‌شود را از ۱ الی ۵ ارزیابی نمایید.	۰.۶۸۸۴
میزان ریسک اعتباری که بازار گردان هنگام استفاده از اوراق مشارکت، متحمل می‌شود را از ۱ الی ۵ ارزیابی نمایید.	۰.۶۹۱۴
میزان ریسک اعتباری که بازارگردان هنگام استفاده از اوراق اجاره، متحمل می‌شود را از ۱ الی ۵ ارزیابی نمایید.	۰.۷۵۲۸
میزان ریسک اعتباری که بازارگردان هنگام استفاده از اوراق مرابحه، متحمل می‌شود را از ۱ الی ۵ ارزیابی نمایید.	۰.۷۵۸۳
میزان ریسک اعتباری که بازارگردان هنگام استفاده از اوراق خرید دین، متحمل می‌شود را از ۱ الی ۵ ارزیابی نمایید.	۰.۷۲۷۵
میزان ریسک اعتباری که بازارگردان هنگام استفاده از اوراق منفعت، متحمل می‌شود را از ۱ الی ۵ ارزیابی نمایید.	۰.۷۳۳۷
میزان ریسک اعتباری که بازارگردان هنگام استفاده از اوراق رهنی، متحمل می‌شود را از ۱ الی ۵ ارزیابی نمایید.	۰.۶۷۵۶
میزان ریسک اعتباری که ضامن هنگام استفاده از اوراق مشارکت، متحمل می‌شود را از ۱ الی ۵ ارزیابی نمایید.	۰.۶۶۲۲
میزان ریسک اعتباری که ضامن هنگام استفاده از اوراق اجاره، متحمل می‌شود را از ۱ الی	۰.۶۷۶۴

سؤال	نتیجه نهایی
۵ ارزیابی نمایید.	
میزان ریسک اعتباری که ضامن هنگام استفاده از اوراق مرابحه، متحمل می‌شود را از ۱ الی ۵ ارزیابی نمایید.	۰.۶۱۲
میزان ریسک اعتباری که ضامن هنگام استفاده از اوراق خرید دین، متحمل می‌شود را از ۱ الی ۵ ارزیابی نمایید.	۰.۶۳۹۴
میزان ریسک اعتباری که ضامن هنگام استفاده از اوراق منفعت، متحمل می‌شود را از ۱ الی ۵ ارزیابی نمایید.	۰.۶۴۹۴
میزان ریسک اعتباری که ضامن هنگام استفاده از اوراق رهنی، متحمل می‌شود را از ۱ الی ۵ ارزیابی نمایید.	۰.۶۳۱۱
میزان ریسک اعتباری بانی هنگام استفاده از اوراق مشارکت را از ۱ الی ۵ ارزیابی نمایید.	۰.۳۹۱۹
میزان ریسک اعتباری بانی هنگام استفاده از اوراق اجاره را از ۱ الی ۵ ارزیابی نمایید.	۰.۶۱۴۴
میزان ریسک اعتباری بانی هنگام استفاده از اوراق مرابحه را از ۱ الی ۵ ارزیابی نمایید.	۰.۵۴۱۶
میزان ریسک اعتباری بانی هنگام استفاده از اوراق خرید دین را از ۱ الی ۵ ارزیابی نمایید.	۰.۵۱۷
میزان ریسک اعتباری بانی هنگام استفاده از اوراق منفعت را از ۱ الی ۵ ارزیابی نمایید.	۰.۵۰۳۳
میزان ریسک اعتباری بانی هنگام استفاده از اوراق رهنی را از ۱ الی ۵ ارزیابی نمایید.	۰.۴۹۴۸

نتیجه‌گیری

بنگاه‌های اقتصادی جهت تأمین مالی طرح‌های خود از قدیم از روش‌های متعددی بهره می‌بردند. در دنیا یکی از اصلی‌ترین این روش‌ها انتشار اوراق قرضه با بهره مشخص است. اوراق قرضه براساس عقد قرض همراه با بهره ثابت منتشر می‌شود که با اصول اولیه مبانی اسلامی در خصوص نهی ربا تضادی آشکار دارد. همچنین اصول صحیح تسهیم ریسک بین ارکان انتشار در آن اعمال نشده است؛ بنابراین یافتن جایگزینی مناسب برای آن خالی از لطف نیست. لذا محققین اسلامی صکوک را به‌عنوان ابزار مناسبی برای جایگزینی اوراق قرضه معرفی کرده‌اند. در این پژوهش، ریسک اعتباری

تحمیل‌شده به ارکان انتشار این اوراق یا پذیرفته شده توسط آن‌ها شناسایی سپس با استفاده از روش رتبه‌بندی تاپسیس رتبه‌بندی گردید.

در خصوص پاسخ به سؤال دوم این پژوهش مبتنی‌بر رتبه‌بندی صکوک منتشره در بازار سرمایه ایران از منظر تسهیم ریسک بین ارکان آن‌ها، توسط جمعی از خبرگان دانشگاهی و فعالین بازار سرمایه ازجمله اعضای هیأت علمی دانشگاه، مدیرعامل و کارشناسان ارشد شرکت مدیریت دارایی مرکزی بازار سرمایه، مدیران تأمین سرمایه‌ها، نتایجی حاصل شد و پس‌ازآن با استفاده از روش تاپسیس که یک روش رتبه‌بندی چند معیاره است، طبق جدول (۳) رتبه‌بندی شد. درنهایت طبق جدول (۴) نتایج ذیل حاصل گردید:

جدول (۵): یافته‌های پژوهش برمبنای نتایج نهایی تاپسیس

نتایج نهایی تاپسیس	مشارکت	اجاره	مرابحه	خرید دین	منفعت	رهنی	میانگین
ناشر	۰.۴۶۰۴	۰.۵۱۹۷	۰.۴۸۶۳	۰.۴۴۴۸	۰.۵۲۰۱	۰.۵۰۲۴	۰.۴۸۸۹
متعهد پذیره‌نویسی	۰.۶۴۵	۰.۶۶۶۶	۰.۷۲۶۱	۰.۶۳۷۲	۰.۶۹۴۲	۰.۶۸۸۴	۰.۶۷۶۲
بازارگردان	۰.۶۹۱۴	۰.۷۵۲۸	۰.۷۵۸۳	۰.۷۲۷۵	۰.۷۳۳۷	۰.۶۷۵۶	۰.۷۲۳۲
ضامن	۰.۶۶۲۲	۰.۶۷۶۴	۰.۶۱۲	۰.۶۳۹۴	۰.۶۴۹۴	۰.۶۳۱۱	۰.۶۴۵۰
بانی	۰.۳۹۱۹	۰.۶۱۴۴	۰.۵۴۱۶	۰.۵۱۷	۰.۵۰۳۳	۰.۴۹۴۸	۰.۵۱۰۵

بدین ترتیب یافته‌های ذیل حاصل‌شده است:

- در اوراق مشارکت بیشترین میزان ریسک به بانی و کمترین آن به بازارگردان تسهیم می‌شود.
- در اوراق اجاره بیشترین میزان ریسک به ناشر و کمترین آن به بازارگردان تسهیم می‌شود.
- در اوراق مرابحه بیشترین میزان ریسک به ناشر و کمترین آن به بازارگردان تسهیم می‌شود.
- در اوراق خرید دین بیشترین میزان ریسک به ناشر و کمترین آن به بازارگردان تسهیم می‌شود.

- در اوراق منفعت بیشترین میزان ریسک به بانی و کمترین آن به بازارگردان تسهیم می‌شود.
- در اوراق رهنی بیشترین میزان ریسک به بانی و کمترین آن به متعهد پذیره‌نویسی تسهیم می‌شود.

و به‌عبارت‌دیگر:

- ناشر بیشترین میزان ریسک را در اوراق خرید دین و کمترین ریسک را در اوراق منفعت پذیرا است.
- متعهد پذیره‌نویسی بیشترین میزان ریسک را در اوراق خرید دین و کمترین ریسک را در اوراق مرابحه پذیراست.
- بازارگردان بیشترین میزان ریسک را در اوراق رهنی و کمترین ریسک را در اوراق مرابحه پذیراست.
- ضامن بیشترین میزان ریسک را در اوراق مرابحه و کمترین ریسک را در اوراق اجاره پذیراست.
- بانی بیشترین میزان ریسک را در اوراق مشارکت و کمترین ریسک را در اوراق اجاره پذیراست.

ازآنجاکه ریسک اعتباری از مهم‌ترین ریسک‌های بازارهای مالی است و همچنین در بازارهای مالی ایران پوشش این ریسک از طریق اخذ وثایق سنگین و ضمانت‌های اشخاص حقیقی و حقوقی صورت می‌پذیرد، جدیت لازم در اندازه‌گیری رتبه اعتباری افراد به کار گرفته نشده و مفهوم ریسک اعتباری مغفول واقع می‌گردد.

ملاحظات حقوقی
- پیروی از اصول حقوقی
تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.
- تعارض منافع
بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.
بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از پایان‌نامه، رساله دکتری و طرح پژوهشی نیست.

کتابنامه

۱. آقاتقی، مجید؛ حسن‌زاده سروستانی، حسین؛ و صبوری، علیرضا. (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی تأمین مالی از طریق انتشار اوراق وقف در ایران. *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۱۲(۲)، ۶۳–۹۴. DOI: ۱۰/۳۰۴۹۷ies.2020.2775/

۲. توحیدی، محمد؛ کاوند، مجتبی؛ و اعتصامی، امیرحسین (۱۳۹۳). *طبقه‌بندی اوراق بهادار اسلامی (صکوک)*. ایران، تهران: سازمان بورس و اوراق بهادار.

۳. حسن‌زاده سروستانی، حسین؛ قزلباش، محمد؛ رستمی‌پور، علی؛ و قوام، محمدحسین (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی صکوک بانکی و ارائه راهکار بازار صکوک رقابتی در تجهیز منابع نظام بانکی ایران. اقتصاد اسلامی، ۲۱(۸۱)، ۱۵۷–۱۸۹.

۴. شیرمردی احمدآباد، حسین (۱۳۹۸). اوراق جعاله، ابزاری مناسب برای تأمین مالی صنعت نفت و گاز. *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۱۱(۲)، ۲۱۸–۲۴۸.
DOI: /۱۰/۳۰۴۹۷ies.2019.2364

۵. عسکری، محمدمهدی؛ و کریمی، مهدی (۱۳۹۲). امکان‌سنجی مدیریت ریسک صکوک. *راهبرد توسعه*، ۹(۳)، ۶۳–۹۰.

۶. عمادی، سید جواد؛ و خمیس‌آبادی، زینب (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی چالش‌های تأمین مالی اسلامی با تأکید بر اوراق صکوک. *رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری*، ۱۴(۲)، ۱۶–۳۳.

۷. فروغ‌نژاد، حمید؛ و خوشنود، مهدی (۱۳۹۶). اوراق قرض‌الحسنه و تأمین مالی کسب‌وکارهای اجتماعی. *تحقیقات مالی اسلامی*، ۶(۲)، ۳۵–۶۶.
DOI: /۱۰/۳۰۴۹۷ifr.2017.1998

۸. کاوند، مجتبی. (۱۳۹۶). *طبقه‌بندی ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)*. سازمان بورس و اوراق بهادار.

۹. مظاهری، معصومه؛ و لشکری یونسی، اعظم (۱۳۹۷). انتقال اوراق منفعت در بازارهای مالی: نقدها و ارائه راهکارهای نوین با ذکر آرای فقهی امام خمینی(ره). *پرسشنامه متین*، ۲۰(۸۱)، ۱۱۵–۱۴۱.

۱۰. ملک‌زاده، فهیمه (۱۳۹۷). اوراق مضاربه مطابق فتوای امام خمینی(ره). *پژوهشنامه متین*، ۲۰(۸۰)، ۱۰۹–۱۲۹.

۱۱. موسویان، سید عباس (۱۳۸۶). صکوک مزارعه و مساقات ابزار مالی مناسب برای توسعه بخش کشاورزی ایران. *اقتصاد اسلامی*، ۷(۲۶)، ۷۱–۹۵.

۱۲. موسویان، سید عباس؛ و کشاورزیان، اکبر (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی انتشار صکوک اجاره در بانک‌های ایران، مطالعه موردی بانک سپه. *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۲(۶۹)، ۱۵۱–۱۷۸.

۱۳. موسویان، سیدعباس؛ و سروش، ابوذر (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی فقهی، اقتصادی و مالی انتشار اوراق مشارکت در ایران. *بورس اوراق بهادار*، ۴(۱۴)، ۲۹–۶۰.

۱۴. نظرپور، محمدنقی؛ عبادی، روح‌الله؛ میرحسینی، سید هادی (۱۳۹۷). بررسی پوشش ریسک انتشار اوراق استصناع در مدل‌های عملیاتی اوراق استصناع موازی، مدل بورس و اوراق استصناع غیرمستقیم. *جستارهای اقتصادی ایران*، ۱۵(۲۹)، ۳۹–۶۷.

۱۵. نظرپور، محمدنقی؛ و خزایی، ایوب (۱۳۹۱). طراحی و بررسی انواع صکوک استصناع قابل انتشار در بورس اوراق بهادار. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۱۷(۵۲)، ۱۸۳–۲۰۹.

۱۶. هادوی‌نیا، علی‌اصغر؛ و عرب بافرانی، بهنام (۱۳۹۵). بررسی مزایا و آثار اجتماعی و اقتصادی اوراق قرض‌الحسنه. *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۴(۱۶)، ۷–۳۶.

Refrences

1. Aghataghi, M., Hasanzadeh Sarvestani, H., & Saboori, A. (2020). Pathology of Financing by Issuing Waqf Sukuk in Iran. *Islamic Economics Studies*, *12*(2), 63-94. DOI: 10.30497/ies.2020.2775 (In Persian)
2. Tohidi, M; Kavand, M; & Etesami, A, H. (2014). *Classification of Islamic Securities (Sukuk)*. Iran, Tehran: Securities and Exchange Organization. (In Persian).
3. Hassanzadeh Sarvestani, H; Qezelbash, M; Rostamipour, A; & Qavam, M, H., (2021). Pathology of Bank Sukuk and Offering a Competitive Sukuk Market Strategy in Mobilizing Resources in Iran's Banking System. *Islamic Economics Scientific*, 21(81), 157-189. (In Persian).

4. Shirmardi Ahmadabad, H. (2019). Jualah Bonds: A Suitable Tool for Financing the Oil and Gas Industry. Islamic Economics Studies 11(2), 218-248. DOI: 10.30497/ies.2019.2364 (In Persian).
5. Askari, M, M; & Karimi, Mahdi. (2013). Feasibility of Sukuk Risk Management, *Rahbord-e Tose'e*, 9(3), 63-90. (In Persian).
6. Emadi, S, J; & Khamis Abadi, Z. (2017). Pathology of Challenges in Islamic Financing with Emphasis on Sukuk Bonds. New Research Approaches in Management and Accounting, 14(2), 16-33. (In Persian).
7. Foroughnejad, H; & Khoshnoud, M. (2017). Qard al-Hasan Bonds and Financing Social Businesses. *Islamic Financial Research*, 6(2), 35-66. DOI: 30.30497/ifr.2017.1998 (In Persian).
8. Kavand, M. (2017). Classification of Islamic Financial Instruments (Sukuk). Iran, Tehran: Securities and Exchange Organization. (In Persian).
9. Mazaheri, M; & Lashkari Younesi, A. (2018). Transfer of Usufruct Bonds in Financial Markets: Criticisms and Innovative Solutions with Reference to Imam Khomeini's (RA) Jurisprudence. Matin Questionnaire, 20(81), 115-141. (In Persian).
10. Malekzadeh, F. (2018). Mudharabah Bonds According to Imam Khomeini's (RA) fatwa. Matin Research, 20(80), 109-129. (In Persian).
11. Mousavian, S, A. (2007). Muzara'ah and Musaqat Sukuk: Suitable Financial Instruments for Developing Iran's Agricultural Sector. Islamic Economics, 7(26), 71-95. (In Persian).
12. Mousavian, S, A; & Keshavarzian, A. (2014). Pathology of Ijarah Sukuk Issuance in Iranian Banks, Case Study of Sepah Bank. Economic Research and Policies, 22(69), 151-178. (In Persian).
13. Mousavian, S, A; & Soroush, A. (2011). Jurisprudential, Economic, and Financial Pathology of Participation Bonds Issuance in Iran. Securities and Exchange, 4(14), 29-60. (In Persian).
14. Nazarpour, M, N; Ebadi, R; & Mirhoseini, S, H. (2018). Examining risk coverage of Istisna' bonds issuance in operational models of parallel Istisna' bonds, stock exchange model, and indirect Istisna' bonds. *Iranian Economic Biannual*, 15(29), 39-67. (In Persian).
15. Nazarpour, M, N; Khazaei, A. (2013). Designing and Examining Types of Istisna' Sukuk Issuable in the Stock Exchange. *Iranian Economic Research*, 17(52), 183-209. (In Persian).
16. Mirakhor, A., Ng, A., Dewandaru, G., & Hamid, B. A. (2017). Is the Regime of Risk Transfer Sustainable? Impossible Contract and Inequality. *Research in International Business and Finance*, *41*, 16-19.
17. Rizvi, S. A. R., Bacha, O. I., & Mirakhor, A. (2016). *Public Finance and Islamic Capital Markets: Theory and Application*. Springer.

Islamic Finance Researches
Vol. 13, No. 2(Serial 28), 2023

Research Paper

An Exploration of Iran's Banking System Based on Islamic-Social Banking Principles with an Emphasis on Improving Social Capital (Bank Sepah Case Study)

Mohammad Reza Yazdanpanah* **Keramatollah Rasekh**** **Majid Reza Karimi*****

10.30497/ifr.2024.245752.1873

Abstract

Islamic banking is a model of banking that is implemented along with Islamic law and aims to achieve social development through moral investment. Banks as money market institutions can play an undeniable role in economic and social categories such as urban development, participation in environmental protection, establishment of medical centers, etc. The present study was designed and conducted with the aim of exploring the Iranian banking system based on the principles of Islamic-social banking with emphasis on improving social capital, case study: Sepah Bank. The method of the present study was mixed and implemented qualitatively and quantitatively. The statistical population of the present study in the qualitative part included experts aware of the subject of research and in the quantitative part included all the heads and deputies of Sepah Bank and former Ansar Bank branches in Shiraz. The research data collection tools included a researcher-made interview and a questionnaire. In order to analyze the data of the present study, coding in the qualitative part and structural equation test and t-test in the quantitative part were used. The whole process of data analysis was performed in SPSS and PLS software. In general, it was determined that in the formation of Islamic-social banking, while trying to create desirable behaviors, cultural issues, internal excellence, motivational system and managerial transformation; Provided conditions for solving the problems of micro and macro factors. Also, according to the results of the present study, it can be determined that attention to short-term, medium-term and long-term strategies is necessary and important that should be seriously pursued. Undoubtedly, paying attention to the principles of Islamic-social banking and trying to implement it can lead to consequences in the social, Islamic and banking fields.

Keywords: Islamic Social Banking; Social Capital; Banking System; Sepeh Bank.
JEL Classification: D6, D63, G2, G21, P, P1, P17 .

*PhD in Political Sociology, Department of Sociology, Jahrom Branch, Islamic Azad University, Jahrom, Iran (Corresponding Author).
yazdanpanah@jia.ac.ir 0000-0002-7991-4192

** Associate Professor, Department of Sociology, Jahrom Branch, Islamic Azad University, Jahrom, Iran. dr.rasekh @jia.ac.ir 0000-0001-9574-9679

*** Assistant Professor of Department of Sociology, Jahrom Branch, Islamic Azad University, Jahrom, Iran. karimi@jia.ac.ir 0000-0002-2329-7703

Recived: 2024/03/05 Accepted: 2024/06/05

فصلنامه علمی «تحقیقات مالی اسلامی»، سال سیزدهم، شماره دوم (پیاپی ۲۸)، زمستان ۱۴۰۲
مقاله پژوهشی، صص. ۳۴۷-۳۷۶

کاوشی در نظام بانکداری ایران براساس اصول بانکداری اسلامی- اجتماعی با تأکید بر بهبود سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی بانک سپه)

محمدرضا یزدان‌پناه* کرامت‌الله راسخ** مجیدرضا کریمی***

چکیده

تحقیق حاضر باهدف کاوشی در نظام بانکداری ایران براساس اصول بانکداری اسلامی-اجتماعی با تأکید بر بهبود سرمایه اجتماعی، مطالعه موردی: بانک سپه طراحی و اجرا گردید. روش تحقیق حاضر آمیخته بود که به‌صورت کیفی و کمی اجرایی گردید. جامعه آماری تحقیق حاضر در بخش کیفی شامل خبرگان آگاه به موضوع پژوهش بودند و در بخش کمی شامل کلیه روسا و معاونین شعب بانک سپه و بانک انصار سابق در شهر شیراز بودند. ابزار گردآوری اطلاعات تحقیق شامل مصاحبه و پرسشنامه محقق ساخته بود. به‌منظور تجزیه‌وتحلیل داده‌های تحقیق حاضر از کدگذاری در بخش کیفی و آزمون معادلات ساختاری و آزمون t در بخش کمی استفاده گردید. کلیه روند تجزیه‌وتحلیل داده‌های تحقیق حاضر در نرم‌افزارهای SPSS و PLS انجام گردید. به‌صورت کلی مشخص گردید که در مسیر شکل‌گیری بانکداری اسلامی-اجتماعی می‌بایستی ضمن تلاش جهت ایجاد رفتارهای مطلوب، مسائل فرهنگی، تعالی درونی، سیستم انگیزشی و تحول مدیریتی؛ شرایطی جهت رفع مشکلات عوامل خرد و کلان را فراهم نمود. همچنین با توجه به نتایج تحقیق حاضر می‌توان چنین مشخص نمود که توجه به راهبردهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت امری ضروری و مهم هست که می‌بایستی به‌صورت جدی دنبال گردد. بدون‌شک توجه به اصول بانکداری اسلامی-اجتماعی و تلاش جهت پیاده‌سازی آن می‌تواند منجر به پیامدهایی در حوزه‌های اجتماعی، اسلامی و بانکی گردد.

واژگان کلیدی: بانکداری اسلامی اجتماعی؛ سرمایه اجتماعی؛ نظام بانکی؛ بانک سپه.

مقدمه

* دانش‌آموخته دکتری، جامعه‌شناسی سیاسی، گروه جامعه شناسی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران (نویسنده مسئول) yazdanpanah@jia.ac.ir

** دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران dr.rasekh@jia.ac.ir

*** استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران karimi@ jia.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۶
مقاله مدت ۱۶ روز جهت اصلاحات نزد نویسندگان بوده است.

یکی از عوامل مؤثر بر فرآیند توسعه اجتماعی در جهان موضوع سرمایه اجتماعی و نرخ بهره‌مندی آن در کشورها است. بدون‌شک در کشورهای جهان سوم و توسعه‌نیافته موضوع سرمایه اجتماعی است که می‌تواند کاستی‌های منابع اقتصادی را تا حدودی بپوشاند. به عبارتی به دلیل محدودیت منابع و سرمایه‌های اقتصادی در کشورهای جهان سوم، سرمایه اجتماعی می‌تواند جایگزین مطلوبی برای سرمایه مالی و اقتصادی باشد. علاوه‌بر توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی یک جامعه نیز وابسته به سرمایه اجتماعی موجود در آن جامعه است. افزایش بهره‌وری عوامل تولید، ازجمله مهم‌ترین تأثیرات سرمایه اجتماعی بر مناسبات اقتصادی است و راز آن در کاهش هزینه‌های تولید و مبادلات اقتصادی نهفته است زیرا در فضای پر اعتماد دیگر نیازی به هزینه‌های اضافی برای جلب اعتماد طرفین در مبادلات نیست و سرعت و سهولت مبادلات افزایش می‌یابد (Jackson, 2020). در واقع سرمایه اجتماعی را می‌توان در کنار سرمایه‌های اقتصادی و انسانی، بخشی از ثروت ملی به‌حساب آورد که بستر مناسبی برای بهره‌برداری از سرمایه انسانی و منابع و راهی برای نیل به موفقیت قلمداد می‌شود. بدون سرمایه اجتماعی، هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه‌ای نمی‌رسد، به‌طوری‌که بسیاری از گروه‌ها، سازمان‌ها و جوامع انسانی بدون سرمایه اقتصادی و صرفاً با تکیه‌بر سرمایه انسانی و اجتماعی توانسته‌اند به موفقیت دست یابند، اما هیچ مجموعه انسانی، بدون سرمایه اجتماعی نمی‌تواند اقدامات مفید و هدفمندی انجام دهد. سرمایه اجتماعی برخلاف سایر سرمایه‌ها به‌صورت مادی وجود ندارد بلکه حاصل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی نظیر اعتماد متقابل، تأملات اجتماعی متقابل؛ گروه‌های اجتماعی، احساس هویت جمعی و گروهی، احساس وجود تصویری مشترک از آینده و کار گروهی در یک نظام اجتماعی است و از طرف دیگر افزایش آن می‌توان موجب پایین آمدن جدی سطح هزینه‌های اداره فرآیند توسعه جامعه و هزینه عملیاتی سازمان‌ها می‌شود (Muntaner, Lynch & Smith, 2020). بانک جهانی، سرمایه اجتماعی را به‌عنوان «ثروت نامرئی یک کشور» در نظر می‌گیرد و با توجه به اهمیت جایگاه سرمایه اجتماعی در توسعه کشورها و یادآوری این موضوع که در صورت فقدان سرمایه اجتماعی دیگر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند، محقق را بر آن داشت که به بررسی جایگاه این سرمایه در ایران بپردازد (Mousaviyan, 2019).

در بانکداری اجتماعی، تمرکز بر تأمین نیازهای موجود در شرایط اقتصادی و اجتماعی واقعی است، درحالی‌که به‌طور هم‌زمان، شرایط اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی و ثبات اقتصادی نیز در نظر گرفته شوند. در حقیقت بانکداری اجتماعی تقریباً در قرن گذشته پا به عرصه گذاشته است و همچنان به‌عنوان اصلی‌ترین نیرو در عصر جهانی شدن مطرح است. ازآنجاکه اغلب بانک‌های اجتماعی در حوزه آتلانتیک هستند، نقش‌آفرینی آن‌ها می‌تواند جهت توسعه جهانی‌شدن خدمات مالی در حوزه اجتماعی آموزنده باشد (Benedikter, 2011).

همچنین اخیراً نظرات متفاوتی درباره بانکداری اسلامی مطرح شده است. یکی از این رویکردها «بانکداری اجتماعی» است. رایفنر[1] (۱۹۹۲م) بحث می‌کند که بانکداری جایگزین (شامل آن‌هایی که انگیزه‌های دینی دارند) بخشی از بانکداری اجتماعی محسوب می‌شوند، به‌عبارت‌دیگر بانکداری اسلامی نوعی دیگری از بانکداری اجتماعی است. دلیل قابل‌پذیرش برای این ادعا، این است که هر دو مدل بانکداری یک هدف مشترک یعنی ایمن‌سازی تجارت و بازرگانی پایدار ازنظر مالی، اجتماعی و زیست‌محیط را دنبال می‌کنند. ادعا می‌شود که با دنبال‌کردن این نوع بانکداری، بانکداری اسلامی براساس توسعه و رشد خوب عمل می‌کند و ازنظر تجاری قابل‌پذیرش است. به‌هرحال این موضوع را نمی‌توان فراموش کرد که توسعه اقتصادی و اجتماعی همچنان یکی از دغدغه‌های بسیار مهم برای مسلمانان جهان است. پنج اصل موجود در مذهب تشیع شامل: توحید، معاد، نبوت، عدل و امامت یا پنج اصل حاضر در مذهب تسنن شامل: توحید، عدل، ربوبیت، تزکیه و اخوت، مستقیماً به توسعه اجتماعی، زیست‌محیطی و بهبود اقتصادی و ارزش‌های انسانی مرتبط هستند (Mohd Nor, Rahim & Senik, 2015). بانک‌های اجتماعی در واقع بانک‌هایی با وجدان هستند. این بانک‌ها روی فعالیت‌های اجتماعی، فراهم‌کردن فرصت‌هایی برای محرومان، حمایت‌های اجتماعی، حفظ محیط‌زیست و رعایت اصول اخلاقی سرمایه‌گذاری بلندمدت کرده‌اند. بانک‌های اجتماعی تلاش می‌کنند در فعالیت‌هایی سرمایه‌گذاری کنند

1. Reifner

که موجب بهبود شرایط کل جامعه می‌گردد و به دنبال ایجاد انتفاع برای عده معدودی از افراد جامعه نیستند.

این امر بدین معنی است که تصمیم‌گیری بانک‌های اجتماعی با بررسی ثبات اجتماعی و اقتصادی جامعه انجام می‌گردد. سرمایه‌گذاری‌های باثبات و روش‌های وام‌دهی ازجمله مواردی هستند که این بانک‌ها به‌کار می‌گیرند و به‌وسیله آن موجب ایجاد کیفیت بهتری از زندگی برای بیشترین افراد جامعه می‌شوند.

مشکلات پیش‌روی اقتصاد جهان و بحران دامن‌گیر آن نشان از نارسایی‌هایی در فعالیت بانکداری دارد. بسیاری بر این عقیده‌اند بحران مالی که اروپا و آمریکا طی سال‌های اخیر پشت‌سر گذاشت و اثرات اجتماعی و اقتصادی همه جانبه‌ای بر روی مردم داشت، به سبب عدم رعایت بانکداری اجتماعی و تبعیت از اصول اقتصادی آن‌هم به‌صورت نادرست و نصفه و نیمه هست. اعتراف به ضعف در شیوه‌های پیشین بانکداری جهانی و اقدامی اصلاحی برای کاستن از آن دشوار است، اما درک و سرنوشت تازه‌ای را برای همه بانک‌ها رقم می‌زند.

در نظام بانکداری ایران که از اصول بانکداری اسلامی پیروی می‌کند و قوانین جامعی چون نظام قرض‌الحسنه و... در این راستا وجود دارد، نیز انتظار می‌رود به بانکداری اجتماعی بیش از سایر کشورها توجه شود. در ایران نیز پس از تصویب قانون عملیات بانکی بدون‌ربا، تغییر ساختاری مناسب در نظام بانکی پدید نیامده است که متناسب حسابداری بانکداری اسلامی باشد؛ بنابراین جهت حل این مشکل نیازمند افرادی توانا در این زمینه بوده که هم به بحث شرعی و حقوقی قضایا واقف باشند و هم به بحث‌های مالی و حسابداری و حسابرسی (Mohseni Zenozi & Jalili, 2015). پیرامون بانکداری جاری در کشور، نه می‌توان به‌صورت افراطی اظهارنظر کرد که نشانی از بانکداری اسلامی در نظام بانکی کشور وجود ندارد و نه با ذوق‌زدگی می‌توان گفت که آنچه در نظام بانکی کشور اجرا می‌شود دقیقاً همان چیزی است که بانکداری اسلامی در نظر دارد. آسوتای[2] (۲۰۰۷م) تأکید کرده است که الان زمان خیزش است، بعد از اینکه بانکداری اسلامی موفق به ارائه وظایف اجتماعی خود جهت توسعه تعادل بین عدالت اقتصادی و اجتماعی

2. Asutay

نشده است. دستیابی به رشد اقتصادی بالا و پایدار همواره موردنظر برنامه‌های اقتصادی کشورها بوده است. اثبات وجود رابطه مثبت میان توسعه بازارها و نهادهای مالی و رشد اقتصادی توسط بسیاری از مطالعات، پژوهشگران را بر آن داشته تا عوامل رشد یا بازدارنده توسعه بازار مالی را بررسی نمایند. در چند دهه اخیر در زمینه تجهیز منابع و اعطای تسهیلات و همچنین ابزارهای سیاست پولی و شیوه‌های اعمال، اجرا و نظارت بر سیاست‌ها در جهان به‌ویژه کشورهای اسلامی، تحولات عمده‌ای روی داده است.

نظام بانکداری یکی از مهم‌ترین بخش‌های مالی ایران است. از یکسو در نظام مالی ایران، ابزارهای مالی از تنوع و کارآمدی لازم برخوردار نیستند، لذا عمده وظیفه تجهیز و تخصیص منابع به عهده بانک‌هاست. از سوی دیگر، به دلیل مشکلات ساختاری بازار سرمایه، دادوستد دست‌دوم ابزارهای مالی، مانند اوراق مشارکت، نیز دستخوش نوسانات زیادی است، لذا بانک‌ها باید هر دو وظیفه بازار پول و بازار سرمایه را به انجام رسانند، تسهیلات کوتاه‌مدت و بلندمدت دهند و همچنین در سرمایه‌گذاری‌های عظیم، شرکت کنند. این در حالی است که به دلیل مشکلات و ابهاماتی که همچنان در حوزه تئوریک و نیز اجرایی ابزارهای مالی در بانکداری بدون‌ربای کشور وجود دارد، نظام بانکداری موجود کشور هنوز نتوانسته نقش و جایگاه مورد انتظار را در نظام مالی کشور ایفا نماید و حتی بررسی نزدیک به سه دهه بانکداری اسلامی در کشور نشان‌دهنده این موضوع است که چالش‌ها و مشکلات موجود در مواردی منجر به همگرایی و مشابهت نظام بانکداری بدون‌ربا در ایران با نظام بانکداری مبتنی‌بر بهره گردیده است. به‌عبارت‌دیگر نظام بانکداری در کشور در مواردی عملکردی شبه ربوی داشته است. ازاین‌رو می‌توان گفت وضع موجود بانکداری ایران با وضع ایده‌آل بانکداری اسلامی که در سطح گسترده‌ای در ادبیات نظری و مالیه اسلامی موردتوجه قرار گرفته است، فاصله زیادی دارد و بررسی موانع و چالش‌های موجود و ارائه راه‌حل‌هایی که با ساختار پولی و بانکی کشور سازگار باشد، ضروری به‌نظر می‌رسد؛ بنابراین تحقیق حاضر درصدد است که آیا بانکداری اسلامی- اجتماعی می‌تواند خلأهای موجود در نظام بانکداری اسلامی را پر نموده و نیازهای توسعه جوامع مسلمانان را می‌تواند مرتفع کند یا خیر؟

۱. پیشینه پژوهش

آلیکس گارسی و دیگران[۳] (۲۰۱۸م) سرمایه اجتماعی را با مؤلفه‌های اعتماد، درک متقابل، رفتارها و هنجارهای مشترک تعریف کردند. در اینجا ما به بررسی و سنجش ابعاد اعتماد، هنجارهای مشترک، تعاون و همکاری متقابل، انسجام و همبستگی جمعی، همدلی درک و احترام متقابل در نظام بانکداری اسلامی می‌پردازیم. صادقی شاهدانی و نصرآبادی[۴] (۲۰۱۵م) نشان می‌دهند که بانکداری اسلامی از طرق ارتباط تنگاتنگ با بخش واقعی اقتصاد، ایجاد شفافیت مالی، وجود نظارت و کنترل، توزیع ریسک و تأثیرپذیری حداقل از شوک‌ها، رعایت استانداردهای وام‌دهی، عدم سرمایه‌گذاری در دارایی بدون پشتوانه، التزام به برآورد دقیق ریسک فعالیت‌ها مانع از توسعه و گسترش بحران مالی در حیطه خود خواهد داشت. بر این مبنا، نتایج آن‌ها با نتایج تحقیق حاضر همسو است که براساس آن نشان داده شد که نظام بانکداری در ایران منجر به سوددهی می‌شود. قوامی[۵] (۲۰۱۵م) نشان می‌دهد که مباحث و ابزارهای مالی در اقتصاد اسلامی در قالب یافته‌های جدید علم اقتصاد کاربرد مشکل‌گشایی دارند. باستانی‌فر، حیدری و مقدم[۶] (۲۰۱۵م) نشان می‌دهند که اثر شریعت شامل بدهکار بودن متقاضی اعتبار، التزام به اجرای شرط قبض، اطمینان بانک به اطلاعات متقاضی وام، جواز و لزوم عقد قرض بر ضریب فزاینده خلق پول اثرگذار بوده است. بر این مبنا، نتایج آن‌ها با نتایج تحقیق حاضر همسو است که براساس آن نشان داده شد که نظام بانکداری در ایران براساس شریعت و قوانین اسلامی اجرا می‌گردد. اکبریان و رفیعی[۷] (۲۰۰۷م) نشان می‌دهد با استفاده از ابزارهای مهندسی مالی، روش‌های نوین مدیریت ریسک، فروش گواهی‌های سپرده در هنگام کمبود نقدینگی و یا وثیقه گذاری چالش فقدان نقدینگی را می‌توان مرتفع ساخت یا مشکل نبود امکان خلق پول و اعتبار و نحوه مالکیت باوجود بانک مرکزی، نگهداری ذخیره قانونی، عملیات خرید دین و همچنین عملیات بازار با خریدوفروش صکوک اسلامی برطرف می‌شود. پایتختی[۸] (۲۰۱۵م) نشان می‌دهند درحالی‌که افزایش تسهیلات مبادله‌ای نرخ بیکاری در

3. Alix-Garci et al
4 .Sadeghi Shahabi & Nasrabadi
5. Qavami
6 .Bastanifar, Heydari & Moghadam
7 .Akbarian & Rafiei
8 .Paytkti & Arab Mazar

اقتصاد ایران را کاهش می‌دهد، نرخ رشد مانده تسهیلات مشارکتی و تسهیلات قرض‌الحسنه اثر مثبت بر نرخ بیکاری دارند؛ و با نتایج تحقیق حاضر همسو است که نشان داده شد که نظام بانکداری در ایران بر امور اجتماعی و مردم تأثیرگذار است. قوامی (۲۰۱۵م) نشان می‌دهند که مباحث بانکداری اسلامی در خصوص عقود مشارکتی و تجربیات بانکداری متعارف به‌منظور بهبود کارآیی قرارداد مالی علاوه‌بر بُعد اقتصادی، نسبت به توسعه بُعد اجتماعی قراردادها با لحاظ ارزش‌های اخلاقی و اسلامی نظیر صداقت، امانت‌داری که در ارائه رفتار متعهدانه مؤثر است؛ اقدام گردیده است. صفرنیا، دهقانی، فارسی‌زاده و همتی[9] (۲۰۱۶م) نشان می‌دهند که اعتماد به بانک به‌عنوان مهم‌ترین و اثرگذارترین عامل در جذب و نگهداری مشتریان نمونه است و ادراک کیفیت خدمات، رضایت از عملکرد کارکنان، رضایت از بانکداری الکترونیکی، تصویر بانکداری اینترنتی و ارزش درک شده به ترتیب کمترین تأثیر را برجذب و نگهداری مشتریان نمونه داشتند.

۲. روش پژوهش

با توجه اینکه هدف پژوهش حاضر مطالعه عمیق چارچوب اصول بانکداری اسلامی- اجتماعی با تأکید بر بهبود سرمایه اجتماعی است، طرح آن از طرح‌های ترکیبی است و روش آن، با توجه به اینکه از قبل الگویی وجود نداشته و پژوهشگر درصدد کشف این الگو بوده است، از مدل‌های ترکیبی اکتشافی متوالی)کیفی - کمی(است و چون در پی ساخت ابزاری[10] برای سنجش چارچوب شاخص‌های اصول بانکداری اسلامی-اجتماعی با تأکید بر بهبود سرمایه اجتماعی بر اساس داده‌های بخش کیفی است، از نوع اکتشافی متوالی- ابزارسازی است. ازاین‌رو ابتدا روش‌شناسی و تحلیل بخش کیفی و سپس روش‌شناسی و تحلیل بخش کمی پژوهش به تفکیک ارائه می‌شود و در بخش نتیجه‌گیری، نتایج به‌دست‌آمده در هر دو بخش باهم ادغام و ارائه خواهد شد.

9 .Safarnia, Dehghani, Farsizadeh & Hemmati
10. Sequential exploratory mixed method- Instrument development

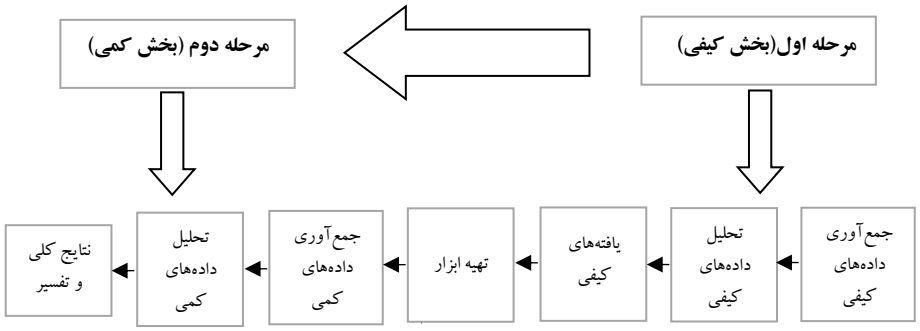

شکل (۱): فرآیند تحقیق ترکیبی اکتشافی متوالی از نوع ابزارسازی

منبع: یافته‌های تحقیق

۲-۱. روش‌شناسی بخش کیفی

روش پژوهش در بخش کیفی مطالعه موردی کیفی است و مشارکت‌کنندگان شامل خبرگان آگاه به موضوع تحقیق بودند که دارای شاخص‌هایی ازجمله مدرک تحصیلی مرتبط، سوابق شغلی بالا در بانک‌های سپه و انصار سابق و همچنین وجود سوابق اجرایی در سیستم بانکی بود. برای انجام مصاحبه میدانی، مشارکت‌کنندگان پژوهش را خبرگان آگاه متخصص در حوزه بانکداری شامل می‌شوند که این افراد، به‌صورت هدفمند از نوع معیاری، برای مصاحبه‌های کیفی در موضوع پژوهش انتخاب گردید (۱۶ مصاحبه با ۱۶ نفر و تا حد اشباع نظری ادامه یافت). معیار انتخاب نمونه‌های پژوهش، میزان تخصص در امر بانکداری و میزان درگیری در امر تصمیم‌گیری بود. پس از تحلیل ادبیات و برای تکمیل شاخص‌های صول بانکداری اسلامی-اجتماعی با تأکید بر بهبود سرمایه اجتماعی، با ۱۶ نفر از مشارکت‌کنندگان مصاحبه شد تا فهرست شاخص‌های اصول بانکداری اسلامی-اجتماعی با تأکید بر بهبود سرمایه اجتماعی تکمیل گردد. با یک نفر از مصاحبه‌شوندگان (مصاحبه‌شونده نفر اول)، دو بار مصاحبه صورت گرفت چراکه در اولین مصاحبه صورت گرفته، مواردی از نگاه مصاحبه‌شونده جاافتاده بود که سعی شد در مصاحبه مجدد، آن موارد اصلاح گردد. همچنین از مصاحبه سیزدهم، داده جدیدی به‌دست‌نیامد ولی برای اطمینان تا مصاحبه با نفر شانزدهم ادامه پیدا کرد. قبل از انجام دادن مصاحبه و به همراه سؤال‌های مصاحبه، نامه‌ای با امضای پژوهشگر مبنی‌بر تعهد

اخلاقی در نگهداری مفاد مصاحبه و مشخصات مشارکت‌کنندگان و انتشار نکردن آن ارسال شد. همچنین، با اطلاع مشارکت‌کنندگان تمام مصاحبه‌ها ضبط و برای استخراج نکات کلیدی بررسی شد. پس از اعلام موافقت، مصاحبه‌ها با محوریت تلقی، برداشت و شاخص‌های موردنظر برای شناسایی شاخص‌های اصول بانکداری اسلامی–اجتماعی با تأکید بر بهبود سرمایه اجتماعی و مهم‌ترین شاخص‌ها، برگزار شد. در مصاحبه‌های انجام‌شده پاسخ‌گویان به سؤال موردنظر در مورد ارائه مؤلفه یا شاخص جدید و یا تأیید مؤلفه‌ها و شاخص‌های گردآوری‌شده ابراز نظر کردند.

برای تأمین روایی و پایایی مطالعه از روش ارزیابی لینوکلن و گوبا استفاده شد. بدین‌منظور چهار معیار اعتبار (باورپذیری(، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری و تأییدپذیری برای ارزیابی در نظر گرفته شد و برای دستیابی به هریک از این معیارهای، اقدامات زیر انجام گرفت:

- اعتبارپذیری: معادل روایی در پژوهش‌های کمی است. بدین‌منظور، پرسش‌ها را اساتید راهنما و مشاور تأیید کردند که میزان موثق بودن داده‌های پژوهش را به حد قابل قبولی افزایش داده است (Creswell & Plano Clark, 2017).
- انتقال‌پذیری: جایگزین اعتبار بیرونی در پژوهش‌های کمی است. بدین‌منظور، یافته‌های پژوهشی توسط دو متخصص در حیطه اخلاق سازمانی که در پژوهش مشارکت نداشتند، موردبررسی قرار گرفتند (Creswell & Plano Clark, 2017).
- اطمینان‌پذیری: معادل پایایی در پژوهش کمی است و به‌منظور ایجاد اطمینان‌پذیری، جزئیات پژوهش و یادداشت‌برداری‌ها ثبت و ضبط شد (Creswell & Plano Clark, 2017).
- تأییدپذیری: به معنای پرهیز از سوگیری است. بدین‌منظور تمامی مراحل به‌دقت ثبت و ضبط‌شده و همه مستندات به‌صورت پیوست در اختیار و تأیید اساتید قرارگرفته است (Creswell & Plano Clark, 2017).

برای اخذ مجوز موردنیاز برای انجام دادن مصاحبه با افراد کانونی، اقداماتی صورت گرفت که در این بخش پس از جلب همکاری صاحب‌نظران کلیدی برای مصاحبه و جلب اعتماد آنان رأی دادن اطلاعات لازم، در زمان مقرر مراجعه و اطلاعات لازم گردآوری‌شده است. تجزیه‌وتحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌های انجام‌شده، با روش تحلیل داده بنیاد انجام گرفته است (Creswell & Plano Clark, 2017).

همچنین برای سنجش پایایی داده‌های کیفی در این پژوهش از روش «پایایی بازآزمون» استفاده شد که به میزان سازگاری طبقه‌بندی داده‌ها در طول زمان اشاره دارد. این شاخص را می‌توان زمانی محاسبه کرد که یک کدگذار یک متن را در دو زمان متفاوت کدگذاری کرده باشد. برای محاسبه پایایی بازآزمون از میان مصاحبه‌های انجام‌گرفته چند مصاحبه به‌عنوان نمونه انتخاب‌شده و هرکدام از آن‌ها در یک‌فاصله زمانی کوتاه و مشخص دوباره کدگذاری می‌شوند؛ سپس کدهای مشخص‌شده در دو فاصله زمانی برای هرکدام از مصاحبه‌ها باهم مقایسه می‌شوند و از طریق میزان توافقات و عدم توافقات موجود در دو مرحله کدگذاری، شاخص ثبات برای آن پژوهش محاسبه می‌گردد. در هرکدام از مصاحبه‌ها، کدهایی که در دو فاصله زمانی باهم مشابه هستند با عنوان توافق و کدهای غیرمشابه با عنوان عدم توافق مشخص می‌شوند.

در بخش کمی از روش پژوهش توصیفی، از نوع همبستگی و روش اجرا به‌صورت میدانی است. هدف از انجام این مرحله، تدوین الگو چارچوب اصول بانکداری اسلامی- اجتماعی با تأکید بر بهبود سرمایه اجتماعی در مرحله کیفی بوده است. همچنین جامعه آماری تحقیق در بخش کمی شامل کلیه روسا و معاونین شعب بانک سپه و بانک انصار سابق در شهر شیراز است که براساس اطلاعات موجود ۴۴ شعبه بانک سپه و ۱۶ شعبه بانک انصار وجود دارد که درنهایت با توجه به وجود ۲ نفر رئیس و معاون شعبه در هر بانک، کل جامعه آماری پژوهش شامل ۱۲۰ نفر است.

با توجه به محدود بودن جامعه آماری، در این تحقیق نمونه‌گیری به‌صورت همه‌پرسی است و پرسشنامه در اختیار کل جامعه آماری قرار گرفت که علی‌رغم پیگیری‌های مکرر تعداد ۹۱ پرسشنامه معادل ۷۵/۸ درصد به‌صورت کامل و جامع دریافت شد که مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت.

برای تعیین حجم نمونه، طبق فرمول کوکران حجم نمونه ۹۱ نفر محاسبه گردید. بر این اساس برای انجام پیش‌آزمون ۳۰ پرسشنامه توزیع و جمع‌آوری گردید، خطای استاندارد (Se) ۵ درصد به‌دست‌آمده براساس این پیش‌آزمون برای محاسبه نمونه مدنظر قرار گرفت.

$$n=\frac{t^2pq}{1+\frac{1}{n}\left[\frac{t^2pq}{d^2}-1\right]}\Rightarrow n=\frac{(1.96)(0.5)(0.5)}{1+\frac{1}{120}\left[\frac{(1.96)(0.5)(0.5)}{0.05}-1\right]}\Rightarrow \lfloor n\rfloor=91$$

جهت بررسی روایی صوری پرسشنامه توسط ۵ تن اساتید جامعه‌شناسی بررسی و پس از اصلاحات انجام‌گرفته در بین جامعه موردنظر پخش گردید. نحوه گردآوری داده‌ها؛ با استفاده از وبگاه پرس‌لاین، پرسشنامه به‌صورت برخط[11] طراحی شد. سپس پیوند پرسشنامه در گروه‌ها و کانال‌های تلگرامی و همچنین شبکه اجتماعی واتساپ از نمونه آماری خواسته شد که از طریق پیوند ارائه شده به پرسشنامه پاسخ دهند. همچنین آلفای کرونباخ متغیرها بالای ۰/۷ است. تحلیل نتایج این مطالعه به روش معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار pls و SPSS20 انجام شده است.

۳. یافته‌های تحقیق

جدول (۱) نتایج کدگذاری محوری مربوط به شرایط عِلی توسعه اصول بانکداری اسلامی- اجتماعی را نشان می‌دهد.

جدول (۱): نتایج کدگذاری محوری در خصوص شرایط عِلی

مقوله‌ها	کدهای
اعتماد عمومی	ضرورت ایجاد اعتماد عمومی به بانکداری اسلامی- اجتماعی
	لزوم شکل‌گیری معاهدات اجتماعی
	لزوم ایجاد پیوندهای اجتماعی
	بهبود وابستگی‌های اجتماعی
نگرش‌های اجتماعی	بهبود نگرش مطلوب به سیستم بانکداری

11 .Online

مقوله‌ها	کدهای
	لزوم ایجاد پیش‌فرض‌های مثبت نسبت به بانکداری اسلامی- اجتماعی
	اهمیت شکل‌گیری روابط عاطفی با مخاطبان سیستم بانکی
	ضرورت وظیفه‌شناسی ارکان سیستم بانکی
	توجه به کرامت انسانی در سیستم بانکی
عدالت اجتماعی	اهمیت ایجاد عدالت محوری در حوزه بانکداری اسلامی- اجتماعی
	ضرورت حل مشکلات مردم در چارچوب بانکی
	لزوم پویایی اجتماعی
	اهمیت رفتارهای منصفانه در سیستم بانکی
	ضرورت کاهش تبعیض در مبحث خدمات‌رسانی
فعالیت‌های بانکی	ضرورت ایجاد انسجام در فعالیت‌های بانکی
	اهمیت پاسخ‌گویی
	لزوم شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در محیط بانک
	ضرورت بهبود فضا دوستانه سیستم بانکی
	اهمیت جلب رضایت مخاطبان سیستم بانکی
	ضرورت کاهش تنش‌های عمومی در محیط بانکی
	لزوم سلامت بانکی
	اهمیت پیاده‌سازی ضوابط فقهی در حوزه بانکی
جنبه‌های ملی	لزوم شکل‌گیری هویت ملی از طریق اصول بانکداری اسلامی- اجتماعی
	لزوم شکل‌گیری رضایت‌مندی از دولت
	بهبود زیرساخت‌های فنی خدمات‌رسانی از سوی بانک‌ها
	ضرورت همگرایی ملی در عرصه بانکداری
	اهمیت ایجاد اتحاد ملی در عرصه بانکداری

منبع: (یافته‌های تحقیق)

با توجه به نتایج تحقیق حاضر مشخص گردید که شرایط علی توسعه اصول بانکداری اسلامی–اجتماعی شامل اعتماد عمومی، نگرش‌های اجتماعی، عدالت اجتماعی، فعالیت‌های بانکی و جنبه‌های ملی است.

جدول (۲) نتایج کدگذاری محوری مربوط به شرایط زمینه‌ای توسعه اصول بانکداری اسلامی– اجتماعی را نشان می‌دهد.

جدول (۲): نتایج کدگذاری محوری در خصوص شرایط زمینه‌ای

مقوله‌ها	کدهای
رفتارهای مطلوب	ارتقا دانش فنی در خصوص نحوه تعامل با مراجعه‌کنندگان
	ایجاد منشورهای اجتماعی در حوزه بانکداری
	عملیاتی نمودن ضوابط فقهی در حوزه بانکی
	کنترل و رفع تسهیلات رانتی در سیستم بانکی
	شکل‌گیری تأمین منابع طیب در سیستم بانکی
	تسهیلات اعطایی مصرفی عادلانه نسبت به کل تسهیلات اعطایی
مسائل فرهنگی	ارتقا فرهنگ اشتراک اطلاعات در سیستم بانکی
	شکل‌گیری رفتارهای شهروندی
	بهبود روحیه رقابت‌جویی و آرمان‌گرایانه کارکنان
	سرانه تسهیلات مناطق محروم نسبت به سرانه تسهیلات مناطق برخوردار
تعالی درونی	اشراف بر تمامی مشکلات موجود سیستم بانکی
	هویت دهی به سیستم بانکی
	جلوگیری از پیش‌داوری
	بهبود همگرایی سیستم بانکی
	شکل‌گیری روحیه کنجکاوی مطلوب
	ایجاد اولویت‌های اخلاق محوری در سیستم بانکی
	ایجاد روحیه وفاق آفرین در سیستم بانکی
	بهبود آگاهی کارکنان و مشتریان بانکی از مفاهیم و مفاد قراردادهای بانکی
سیستم انگیزشی	ایجاد مشوق‌های شغلی

مقوله‌ها	کدهای
	پشتیبانی انگیزشی از خدمت محوری
	بهبود اعتمادسازی در سیستم بانکی
	ارتقا تعلق‌خاطر بانکی در لایه‌های مختلف سازمانی
	واکنش مطلوب به تلاش‌ها در راستای دولت خدمت محور در حوزه سیستم بانکی
تحول مدیریتی	ایجاد مدیریت دغدغه مند در سیستم بانکی
	بهبود هوشیاری در ارکان سیستم بانکی
	ایجاد سیستم‌های نظاره‌گر در سیستم بانکی
	تقویت مهارت‌های ممیزی در سیستم بانکی
	ایجاد سیستم‌های تأثیرگذار رهبری در سیستم بانکی
	سیاست ورزی مطلوب در سیستم بانکی
	شکل‌گیری تفکر جامع‌نگر در سیستم بانکی
	شکل‌گیری شفافیت در قراردادهای بانکی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

با توجه به نتایج تحقیق حاضر مشخص گردید که شرایط زمینه‌ای توسعه اصول بانکداری اسلامی- اجتماعی شامل رفتارهای مطلوب، مسائل فرهنگی، تعالی درونی، سیستم انگیزشی و تحول مدیریتی است.

جدول (۳) نتایج کدگذاری محوری مربوط به شرایط مداخله‌گر توسعه اصول بانکداری اسلامی- اجتماعی را نشان می‌دهد.

جدول (۳): نتایج کدگذاری محوری در خصوص شرایط مداخله‌گر

مقوله‌ها	کدهای
شرایط کلان	تحریم‌های بین‌المللی
	ضعف در زیرساخت‌های بانکی
	محیط متغیر و پرتنش
	عدم اعتماد عمومی به سیستم بانکی

مقوله‌ها	کدهای
	ضعف در تعاملات بین‌المللی بانکی
	نفوذ سیاسی در سیستم بانکی
	عدم عملیاتی نمودن رهنمودهای اقتصادی در اسلام
	عدم ثبات مدیریتی در سیستم بانکی
شرایط خرد	عدم شناخت مدیران از شاخص‌های بانکداری اسلامی
	مشکلات مالی موجود در سیستم بانکی
	عدم یکپارچگی در سیستم بانکی
	نبود سیستم‌های مشتری‌مدار در سیستم‌های بانکی
	عدم وجود عدالت‌محوری در سیستم بانکی
	نبود رویه‌های فقرزدایی در سیستم‌های بانکی
	فقدان فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی مطلوب
	عدم سازگارپذیری سیستم بانکی با تمامی گروه‌های جامعه
	عدم تعادل در خواسته‌های مخاطبان بانکی
	تعریف‌های نامتقارن از بانکداری اسلامی
	عدم روابط مطلوب بین‌بانکی
	عدم وجود سیستم‌های مدیریت تعارض در لایه‌های بانکی
	ضعف در رویه‌های نظارتی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

با توجه به نتایج تحقیق حاضر مشخص گردید که شرایط مداخله‌گر توسعه اصول بانکداری اسلامی- اجتماعی شامل شرایط کلان و شرایط خرد است

جدول (۴) نتایج کدگذاری محوری مربوط به راهبردها توسعه اصول بانکداری اسلامی- اجتماعی را نشان می‌دهد.

جدول (۴): نتایج کدگذاری محوری در خصوص شرایط راهبردها

مقوله‌ها	کدهای
راهبردهای کوتاه‌مدت	تقویت شاخص‌های اخلاقی در سیستم بانکی شامل روحیه امانت‌داری و صداقت
	تعریف و عملیاتی نمودن سرانه تسهیلات مناطق محروم در سیستم بانکی
	افزایش دسترسی یکسان به تسهیلات برای تمامی آحاد جامعه
	تعریف عملیاتی شاخص‌های بانکداری اسلامی
	واکنش مثبت و سریع به خواسته‌ها و نیازهای موجود بانکی در جامعه
	گروه‌بندی مخاطبان و شکل‌گیری برنامه‌ریزی دقیق برای تمام گروه‌ها
	کاهش منفعت‌طلبی یک‌جانبه بانکی با رفع خواسته‌ها و نیازهای بانکی محرومین
	ایجاد فرهنگ پاسخگویی در تمامی لایه‌های بانکی
راهبردهای میان‌مدت	ایجاد بانک اطلاعاتی از مخاطبان بانکی و ایجاد سیستم واکنشی به خواسته‌های آنان
	اصلاح و بازتعریف دقیق شاخص‌های بانکداری اسلامی
	ذینفع شناسی در سیستم بانکی و کشف خواسته‌های تمامی ذینفعان
	قدرت بخشی به مخاطبان بانکی با ایجاد سامانه‌های ارتباط با مشتری
	چابک سازی و یکپارچه‌سازی فرایندهای توسعه سیستم‌های انسانی در سیستم بانکی
	تقویت حضور نهادهای متولی در حوزه شفافیت بانکی
راهبردهای بلندمدت	شکل‌گیری روحیه جهادی در سیستم بانکی
	بازتعریف و طراحی سیستم گزارش دهی، ارزشیابی و نظارت در بخش‌های مختلف بانکی
	پیاده‌سازی اپلیکیشن و ساختار یکپارچه رسانه‌ای و نشر اطلاعات در حوزه بانکی
	تخصیص بهینه منابع اقتصادی و مالی در بین بخش‌های اقتصادی و همچنین در بین مناطق مختلف متناسب با ظرفیت جذب آنان
	تعریف و اجرا طرح‌های بانکی دارای منافع عمومی بالا

منبع: (یافته‌های تحقیق)

با توجه به نتایج تحقیق حاضر مشخص گردید که راهبردهای توسعه اصول بانکداری اسلامی- اجتماعی شامل راهبردهای میان‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است

جدول (۵) نتایج کدگذاری محوری مربوط به پیامدهای توسعه اصول بانکداری اسلامی- اجتماعی را نشان می‌دهد.

جدول (۵): نتایج کدگذاری محوری در خصوص پیامدها

مقوله‌ها	کدهای
پیامدهای اجتماعی	بهبود تعاملات اجتماعی در سیستم بانکی
	شکل‌گیری هویت اجتماعی
	ایجاد سرمایه اجتماعی در سیستم بانکی
	بهبود مهارت‌های اجتماعی کارکنان
	کاهش تنش‌های اجتماعی در سیستم بانکی
پیامدهای اسلامی	عملی نمودن شاخص‌های بانکداری اسلامی
	ارتقا عدالت‌محوری در سیستم بانکی
	رعایت فقه در قراردادهای بانکی
	دستیابی به اقتصاد اسلامی
پیامدهای بانکی	بهبود اعتبار سیستم بانکی
	افزایش مشتریان بانکی
	بهبود کارایی سیستم بانکی
	ایجاد محیطی کم تنش در سیستم بانکی
	ارتقا سیستم‌های محیطی بانک‌ها
	اشراف سیستم بانکی از ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری

منبع: (یافته‌های تحقیق)

با توجه به نتایج تحقیق حاضر مشخص گردید که پیامدهای توسعه اصول بانکداری اسلامی- اجتماعی شامل پیامدهای اجتماعی، پیامدهای اسلامی و پیامدهای بانکی است.

پس از بررسی هر بخش از مدل و شناسایی مقوله‌های آن؛ مدل پارادایمی تحقیق حاضر طراحی گردید. شکل (۲) مدل نهایی تحقیق حاضر را نشان می‌دهد.

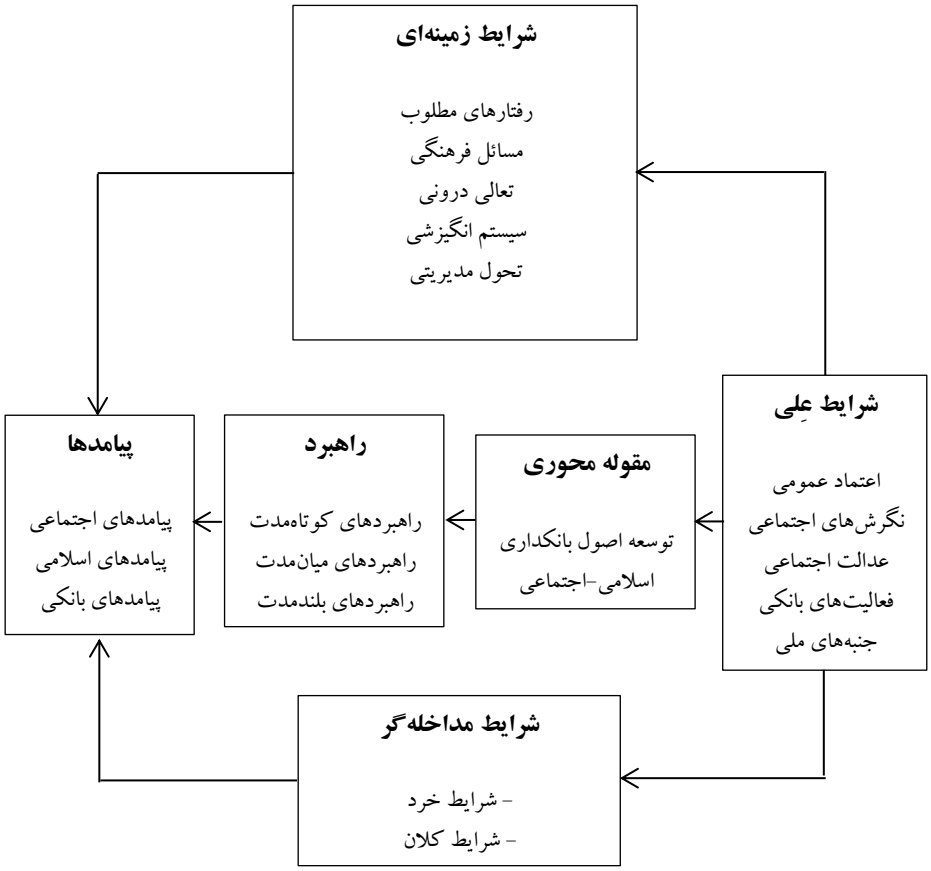

شکل (۲): مدل پارادایمی تحقیق

منبع: (یافته‌های تحقیق)

به‌منظور بررسی مدل تحقیق در بخش کمی از روش معادلات ساختاری استفاده گردید. شکل (۲) و (۳) مدل تحقیق در حالت بار عاملی و در حالت ضرایب t را نشان می‌دهد.

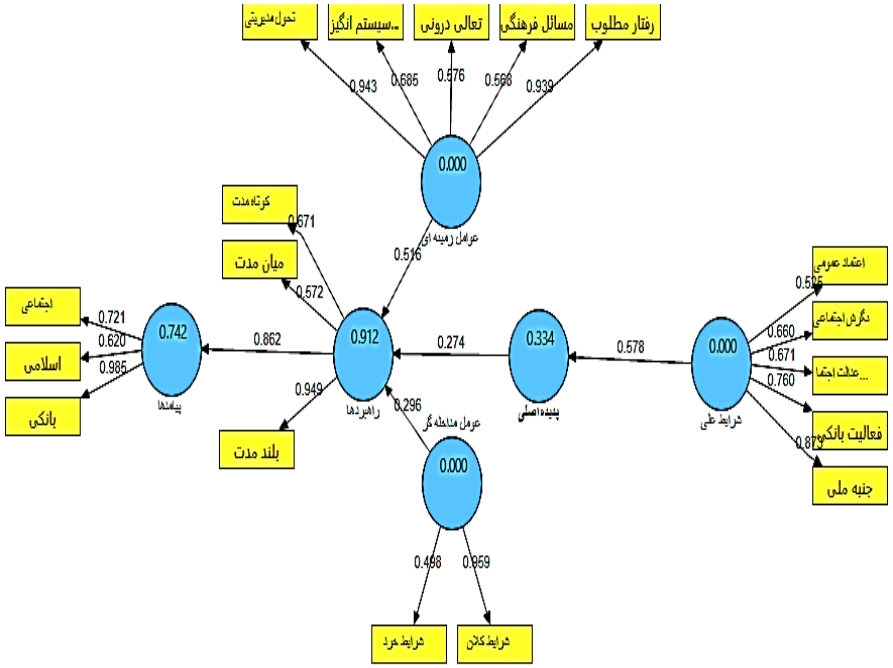

شکل (۱): مدل تحقیق در حالت بار عاملی منبع: (یافته‌های تحقیق)

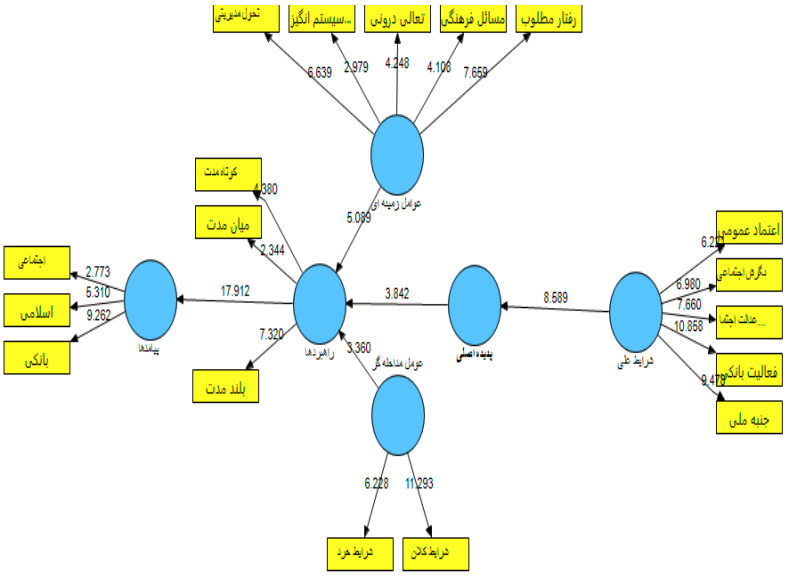

شکل (۲): مدل تحقیق در حالت ضرایب t منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۶): خلاصه مدل پژوهش

روابط	تأثیر	t
شرایط علی بر پدیده اصلی	۰/۵۷۸	۸/۵۸۹
پدیده اصلی بر راهبردها	۰/۲۷۴	۳/۸۴۲
شرایط زمینه‌ای بر راهبردها	۰/۵۱۶	۵/۰۸۹
شرایط مداخله‌گر بر راهبردها	۰/۲۹۶	۳/۳۶۰
راهبردها بر پیامدها	۰/۸۶۲	۱۷/۹۱۲

مطابق با نتایج مدل پژوهش مشخص گردید که روابط مدل همگی به علت بالاتر بودن سطح t از ۱/۹۶ معنادار است. به‌منظور بررسی برازش مدل پژوهش از شاخص‌های منتخب استفاده گردید. جدول (۷) نتایج مربوط به شاخص‌های برازش مدل پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول (۷): شاخص‌های برازش

	شرایط علی	زمینه‌ای	مداخله‌گر	راهبردها	پیامدها	معیار	وضعیت
آلفای کرونباخ	۰/۸۵	۰/۸۹	۰/۸۱	۰/۸۳	۰/۸۸	بالاتر از ۰/۷	مطلوب
پایایی ترکیبی	۰/۸۸	۰/۹۱	۰/۸۵	۰/۸۸	۰/۸۹	بالاتر از ۰/۷	مطلوب
میانگین واریانس استخراجی	۰/۴۳	۰/۴۵	۰/۴۱	۰/۴۴	۰/۵۲	بالاتر از ۰/۴	مطلوب
ضریب تعیین	–	–	–	۰/۹۱	۰/۷۴	۰/۱۹=ضعیف ۰/۳۳=متوسط ۰/۶۷=قوی	مطلوب

به‌منظور بررسی روایی واگرا از روش فورنل و لاکر[12] (۱۹۸۱م) استفاده شد. جدول (۸) نتایج روایی واگرا با استفاده از روش فورنل و لاکر را نشان می‌دهد.

12 .Fornell-Larcker

جدول(۸): شاخص‌های برازش

	شرایط علی	زمینه‌ای	مداخله‌گر	راهبردها	پیامدها
شرایط علی	۰/۶۵				
شرایط زمینه‌ای	۰/۲۸۷	۰/۶۷			
شرایط مداخله‌گر	۰/۱۰۷	۰/۳۱۷	۰/۶۴		
راهبردها	۰/۳۰۱	۰/۲۳۷	۰/۲۰۰	۰/۶۶	
پیامدها	۰/۲۱۷	۰/۲۰۹	۰/۲۲۹	۰/۲۳۷	۰/۷۲

همان‌طور که نتایج جدول (۸) نشان می‌دهد، ریشه دوم مقادیر میانگین واریانس استخراجی هر سازه بزرگتر از مقادیر همبستگی آن سازه با سازه‌های دیگر است. به جدول (۹) نتایج مربوط به شاخص Q2 را نشان می‌دهد.

جدول (۹): شاخص Q2

عوامل	SSE	SSO	Q2 = 1-SSE/SSO
شرایط علی	۳۸۷/۲۷۰	۶۸۷/۰۰۰	۰/۴۳۷
شرایط زمینه‌ای	۳۹۸/۴۷۸	۶۵۷/۰۰۰	۰/۳۹۴
شرایط مداخله‌گر	۴۲۸/۵۴۰	۶۹۸/۰۰۰	۰/۳۸۷
راهبردها	۴۲۵/۳۰۰	۷۲۴/۰۰۰	۰/۴۱۳
پیامدها	۴۳۵/۴۴۷	۷۰۱/۰۰۰	۰/۳۷۹

با توجه به اینکه میزان مطلوب این شاخص بالاتر از ۰/۳۲ است، می‌توان چنین اعلام داشت که میزان شاخص Q2 در عوامل شناسایی شده در وضعیت مطلوبی قرار دارد. جدول (۱۰) نتایج مربوط به شاخص برازش کلی مدل[۱۳] را نشان می‌دهد.

جدول (۱۰): شاخص GOF

متغیرها	مقادیر اشتراکی	R2	$GOF = \sqrt{\overline{R2} \times \overline{\text{مقادیر اشتراکی}}}$
راهبردها	۰/۴۴	۰/۹۱	۰/۶۳
پیامدها	۰/۵۲	۰/۷۴	۰/۶۱

13 .GOF

با توجه به اینکه میزان مطلوب شاخص GOF بالاتر از ۰/۳۶ است، می‌توان چنین اعلام داشت که میزان این شاخص در عوامل شناسایی‌شده در وضعیت مطلوبی قرار دارد. با توجه به نتایج مربوط به شاخص برازش مدل، مشخص گردید که مدل پژوهش در تمامی شاخص‌ها از برازش مناسبی برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

مشکلات پیش‌روی اقتصاد جهان و بحران دامن‌گیر آن نشان از نارسایی‌هایی در فعالیت بانکداری دارد. بسیاری بر این عقیده‌اند بحران مالی که اروپا و آمریکا طی سال‌های اخیر پشت‌سر گذاشت و اثرات اجتماعی و اقتصادی همه جانبه‌ای بر روی مردم داشت به سبب عدم رعایت بانکداری اجتماعی و تبعیت از اصول اقتصادی آن‌هم به‌صورت نادرست و نصفه و نیمه هست. اعتراف به ضعف در شیوه‌های پیشین بانکداری جهانی و اقدامی اصلاحی برای کاستن از آن دشوار است، اما درک و سرنوشت تازه‌ای را برای همه بانک‌ها رقم می‌زند.

در نظام بانکداری ایران که از اصول بانکداری اسلامی پیروی می‌کند و قوانین جامعی چون نظام قرض‌الحسنه و... در این راستا وجود دارد انتظار می‌رود به بانکداری اجتماعی بیش از سایر کشورها توجه شود.

در حال حاضر، بانک‌های اسلامی یکی از مهم‌ترین و معتبرترین نهادهای مالی در جذب سپرده‌های مسلمانان به‌شمار می‌روند که با رفع دغدغه‌های مسلمانان برای سرمایه‌گذاری منابع خود و با تکیه‌بر روش‌های مبتنی‌بر اسلام، بخش زیادی از گردش مالی جوامع مسلمان و حتی جوامع غربی را به خود اختصاص داده‌اند. دامنه فعالیت نهادهای مالی اسلامی با برخورداری از ویژگی‌هایی نظیر منع بهره، مشارکت در سودوزیان و پرهیز از ارتکاب حرام در فعالیت‌ها، به‌طور فزایندهای در حال گسترش است. ممنوع‌بودن بهره بدین‌معنا نیست که بانک‌های اسلامی به دنبال سودآوری نخواهند بود، بلکه مدیران بانک‌ها باید با تلاش‌های صادقانه خود، ضمن رعایت اصول اسلام در معاملات، سود معقولی برای سپرده‌گذاران و سهام‌داران فراهم کنند. برای اولین بار، حنیفا و حدیب[14] (۲۰۰۷م) نشان دادند که بانک‌های اسلامی دارای «هویت اخلاقی» هستند و این به

14. Hanifa & Hadib

مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیشتر آن‌ها نسبت به بانک‌های متعارف (که صرفاً بر سودآوری تمرکز دارند) منجر خواهد شد. رعایت و افشای این مسئولیت‌ها، تأثیرات مثبتی بر جامعه دارد و موجب بهبود روابط با ذی‌نفعان، بهبود عملکرد مالی بانک به دلیل اعتماد عمومی نسبت به بانک‌ها و فراهم آمدن منابع ارزان‌تر برای بانک، نسبت به سایر رقیبان می‌شود.

با توجه به نتایج تحقیق حاضر مشخص گردید که شرایط علی توسعه اصول بانکداری اسلامی- اجتماعی شامل اعتماد عمومی، نگرش‌های اجتماعی، عدالت اجتماعی، فعالیت‌های بانکی و جنبه‌های ملی است. بدون‌شک کارکردهای اجتماعی سیستم‌های بانکی در جهت شکل‌گیری سرمایه اجتماعی می‌تواند لازمه ایجاد بانکداری اسلامی- اجتماعی گردد. کارکردهای اجتماعی، اصلاحی و بانکی سیستم‌های بانکداری اسلامی و اجتماعی می‌تواند ضرورت و دغدغه ایجاد بانکداری اسلامی- اجتماعی را فراهم نماید.

با توجه به نتایج تحقیق حاضر مشخص گردید که شرایط زمینه‌ای توسعه اصول بانکداری اسلامی- اجتماعی شامل رفتارهای مطلوب، مسائل فرهنگی، تعالی درونی، سیستم انگیزشی و تحول مدیریتی است. بدون‌شک در مسیر شکل‌گیری بانکداری اسلامی- اجتماعی می‌بایستی به شاخص‌های رفتارهای مطلوب، مسائل فرهنگی، تعالی درونی، سیستم انگیزشی و تحول مدیریتی توجه گردد. بدون شک در جهت ایجاد بانکداری اسلامی- اجتماعی می‌بایستی به جنبه‌های مختلفی توجه گردد. این مسأله نشان می‌دهد که در مسیر شکل‌گیری و توسعه بانکداری اسلامی- اجتماعی می‌بایستی به‌صورت جدی به جنبه‌های مختلفی از منظر فرهنگی، مدیریتی، انگیزشی، محیطی و رفتاری توجه جدی گردد.

با توجه به نتایج تحقیق حاضر مشخص گردید که شرایط مداخله‌گر توسعه اصول بانکداری اسلامی- اجتماعی شامل شرایط کلان و شرایط خُرد است؛ بنابراین در جهت توسعه بانکداری اسلامی- اجتماعی می‌بایستی شاخص‌های کلان و خرد را به‌صورت جدی دنبال گرد. این مسأله نشان می‌دهد در مسیر توسعه بانکداری اسلامی- اجتماعی می‌بایستی به جنبه‌های خُرد و کلان توجه جدی داشت و شرایطی جهت رفع این شرایط مداخله‌گر اعمال نمود. بدون‌شک رفع محدودیت‌های خرد و کلان در مسیر توسعه

بانکداری اسلامی- اجتماعی امری ضروری است که می‌بایستی به‌صورت جدی دنبال گردد.

با توجه به نتایج مشخص گردید که راهبردهای توسعه اصول بانکداری اسلامی- اجتماعی شامل راهبردهای میان‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است. راهبردهای کوتاه‌مدت شامل تقویت شاخص‌های اخلاقی در سیستم بانکی شامل روحیه امانت‌داری و صداقت، تعریف و عملیاتی نمودن سرانه تسهیلات مناطق محروم در سیستم بانکی، افزایش دسترسی یکسان به تسهیلات برای تمامی آحاد جامعه تعریف عملیاتی شاخص‌های بانکداری اسلامی، واکنش مثبت و سریع به خواسته‌ها و نیازهای موجود بانکی در جامعه، گروه‌بندی مخاطبان و شکل‌گیری برنامه‌ریزی دقیق برای تمام گروه‌ها، کاهش منفعت‌طلبی یک‌جانبه بانکی با رفع خواسته‌ها و نیازهای بانکی محرومین و ایجاد فرهنگ پاسخ‌گویی در تمامی لایه‌های بانکی است. همچنین راهبردهای میان‌مدت شامل ایجاد بانک اطلاعاتی از مخاطبان بانکی و ایجاد سیستم واکنشی به خواسته‌های آنان، اصلاح و بازتعریف دقیق شاخص‌های بانکداری اسلامی، ذی‌نفع‌شناسی در سیستم بانکی و کشف خواسته‌های تمامی ذی‌نفعان، قدرت بخشی به مخاطبان بانکی با ایجاد سامانه‌های ارتباط با مشتری، چابک‌سازی و یکپارچه‌سازی فرایندهای توسعه سیستم‌های انسانی در سیستم بانکی و تقویت حضور نهادهای متولی در حوزه شفافیت بانکی است. از طرفی راهبردهای بلندمدت شامل شکل‌گیری روحیه جهادی در سیستم بانکی، بازتعریف و طراحی سیستم گزارش‌دهی، ارزشیابی و نظارت در بخش‌های مختلف بانکی، پیاده‌سازی اپلیکیشن و ساختار یکپارچه رسانه‌ای و نشر اطلاعات در حوزه بانکی، تخصیص بهینه منابع اقتصادی و مالی در بین بخش‌های اقتصادی و همچنین در بین مناطق مختلف متناسب با ظرفیت جذب آنان و تعریف و اجرای طرح‌های بانکی دارای منافع عمومی بالا بود. بدون‌شک راهبردهای شناسایی‌شده نشان می‌دهد که در جهت توسعه بانکداری اسلامی- اجتماعی می‌بایستی نگاه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدتی داشت تا بتوان شاخص‌های بانکداری اسلامی در مسیر رشد و تعالی سرمایه اجتماعی را فراهم نمود.

با توجه به نتایج مشخص گردید که پیامدهای توسعه اصول بانکداری اسلامی- اجتماعی شامل پیامدهای اجتماعی، پیامدهای اسلامی و پیامدهای بانکی است. بدون‌شک

ایجاد بانکداری اسلامی- اجتماعی می‌تواند رشد و توسعه شاخص‌های اجتماعی، اسلامی و بانکی را داشته باشد و شرایطی جهت توسعه و ارتقا سیستم‌های بانکداری اسلامی اجتماعی را فراهم نماید. توجه به اصول بانکداری اسلامی و اجتماعی و پیاده‌سازی این شاخص‌ها می‌تواند از منظر اجتماعی منجر به بهبود تعاملات اجتماعی در سیستم بانکی، شکل‌گیری هویت اجتماعی، ایجاد سرمایه اجتماعی در سیستم بانکی، بهبود مهارت‌های اجتماعی کارکنان و کاهش تنش‌های اجتماعی در سیستم بانکی گردد. همچنین توجه به اصول بانکداری اسلامی و اجتماعی و پیاده‌سازی این شاخص‌ها می‌تواند از منظر اسلامی منجر به عملی نمودن شاخص‌های بانکداری اسلامی، ارتقا عدالت محوری در سیستم بانکی، رعایت فقه در قراردادهای بانکی و دستیابی به اقتصاد اسلامی گردد. همچنین توجه به اصول بانکداری اسلامی و اجتماعی و پیاده‌سازی این شاخص‌ها می‌تواند از منظر بانکی منجر به بهبود اعتبار سیستم بانکی، افزایش مشتریان بانکی، بهبود کارایی سیستم بانکی، ایجاد محیطی کم‌تنش در سیستم بانکی، ارتقا سیستم‌های محیطی بانک‌ها و اشراف سیستم بانکی از ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری گردد.

تحقیق حاضر سعی دارد نشان دهد نظام بانکداری در ایران منطبق با اصول بانکداری اسلامی- اجتماعی براساس مدل QBLP[15] است و سیستم موجود منجر به کمرنگ‌شدن فقر، تبعیضات قومی، جنسیتی و دغدغه‌های زیست‌محیطی و همان زمان موجب اجرای قوانین اسلامی می‌شود و آیا بانکداری اسلامی- اجتماعی می‌تواند خلأهای موجود در نظام بانکداری اسلامی را پر نموده و نیازهای توسعه جوامع مسلمانان را می‌تواند مرتفع کند یا خیر؟

نتایج بررسی فرضیه‌ها نشان داد با توجه به سطح معناداری آزمون t تک نمونه‌ای، ردشدن فرضیه صفر آزمون و میانگین به‌دست‌آمده از یافته‌های تحقیق می‌توان گفت که براساس نظام بانکداری اسلامی-اجتماعی: ۱) نظام بانکداری در ایران براساس شریعت و قوانین اسلامی اجرا می‌گردد؛ ۲) نظام بانکداری در ایران به مسائل زیست‌محیطی اهمیت نمی‌دهد؛ ۳) نظام بانکداری در ایران بر امور اجتماعی و مردم تأثیرگذار است؛

15. Quadruple Bottom Line Principle

۴) نظام بانکداری در ایران منجر به سوددهی می‌شود؛ ۵) نظام بانکداری در ایران اصول چهارجانبه بانکداری اسلامی اجتماعی را رعایت می‌کند.

به‌صورت کلی مشخص گردید که در مسیر شکل‌گیری بانکداری اسلامی- اجتماعی می‌بایستی ضمن تلاش جهت ایجاد رفتارهای مطلوب، مسائل فرهنگی، تعالی درونی، سیستم انگیزشی و تحول مدیریتی؛ شرایطی جهت رفع مشکلات عوامل خُرد و کلان را فراهم نمود. همچنین با توجه به نتایج تحقیق حاضر می‌توان چنین مشخص نمود که توجه به راهبردهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت امری ضروری و مهم است که می‌بایستی به‌صورت جدی دنبال گردد. بدون‌شک توجه به اصول بانکداری اسلامی- اجتماعی و تلاش جهت پیاده‌سازی آن می‌تواند منجر به پیامدهایی در حوزه‌های اجتماعی، اسلامی و بانکی گردد. براساس مفروضات و نتایج حاصل از این تحقیق برای برداشتن موانع و مشکلات در جهت رشد بانکداری اسلامی- اجتماعی در ایران ما نیازمند به یک برنامه‌ریزی جامع‌تر هستیم. وجود مشکلات در ساختار، قوانین، نظارت، مهندسی مالی، استقلال و مدیریت دولتی بانک‌ها و درنهایت مشکلات عملیاتی از موانع و مشکلاتی است بانکداری اسلامی در جهت رشد با اختلال روبه‌رو کرده است باید بتوانیم این مشکلات را به حداقل برسانیم تا بتوانیم این نظام را بیش‌ازبیش مزیت‌ها و نماد واقعی خود را به عموم نشان دهد. یکی دیگر از مشکلات، ضوابط و مقررات و دستورالعمل‌ها و مصوبات نهادهای خارج از بانک است، تعداد و تنوع و بعضاً پیچیدگی و حجم زیاد مصوبات شورای عالی بانک‌ها، بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های ناشی از بانک مرکزی و مصوبات مجلس شورای اسلامی، مصوبات شورای پول و اعتبار و... می‌تواند از عوامل بازدارنده برای اعمال مدیریت کارآمد باشد. در ضمن ملاحظات فقهی و شرعی در جلوگیری از تصویب قوانین کارا و مؤثر مانند صکوک که کارایی آن به اثبات رسیده است و حتی در نظام بانکداری متعارف و غرب به‌شدت از آن استفاده می‌کنند می‌تواند از دیگر عوامل بازدارنده در قوانین باشد. که به‌طورکلی پیشنهادها زیر داده می‌شود. در مورد موضوع این پژوهش، تحقیقات داخلی چندانی صورت نگرفته است؛ لذا بهتر است در تعیین سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی-اسلامی بانک‌ها با اعمال تعدیل و تغییر در برخی از ابعاد چک‌لیست بین‌المللی براساس قوانین داخلی کشور، زمینه پژوهش‌های

آینده فراهم آورده شود. از سوی دیگر با تهیه چک‌لیست و مقایسه شاخص افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی- اسلامی با عملکرد مالی برای هر بانک به‌طور جدا می‌توان در سال‌های متمادی به‌طور دقیق‌تری بررسی کرد. در طول مسیر تحقیق محقق به نتایج جانبی دیگری دست‌یافته است.

ملاحظات حقوقی
- پیروی از اصول حقوقی
تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.
- تعارض منافع
بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.
بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از رساله دکتری که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم دفاع شده است.

Reference

1. Alix-Garcia, J. M., Sims, K. R., Orozco-Olvera, V. H., Costica, L. E., Fernández Medina, J. D., & Romo Monroy, S. (2018). Payments for Environmental Services Supported Social Capital while Increasing Land Management. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, *115*(27), 7016-7021.
2. Akbarian, R& ,. Rafiei, H, (2007). Islamic Banking; Practical Theoretical Challenges and Solutions, *Islamic Economics*, 7(26), 118-97.
3. Asutay, M. (2007). Conceptualisation of the Second Best Solution in Overcoming the Social Failure of Islamic Finance: Examining the Overpowering of Homoislamicus by Homoeconomicus. *Economics and Management*, *15*(2), 167-195.
4. Benedikter, R., & Benedikter, R. (2011). *Social Banking and Social Finance* (pp. 1-128). Springer New York.
5. Creswell, J. W., & Clark, V. L. P. (2017). *Designing and conducting mixed methods research*. Sage publications.
6. Paytkti, A,. &Arab Mazar, A. (2015). Investigating the Effect of Islamic Banking Contracts on the Unemployment Rate in Iran. *Islamic Economics*. 16(61), 65-77.
7. Bastanifar, E; Heydari, M ,R; &Moghadam, V. (2015). Credit Creation Model in Islamic Banking Influenced by the Thought of Martyr Sadr. *Islamic Economics*, 16(61), 137-155.
8. Jackson, M. O. (2020). A Typology of Social Capital and Associated Network Measures. *Social Choice and Welfare*, *54*(2), 311-336.

9. Muntaner, C., Lynch, J., & Smith, G. D. (2020). Social Capital, Disorganized Communities, and the Third way: Understanding the Retreat from Structural Inequalities in Epidemiology and Public Health. *Political and Economic Determinants of Population Health and Well-Being:*, 427-450.
10. Mohd Nor, S., Abdul Rahim, R., & Che Senik, Z. (2016). The Potentials of Internalising Social Banking among the Malaysian Islamic Banks. *Environment, Development and Sustainability*, *18*, 347-372.
11. Mohseni Zenozi, S, J,. &Jalili, Z,. (2015). Problems of Islamic Banking with a View of Malaysia's Experience, *Islamic Economics and Banking*, 17, 33-58.
12. Mousaviyan, S ,A,. (2019). Investigation of the Law of Banking Operations without Usury and the Proposal of a Replacement Law, *Islamic Economics*, 7(25), 9-36.
13. Qavami, S, H,. (2015). A Theoretical Model for Solving the Selection Problem in Islamic Banking Cooperative Contracts, Islamic *Economics*, 17(66), 223-191.
14. Reifner, U. (1992). Social Banking and New Poverty-Towards a New Approach in Law and Economics. *Banking for People: SBing and New Poverty Consumer Debts and Unemployment in Europe-National Reports*, 23-42.
15. Sadeghi Shahabi, M,. &Nasrabadi, D,. (2015). The Stability of Islamic Banking Against the Financial Crisis (Case Study: Financial Crisis of 2008), Islamic Economic Studies, 9(17), 118-85.
16. Safarnia, H; Dehghani, M; Farsizadeh, H; &Hemmati, A,. (2016). Designing a Strategic Model of Factors Affecting the Attraction and Retention of Exemplary Customers in the Banking Industry of the Islamic Republic of Iran, Strategic Public Policy Studies, 7(23), 73-93.
17. https://porsline.ir/

Islamic Finance Researches
Vol. 13, No. 2 (Serial 28), 2024

Review Paper

Shariah-Compliant or Shariah-Based? The Changing Discourse of Islamic Finance

Ali Reza Ramrouz* **Mohammad Reza Simiari****

10.30497/ifr.2024.246174.1887

Abstract

Observers and experts of the Islamic finance industry expect Islamic financial institutions to move from offering instruments that are solely Shariah-compliant to offering instruments that are substantially Shariah-based. However, there are some questions about when the words "Shariah-compliant" and "Sharia-based" entered into the Islamic financial literature and why. What is the exact meaning of "Shariah-based"? In this article, in addition to reviewing different attitudes towards the Islamic financial system, we will describe the history of the emergence of the two mentioned terms as a manifestation of the change of discourse in the Islamic financial industry. Investigations show that in the definition of Sharia-based product, at least one of the principles of separation (emphasis on the content separation of Islamic finance from conventional finance), Authenticity and welfare have been implied. The principle of separation refers to the concepts of separate product development, separate pricing, separation of funds and sectoral separation. The principle of authenticity deals with the three concepts of historical authenticity, authentic connection to the real economy and ontological transparency. Concepts in the welfare principle include risk-sharing, protection of the poor, and welfare-oriented business operations. This change in the discourse is not a problem, but a sign of Islamic financial maturity and moving towards the goals of the Islamic economic system.

Keywords: Islamic Finance; Islamic Economy; Shariah.
JEL Classification: D83, E44, G23, G51.

* Faculty Member, Accounting Department, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
Alireza.ramrouz@iau.ac.ir 0000-0003-1479-887X

** PhD Student, Financial Management, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran; and Researcher, Research Managment, Development and Islamic Studies Office, Securities and Exchange Organization, Tehran, Iran.
m_simiari@sbu.ac.ir 0000-0002-9636-708X

Recived: 2024/04/27 Accepted: 2024/11/16

فصلنامه علمی «تحقیقات مالی اسلامی»، سال سیزدهم، شماره دوم (پیاپی ۲۸)، زمستان ۱۴۰۲
مقاله ترویجی، صص. ۳۷۷-۳۹۸

«منطبق با شریعت» یا «مبتنی‌بر شریعت»؟ بررسی تغییر گفتمان در مالی اسلامی

علیرضا رام‌روز* محمدرضا سیمیاری**

چکیده

خبرگان و متخصصان مالی اسلامی از نهادهای مالی اسلامی انتظار دارند تا از عرضه ابزارهایی که صرفاً منطبق با شریعت هستند، به سمت عرضه ابزارهایی که اساساً مبتنی‌بر شریعت هستند، حرکت کنند؛ اما در مورد زمان ورود دو عبارت «مبتنی‌بر شریعت» و «منطبق بر شریعت» به ادبیات مالی اسلامی و چرایی آن سؤالاتی مطرح است. معنای دقیق «مبتنی‌بر شریعت» چیست؟ در این مقاله ضمن مرور نگرش‌های مختلف به‌نظام مالی اسلامی، به بیان تاریخچه ظهور دو عبارت مذکور به‌عنوان نمود تغییر گفتمان در صنعت مالی اسلامی پرداخته می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد در تعاریف محصولات مبتنی‌بر شریعت، دست‌کم یکی از اصول تفکیک (تأکید بر تفکیک محتوایی مالی اسلامی از مالی مرسوم)، اعتبار و رفاه نمود داشته است. اصل تفکیک به مفاهیم توسعه محصولات مجزا، تفکیک وجوه، تفکیک بخشی و تفکیک قیمت‌گذاری اشاره دارد. اصل اعتبار به سه مفهوم اعتبار تاریخی، ارتباط معتبر با بخش واقعی اقتصاد و شفافیت هستی‌شناختی می‌پردازد. نهایتاً مفاهیم موجود در اصل رفاه نیز عبارتند از: «تسهیم ریسک»، «محافظت از فقرا» و «عملیات کسب‌وکار رفاه‌گرا». این تغییر در گفتمان، مشکل نیست؛ بلکه نشانه‌ای از بلوغ مالی اسلامی و حرکت به سمت اهداف نظام اقتصادی اسلام محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: مالی اسلامی؛ اقتصاد اسلامی؛ شریعت.

---

* عضو هیأت علمی، گروه حسابداری، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Alireza.ramrouz@iau-tnb.ac.ir
** دانشجوی دکتری، مدیریت مالی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران؛ و پژوهشگر مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی، سازمان بورس و اوراق بهادار، تهران، ایران
m_simiari@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۶
مقاله مدت ۲ روز جهت اصلاحات نزد نویسندگان بوده است.

مقدمه

صنعت مالی اسلامی، خود را به‌عنوان جایگزین شرعی مالی مرسوم معرفی کرده است و افراد علاقه‌مند به این حوزه تمایل دارند رویه واقعی مالی اسلامی را به ایده‌آل‌های اخلاقی نزدیک‌تر کنند. بسیاری از سمینارها، نشست‌ها، کتاب‌ها و مقاله‌ها به دنبال پیشرفت‌های اخلاقی در مالی اسلامی هستند. چنین تقاضاهایی به دلیل این تفکر ایجاد شده‌اند که مالی اسلامی از این ظرفیت برخوردار است که اخلاقی‌تر ازآنچه امروز هست، باشد.

طرفداران این به‌سازی برای تشریح تغییراتی که در ذهن دارند از واژگان متنوعی استفاده می‌کنند. به عقیده برخی، صنعت مالی اسلامی می‌بایست از تأکید بر «شکل» به سمت تأکید بر «محتوا» حرکت کند؛ برخی دیگر حرکت از سمت سیستم «انتقال ریسک» به سیستم «تسهیم ریسک»[1] را مناسب می‌دانند و عده‌ای معتقد هستند از «تقلیدی کردن» ابزارهای مالی مرسوم باید به سمت ایجاد ابزارهای اسلامی «بومی» حرکت کرد؛ برخی نیز اتخاذ رویکرد «مبتنی‌بر حقوق مالکانه » به‌جای رویکرد «مبتنی‌بر بدهی» را مناسب می‌دانند و نهایتاً برخی طرفدار ساختارهای «مبتنی‌بر دارایی»[2] به‌جای ساختارهای «با پشتوانه دارایی»[3] هستند.

در طول دهه گذشته، شاید رایج‌ترین درخواست طرفداران ایجاد اصلاحات در صنعت مالی اسلامی، حرکت نهادهای مالی اسلامی از عرضه صرف ابزارهای «منطبق با شریعت»[4] به سمت عرضه ابزارهای «مبتنی‌بر شریعت»[5] (یا «منبعث از شریعت»[6] بوده است؛ اما این واژگان دقیقاً چه معنایی دارند؟ واژگان نام‌برده مبهم هستند؛ اما به نظر می‌رسد عبارت «مبتنی‌بر شریعت» حتی بازیگران صنعت مالی اسلامی را نیز سردرگم کرده باشد. حتی برخی از متخصصین حوزه بانکداری نیز در تشریح تفاوت بین تأمین مالی منطبق با شریعت و تأمین مالی مبتنی‌بر شریعت دچار مشکل هستند. عده‌ای نیز

1. Risk Sharing
2. Asset-based
3. Asset-backed
4. Shariah-compliant
5. Shariah-based
6. Shariah-driven

این دو عبارت را مترادف در نظر می‌گیرند و اساساً تشریح تفاوت بین این دو عبارت را بی‌معنا می‌دانند.

برای مثال، ربیعه[۷] (۲۰۱۳م) بیان می‌کند برخی منطبق با شریعت را به معنای تابع شریعت بودن و همسانی با آن می‌دانند. در زمینه معاملات مالی اسلامی، این اصطلاح به این معنی است که تمام معاملات مالی باید با فقه معاملات انطباق داشته باشند. فقه معاملات از منابع شریعت (مانند قرآن و سنت) استخراج می‌شوند؛ بنابراین، می‌توان گفت انطباق با شریعت نشأت گرفته از مبتنی‌بر شریعت بودن یا چارچوب شرعی اصول، قواعد، آموزه‌ها و ممنوعیت‌ها است. بر این اساس، اگر عملی منطبق بر شریعت باشد، لزوماً مبتنی‌بر شریعت نیز در نظر گرفته می‌شود.

۱. نگرش‌ها به نظام مالی اسلامی

برای توضیح دو اصطلاح محصولات منطبق با شریعت و محصولات مبتنی‌بر شریعت نیاز است مروری بر نگرش‌های مختلف به نظام مالی اسلامی داشته باشیم. دو رویکرد اصلی در مطالعات مالی اسلامی عبارتند از «نگرش نظام‌سازی به نظام مالی اسلامی» و «نگرش فقهی به نظام مالی اسلامی».

براساس *نگرش نظام‌سازی به نظام مالی اسلامی*، نظام مالی اسلامی بر پایه عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام بنیان نهاده می‌شود که به روش اجتهادی از منابعِ استنباط[۸]، کشف می‌شوند. مطابق آموزه‌های دینی، «مبانی بینشی و ارزشی»، «سنت‌های الهی»، «اهداف»، «احکام» و «اخلاق» به‌عنوان عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام از متون شریعت و به روش اجتهادی کشف می‌شوند و دیدگاه اسلام در این موارد تأسیسی[۹] است؛ به این معنا که خود شریعت متصدی بیان این موارد است و ما وظیفه داریم آن‌ها را به روش اجتهاد از منابع استنباط کشف کنیم. از سوی دیگر، نظام مالی اسلام دارای عناصر متغیری نیز هست که عبارتند از: «بازارهای مالی»، «قوانین و مقررات و قراردادهای مالی»، «سازمان‌ها و نهادهای مالی»، «ابزارها و محصولات مالی» و «الگوهای

---

7. Rabiah

۸. منابع فقه امامیه عبارتند از: قرآن، سنت، اجماع و عقل.

۹. یعنی شرع مقدس اسلام آن را وضع کرده و پیش از آن سابقه‌ای نداشته است.

رفتاری». این عناصر به روش‌های متداول علوم مرسوم، از تجربه و دانش بشری به‌دست می‌آیند و موضع شریعت در این عناصر غالباً امضایی است؛ به این معنا که از میان یافته‌های دانش و تجربه بشری فقط آن عناصری انتخاب می‌شوند که سازگار با عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام باشند یا بتوان آن‌ها را با انجام اصلاحاتی سازگار کرد.

در *نگرش فقهی به نظام مالی اسلامی*، صرفاً سازگاری عناصر متغیر نظام مالی اسلام شامل بازارهای مالی، ابزارهای مالی، نهادهای مالی، قوانین و مقررات و الگوهای رفتاری مالی و اقتصادی، با احکام و موازین فقهی بررسی و در صورت سازگاری تأیید می‌شوند. به‌بیان‌دیگر، این رویکرد صرفاً امضایی است؛ بدین معنا که شارع مقدس در برخورد با معاملات و روابط مالی عرف و عقلا، برخی معاملات را که ناسازگار با موازین فقهی است حرام یا باطل می‌شمارد و گروهی دیگر از معاملات و قراردادها را امضا و تأیید می‌کند.

مقایسه بین این دو نگرش نشان می‌دهد که در رویکرد فقهی، سازگاری و تطابق عناصر متغیر نظام مالی اسلام، صرفاً با احکام و موازین فقهی بررسی می‌شود؛ اما در رویکرد نظام‌سازی، ابتدا نظام مالی اسلام باید به سمت تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام، یعنی پیشرفت، عدالت و امنیت حرکت کند و سپس، عناصر متغیر نظام مالی اسلامی باید علاوه‌بر سازگاری با موازین فقهی، با سایر عناصر ثابت نظام ازجمله مبانی بینشی و اخلاق اقتصادی نیز سازگاری لازم را داشته باشند (موسویان و توحیدی، ۱۴۰۲).

به‌طور مشابه، برخی دو رویکرد متفاوت فقها و اقتصاددانان اسلامی را مطرح می‌کنند. قید «اسلامی» در رویکرد فقها به معنای «مخالف شریعت نبودن» است؛ درحالی‌که در رویکرد اقتصاددانان اسلامی، یک اصلاح اساسی در نظام مالی دنبال می‌شود و مشارکت در سود و زیان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی محسوب می‌شود (Alamad, 2019, pp. 13-15).

۲. «مبتنی‌بر شریعت» یا «منطبق با شریعت»؟

سؤالی که به ذهن می‌رسد این است که آیا تمایزی بین دو اصطلاح «منطبق با شریعت» و «مبتنی‌بر شریعت» وجود دارد؟ آیا محصولی که منطبق با شریعت است، لزوماً مبتنی‌بر شریعت نیز محسوب می‌شود یا خیر؟

به نظر می‌رسد اصطلاح انگلیسی «*منطبق با شریعت*» در اوایل یا اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی به وجود آمده است. در مقابل، عبارت «بانکداری اسلامی» در سال ۱۹۷۴ و حتی قبل از آن به منابع دانشگاهی و روزنامه‌های انگلیسی زبان عمده راه یافت و عبارت «مالی اسلامی» نهایتاً از سال ۱۹۸۲ در زبان انگلیسی استفاده شده است. پیش از اواسط دهه ۱۹۹۰، نویسندگان به‌طورمعمول صرفاً از برچسب «اسلامی»، برای مثال «تمهیدات تسهیم سود اسلامی» استفاده می‌کردند و مانند امروز از عبارت «منطبق با شریعت»، به‌عنوان صفت استفاده نمی‌شد؛ اما آیا استفاده از عبارت منطبق با شریعت ضرورت داشت؟ چه اشکالی داشت اگر امروزه نیز همانند دهه ۱۹۸۰ صرفاً از واژه اسلامی استفاده می‌شد؟

نخستین پاسخ محتمل، ترمیم اعتماد مصرف‌کنندگان به مالی اسلامی بود که در پی برخی رسوایی‌ها خدشه‌دار شده بود. در آن زمان، برخی از عملیات مالی به اصطلاح «اسلامی» نزد عموم مردم بدنام شده بودند. شاید بدترین مورد، دخالت داشتن بسیاری از معروف‌ترین شرکت‌های سرمایه‌گذاری اسلامی مصر مانند الریان و السعد در دهه ۱۹۸۰ میلادی در کلاهبرداری‌های هرمی و رفتارهای نامشروع بود. مدیران این شرکت‌ها مشروعیت عمومی خود را از دست دادند و برای مثال، الریان که نهایتاً به ۲۱ سال حبس محکوم شد به موضوع سریال‌های تلویزیونی ماه رمضان تبدیل شد. استفاده از عبارت «منطبق با شریعت» در دهه ۱۹۹۰ به‌عنوان راهی برای تأکید بر انطباق عملیات نهادهای مالی اسلامی با استانداردهای اخلاقی سطح بالا استفاده شده است.

دلیل دوم این است که عبارت «منطبق با» از یک کارکرد بازاریابی قوی دیگر نیز برخوردار است؛ این عبارت نشان می‌دهد که پشت هر محصول مالی اسلامی تأیید شده، سطح بالایی از خرد رسمی، کارشناسی فنی و ارزیابی دقیق قرار دارد. کلمه «منطبق با» به معنای «احراز کردن قواعد یا استانداردها یا انطباق داشتن با آن‌ها» یا

«تولید شده در انطباق با مجموعه مشخصی از قواعد» است. ازآنجایی‌که مصرف‌کنندگان پیش‌ازاین به استفاده از عبارت «استانداردهای انطباق» در مورد محصولات الکتریکی (به معنای نظارت بر وجود سطح فلزات سنگین بود)، غذایی (به معنای بالاترین سطوح آزمون سم و باکتری بود) و هواپیما (به معنای لزوم انجام صدها آزمون الکتریکی و مکانیکی بود) عادت داشتند، عبارت «منطبق با شریعت» برای مشتریانی که در مورد چیستی محصولات مالی اسلامی سؤال داشتند، اطمینان مجدد فراهم می‌کرد.

در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی غالب محصولات مالی اسلامی صرفاً مبتنی‌بر یک قرارداد اسلامی مانند مرابحه، مشارکت یا مضاربه بودند. درواقع، از نام قرارداد برای تشریح محصول استفاده می‌شد. برای مثال، تأمین مالی اسلامی خودرو به‌سادگی تأمین مالی خودرو مرابحه نامیده می‌شد؛ اما با ورود مالی اسلامی به بازارهای سرمایه در دهه ۱۹۹۰، الزامات نام‌گذاری تغییر کرد. برای مثال، اطلاق عبارت اسلامی به صندوق‌های سرمایه‌گذاری گمراه‌کننده بود؛ اما استفاده از عبارت «منطبق با شریعت»، اینکه سهام فاقد هرگونه شرایط ناقض فقه اسلامی مانند دخالت در بخش‌های حرام همانند گوشت خوک، مشروبات الکلی و... است را به‌طور دقیق‌تری به تصویر می‌کشید. همچنین با افزایش معرفی محصولات مرسوم، استفاده از عبارت «منطبق با شریعت» برای ایجاد تفاوت بیشتر بین محصولات منطبق با شریعت و محصولات مرسوم ضرورت بیشتری پیدا می‌کرد.

عبارت «*مبتنی‌بر شریعت*» (مترادف عبارت «منبعث از شریعت») به‌عنوان جایگزینی که ازنظر اخلاقی نسبت به عبارت «منطبق با شریعت» مرجّح است، بیان می‌شود. عبارت «*مبتنی‌بر شریعت*» احتمالاً نخستین‌بار در اواسط دهه ۲۰۰۰ میلادی ظاهر شده است. خان[10] در سال ۲۰۰۶ در نخستین کاربردهای عبارت «مبتنی‌بر شریعت»، عبارت «منطبق با شریعت» را در ارتباط با «محصولات بدهی» و «مبتنی‌بر شریعت» را در ارتباط با «محصولات پس‌انداز و سرمایه‌گذاری» استفاده کرد.

کاربرد عبارت «مبتنی‌بر شریعت» در اواخر دهه ۲۰۰۰ میلادی و نیمه نخست دهه ۲۰۱۰ اشاعه یافت. یکی از دلایل افزایش گفتمان تفکیک قائل شدن بین دو عبارت

10. Khan

«منطبق با شریعت» و «مبتنی‌بر شریعت» در صنعت مالی اسلامی، کاهش تدریجی استفاده از مدل مشارکت در سودوزیان[11] به‌عنوان عنصر هدایت‌کننده مالی اسلامی است. عبارت «منطبق با شریعت»، عبارتی بود که صنعت مالی اسلامی برای حرکت از تأمین مالی مبتنی‌بر بدهی به‌سوی تأمین مالی مبتنی‌بر حقوق مالکانه (یعنی PLS) به آن نیاز داشت. عبارت «مبتنی‌بر شریعت»، عبارتی است که صنعت مالی اسلامی برای حرکت از تأمین مالی اسلامی شکلی به سمت تأمین مالی اسلامی محتوایی‌تر (مبتنی‌بر شریعت) به آن نیاز دارد.

در سه دهه گذشته، نقش تأمین مالی مبتنی‌بر PLS به‌عنوان یک هدف عملیاتی برای صنعت مالی اسلامی کاهش‌یافته است؛ اما همچنان به‌عنوان یک روایت ایده‌آل باقی‌مانده است. در دهه ۱۹۸۰ میلادی، اکثریت وسیعی از بازیگران مالی اسلامی تلاش‌های جدی برای اجرای مضاربه و سایر مدل‌های کل‌نگر مبتنی‌بر PLS را متوقف کردند. علت این امر نه شکست‌های اخلاقی یا مشکلات فردی، بلکه تنظیم‌گری و شرایط حاکم بر بازار بود که مانع اجرای تمام و کمال PLS می‌شدند. درست است که ساختارهای PLS همچنان در مالی اسلامی نقش ایفا می‌کنند، اما از اوایل دهه ۱۹۸۰ این نقش جزئی شده است. امروزه حتی روش‌های تأمین مالی مبتنی‌بر *مضاربه* و *مشارکت* که در حقیقت اولیه خود بازدهی متغیر بودند نیز ابزارهای بدهی معمول را (که دارای سود ثابت معین هستند) همتاسازی می‌کنند؛ تا جایی که چیزی بسیار مشابه یک بازده مثبت و از پیش تعیین شده عرضه می‌نمایند. از منظر روایی، نهادهای مالی اسلامی، دانشمندان اسلامی و حتی تنظیم‌کنندگان دولتی همچنان مدعی هستند که نگه‌داشتن مالی اسلامی بر پایه PLS، تفاوت اصلی و مایه برتری مالی اسلامی نسبت به مالی مرسوم محسوب می‌شود. PLS بین دهه‌های ۱۹۸۰ و ۲۰۰۰ یک رویای معوق بود؛ اما رویایی که همیشه یک ابزار بازاریابی سودمند در نظر گرفته شده است (Calder, 2020).

11. Proit and Loss Sharing (PLS)

اما منظور از عبارت «مبتنی‌بر شریعت» چیست؟ در مورد معنای این عبارت سردرگمی وجود دارد. یک مؤسسه پژوهش‌های اقتصادی[۱۲] ادعا کرده است که کمیسیون اوراق بهادار مالزی در تغییر رویکرد از «منطبق با شریعت» به «مبتنی‌بر شریعت»، ضرورتاً به دنبال آزادسازی که بازارپذیری نوآورانه‌تر و بین‌المللی را میسر خواهد ساخت، بوده است.

گاهی اوقات «مبتنی‌بر شریعت» و «منبعث از شریعت»، معادل هرگونه اصلاح مطلوب در مالی اسلامی محسوب می‌شوند. در سال ۲۰۰۷ میلادی، دفتر مرکزی یک بانک اسلامی چندملیتی ادعا کرد که یک چارچوب تنظیم‌گری پویاتر، نوآوری بیشتر، راه‌حل‌های فناوری مناسب‌تر، آموزش و منابع انسانی بهتر و دروندادهای دانشگاهی وسیع‌تر همگی اجزاء حیاتی «تغییر نگرش از «محصولات و خدمات منطبق با شریعت» به «محصولات و خدمات مبتنی‌بر شریعت» هستند. ادبیات مالی اسلامی نشان می‌دهد تعاریف مالی مبتنی‌بر شریعت به دست‌کم یکی از سه اصل مجزای: تفکیک[۱۳]، اعتبار[۱۴] یا رفاه[۱۵] اشاره دارند.

- **تفکیک:** برخی از شخصیت‌های صنعت مالی اسلامی، تأمین مالی مبتنی‌بر شریعت را به‌عنوان ایجاد تفکیک بیشتر از مالی مرسوم نسبت به تفکیکی که فعالیت مالی صرفاً منطبق با شریعت ایجاد می‌کند، تعریف می‌کنند. به عقیده این افراد، تأمین مالی مبتنی‌بر شریعت شامل توسعه محصول مجزا، قیمت‌گذاری مجزا، تفکیک وجوه یا تفکیک بخشی است.
  - توسعه محصولات مجزا: به عقیده برخی از دانشمندان مالی اسلامی، ابزارهای مبتنی‌بر شریعت باید از پایه برمبنای اصول اسلامی توسعه داده شوند. براساس این دیدگاه، ابزارهایی که به‌منظور قرار گرفتن در چارچوب قواعد شریعت، تقلید شده از مالی مرسوم هستند، ممکن است منطبق با شریعت باشند، اما

12. Oxford Business Group, The Report: Sarawak 2011 (London: Oxford Business Group, 2011).
13. Separation
14. Authenticity
15. Welfare

نمی‌توانند مبتنی‌بر شریعت باشند. از منظر جمیل[۱۶] (۲۰۱۳م)، مبتنی‌بر شریعت بودن به معنای انجام کاری بیش از «ترکیب کردن صرف ابزارها برای تقلید از ابزارهای مرسوم» است.

برای مثال، به عقیده لاهساسنا و حسن[۱۷] (۲۰۱۱م)، طراحی و توسعه محصولات مبتنی‌بر شریعت باید با شناسایی یک قرارداد تجاری اسلامی موجود آغاز شود؛ اما توسعه محصولاتی که صرفاً منطبق با شریعت هستند با «انتخاب یک محصول مناسب از نیش مارکت»[۱۸] آغاز می‌شود. به‌طور مشابه، به عقیده ویلسون[۱۹] (۲۰۱۰م) مبتنی‌بر شریعت بودن محصولات، مستلزم دخالت مستقیم دانشمندان اسلامی در طراحی و توسعه محصولات و نه صرفاً تأیید آن‌ها است. به عقیده ایشان علی‌رغم موفقیت صکوک، همچنان پرسش‌های اساسی درباره مشروعیت صکوک از منظر شریعت پابرجا هستند؛ زیرا ساختارهای کنونی مبتنی‌بر شریعت نیستند و غالباً توسط حقوق‌دانان و بانک‌های سرمایه‌گذاری (شرکت‌های تأمین سرمایه) طراحی شده‌اند و قراردادها در فقه به‌طور بااهمیتی متفاوت هستند. ازآنجاکه صکوک توسط هیأت‌های شریعت نهادهای مسئول تمهیدات صکوک بررسی و تأیید می‌شوند، منطبق با شریعت به‌حساب می‌آیند؛ اما دانشمندان اسلامی عضو هیأت‌های شریعت در ساختاربندی این ابزارهای مالی دخیل نبوده‌اند.

طرفداران این دیدگاه تأکید می‌کنند که سرنوشت مالی اسلامی به توانایی نهادهای مالی اسلامی در پایان دادن به کپی کردن محصولات مبتنی‌بر بهره مرسوم و طراحی و توسعه ابزارها و بازارهای مختص مالی اسلامی بستگی دارد. براساس نظر قائد و کبیر (۲۰۱۱م)، هیچ تضمینی وجود ندارد که مالی اسلامی پس از بلوغ، متحمل یک بحران مالی مشابه بحران مالی جهانی سال

16. Jamil
17. Lahsasna & Hassan
۱۸. نیش مارکت (Niche Market)، بخش کوچکی از یک بازار بزرگتر است که نیازهای خاص خود را دارد. نیچ مارکت ویژگی‌های محصول را با هدف پاسخ به نیازهای خاص بازار و همچنین محدوده قیمت، کیفیت و جمعیت هدف مورد نظر، مشخص می‌کند.
19. Wilson

۲۰۰۸ نشود؛ مگر اینکه خود را متعهد به مبتنی‌بر شریعت بودن (محتوا) نماید و نه منطبق با شریعت بودن (شکل). چنین تعهدی صنعت جوان مالی اسلامی را مجبور می‌سازد برای تحقق هدف توسعه بازارهای سطح بالای مناسب این صنعت که ویژگی‌های مخصوص به خود را نیز دارند، به سمت پژوهش‌های قدرتمند و پایدار حرکت کند.

- قیمت‌گذاری مجزا: یک استدلال مشابه -که البته کمتر رواج دارد- این است که محصولات مبتنی‌بر شریعت باید به‌گونه‌ای متمایز از محصولات مرسوم یا محصولاتی که صرفاً منطبق با شریعت هستند، قیمت‌گذاری شوند. برای مثال، مطابق نظر کمیسیون اوراق بهادار مالزی[20] (۲۰۱۱م)، یکی از ویژگی‌های محصولات مبتنی‌بر شریعت، تفاوت بااهمیت در ویژگی‌های قیمت‌گذاری و بازده آن‌ها نسبت به محصولات مرسوم و منطبق با شریعت است. به‌طور خاص، برخی استدلال می‌کنند که در ابزارهای مبتنی‌بر شریعت نباید از نرخ‌های بهره مرسوم به‌عنوان معیار قیمت‌گذاری استفاده شود. برای مثال، محصولات مرابحه برای مبتنی‌بر شریعت بودن، نباید با استفاده از نرخ‌های بین‌بانکی (ایبور)[21] قیمت‌گذاری شوند. متساری و میراخور[22] (۲۰۱۲م) طرفدار توسعه یک معیار مبتنی‌بر شریعت به‌عنوان ابزار سیاست‌های پولی هستند. به عقیده آن‌ها بانک‌های مرکزی می‌توانند ابزارهایی با سررسیدهای متفاوت و نرخ‌های مبتنی‌بر رشد تولید ناخالص داخلی[23] منتشر کنند که متعاقباً در بازارهای ثانویه معامله خواهند شد.
- تفکیک وجوه: شون[24] (۲۰۰۹م) اشاره می‌کند که تفکیک وجوه مورداستفاده برای معاملات مالی اسلامی از وجوه مورداستفاده برای معاملات مالی مرسوم یکی دیگر از الزامات مبتنی‌بر شریعت بودن محسوب می‌شود. وی بیان می‌کند اگرچه بانک‌های مرسوم محصولاتی را عرضه می‌کنند که منطبق با شریعت

20. Securities Commission Malaysia
21. Interbank offered rate (IBOR)
22. Mat Sari & Mirakhor
23. Gross Domestic Product (GDP)
24. Schoon

هستند و برای توزیع محصولات اسلامی خود از کانال‌های توزیع مجزا استفاده می‌نمایند؛ اما این بانک‌ها وجوه حاصل از روش‌های اسلامی را با وجوه مرسوم ترکیب می‌کنند که ادعای آن‌ها در مورد انجام تأمین مالی مبتنی‌بر شریعت را مخدوش می‌سازد. سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا فعالیت مبتنی‌بر شریعت برای بخش‌ها و باجه‌های بانک‌های مرسوم اساساً ممکن است؟

تفکیک بخشی[۲۵]: از منظر صدیقی[۲۶] (۲۰۱۲م)، عبارت «مبتنی‌بر شریعت» در حوزه حقوق مالکانه باید صرفاً برای سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی که دارای بخش اسلامی مجزا هستند، استفاده شود؛ بخش‌هایی مانند غذاهای حلال و مالی اسلامی. این تفکیک با حقوق مالکانه منطبق با شریعت که صرفاً محافظت‌های بخشی (فیلتر کردن بخش‌های حرام مانند مشروبات الکلی، گوشت خوک و...) و محافظت‌های مالی (فیلتر کردن شرکت‌هایی با بدهی بالا، حساب‌های دریافتنی بالا و بهره غیرعملیاتی بالا که غالباً در کشورهای غیراسلامی فعال هستند) فراهم می‌کند، متفاوت است. مطابق نظر صدیقی (۲۰۱۱م) برخلاف شرکت‌هایی که مبتنی‌بر شریعت هستند، همانند بانک الراجحی، خانه مالی کویت[۲۷]، بانک آسیا[۲۸]، بانک اسلام[۲۹] و بانک اسلامی دبی، میزان بانک پاکستان و...؛ شرکت‌های مشهور در زمینه منطبق با شریعت که صرفاً صنایع حلال محسوب می‌شوند در غرب مستقر هستند، همانند اپل، فایزر و اکسون موبایل.

- **اعتبار**: براساس اصل دوم، معاملات و ابزارهای مبتنی‌بر شریعت به‌عنوان معاملات و ابزارهایی تعریف می‌شوند که نسبت به معاملات و ابزارهای صرفاً منطبق با شریعت، اعتبار بیشتری دارند. در این حوزه، «اعتبار» می‌تواند شامل سه نوع

25. Sectoral Separation
26. Siddiqui
27. Kuwait Finance House (KFH)
28. Bank Asya
29. Bank Islam

متفاوت باشد: اعتبار تاریخی، ارتباط معتبر با بخش واقعی اقتصاد و شفافیت هستی‌شناختی[۳۰].

- اعتبار تاریخی: یک ابزار مالی در صورتی دارای اعتبار تاریخی است که کاربرد جاری آن با کاربردی که قبلاً در تاریخ اسلام داشته، یکسان یا دست‌کم مشابه باشد. منظور از تاریخ اسلام دوره‌های غیرمدرن مانند عصر پیامبر اعظم(ص) یا دوره‌های قرون‌وسطی است که طی آن‌ها استفاده از قراردادهای اسلامی در تجارت رایج بود. به‌عبارت‌دیگر، می‌توان گفت محصولات دارای اعتبار تاریخی، محصولات مبتنی‌بر شریعت هستند؛ زیرا فقها در اعصار مختلف این محصولات را تأیید کرده‌اند و بر اعتبار آن‌ها صحه گذاشته‌اند. محصولات مبتنی‌بر ساختارهای معین همانند مضاربه، مشارکت، سلف، اجاره و حواله به‌احتمال‌زیاد مبتنی‌بر شریعت هستند؛ زیرا در طول زمان توسط فقها موردبررسی قرارگرفته‌اند، به‌طوری‌که مفاهیم، معانی، قواعد و شرایط آن‌ها به‌صورت واضح در کتب فقهی تشریح شده‌اند. در مقابل، ساختارهای نوینی که صرفاً برای پاسخ به نیازهای مدرن ترکیب‌شده‌اند، چنین خصوصیاتی ندارند. برخی تأکیددارند که بانک‌های اسلامی اولیه از مضاربه و مشارکت صرفاً به‌عنوان ابزارهای سرمایه‌گذاری استفاده می‌کردند؛ اما نوآوری‌های جدید همانند استفاده از ضمانت بازپرداخت برای مضاربه و مشارکت، مبتنی‌بر شریعت محسوب نمی‌شوند؛ زیرا با دیدگاه‌ها و چشم‌اندازهای مؤسسان مالی اسلامی همسویی ندارند (Calder, 2020).
- ارتباط معتبر با بخش واقعی اقتصاد: یکی از استدلال‌های رایج دیگر این است که یک ابزار برای مبتنی‌بر شریعت بودن باید ارتباط معتبری با اقتصاد واقعی داشته باشد. این اصل از الزامات بانک‌های اسلامی اولیه در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی بود و در آن زمان سرمایه‌گذاری در دارایی‌هایی فیزیکی همانند املاک و مستغلات یا کالاها ترجیح داده می‌شد (Warde, 2010).

30. Ontological Transparency

اما با ظهور ابزارهای تأمین مالی مبتنی‌بر بدهی، مالی اسلامی به‌طور فزاینده‌ای از فعالیت‌های مولد اقتصادی جدا شد (حتی زمانی که برای تقلید از اعطای وام‌های مرسوم مبتنی‌بر بهره از فروش دارایی یا اجاره استفاده کرد). اگرچه امروزه بسیاری از نهادهای مالی اسلامی فقط به‌صورت شکلی به ایده لزوم ارتباط با اقتصادی واقعی می‌پردازند؛ اما افزایش ابزارهای مشتقه اسلامی، محصولات اسلامی دارای ضمانت بازپرداخت و سایر ابزارهای منطبق با شریعت، این ارتباط را تضعیف یا قطع کرده‌اند. درنتیجه، برخی از خبرگان صنعت به دنبال تأمین مالی مبتنی‌بر شریعتی هستند که این ارتباط را بازسازی کند.

- شفافیت هستی‌شناختی: در مالی اسلامی دو نوع شفافیت در نظر گرفته می‌شوند. شفافیت تعاملی[۳۱] و شفافیت هستی‌شناختی. یک محصول مالی در صورتی دارای شفافیت تعاملی محسوب می‌شود که نهاد فروشنده آن ابزار شرایط خود را در قرارداد بیان کند، محصول را بدون دروغ و آراستن برای مشتری تشریح کند و به شرایط عنوان‌شده پایبند باشد. شفافیت تعاملی (که با تسامح می‌تواند معادل غرری نبودن معامله در نظر گرفته شود) نه‌تنها از شرایط پایه تمام ابزارهای منطبق با شریعت است، بلکه درواقع ابزارهای ذیلِ اغلبِ نهادهای قانون سکولار نیز به این نوع شفافیت پایند هستند.

نوع دیگر شفافیت، شفافیت هستی‌شناختی است. برای طرفداران تأمین مالی مبتنی‌بر شریعت، شفافیت هستی‌شناختی از ویژگی‌های ضروری یا شاید ضروری‌ترین ویژگی تمیزدهنده تأمین مالی مبتنی‌بر شریعت از تأمین مالی منطبق با شریعت است. یک ابزار یا معامله مالی در صورتی ازنظر هستی‌شناسی شفاف محسوب می‌شود که «آنچه باید ازنظر ماهوی انجام دهد را به انجام برساند» یا «آنچه انتظار می‌رود انجام دهد را به‌طور قابل‌درک به انجام برساند». شفافیت هستی‌شناختی از کارکردهای ساختار ابزار محسوب می‌شود و نه روش مخابره آن. اگر یک ابزار مالی اسلامی شفافیت

31. Communicative Transparency

هستی‌شناختی داشته باشد، اسلامی بودن آن به‌سادگی قابل‌مشاهده و بر پایه اصول اسلامی بودن آن به حدی واضح است که نیازی به توضیح اضافه ندارد. مدیر یکی از مؤسسات سرمایه‌گذاری جسورانه اسلامی بیان کرده است: «ازنظر من، مبتنی‌بر شریعت بودن به معنای همسویی با اصول [اسلام] است، آن‌طور که به‌وسیله مردم عادی جامعه فهم می‌شود». یکی از مشاوران شریعت یکی از بانک‌های مستقر در شورای همکاری خلیج‌فارس بیان می‌کند که اعتبار هستی‌شناختی در مالی اسلامی به این معنی است که محصولات باید همان چیزی باشند که مدعی آن هستند (Calder, 2020).

- **رفاه**: براساس اصل سوم، تأمین مالی مبتنی‌بر شریعت با رفاه مرتبط است؛ اما تأمین مالی که صرفاً منطبق با شریعت است، فقط به تبعیت رسمی از شریعت مربوط می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، تأمین مالی مبتنی‌بر شریعت، ضمن اتخاذ یک رویکرد نتیجه‌گرا نسبت به شریعت، درپی دستیابی به نتایج اقتصادی شرعی مطلوب است؛ اما تأمین مالی صرفاً منطبق با شریعت، رعایت شریعت را در حد اطمینان از شرعی بودن قراردادها و معامله محدود می‌سازد. طرفداران این اصل، گاهی اوقات (اما نه همیشه) مبتنی‌بر شریعت بودن را صرفاً معادل ریشه داشتن در مقاصد الشریعه می‌دانند (برای مثال: Auda, 2022)[۳۲].

به بیان ساده، تعریف رفاه‌گرا از مالی مبتنی‌بر شریعت عبارت است از: «هر نوع فعالیت مالی یا محصول بانکی که منفعت عموم را ارتقا دهد، مبتنی‌بر شریعت است»؛ اما «رفاه» و «منفعت عموم» دو عبارت با دامنه گسترده هستند. درواقع، چند تعریف رفاه‌گرا برای «مبتنی‌بر شریعت» بودن، وجود دارد. برخی معتقد هستند شرط لازم مبتنی‌بر شریعت بودن، تسهیم ریسک است. برخی دیگر ابزارهایی را مبتنی‌بر شریعت می‌دانند که نیازهای مالی فقرا را برطرف می‌سازند. برخی از افراد نیز نه بر معامله بلکه بر عملیات کسب‌وکار نهاد مالی تمرکز دارند.

---

۳۲. اهداف، مقاصد یا اصول مورد نظر شارع از تشریع احکام که در مبانی فقه بررسی می‌شود. جایگاه مقاصد الشریعه در فقه اهل سنت نسبت به فقه امامیه، پررنگ‌تر است.

- تسهیم ریسک: افرادی که تسهیم ریسک را برای تأمین مالی مبتنی‌بر شریعت ضروری می‌دانند، عموماً اعتقاد دارند تسهیم ریسک ذاتاً ارتقادهنده رفاه است. به عقیده این افراد ابزارهای منتقل‌کننده ریسک صرفاً منطبق با شریعت هستند و اساساً نمی‌توانند مبتنی‌بر شریعت باشند. این دیدگاه درباره تأمین مالی مبتنی‌بر شریعت، سابقه طولانی در تفکر اقتصاد اسلامی دارد و بسیار شبیه به تقاضای جهانی برای مدل‌های PLS است.

تسهیم ریسک در حوزه تقاضا برای تأمین مالی مبتنی‌بر شریعت، تعاریف متفاوتی دارد. برخی بر استفاده از ابزارهای خاص تمرکز دارند. مطابق نظر ویلسون (۲۰۰۹م)، «مضاربه و مشارکت ساختارهای مبتنی‌بر شریعت برای سرمایه‌گذاری‌های مالکانه در نظر گرفته می‌شوند» و خان (۲۰۰۶م) تأمین مالی مبتنی‌بر شریعت را به محصولات «پس‌انداز و سرمایه‌گذاری» مربوط می‌داند؛ اما برخی اشاره می‌کنند محصولات سرمایه‌گذاری همانند مضاربه و مشارکت می‌توانند به‌گونه‌ای که مبتنی‌بر شریعت یا حتی منطبق با شریعت نباشد در صکوک و سایر محصولات ساختاریافته مورداستفاده قرار گیرند. در نشست ۲۰۰۸-۲۰۰۷ میلادی در سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی[۳۳]، رئیس هیأت شریعت این سازمان (شیخ محمدتقی عثمانی) برآورد کرد که حدود ۸۵ درصد از صکوک به‌گونه‌ای غیراسلامی سازمان‌دهی شده‌اند. با همین استدلال بسیاری افراد اصرار دارند که صکوک مبتنی‌بر شریعت باید «با پشتوانه دارایی» باشند و نه «مبتنی‌بر دارایی»؛ به‌عبارت‌دیگر، صکوک نباید بازده از پیش تعیین‌شده‌ای را تضمین کنند و باید حق ارجاع به دارایی‌های پایه در صورت نکول را برای سرمایه‌گذاران فراهم کنند.[۳۴]

---

33. Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions (AAOIFI)

۳۴. صکوک را می‌توان به دو دسته صکوک با پشتوانه دارایی و صکوک مبتنی‌بر دارایی تقسیم کرد. صکوک با پشتوانه دارایی منعکس‌کننده عملیات تبدیل به اوراق بهادارسازی متعاذف است که به موجب آن دارندگان صکوک، مالکان دارایی محسوب می‌شوند و عملکرد دارایی، محرک اصلی پرداخت به دارندگان صکوک است. از سوی دیگر، صکوک مبتنی‌بر دارایی منعکس کننده انتشار اوراق قرضه مرسوم است. دارندگان اوراق قرضه از ناشر اوراق طلبکار هستند. دارندگان صکوک مبتنی‌بر دارایی بدون وثیقه، هیچ‌گونه وثیقه‌ای

- محافظت از فقرا: براساس یک تعریف رفاه‌گرای دیگر، تأمین مالی مبتنی‌بر شریعت باید منافع فقرا را حفظ کند. وجدی‌دوسوکی[۳۵] (۲۰۰۸م) یک تعریف رفاه‌گرا از تأمین مالی مبتنی‌بر شریعت به‌عنوان «خدمت به فقرا» را با یک تعریف اعتبار محور که به مأموریت نهادهای مالی دهه ۱۹۶۰ میلادی همانند «بانک پس‌انداز میت قمر»[۳۶] بازمی‌گردد، ترکیب می‌کند:

نهادهای مالی مشابه میت قمر در مصر بر توسعه اقتصادی، فقرزدایی و ترویج فرهنگ قناعت در بین مسلمانان فقیر تمرکز داشته‌اند؛ اما باگذشت زمان محوریت بانکداری و مالی اسلامی بر دکترین بیشینه‌سازی سود قرار گرفت. درنتیجه، اغلب ابزارهای مهندسی‌شده مالی برای رفع نیازهای مشتریان مرفه طراحی شده‌اند. این پدیده، برخلاف هدف غایی بانکداری اسلامی است و درنتیجه، مبتنی‌بر شریعت بودن نهادهای مالی را منعکس نمی‌کند.

براساس یک تفکر مشابه، تأمین مالی مبتنی‌بر شریعت باید از منافع مشتریانی که دچار سختی هستند پشتیبانی کند؛ حتی اگر این پشتیبانی برخلاف سودآوری نهاد مالی اسلامی باشد. براساس نظر یکی از کارشناسان مشهور مالی اسلامی، تأمین مالی مبتنی‌بر شریعت به این معنا است که «برای مثال اگر مستأجری که وام اسلامی دریافت کرده به دلیل بیماری نان‌آور خانواده یا هزینه‌های غیرمنتظره نتواند وام را بازپرداخت کند، بانک اسلامی باید بدون اخذ هزینه اضافه به شخص بدهکار زمان بدهد».

- عملیات کسب‌وکار رفاه‌گرا: یک تعریف رفاه‌گرای دیگر منطبق بر شریعت و مبتنی‌بر شریعت بودن را نه از منظر ساختار یا رویه معاملات با مشتریان، بلکه ازنظر عملیات کسب‌وکار نهادهای مالی اسلامی تفکیک می‌کند. این دیدگاه هنوز در گفتمان صنعت رایج نشده است. براساس این دیدگاه، نهاد مالی مبتنی‌بر شریعت، استانداردهای بالایی را در مورد تمام کارکنان خود از

ندارند که در صورت نکول ناشر اوراق بتوانند به آن رجوع کنند. اما دارندگان صکوک مبتنی‌بر دارایی با وثیقه، در صورت نکول ناشر می‌توانند به وثیقه رجوع کنند (توحیدی، ۱۳۹۶).

35. Wajdi Dusuki
36. Mit Ghamr Savings Bank

مدیرعامل تا کارکنان خدماتی، مصرف انرژی و محیط‌زیست، آلایندگی کربن و بازیافت در نظر می‌گیرد و فراتر از زکات، پرداخت خیریه انجام می‌دهد. این تعریف می‌تواند مشابه تعاریف رایج مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها باشد و می‌تواند با استقبال اشخاصی همانند زتی اختر عزیز[۳۷] (رئیس سابق بانک مرکزی مالزی) که به دنبال پیوند دادن مالی اسلامی با «مالی سبز»[۳۸] هستند، مواجه شود (Zeti, Azleena & Yousuf, 2019).

بحث و نتیجه‌گیری

مقایسه بین «نگرش نظام‌سازی به نظام مالی اسلامی» و «نگرش فقهی به نظام مالی اسلامی» نشان می‌دهد که در رویکرد فقهی، سازگاری و تطابق عناصر متغیر نظام مالی اسلام، صرفاً با احکام و موازین فقهی بررسی می‌شود، اما در رویکرد نظام‌سازی، ابتدا نظام مالی اسلام باید به سمت تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام، یعنی پیشرفت، عدالت و امنیت حرکت کند و سپس، عناصر متغیر نظام مالی اسلامی باید علاوه‌بر سازگاری با موازین فقهی، با سایر عناصر ثابت نظام ازجمله مبانی بینشی و اخلاق اقتصادی نیز سازگاری لازم را داشته باشند.

در طول دهه گذشته، شاید رایج‌ترین درخواست طرفداران ایجاد اصلاحات در صنعت مالی اسلامی، حرکت نهادهای مالی اسلامی از عرضه صرف ابزارهای «منطبق با شریعت» به سمت تحقق اهداف نظام اقتصاد اسلامی بوده است. بدین‌منظور و با توجه به نیاز ایجاد شده در ادبیات مالی اسلامی، عبارت «منطبق با شریعت» وارد گفتمان تخصصی این حوزه شده است که مفهوم، پس‌زمینه و معنای آن در کنار عبارت «مبتنی‌بر شریعت» برای استفاده‌کنندگان به‌خصوص در داخل کشور با ابهام مواجه است. مقاله حاضر به‌منظور روشن ساختن معنا و مفهوم این دو عبارت، ضمن مرور تاریخچه استفاده از دو عبارت مذکور به پس‌زمینه تئوریک و مفهوم مربوط به هریک از آن‌ها در ادبیات مالی اسلامی پرداخته است.

37. Zeti Akhtar Aziz
38. Green Finance

عبارت «منطبق با شریعت» در دهه ۱۹۹۰ میلادی نخستین‌بار به‌منظور ترمیم اعتماد مصرف‌کنندگان به مالی اسلامی بود که در پی برخی رسوایی‌ها خدشه‌دار شده بود، به‌جای عبارت «اسلامی» وارد ادبیات مالی اسلامی شد. در آن زمان، برخی از عملیات مالی به‌اصطلاح «اسلامی» نزد عموم مردم بدنام شده بودند. استفاده از عبارت «منطبق با شریعت» به‌عنوان راهی برای تأکید بر انطباق عملیات نهادهای مالی اسلامی با استانداردهای اخلاقی سطح بالا استفاده شده است.

علاوه‌براین، عبارت «منطبق با» از یک کارکرد بازاریابی قوی دیگر نیز برخوردار است؛ این عبارت نشان می‌دهد که پشت هر محصول مالی اسلامی تأییدشده، سطح بالایی از خرد رسمی، کارشناسی فنی و ارزیابی دقیق قرار دارد. معنای کلمه «منطبق با» دارای دامنه محدودتری است و به معنای «احراز کردن قواعد یا استانداردها یا انطباق داشتن با آن‌ها» یا «تولیدشده در انطباق با مجموعه مشخصی از قواعد» است. ازآنجایی‌که مصرف‌کنندگان پیش‌ازاین به استفاده از عبارت «استانداردهای انطباق» در مورد محصولات الکتریکی، غذایی و... عادت داشتند، عبارت «منطبق با شریعت» برای مشتریانی که در مورد چیستی محصولات مالی اسلامی سؤال داشتند، اطمینان مجدد فراهم می‌کرد.

در مورد معنای عبارت «مبتنی‌بر شریعت» ابهاماتی وجود دارد. به عقیده یک مؤسسه پژوهش‌های اقتصادی، کمیسیون اوراق بهادار مالزی در تغییر رویکرد از «منطبق با شریعت» به «مبتنی‌بر شریعت»، ضرورتاً به دنبال آزادسازی که بازارپذیری نوآورانه‌تر و بین‌المللی را میسر خواهد ساخت، بوده است.

گاهی اوقات «مبتنی‌بر شریعت» و «منبعث از شریعت»، معادل هرگونه اصلاح مطلوب در مالی اسلامی محسوب می‌شوند. ادبیات مالی اسلامی نشان می‌دهد تعاریف مالی مبتنی‌بر شریعت به دست‌کم یکی از سه اصل مجزای: تفکیک، اعتبار یا رفاه اشاره دارند.

اصل تفکیک به مفاهیم توسعه محصولات مجزا، تفکیک قیمت‌گذاری نسبت به بهره بازار مرسوم، تفکیک وجوه، تفکیک بخشی و مجزا اشاره دارد. اصل اعتبار به سه مفهوم اعتبار تاریخی، ارتباط معتبر با بخش واقعی اقتصاد و شفافیت هستی‌شناختی

می‌پردازد. مفاهیم موجود در اصل رفاه عبارتند از: تسهیم ریسک، محافظت از فقرا و عملیات کسب‌وکار رفاه‌گرا.

آنچه مسلم است، افزایش انتظارات از مالی اسلامی به دنبال رشد و اشاعه آن در سطح جهانی باعث شده است طرفداران این حوزه به دنبال محصولاتی باشند که اهداف متعالی اقتصاد اسلامی را محقق سازند و نه محصولاتی که صرفاً بر اساس شریعت آماده شده‌اند و حلال محسوب می‌شوند. این تغییر در گفتمان نه یک مشکل، بلکه نشانه‌ای از بلوغ مالی اسلامی و حرکت به سمت دستیابی به اهداف نظام اقتصادی اسلام محسوب می‌شود.

سپاسگزاری

این مقاله با حمایت دفتر مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس و اوراق بهادار تدوین شده است.

ملاحظات حقوقی
- پیروی از اصول حقوقی
تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.
- تعارض منافع
بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.
بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از پایان‌نامه، رساله دکتری و طرح پژوهشی نیست.

کتابنامه

۱. توحیدی، محمد (۱۳۹۶). تحلیلی بر صکوک با پشتوانه دارایی و صکوک مبتنی‌بر دارایی. ایران، تهران: دفتر پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی، سازمان بورس و اوراق بهادار.

۲. موسویان، سیدعباس؛ و توحیدی، محمد (۱۴۰۲). مبانی مالی اسلامی. ایران، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت).

1. Alamad, S. (2019). *Financial and Accounting Principles in Islamic Finance*. New York: Springer International Publishing.
2. Auda, J. (2022). *Maqasid Al-Shari'ah as Philosophy of Islamic Law*. International Institute of Islamic Thought (IIIT).

3. Calder, R. (2020). Sharīʿah-compliant or Sharīʿah-based? The Changing Ethical Discourse of Islamic Finance. *Arab Law Quarterly*, *35*(1-2), 50-73.
4. Jamil, A. (2013). Islamic Banks Should Focus More on Quality Growth. *The Malaysian Reserve*, 24.
5. Kayed, R. N., & Hassan, M. K. (2011). The Global Financial Crisis and Islamic Finance. *Thunderbird International Business Review*, *53*(5), 551-564.
6. Khan, A. (2005). The Interaction Between Shariah and International Law in Arbitration. *Chi. J. Int'l L.*, *6*, 791.
7. Lahsasna, A., & Hassan, M. K. (2012). The Shariah Process in Product Development and Approval in ICM. *Islamic Capital Markets: Products and Strategies*, 23-68.
8. Mat Sari, N., & Mirakhor, A. (2012). Islamic Monetary Policy in Malaysia: a Conceptual Framework. In *2nd ISRA Colloquium "Islamic Finance in a Challenging Economy: Moving Forward*.
9. Moussavian, S, A; & Tohidi, M., (2013). Fundamentals of Islamic Finance. Iran, Tehran: Organization for the Study and Compilation of Academic Books in Islamic Sciences and Humanities (SAMAT). (In Persian)
10. Nor, E., Pitchay, A. A., & Usman, M. (2020). How "Islamic" Is Islamic Banking? A Revisit. *Accounting, Finance and Business (IJAFB) EISSN*, *5*, 219-37.
11. Schoon, N. (2009). Islamic Banking and Finance. *London: Spiramus Press*.
12. Securities Commission Malaysia. (2011). Capital Market Masterplan 2: Widening Islamic Capital Markets International Base. *Malaysian ICM: Quarterly Bulletin of Malaysian Islamic Capital Market*, 2-3.
13. Siddiqui, R. (2011). Islamic Finance, Halal Industry and the Media. *Business Times (Malaysia)*.
14. Siddiqui, R. (2012). Year of Index Outperformance. *Business Times (Malaysia)*.
15. Tohidi, M., (2017). An Analysis of Asset-Backed Sukuk and Asset-Based Sukuk. Iran, Tehran: Islamic Research, Development and Studies Office, Securities and Exchange Organization. (In Persian)
16. Warde, I. (2010). *Islamic Finance in the Global Economy*. Edinburgh University Press.
17. Wilson, R. (2010). Islamic Capital Markets: the Role of Sukuk. *Islamic Finance Instruments and Markets*, 57-60.
18. Wilson, R. (2009). The Development of Islamic Finance in the GCC. *London: London School of Economics*, 15.
19. Zeti, A., Azleena, I., & Yousuf, S. (2019). Responsible Finance- Ethical and Islamic Finance: Meeting the Global Agenda. *London: Responsible Finance & Investment (RFI) Foundation*.kets International Base', Malaysian ICM.

20. Wajdi Dusuki, A. (2008). Understanding the Objectives of Islamic Banking: a Survey of Stakeholders' Perspectives. *Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, *1*(2), 132-148.

Islamic Finance Researches,
Vol. 13, No. 2 (Serial 28), 2023

Contents

▪ **Juridical Restudy of the Suspicion of Sale of Al-Aina in the Capital Market Tools of the Islamic Republic of Iran 180**
Sayyed Mohammad Aminzadeh & Mohammad Mehdi Fereydooni*

▪ **Investigating the Organization of Zakat in Iran with Emphasis on Zakat Law and Regulations 219**
*Hosin Hasanzadeh Sarvestani & Alireza Etemadifar**

▪ **Designing the Business Model of Qarz-Al-Hasna Digital Bank 277**
Sajad Golchin, Asadollah Ganjali & Sayyed Saeed Shamsinajad*

▪ **Evaluation and Prioritization of Islamic Financial Instruments (Sukuk) in Iran with a Focus on Risk Sharing 321**
Mohammad Mahdi Askari, Mohammad Mahdi Kargozar & Hassan Hemmati*

▪ **An Exploration of Iran's Banking System Based on Islamic-Social Banking Principles with an Emphasis on Improving Social Capital (Bank Sepah Case Study) 347**
Mohammad Reza Yazdanpanah, Keramatollah Rasekh & Majid Reza Karimi*

▪ **Shariah-Compliant or Shariah-Based? The Changing Discourse of Islamic Finance ... 377**
Ali Reza Ramrouz & Mohammad Reza Simiari*

In the Name of Allah the Compassionate the Merciful

Islamic Finance Researches

28

Quarterly Journal of Islamic Finance Researches
Vol. 13, No. 2 (Serial 28), 2023

In Cooperation With Iranian Association of Islamic Finance and Support of Securities & Exchange Organization

Publisher: Imam Sadiq University
In Cooperation With Islamic Banking and Economic Studies Center of National Bank of Iran

Managing Director: Hosein Hasanzadeh Sarvestani Assistant Professor (Specialty: Financial Management)
Imam Sadiq University

Editor in Chief: Gholam Reza Mesbahi Moghaddam Professor (Expertise: Operations Research Management)
Imam Sadiq University

Manager Editorial: Abbas Pourhassan Yami
Editorial Board (In Alphabetical & Academic Rank Order):

Reza Tehrani
Professor (Expertise: Financial Management & Investment) Tehran University

Ali Rezaeian
Professor (Expertise: Organizational Behavior Management) Shahid Beheshti University

Fereydoon Rahnama Roudposhti
Professor (Expertise: Financial & Accounting) Islamic Azad University - Science & Research Branch

Gholam Reza Mesbahi Moghaddam
Professor (Expertise: Islamic Finance & Economics) Imam Sadiq University

Hasan Agha Nazari
Professor (Expertise: Islamic Economics & Islamic Law) Research Institute of Hawzah & University

Gholam Reza Goodarzi
Professor (Expertise: Operations Research Management) Imam Sadiq University

Mohammad Tohidi
Associate Professor (Expertise: Financial Management) Imam Sadiq University

Ali Saeedi
Associate Professor (Expertise: Finance Management & Accounting) Islamic Azad University -Tehran North Branch

Ahmad Shabani
Associate Professor (Expertise: Islamic Economics) Imam Sadiq University

Saeed Sehat
Associate Professor (Expertise: Risk Management & Insurance) Allameh Tabataba'i University

Mohammad Talebi
Associate Professor (Specialty: Financial Management) Imam Sadiq University

Gholam Ali Masuminia
Associate Professor (Expertise: Islamic Economics & Islamic Finance) Kharazmi University

Advisory Board:

Mohammad Hosin Ghavam
Assistant Professor (Expertise: Financial Management) Imam Sadiq University

English Editor: Alireza Roshanzamir
Persian Editor, Voter and Cover Designer: Abbas Pourhassan Yami
The Articles in this Publication do not Necessarily the Views of the University The Quotes Are Only Full References
Address: Imam Sadiq University, Modiriat Bridge, Shahid Chamran Highway, Tehran, Iran. P.O. Box: 14655-159
Scientific & Editorial Management: Islmaic Studies & Management Faculty, Telfax: +9821-88080733
Technical management and support: Deputy of Research & Technology, Telfax: +9821-88094915
Website: https://ifr.isu.ac.ir Main Email: ifr@isu.ac.ir Support Email(2): ifr.isujournals@gmail.com